

گرانی ارز کار دولت نیست
گفت‌وگو با محمد هاشمی



بوی شورای اول می‌آید
ناصر ایمانی



آمریکا می‌خواهد با کمترین
هزینه از برجام خارج شود
گفت‌وگو با ابومحمد عسگرخانی



ردپای سیاست در
گرانی دلار
جمشید پژویان



مسأله محسن

آیا مخالفت اصلاح‌طلبان رادیکال با محسن هاشمی
مانع از شهردار شدن او می‌شود؟

جدال سنگین کارگزاران - اتحاد ملت

چه کسی شهردار تهران می‌شود؟

غیبت قاضی

تاخیر در اجرای حکم سعید
مرتضوی جنجالی شده است

سردرگمی در کاخ سفید

حمله آمریکا به سوریه هیچ
معادله‌ای را تغییر نداد

کودتای دیپلماتیک

چرا پیونگ‌یانگ به دنبال معامله
با آمریکا است؟

گرز - چماق به جای چماق - هویج

چرا ترامپ، بولتون را به کاخ سفید آورد؟

جوانک ماجراجو

نقدی بر مصاحبه بن سلمان با مجله تایم





هوادک

www.mci.ir

بسته به مصرف

پیشنهاد بسته اینترنتی متناسب با مصرف شما

فعال سازی با شماره گیری #۲۱*۱۰۰۰*





یک روزه

اعطای تسهیلات با نرخ



سپرده سرمایه گذاری **امید ۲**

واریز سود بصورت ماهیانه

نرخ سود علی الحساب ۱۵٪

نرخ سود تسهیلات اعطایی ۱۰٪

مدت باز پرداخت تسهیلات تا سقف ۳۶ ماه

پرداخت تسهیلات تا سقف ۷۰٪ مبلغ سپرده افتتاح شده

▪ مرکز ارتباط با مشتریان: ۰۲۱-۸۹۵۳۹۵۹۵



شرکت نفت ایرانول



کیفیت را با روغن موتورهای ایرانول تجربه کنید

تلفن واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹

www.iranol.ir



www.iranpl.ir

telegram.me/iranplir

instagram.com/iranpl.ir

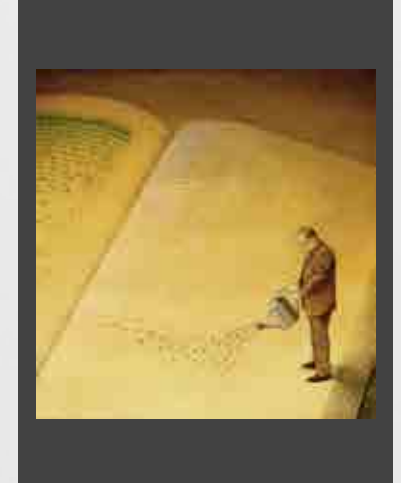
p.r@iranpl.ir

aparat.com/iranpl.ir

کتابخانه شناسی

استان گلستان - کتابخانه عمومی امیر کبیر کردکوی

کتابخانه عمومی امیر کبیر شهر کردکوی در سال ۱۳۴۷ در شهرستان کردکوی واقع در ۲۹ کیلومتری گرگان و در استان گلستان تأسیس و به بهره‌برداری رسیده است. این کتابخانه با حدود ۱۸ هزار عنوان و ۲۳ هزار نسخه کتاب و بخشی مستقل ویژه کودکان با عنوان «بوستان کتاب» در دو شیفت کاری آماده خدمت‌رسانی به تمامی علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی است. گفتنی است این کتابخانه در سال ۱۳۹۴ موفق به کسب عناوین «کتابخانه برتر» و «کتابخانه کودک برتر» نیز شده است.



طرح: awel Kuczynski, Netherlands

کارتون کتاب

کتابخوانی ما پیشنهاد کتاب

سارهای دیگر به خاطر کتاب خواندن زیاد، حسابی سربه‌سرش می‌گذاشتند اما اصلاً برایش اهمیتی نداشت. فصل کوچ فرا رسیده بود و سارها ناچار بودند به سرزمین‌های گرم‌تر مهاجرت کنند؛ اما کلوین فقط کتاب خوانده بود و یادش رفته بود در کنار بقیه، پرواز را تمرین کند. سار کوچولو و دوستانش، همراه با بسته کتاب خوان اسفندماه، به دنیای گرم و سرسبز کتابخانه‌های عمومی کوچ کرده‌اند و منتظر هستند تا شما با آن‌ها همراه شوید؛ پس هر چه زودتر کتاب مصور «سار کوچولو نمی‌تواند پرواز کند» از مجموعه داستان‌های پرنده کتابخوان را از کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور امانت بگیرید.

در طول زندگی، امکان انتخاب‌های زیادی داریم از انتخاب‌های پیش‌یافتاده تا انتخاب‌های مهم و سرنوشت‌ساز. اولین انتخاب کلوین کوچولو بهترین انتخاب او بود. کلوین یک سار است که با بقیه سارها فرق دارد. اولین روزی که سارهای کوچولو از لانه‌شان بیرون رفتند تا با دنیا آشنا شوند، یکی علف پیدا کرد، یکی آب و دیگری کرم؛ اما کلوین یک کتاب پیدا کرد و از همان اول تصمیم گرفت با کتاب همراه شود؛ دوستی با کتاب اولین تجربه سار کوچوک در زندگی بود. از آن روز به بعد کلوین دائم مشغول کتاب خواندن بود و به هیچ کار دیگری فکر نمی‌کرد؛ خواب‌های کلوین هم‌رنگ و بوی داستان‌ها و افسانه‌های جذاب کتاب‌ها را گرفته بود؛



نام کتاب سار کوچولو نمی‌تواند پرواز کند
نویسنده جنیفر پرن، مترجم: محبوبه نجف‌خانی
انتشارات آفرینگان
تعداد صفحات ۳۶ صفحه

خبر ویژه

طرح ملی کتابخانه‌گردی در سراسر کشور برگزار شد

بخشداران، دهیاران، اعضای شورای شهر و روستا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ائمه جمعه و جماعت، اعضای انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی استان‌ها و شهرستان‌ها، گروه‌های مرجع، نخبگان و استقبال اقشار مختلف مردم برگزار شد.

طرح ملی کتابخانه‌گردی روز پنج‌شنبه هفدهم اسفندماه همزمان با سالروز تأسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و مصادف با شب میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) برای نخستین بار در ۴۶۷ کتابخانه عمومی در سراسر کشور با حضور فرمانداران، استانداران، شهرداران،



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از زمینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَكَلَّمَكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِنُكَلِّمَ بِهَا شُهَدَاءَ عَلِيٍّ النَّاسِ
وَيُكَلِّمَ الرَّسُولَ عَلِيَّكَمُ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

خبرنامه

جلسه محرمانه

غیبت قاضی

پایان تلگرام

دیدار محرمانه در سنول

۹-۱۳

گفتارها

عشق مفرط به «اولتیماتوم»

محرمانه‌های بن سلمان

کودتای دیپلماتیک

جوآنک ماجراجو

۱۴-۲۱

سیاست

مساله محسن

جدال سنگین کارگزاران - اتحاد ملت

تصمیم در خانه عبدالله نوری

راه پاستور از بهشت نمی گذرد

۲۲-۳۵

خوف قدرتها از گسترش اسلام

من از آقایانی که زحمت کشیدند و تشریف آوردند در این جا، چه آقایانی که مربوط به مجلس خبرگان است، و چه آقایانی که از ائمه جمعه کشور ما هستند، و چه مهمانان عزیزی که در این دهه داریم، من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی همه ما را هدایت کند به آن راهی که خود می خواهد. دردها را همه می دانید، می دانید که امروز اسلام مبتلای به چه چیزهایی هست که قدرت‌های بزرگ و دستگاه‌های مربوط به آنها و وابستگان به آنها فراهم می آورند. آقایانی که از خارج آمده‌اند، باید توجه کنند به این که آیا تطبیق می دهد آن تبلیغاتی که در خارج به ضد جمهوری اسلامی

در حقیقت به ضد اسلام دارد انجام می گیرد نسبت به ایران و نسبت به مردم ایران و حکومت ایران و روحانیون ایران؟ آیا تطبیق می کند یا نه؟ اگر تطبیق می کند ما را نصیحت کنند، و اگر تطبیق نمی کند - که نمی کند - آقایان تکلیف شرعی دارند به این که هر یک در کشورهای خودشان، در حضور جمعیت‌هایی که هستند، مسائل را به آن طوری که مشاهده کردند، منعکس کنند. آنهایی که این مسائل را پیش آوردند، ایران مورد نظرشان نیست. آنها خوف این را دارند که اسلام به آن طوری که هست گسترش پیدا کند و همه کشورهای اسلامی را بگیرد، و به همه مستضعفین جهان پرتو بیفکند. آنها خوف این را دارند، و لهد از اسلام می ترسند، و حقیقتاً حمله شان به اسلام است، منتها به صورت این که ایران چطور است؛ نمی توانند بگویند که اسلام چطور است، می گویند ایران چطور است. لکن واقع مطلب این است



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی ها

حنیف غفاری

بین الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماندا (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فکر نو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلاً: هفته‌نامه‌های خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارات است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



تقدس و آدم را می بینند در صورت فساد. جنبه خوبی خودشان را و جنبه بدی آدم را ملاحظه می کنند. خدای تبارک و تعالی هم بهشان می فرماید که شما نمی دانید، شما همان خودتان را می بینید، خودبین هستید و از آدم کمالات را نمی دانید. و بعد هم قصه را تمام می کند که به آدم «اسما» را که واقعه «اسماء الله» است. همه چیز اسماء الله است. تعلیم می کند، و بعد می گوید عرضه کنید! آنها می بینند که عاجزند. آنها، خوب! عقب نشینی می کنند و تمام مقسده هایی که در عالم پیدا می شود، از بیماری خودبینی است. چه در کنج خانه کسی نشسته باشد و به عبادت مشغول باشد، اگر خودبینی بکند، ارب شیطان را دارد از اولی که حکومت در دنیا تاسیس شده است تا حالا، هر فساد واقع شده از این خصیصه است.

که اینها اسلام را نمی خواهند. اگر جمهوری اسلامی یک جمهوری دمکراتیک بود آنها حرفی نداشتند، لکن جمهوری اسلامی است، که دستورات اسلام برای آنها در غارتگری ها و در زورگویی ها، مجال نمی خواهد بدهد.

خودبینی منشأ تمام فسادهای عالم

ما آن طوری را که خیال می کنیم، قرآن کریم در قصه آدم - که باید گفت یک قصه رمزی است، لکن بسیار آموزنده - به ما یک دستوراتی داده است که اگر به آن دستورات بشر عمل بکند، حل همه مشکلات می شود. قبل از این که آدم را خلق بکند به ملائکه می فرماید که می خواهم یک همچو کاری بکنم. ملائکه جنبه تقدس خودشان را نظر می کنند و جنبه فساد آدم را. از این جهت، می گویند که شما چرا خلق می کنی یک جمعیتی را که در زمین فساد کنند و سفک دماء [کنند]؟ ما تقدیس تو را می کنیم. خودشان را می بینند در صورت

بین الملل

سر درگمی کاخ سفید
راهکار منسوخ
گروز - چماق به جای چماق - هویج
رئیس جمهور ناسازگار

۴۲-۵۳



اقتصاد

به وقت پاستور
دولت زیادی خوشبین بود
فرار سرمایه؛ عامل افزایش ارز
ردپای سیاست در گرانی دلار

۵۴-۶۳



ورزش

چرا بازی های تدارکاتی بزرگی نداریم؟
منافع فوتبال ملی یا منافع تیم ملی؟
نسبت به تیم ملی ناامید نیستیم
فقط باید از تیم ملی حمایت کنیم

۶۴-۶۹



طراح جلد: مصطفی مرادی

با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آبتال ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیز، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفروماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: پاپک اسکندرنیا

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷



شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

کارت دعوت آقای رئیس جمهور

دعوت حسن روحانی از چند چهره سیاسی به منزلش برای رایزنی‌هایی که هنوز محتوای آن مشخص نیست گمانه‌های فراوانی به وجود آورده است. این دیدار گویا همراه با بیان انتقادهای تند هم بوده است.

خبرنامه



غیبت قاضی

تاخیر در اجرای حکم سعید مرتضوی جنجال به پا کرده است



جلسه محرمانه

گده چند چهره سیاسی در منزل روحانی خبرساز شده است

نام قم و تبدیل حوزه علمیه قم به کشوری مستقل مانند واتیکان را داده است تا حوزه علمیه قم به نظام رهبری دینی شیعیان جهان تبدیل شود. او نوشته است که زمان آن فرارسیده است که حوزه علمیه قم به کشوری مستقل تبدیل گردد. کشوری با مرزهای جغرافیایی مشخص، پرچمی مخصوص، قانون اساسی، پذیرفته شده در مجامع بین المللی و پذیرنده سفیران کشورهای مختلف. منظور از حوزه علمیه قم مجموعه ای از تشکیلات و نظام مدیریت حوزه، شورای عالی، شورای گسترش، نهاد مرجعیت، جامعه مدرسین، نهادهای اقماری حوزه مثل جامعه المصطفی (ص) و مدیریت حوزه های خواران است. استقلال حوزه علمیه در قالب یک کشور مستقل

گفته مصاحبه شونده، بحث آن بود که این مساله جدی تر در دستورکار شورای عالی امنیت ملی قرار بگیرد. در این گفت و گو حول سخنان ناطق نوری نیز سوال می شود که مصاحبه شونده می گوید: «آقای ناطق نیز بر همین مسائل به ویژه ناهماهنگی های درون دولت بسیار جدی بحث کرد. البته بحث مشترک همه آنها همکاری نکردن دیگر نهادها با دولت بود که آقای روحانی نیز صحبت کرد و طی آن مقداری از دستگاه های غیردولتی گلایه داشت. سوالی از این شخصیت سیاسی مطرح می شود که آیا آقای روحانی در آن جلسه قول وعده ای هم به آقایان ناطق و رئیس دولت اصلاحات داده است؟ می گوید: «خیر. درباره محدودیت ظرفیت ها و امکانات دولت و عمل نکردن

«یک دیدار چهار جانبه در خانه رئیس جمهور»؛ یک خبر داغ که خاطره جلسات شبانه دوران هاشمی رفسنجانی را تداعی می کرد. این خبر را روزنامه سازندگی ارگان رسانه ای کارگزاران مطرح کرده است. این روزنامه نوشته بود: «حسن روحانی، سیدمحمد خاتمی، علی اکبر ناطق نوری، سیدحسن خمینی و اسحاق جهانگیری در سکوت خبری اولین جلسه خود را برگزار کردند تا درباره آینده وضعیت کشور و مشکلات دولت و جامعه صحبت کنند. یکی از سایت های نزدیک به دولت برای روشن شدن جزئیات این نشست، با یکی از اعضای شورای مشورتی رئیس دولت اصلاحات گفت و گو کرده که این چهره اصلاح طلب که به شرط عدم درج نام خود با ما گفت و گو



(مانند واتیکان) این امکان را فراهم می سازد تا حوزه علمیه قم به نظام رهبری دینی شیعیان جهان تبدیل شود و ارتقا یابد. با توجه به اینکه حوزه ها و تشکلات اهل سنت مثل الازهر و جامع مکه و... به علت وابستگی شدید به حکومت ها و نیز اختلافاتی که دارند هنوز به چنین بلوغی نرسیده اند، «کشور مذهبی قم» با پذیرش سفیران خارجی و نظام دیپلماسی مستقل می تواند در واقع نقش رهبری دینی در دنیای اسلام را ایفا کند. اعلام استقلال «کشور قم» نه تنها هیچ تعریض و مخالفتی با نظام مقدس جمهوری اسلامی نیست بلکه در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب ظرفیتی جدید و پشتوانه ای معنوی است که فارغ از محدودیت ها و محدودیت های خارجی و داخلی جمهوری اسلامی به ترویج و گسترش فرهنگ اسلام و اظهار نظر در شئون انسانی و تعامل با نهادهای مهم مسیحیت بپردازد و از مزایای یک کشور مستقل برای حضور در مجامع بین المللی بهره مند شود.

هنگام استقلال «کشور قم» که طبعاً باید در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد یا حتی به رای مردم مستند شود، اختصاص یک یا چند واحد اقتصادی مانند پالایشگاه یا پتروشیمی به این کشور بخشی از نیازهای مالی آن را تامین می کند که البته با استقلال حوزه علمیه شیعه، جذب مشارکت های مردمی و اتکا به وجوه شرعی و برپه امکان بیشتری می یابد. از همه اندیشمندان به خصوص

کشورهای خارجی به تعهدات شان در برجام صحبت کرد و قول مشخص و صریحی مطرح نکرد.

راز یک سفر

زمان زیادی به پایان ضرب الاجل ترامپ باقی نمانده که یک خبر مهم در مورد سفر محمدجواد ظریف به آمریکا در اختیار رسانه ها قرار گرفته است. ماجرا از این قرار است که سخنگوی وزارت امور خارجه از سفر وزیر امور خارجه به نیویورک خبر داد. بهرام قاسمی با اعلام خبر فوق گفت: «محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران فردا برای شرکت در اجلاس عالی رتبه صلح پایدار که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزار می شود، به نیویورک می رود. سخنرانی در اجلاس صلح پایدار، دیدار و گفت و گو با مقامات خارجی و نیز سخنرانی در شورای روابط خارجی آمریکا از جمله برنامه های وزیر امور خارجه در این سفر است.

کشور قم

یک پیشنهاد از سوی یک روحانی هفته گذشته واکنش های زیادی در رسانه ها و فضای مجازی داشت. حجت الاسلام و المسلمین احمد زاهدوش، مدیر جامعه المرئضی، در یادداشتی که در کانال تلگرامی نامه های حوزوی منتشر شده است، پیشنهاد تشکیل کشوری به

کرده، بخش هایی از مسائل مطرح شده در این نشست مهم را در اختیار ما قرار داده است». در گفت و گویی که این رسانه با شخصیت نامعلوم اصلاح طلب انجام داده است، خبرنگار می پرسد که موضوع جلسه آقایان چه بود؟ آیا ابتکار تازه ای را در عرصه سیاسی کشور شاهد خواهیم بود؟ می گوید: «این جلسه دو، سه ساعته پنجشنبه دو هفته قبل در منزل آقای روحانی برگزار شد. همه مسائل در راستای تقویت دولت مطرح شده است. البته حاج حسن آقای خمینی نبود. جلسه درباره پیگیری جدی تر وعده های انتخاباتی رئیس جمهور، رفع حصر، برنامه های اقتصادی دولت، استفاده بیشتر از ظرفیت های آقای جهانگیری و برطرف شدن ناهماهنگی ها در مجموعه دولت بود.» این شخص در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا از بیشتر شدن محدودیت ها برای رئیس دولت اصلاحات نیز صحبت شد؟ تشریح کرده است: «خبر، رئیس دولت اصلاحات درباره خودش هیچ موضوعی را مطرح نکرد، بیشتر تاکید بر رفع حصر داشت و اینکه چرا آقای روحانی این موضوع را به عنوان رئیس در شورای عالی امنیت ملی جدی پیگیری نمی کند. همچنین چرایی بی برنامه گی اقتصادی دولت و سردرگمی مردم، استفاده بیشتر و بهتر از آقای جهانگیری در بخش اقتصادی از دیگر موضوعات بود.» ن گویی روحانی نیز در واکنش به نقد رئیس دولت اصلاحات می گوید: «دولت در حال پیگیری موضوع است.» به

شعارهای توسعه‌گرایانه گم نشود. از این دست سخنان در سال‌هایی که ارزش‌های الهی توسط غربگرایان رو به فراموشی می‌رفت، بار دیگر عدالت‌طلبی را تبدیل به مطالبه عمومی کرد، که شما هم با دست گرفتن همین شعارها منتخب ملت عدالت خواه قرار گرفتید. متأسفانه در سال‌های پایانی دولت تان آن چنان عمل کردید که دو دولت بعد از شما، شعار و ترفند محوری‌شان در انتخابات ترساندن مردم از مدافعان عدالت به خاطر عملکرد جنایتان بود. حال به جای پاسخگویی به مردم، فرار به جلور را در پیش گرفته‌اید.»

این نامه خطاب به رئیس دولت نهم و دهم می‌افزاید: «آقای احمدی نژاد امروز که از به بن بست رسیدن انقلاب صحبت می‌کنید، نیاز است به شما یادآوری کنیم که شما نه اولین کسی هستید که از راه مستقیم مردم انقلابی و ولایت‌مدار منحرف شد، نه آخرین نفر آن خواهید بود. دوستان قدیمی‌تان می‌پسندیدند که کاش شما به جای عبرت شدن در تاریخ، از تاریخ عبرت می‌گرفتید. آن هم از تاریخی که در همین مدت کوتاه پیروزی انقلاب سرشار از

کرده بودند، به رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که میهمان مجلس شورای اسلامی بود، مجال آغاز سخن داده بودند، عرض می‌کردم که چرا به کمک نمایندگان برای ایجاد همدلی بیشتر در مردم نیازمندیم؛ ولی دریغاً که نه حرمت میهمان نگاه داشته شد و نه مجال بیان کامل سخن داده شد.»

یک نامه دیگر علیه محمود

همین چند روز پیش بود که نامه دولتمردان محمود احمدی نژاد در مورد برائت از رفتارها و گفتار این روزهای او منتشر شد. حالا در تحولی جدید اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت در نامه‌ای به رئیس دولت نهم و دهم تاکید کردند: «متملقان اطرافتان اجازه دیدن واقعیات را از شما سلب کرده‌اند.» در بخشی از این نامه آمده است: «بعد از مشاهده نامه‌ها و سخنرانی‌های اخیرتان لازم شد از جانب دانشجویان دانشگاه علم و صنعت که خود محل تحصیل و تدریس تان است چند کلامی برایتان بنویسیم. اخیراً نامه‌ای از جانب جمعی از فعالان دانشجویی منتشر

حوزویان محترم درخواست می‌شود با حمایت‌های نظری و تکمیل این طرح در تحقق چنین اتفاق مبارکی سهیم باشند. در واکنش به این ماجرا حسام آشنا در توئیترش نوشت: «متأسفانه تاکنون افتخار آشنایی با ایشان را نداشته‌ام، اما به ایشان توصیه می‌کنم کمی مطالعه بفرمایند تا دریابند ۴۰ سال پیش چه کسی و چرا این پیشنهاد را مطرح کرد.»

روزگار جدید سیف

سیف اگر در دولت جدید خیالش راحت بود دیگر تیم اقتصادی یک دست شده و امثال طیب نیا و اسحاق جهانگیری دست و پای او را نخواهند بست حالا اما این روزها با دردسرهایی مواجه شده و حتی می‌گویند او به زودی ساختمان بانک مرکزی را ترک خواهد کرد. او چند روز بعد از اتفاقاتی که در مجلس افتاده، یک نامه نوشته و در دل کرده است. او گفته: «اتفاقات تلخ چند روز گذشته در صحن علنی مجلس شورای اسلامی را که متأسفانه بیش از هر چیز موجب وهن و ضعیف جلوه کردن رابطه مثبت و همدلانه اکثریت نمایندگان محترم با دولت و بنده



افراد و احزاب و سازمان‌هایی است که روزی در کنار ملت برای محقق کردن آرمان‌های بلندش جنگیدند و فردا روز خنجرشان را نه به سوی دشمنان ملت و ولایت که به روی این جبهه کشیدند. از صحبت درباره قائم مقامی که چون شما زمانی در راه ولایت بود اما زمانی که فتنه زمان او را مجبور به انتخاب بین راه حق و جانبداری متعصبانه از دوستانش کرد، مانند حال اسفناک امروزان نامه‌های دشمن شادکنش قلب ضد انقلاب داخل و خارج را شاد می‌کرد.»

دانشجویان علم و صنعت ادامه دادند: «اگر ملت امروز آن چنان از معرکه‌گیری‌ها و نامه‌های تندتان تعجب نمی‌کند برای آن است که بزرگ‌تر از شما هم توفیقی نداشتند از ایجاد فاصله بین امت و ولایت. جالب است که حتی درخواست‌هایتان نیز حرف تازه‌ای ندارند. از رهبری می‌خواهید با توی رای مردم، انتخابات زودهنگام برگزار کند یا فراموش کرده‌اید یا ترجیح می‌دهید که به یاد نیارید، زمانی را که از رئیس فقید مجمع تشخیص تا نخست‌وزیر مفتون دولت جنگ و رئیس دولت دوم خرداد، همه به رهبری فشار آوردند تا رای مردم به شما را فدای سیاست‌ورزی دنیاخواهانه خود کنند، اما رهبر انقلاب مانند همیشه سمت مردم و قانون اساسی ایستاد و نگذاشتند رای مردم که حق الناسی نزد حکومت است، بی‌ارزش جلوه داده شود.»

شد و در آن از شما به عنوان نماد عدالت و تنها منجی انقلاب یاد کرده بودند. صد افسوس برای آن فعال دانشجویی که از حق طلبی و آرمان‌گرایی به شخص‌گرایی پوچ کشانده شد. آن نامه به خوبی روشن کرد که اگر جنبش دانشجویی استقلال خود را از دست بدهد، ناچار به ورطه سقوط کشانده شده و در بازی سهم خواهی قدرت پرستان به آلت دست مبدل خواهند شد.»

این دانشجویان در نامه خود می‌افزایند: «باید به شما و حامیان تان متذکر شویم که بدانید علمدار عدالت طلبی و آرمان‌خواهی در ایران معاصر چه کسانی بوده‌اند. امام خمینی (ره) آن عزیز همیشه زنده تاریخ، تحقق انقلاب اسلامی را منوط به ایجاد حکومت اسلامی می‌دانست و منظورش از حکومت اسلامی جز برپایی حکومت عدل نبود و در راستای ایجاد حکومت عدل، عمرشان را سراسر مبارزه و جهاد قرار دادند و در ادامه امام خامنه‌ای پرچمداری این اصل اسلام را بر عهده گرفتند.»

در ادامه این نامه تصریح شده است: «بعد از اجرای سیاست‌های لیبرالی در دولت‌های سازندگی و اصلاحات و کمرنگ شدن مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، رهبر عظیم‌الشان انقلاب با سخنرانی‌های مکرر و تاکیدات گوناگون بر سبک حکومت‌داری مولای مقتدیان علی (ع) بر صراط عدالت، یک مطالبه عمومی برای بسط عدالت ایجاد کردند تا این اصل مهم الهی زیر سایه

به عنوان یکی از خادمان مردم در دولت شد، اتفاقی گزنده، تلخ و البته عبرت‌آموز می‌دانم. گزنده از آن رو که کم‌تابی معدودی از عزیزان نماینده برای شنیدن توضیحات رئیس کل بانک مرکزی که با نیت آگاه‌سازی این عزیزان در میانشان حضور یافته بود به حدی بود که حتی اجازه ندادند کلامی پس از نام خداوند متعال در مطلع سخن بر زبان آورم و از همان ابتدا بنا را بر نشنیدن قرار دادند و گزنده از آن رو که اینچنین بی‌تابی از سوی بزرگوارانی رخ داد که باید بر اساس دستور صریح قرآن و فلسفه تشکیل مجلس شورای اسلامی، شنونده اقبال باشند و انتخاب‌کننده بهترین سخن‌ها و البته عبرت‌آموز؛ چرا که به همه ما موخت که هیچ‌گاه در هیچ جمعی همگان به یک صفت و منش نیستند چنانکه اگر نبودند نمایندگان فهیم، صبور و شجاعی مانند برادران بزرگوار تابش، نعمتی، مطهری، وکیلی و یوسفیان ملا تا همکاران بی‌تاب و کم‌صبر خود را از اطراف تریبون مقدس مجلس شورای اسلامی دور کنند، قطعاً آسیب‌های جسمانی وارد شده به بنده و از آن مهم‌تر حیثیت و حرمت این تریبون ارزشمند پیش از پیش بود؛ آسیب‌هایی که متأسفانه خود این بزرگواران از آنها بی‌نصیب نماندند و آثار جراحات آن لحظات تلخ بر جسم‌شان همچنان باقی و پیداست. این همه در حالی اتفاق افتاد که اگر معدود نمایندگان کم‌حوصله‌ای که گویا پیش از سخنرانی حقیر عزم خود را برای نشنیدن توضیحات و شرح اقدامات جزم

روحانی اصلاح طلب نیست عزت الله ضرغامی

عزت الله ضرغامی هفته گذشته مصاحبه‌ای انجام که او را به صدر اخبار رسانه‌ها برد. او در بخشی از این اظهاراتش گفت: «برخی اصلاح‌طلبان امروز عنوان کرده‌اند که اصلاحات، نیازمند اصلاحات است؛ این حرف درستی است. اصلاح‌طلبان به روحانی رای دادند اما آیا روحانی واقعا اصلاح طلب است؟ کدام رفتار روحانی به اصلاح‌طلبی می‌خورد؟ ایشان کدام کار اساسی را انجام داده که بگوییم به معنای واقعی کلمه اصلاح طلب است؟ اعتدال هم به همین صورت است. من به طور کلی این کلمات را بیشتر یک جور «دکان» می‌دانم. به نظر من، صداقت، صراحت و شجاعت در برخورد با پدیده‌ها شخصیت انسان را می‌پروانند.»

او در بخشی دیگری از این مصاحبه گفت: «من که در فضای رسانه حضور دارم - با پیشینه عبارت «خس و خاشاک» - می‌بینم که لفظ «آشغال» می‌تواند به همه کسانی که در اعتراضات اخیر به خیابان‌ها آمدند، اطلاق شود؛ البته حتما منظور امام جمعه محترم تهران، همه کسانی که به خیابان‌ها آمدند، نبود. در مورد عبارت «خس و خاشاک» هم مصاحبه‌هایی با آقای احمدی نژاد ترتیب دادیم و ایشان گفت که منظورش همه مردم نبوده اما این عبارت خس و خاشاک، اثر خود را گذاشت و در این میان، دشمن هم کار خود را انجام داد.»



الترناتیو؟ عبدالله نوری

در دوره‌ای که خاتمی برای فعالیت سیاسی با محدودیت‌هایی مواجه است، عبدالله نوری در خانه خود جلسات هفتگی دارد و اخیرا نیز در مورد اختلافات بین دو حزب کارگزاران و اتحاد ملت ورود کرده است. برخی معتقدند او می‌تواند نقش رهبر جدید اجماع‌ساز را در جریان اصلاحات ایفا کند. این البته در حالی است که برخی منابع خبری گفته‌اند این روزها خانه عبدالله نوری شلوغ‌تر از همیشه شده است. در این میان برخی گفته‌اند طیف‌هایی از اصلاح‌طلبان مخالف این کاراکتر جدید او هستند. در همین رابطه علی صوفی از چهره‌های اصلاح طلب گفته است: «آقای عبدالله نوری در سطح نخبگان مطرح است، نه در سطح جامعه.» در اظهارنظری دیگر، ناصر ایمانی هم گفته است: «عبدالله نوری نمی‌تواند در جایگاه رهبری جریان اصلاحات قرار بگیرد چون در جلسات خصوصی که شخصیت‌های برجسته جریان اصلاحات با هم برگزار می‌کنند، اختلافات جدی میان آقای عبدالله نوری و دیگر شخصیت‌ها وجود دارد. پس این طور نیست که آقای نوری بتواند حرف اول و آخر را در جریان اصلاحات و به‌طور روشن بین کارگزاران و حزب اتحاد ملت بزند.»



برنامه لاریجانی برای ۱۴۰۰ سید جواد ابطحی

سید جواد ابطحی، عضو جبهه پایداری گفته است: «نمایندگان ادوار مجلس هر هفته روز یکشنبه‌ها جلسه می‌گذارند و دستورکار دارند، در بعضی قوانین ورود می‌کنند، بیانیه می‌دهند و بدنه اصلی این مجموعه نیز با آقای لاریجانی مرتبط است. از خود آقای لاریجانی چیزی نشنیدیم اما کسانی همچون کاظم جلالی صحبت‌هایی می‌کنند و می‌گویند بهترین گزینه برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری آقای لاریجانی است. این مساله آدم را دچار شک و تردید می‌کند چون از گذشته نیز آقای لاریجانی جلساتی با بعضی دوستان نمایندگان کنونی و ادوار مجلس دارد. از مجموع این مسائل شاید به ذهن برساند که آقای لاریجانی برای انتخابات ریاست جمهوری آینده فعالیت می‌کند. برنامه لاریجانی برای انتخابات مجلس موفقیتی در پی ندارد. این همه در حالی است که برخی چهره‌های نزدیک به لاریجانی از رایزنی‌ها با او برای نامزدی هم خبر داده‌اند.»



شوک مایک پامپئو

وقتی همه فکر می‌کردند پامپئو وزیر خارجه جدید آمریکا خواهد بود، او به صورت ناباورانه‌ای رد صلاحیت شده است. آنچه رخ داده این است که کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا صلاحیت «مایک پامپئو» برای احراز پست وزارت خارجه آمریکا را رد کرد. برخی از سناتورهای موافق «مایک پامپئو» رئیس کنونی سازمان سیا اعلام کردند که وی و رئیس جمهوری این کشور مواضع خلاف دیپلماسی داشته و نمی‌توانند به وی برای کسب تصدی وزارت خارجه آمریکا رای دهند. با این رویداد، رای‌گیری برای کسب موافقت سنا درباره پامپئو باید در صحن علنی به انجام برسد.



غیبت قاضی

تاخیر در اجرای حکم سعید مرتضوی جنجال به پا کرده است

سعید مرتضوی؛ او مهمترین چهره هفته گذشته در میان سیاسی ها و رسانه ای ها بوده است. می گویند او غیب شده در حالی که حکم حبسش در اختیار ضابطان مربوطه است. حرف و حدیث های آن چنان دامنه بالایی داشت که هفته گذشته برخی گفتند مرتضوی در اروپاست. برخی دیگر گفتند او را در عراق دیده اند؛ این وسط یک فایل صوتی یک دقیقه ای هم در فضای مجازی منتشر شد که روایت گفت و گوی بسیار کوتاه یک خبرنگار با همسر سعید مرتضوی بود. او می گفت مرتضوی در تهران است اما در خانه نیست. همه حرفش هم این بود که منتظر نظر رئیس قوه قضاییه است.

اما همه این داستان ها از حاشیه جلسه پرسش و پاسخ سخنگوی قوه قضاییه با دانشجویان بود شروع شد. در آن جلسه محسنی اژه ای در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه خراسان درباره جلب مرتضوی گفت: «حکم جلبش صادر شده ولی هنوز متأسفانه گیرش نیآورده اند، حال آنکه منم دانم چطور هست.» این در حالی بود که روزنامه خراسان چند روز پیش تر به نقل از منبعی مطلع نوشته بود: «قوه قضاییه در زمان خودش این کار را انجام می دهد. وی اکنون تحت نظر است.» در همین خصوص، وکیل خانواده روح الامینی به خبرنگاری تسنیم گفت: «هفته قبل که با قاضی اجرای احکام صحبت می کردم، گفت که اصل پرونده در اختیار وی نیست و در دست سرپرستی دادسراست و قرار است آنها اقدام کنند.» او در ادامه درباره وضعیت مجرم افزود: «وقتی کسی حکم قطعی گرفته و حکم نیز به وی ابلاغ شده اما خود را معرفی نمی کند، آیا با فرار کردن فرقی دارد؟» تسنیم در همین گزارش با وکیل پرونده تأمین اجتماعی مرتضوی هم گفت و گو کرد. رضا جعفری مدعی شد که شش ماه است که با موکل خود حتی

ارسال می شود. بعد از تعیین شعبه اجرای احکام، قاضی شعبه اخطاریه ای به محکوم علیه جهت معرفی خود برای اجرای حکم صادر می کند. محکوم علیه نیز مکلف است ظرف مهلت تعیین شده که بر اساس رویه دادسراها ۱۰ روز است، خود را برای اجرای حبس معرفی کند. اما در صورت عدم حضور در مهلت قانونی مطابق قانون آیین دادرسی کیفری وثیقه تعیین شده ضبط و حکم جلب محکوم علیه صادر خواهد شد.

اما گیرنیارودن سعید مرتضوی انتقاد برخی نمایندگان مجلس را هم در پی داشت. فاطمه سعیدی، نماینده تهران در مجلس، در توییته نوشت: «وزاری دادگستری و کشور را فرامی خوانم تا درباره عدم تحویل سعید مرتضوی به زندان توضیح دهند. اگر حکم نهایی و ابلاغ شده، باید



اجرا شود.» همچنین مصطفی کواکبیان، دیگر نماینده تهران، در تعلق میان دستور خود در مجلس، خطاب به قوه قضاییه گفت: «شما می گویند در برخورد نکردن با احمدی نژاد حکمتی است. حالا که سعید مرتضوی هم دستگیر نمی شود، آن هم حکمتی دارد؟ آیا شما می خواهید با این برخوردها مدعی عدالت قضایی باشید؟» در این میان وکیل تأمین اجتماعی در پرونده سعید مرتضوی به نکته جالبی اشاره کرد و گفت مگر می شود فردی محافظ داشته باشد؛ اما دانیم کجاست؟ در هیچ جای تاریخ حقوقی کشور نداریم که فردی را با قرار دو میلیارد تومانی با کفالت آزاد کنند. مصطفی ترک همدانی درباره سخنان سخنگوی قوه قضاییه درباره درست تر نبودن سعید مرتضوی، گفت: «هنگام محاکمه و دادرسی، آقای مرتضوی با محافظان خود که بر اساس دستورالعمل شورای عالی امنیت ملی او را همراهی می کردند، در دادگاه حاضر می شد. این محافظان موجب خود را از دولت می گیرند و قراردادن این افراد در کنار برخی از شخصیت ها برای این است که فرد مدنظر به طور دائم در اختیار باشد و ۲۴ ساعته انجام وظیفه کند.» او ادامه داد: «گمان می کنم آقای مرتضوی

حدود ۹ محافظ داشتند که هر شیفت سه نفر از او محافظت و مراقبت می کنند - که شاید این تعداد کمی کمتر یا بیشتر باشد - به هر حال این اقدامات با فرمایشات آقای سخنگو تناقض دارد و عجیب است که چگونه محافظان مرتضوی از او خبری ندارند نمی دانند کجاست؟ با این همه مراقب، چگونه از مرتضوی بی اطلاع هستند؟»

ترک همدانی با بیان اینکه از نظر آیین دادرسی در زمان تفهیم اتهام و قرار مجرمیت یک تأمین مناسب باید از متهم گرفته شود، عنوان کرد: «حکمی که از آن یاد می شود، مرتبط به پرونده کهریزک است و مربوط به پرونده تأمین اجتماعی نیست. ما خودمان با بازپرس پرونده گفت و گویی داشتیم و ایرادات را هم گوشزد کردیم؛ گفتیم اگر قرار باشد یک قرار خفیف صادر کنید، بیم

این می رود که فرد حاضر نشود. در آن زمان، یکی از خفیف ترین قرارها برای این پرونده در نظر گرفته شد که اعتراض خود را نیز به بازپرس محترم اعلام کردیم که در پرونده هم ثبت شد. آن زمان بحث مان این بود اگر متهمی با چنین شرایط و ضوابطی، خود را در معرض دستگیری ببیند، یا متواری می شود یا دست به اقداماتی می زند که دستگیر شود.» او گفت: «با توجه به سوابقی که از این پرونده دارم، به ویژه مدیرعامل سابق تأمین اجتماعی که در گذشته هم پست و مقام قضایی داشتند، این اظهار نظر جناب سخنگو را نشانه دو چیز می دانم؛ نخست اینکه در فرآیند آیین دادرسی قرارهای صادره آن قدر قوی نبوده است که محکوم خودش را در معرض بازداشت قرار دهد و خود را تسلیم کند، یا اینکه در فرآیند بازداشت و دستگیری پس از صدور حکم جلب، برخی کوتاهی می کنند؛ وگرنه بعد می دانم چنین فردی توانایی فرار از قانون را داشته باشد.» این وکیل دادگستری گفت: «چگونه برای متهمی که دارای اتهامات بزرگ مالی از قبیل اهمال و سهل انگاری در اداره اموال دولتی، تبانی در معاملات دولتی، اختلاس و تصرف غیرقانونی بوده است، چنین قرارری را صادر کرده اند؟ ما در هیچ جای تاریخ حقوقی کشور نداریم که فردی را با قرار دو میلیارد تومانی با کفالت آزاد کنند. یک زمانی است که قرارهای ۱۰ تا ۲۰ میلیونی برای فردی صادر می کنند و به او می گویند یک کارمند دولتی بیاور تا آزاد شوی؛ اما چنین قرارری را با کفالت آزاد نمی کنند. قرار کفالت از سوی یک شرکت حمل و نقل تأمین شده است و اگر این فرد حاضر نشود، چه تضمینی وجود دارد که این قرار تأمین شود؟ دولت دادگستری چگونه می خواهند آن را وصول کنند؟ آیا این شرکت بضاعت پرداخت را دارد؟» میرمجید طاهری، وکیل خانواده روح الامینی نیز درباره این پرونده گفت: «به دلیل اینکه مدیریت موضوع را خود دادسرا بر عهده دارد، آنها باید پاسخگو باشند که علت چیست و چرا نمی توانند ایشان را پیدا کنند؟ علت این وقفه که برای اجرای حکم افتاده چیست و چرا تاکنون اجرا نشده است؟ خانواده روح الامینی پیگیر پرونده هستند و منتظرند تا حکم دادگاه و عدالت برای ایشان اجرا شود.»

پایان تلگرام

خروج دسته جمعی از یک شبکه اجتماعی



تلگرام هفته تعیین کننده‌ای را در ایران پشت سر گذاشت. همه شواهد گویای این است که این شبکه اجتماعی نفس‌های آخرش را می‌کشد. هفته گذشته تمام نهادهای دولتی و حاکمیتی از تلگرام خارج شدند و حالا دیگر این شبکه اجتماعی در حال دست دادن مرجعیت خود در ایران است. در همین راستا پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (KHAMENEI.IR) روز چهارشنبه اعلام کرد: که فعالیت خود را در این پیام‌رسان، از این لحظه متوقف می‌کند. در آخرین پست این کانال در تلگرام آمده است: «در راستای پاسداشت منافع ملی و برای رفع انحصار از پیام‌رسان تلگرام، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (KHAMENEI.IR) فعالیت خود را در این پیام‌رسان، از این لحظه متوقف می‌کند. این اقدام KHAMENEI.IR که پیش از شروع برنامه رسمی نهادهای کشور در توقف استفاده از تلگرام انجام می‌شود، برای حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی و رفع انحصار فضای مجازی از پیام‌رسان‌های غیرایرانی است.» در تحویلی دیگر معاون اول رئیس‌جمهور فعالیت کانال تلگرامی خود را متوقف کرد. در کانال تلگرامی اسحاق جهانگیری آمده است: «در چارچوب قوانین و مقررات کشور، از امروز در کانال تلگرامی معاون اول رئیس‌جمهور مطالبی منتشر نخواهد شد و از این پس انتشار اخبار برنامه‌های ایشان از طریق پیام‌رسان‌های داخلی صورت می‌گیرد که آدرس این صفحات به زودی اعلام خواهد شد.» اما این همه در حالی است که وزارت ارتباطات این روزها یکی از پرچالش‌ترین دوران خود را سپری می‌کند. وزارتخانه‌ای که متولی فضای مجازی است و بحث فیلترینگ تلگرام چالش‌های زیادی را برای محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت دوازدهم خلق کرده است.

آذری جهرمی روز شنبه با انتشار عکسی در اینستاگرام خود به برخی سوالات کاربران پاسخ داد. جهرمی در ذیل این عکس نوشت: «وزارت ارتباطات مرجع تصویب و تصمیم‌گیری (فیلترینگ) یا رفع آن نیست، بلکه براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی و بنا بر قانون ملزم به اجرای مصوبات کمیته‌ها و شوراها مشخص شده در این حوزه و احکام قضایی است. به‌عنوان وزیر ارتباطات، تاکنون تلاش زیادی برای جلوگیری از نقض حریم خصوصی کاربران در اپراتورهای ارتباطی کرده‌ام و اگر قانون اختیارات لازم را به وزارت ارتباطات بدهد، برای صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی نیز تلاش لازم را خواهم کرد. همچنین برای اصلاح مصادیق مجرمانه و نیز توقف نظام رای‌گیری آنلاین انسداد سایت‌های اینترنتی که در برخی مواقع باعث برخورد های سلیقه‌ای با سایت‌های اینترنتی است، تلاش‌هایی کرده‌ایم که تاکنون نتیجه لازم را نداشته اما به این تلاش که لازمه رشد ظرفیت‌های بومی نیز هست، ادامه خواهیم داد.» در تحویلی دیگر در این مورد رئیس دفتر رئیس‌جمهور در واکنش به اظهارات یکی از نمایندگان مجلس مبنی بر ایستادگی رئیس‌جمهور در مقابل فیلترینگ تلگرام گفت: «این حرف بی‌پایه و اساس است.» محمود واعظی رئیس دفتر رئیس‌جمهور در حاشیه جلسه هیات دولت، در جمع خبرنگاران در خصوص موضوع حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی اظهار داشت: «حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی موضوع جدیدی نیست و ۴ ساله که بنده وزیر بودم، همواره جزو سیاست‌ها بود و از آن حمایت کردم. امروز در جلسه هیات دولت در مورد این موضوع بحث و بنا شد استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی را از داخل دولت آغاز کنیم و همه کسانی که در پیام‌رسان‌های خارجی حضور داشتند، از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده کنند.» وی افزود: «دستگاه‌های دولتی و ادارات هم در این خصوص باید اقدام کنند و از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده کنند.» رئیس دفتر رئیس‌جمهور تصریح کرد: «دبیرخانه شورای عالی فضای مجازی اقدام خوبی انجام داده که از بین این ۱۵ تا ۲۰ پیام‌رسان داخلی، پنج پیام‌رسان را معرفی کرده است.»

فرار کاوه

استعفای عجیب آقای معاون

هفته گذشته کاوه مدنی معاون سازمان محیط زیست که در زمان انتشار عکس‌های جنجالی او، در سفر خارج از ایران بود، به کشور برگشت و از همان‌جا استعفا داد. کاوه مدنی پس از انتشار تصاویرش در برخی رسانه‌ها، در حالی که در سفر کاری در خارج کشور بود، از همان‌جا استعفا داد. یک منبع آگاه ضمن تایید خبر استعفای وی، گفت: «این استعفا هنوز پذیرفته نشده است.» محمود صادقی نماینده تهران نیز در این باره در توییتر نوشت: «امروز از یک منبع موثق شنیدم کاوه مدنی معاون سازمان حفاظت محیط زیست، ایران را ترک کرده است. همسر او نیز که ممنوع‌الخروج شده بود با رفع ممنوع‌الخروجی کشور را ترک کرد. درس عبرتی برای نخبگان ایرانی مقیم خارج از کشور!» کاوه مدنی استاد مدیریت محیط زیست امپریال کالج لندن مدت کوتاهی معاون سازمان محیط زیست بود و از او به‌عنوان متخصصی برجسته و شناخته شده در این حوزه نام می‌برند. این خبر البته واکنش‌های زیادی به همراه داشت. در واکنشی در این مورد معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور از پاسخ به سوالی در مورد کاوه مدنی، معاون دوتابعیتی سازمان محیط زیست که از کشور فرار کرده است، خودداری کرد. معصومه ابتکار در دولت یازدهم ریاست سازمان حفاظت از محیط زیست را برعهده داشت. در تحویلی دیگر دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی گفت: «کسی که در معاونت سازمانی که در راس آن معاونت رئیس‌جمهور قرار دارد همه بررسی‌ها و استعلام‌ها صورت می‌گیرد و سپس تایید می‌شود، به نظر می‌رسد در مورد وی نیز این فرآیند طی شده است.» شهیندخت مولاردی، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی، در ماجرای کاوه مدنی، گفت: «تا جایی که من می‌دانم و اتفاقاً اخیراً هم مجدداً مطرح شده است در مورد وی (کاوه مدنی) تمام بررسی‌ها انجام شده است.» وی ادامه داد: «کسی که در معاونت سازمانی که در راس آن معاونت رئیس‌جمهور قرار دارد همه بررسی‌ها و استعلام‌ها صورت می‌گیرد و سپس تایید می‌شود، به نظر می‌رسد در مورد وی نیز این فرآیند طی شده است.»

اما در اظهارنظری متفاوت محمدرضا تابش در خصوص کاوه مدنی، معاون سابق سازمان حفاظت محیط زیست و موضوع استعفای او از این سمت گفت: «بر اساس گفته‌های رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، کاوه مدنی به‌عنوان نخبه علمی بود که موانعی بر سر انجام کارهایش به صورت ضعیف از قبل وجود داشت و بعد از مدتی این موانع شدت گرفت.» وی ادامه داد: «بر اساس گفته‌های رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، مدنی همواره متعهد بود که برای سازمان محیط زیست کشور و نه جای دیگری کار کند، وقتی عرصه برای وی تنگ شد و به دلیل آنکه وی تنها فرزند خانواده بود پدر و مادرش نیز مسئولیت‌های اداری مهمی در یکی از وزارتخانه‌ها داشتند خواهان استعفا شدند.» تابش اضافه کرد: «آقای کلاتری اصرار کرده که مدنی به مسئولیت خود ادامه دهد ولی وی این موضوع را منوط به رضایتمندی پدر و مادرش دانست؛ نهایتاً پدر و مادرش راضی به ادامه فعالیت وی با این حجم فشارها نشدند و کاوه مدنی استعفا خود را ارائه کرد ولی گفت که همه جا در خدمت محیط زیست کشور خواهد بود.» در واکنشی دیگر جعفری دولت‌آبادی خروج یکی از افراد مرتبط با این پرونده از کشور را ناشی از نتایج تحقیقات دانست و گفت: «اگر عده‌ای فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند، ناشی از اهمیت تحقیقات مقدماتی در پرونده است و اگر امروز در برخی از سایت‌ها می‌خوانیم که فلان آقای از کشور خارج شده است، به پیش رفتن تحقیقات برمی‌گردد؛ چرا که برخی متهمان فهمیده‌اند که در حال نزدیک شدن به آنها هستیم، حال اگر کسی از کشور خارج شده است، بالاخره روزی برمی‌گردد و به قول معروف، دیر زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.»



دیدار محرمانه در سئول

آمریکا و کره به مذاکره نزدیک تر شده‌اند

ماجرای آمریکا و کره شمالی وارد فاز تازه و البته پیچیده‌ای شده است. درست در دورانی که دو طرف به تندترین انتقادهای یکدیگر می‌پردازند و برای هم خط‌و‌نشان می‌کشند، ناگهان خبر از توافق برای دیدار دو رئیس‌جمهور به میان آمد. حالا هم در خبری دیگر روزنامه واشنگتن پست به نقل از دو مقام آگاه نوشته است که مایک پمپئو، رئیس سیا به عنوان فرستاده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا سفری مخفیانه به کره شمالی داشته و با کیم جونگ اون، رهبر آن کشور دیدار کرده است.

این دو مقام که خواستند نامشان فاش نشود، اعلام کردند که سفر پمپئو بخشی از تلاش‌ها برای تدارک مقدمات دیدار میان ترامپ و کیم بوده است. این دیدار بلافاصله پس از آن انجام شد که ترامپ پمپئو را به عنوان وزیر جدید امور خارجه آمریکا معرفی کرد. رویترز نیز به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی که نخواست نامش فاش شود، اعلام کرد: «گفت‌وگوهای پمپئو در کره شمالی ترامپ را به این نتیجه رسانده که امکان برقراری مذاکرات سازنده با پیونگ‌یانگ وجود دارد اما ضمانتی برای آن نیست.» ترامپ روز سه‌شنبه اعلام کرد که گفت‌وگوهای مستقیمی «در سطوح بسیار بالا» با کره شمالی جریان دارد تا مقدمات دیدار وی با کیم فراهم شود. اما وی اندکی بعد اظهار داشت: بگذارید که «این گفت‌وگوها اندکی پایین‌تر از بالاترین سطح باشد.» به نوشته رویترز، این اظهارات باعث ابهام شده است. ترامپ اظهار داشت که پنج محل برای ملاقات وی با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی پیشنهاد شده است. «وی افزود: «با دیدار بسیار خوبی خواهیم داشت یا دیدار خوبی نخواهیم داشت. شاید با توجه به اتفاقات آینده، اصلاً با هم دیدار نکنیم. اما فکر می‌کنم که فرصت خوبی برای حل یکی از مشکلات جهانی داریم.» «ساراهاکبی سنדרز»، سخنگوی کاخ سفید هم به نقل از رئیس‌جمهوری گفت که دولت گفت‌وگوهایی در بالاترین سطوح داشته است اما در عین حال اضافه کرد که این گفت‌وگوها با رئیس‌جمهوری نبوده است. سنדרز درباره سفر پمپئو به کره شمالی گفت: «دولت در مورد سفر رئیس سیا اظهار نظر نمی‌کند.» آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی در سال گذشته میلادی تنش‌هایی میان واشنگتن و پیونگ‌یانگ ایجاد کرد. آمریکا از طریق سازمان ملل تحریم‌های گسترده‌ای را علیه کره شمالی وضع کرده است. چندی پیش «کمیته تحریم‌های کره شمالی» بنا به درخواست آمریکا ۲۱ شرکت کشتیرانی، یک فرد تایلندی، ۱۵ کشتی کره شمالی و ۱۲ کشتی دیگر را که متعلق به پیونگ‌یانگ نیست، تحریم کرد. شورای امنیت سازمان ملل پیش از آن صادرات زغال سنگ، آهن، منسوجات، شیلات و برخی محصولات دیگر کره شمالی را تحریم کرده بود. این شورا همچنین صادرات نفت خام و پالایش‌شده به این کشور را تحریم کرده است. گفتنی است رئیس‌جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر ژاپن هفته گذشته زمینه‌های مشترک برای مقابله با چالش هسته‌ای کره شمالی را مورد بررسی قرار دادند. سیاستمداران توکیو نگرانند که ترامپ آماده سازش‌های بسیار با پیونگ‌یانگ باشد. ژاپن نمی‌خواهد ترامپ توافقی با پیونگ‌یانگ کند که موشک‌های بالستیک آن به خاک آمریکا نرسد اما بتواند موشک‌هایی با برد کمتر را که تهدیدی علیه ژاپن است، نگه دارد. آبه همچنین از ترامپ می‌خواهد تا مساله شهروندان ژاپنی روبرو شده توسط پیونگ‌یانگ را به میان بکشد. در واکنش به این نگرانی‌ها، کاخ سفید گفته است امنیت متحدان آمریکا و نیز مردم آمریکا برای ترامپ حائز اهمیت است. یک مقام کاخ سفید گفت: اینکه به کره شمالی اجازه ندهیم آمریکا را تهدید کند، بدین معناست که ما به دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای کامل، قابل تایید و غیرقابل بازگشت در شبه‌جزیره کره متعهد هستیم. ▶



روی دیگر اروپا

غرب از ترامپ دور شده است؟



درست در شرایطی که همه برای تصمیم دونالد ترامپ در مورد برجام آماده می‌شوند صداهای تازه‌ای از اروپا و آمریکا به گوش می‌رسد. فدریکا موگرنی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در بروکسل اعلام کرد که اتحادیه اروپا تلاش می‌کند از ادامه روند اجرای توافق هسته‌ای ایران (برجام) اطمینان پیدا کند و انتظار دارد از این توافق حمایت کامل شود. وی افزود ایران به تعهداتش در توافق هسته‌ای کاملاً پایبند بوده و اروپا به باقی ماندن در برجام پایبند است. فدریکا موگرنی همچنین گفت در جلسه اتحادیه اروپا تصمیمی درباره اعمال تحریم علیه ایران اتخاذ نخواهد شد. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بخش دیگری از مصاحبه خود با رسانه‌ها پیش از برگزاری نشست گفت: «قبل از سررسیدن ضرب‌الاجل ۱۲ می/۲۲ اردیبهشت (موعد تصمیم‌گیری دولت آمریکا درباره سرنوشت برجام)، با آمریکایی‌ها درباره این توافق گفت‌وگو خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم هر آنچه می‌توانیم برای اجرای کامل آن انجام دهیم.» در همین حال رئیس‌جمهور فرانسه با حمایت از برجام، گفت که امیدوار است بتواند با ترامپ در مورد برجام به توافق برسد. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در بخشی از گفت‌وگوی خود با نشریه ونیتی فر که متن آن به تازگی منتشر شد با تأکید بر مخالفت او با ترامپ در مورد برجام، گفت: «من همواره در مورد اختلافاتی که میان ما در مورد مسائل مثل خروج از توافق برجام و معاهده آب و هوایی پاریس داشته‌ایم شفاف بوده‌ام؛ بنابراین به دلیل آنکه ما متحد یکدیگر هستیم نمی‌توان گفت که نباید با یکدیگر اختلاف داشته باشیم. با خروج ترامپ از برجام مخالف هستیم. اما معتقدم در هر یک از زمینه‌های مورد اختلاف مثل توافق هسته‌ای ایران می‌توانید به یک توافق دست یابیم. آمریکا و فرانسه هر دو به دنبال جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی هستند.»

در همین حال یک مقام آمریکایی در جلسه کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا گفت بسیار امیدوار است که مذاکرات واشنگتن با کشورهای اروپایی درباره برجام به نتیجه مثبتی برسد. کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا روز چهارشنبه در جلسه‌ای با عنوان «سیاست ایالات متحده در قبال خاورمیانه‌ای ناآرام»، وضعیت کنونی غرب آسیا، از جمله موضع آمریکا در قبال ایران را مورد بررسی قرار داد. «دیوید وسترفیلد»، دستیار موقت وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک و «وس میچل»، دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور اروپا و اوراسیا به نمایندگی از دولت «دونالد ترامپ» در این جلسه حضور داشتند و درباره سیاست‌های وی در قبال منطقه غرب آسیا صحبت کردند. در بخشی از این نشست، وسترفیلد در پاسخ به سوالی درباره توافق هسته‌ای ایران، مهم‌ترین «نواقص» برجام از دید آمریکا را عدم ارتباط آن با برنامه موشکی، نبود امکان بازرسی بی‌قیدوشرط از اماکن نظامی، محدودیت زمانی سقف غنی‌سازی ایران و محدود نشدن فعالیت‌های منطقه‌ای ایران عنوان کرد و گفت واشنگتن برای حل این موضوعات در حال مذاکره با سه کشور اروپایی امضاکننده برجام، یعنی انگلیس، آلمان و فرانسه است. وی درباره روند این مذاکرات گفت: «ما در حال مذاکراتی بسیار دقیق با شرکای E3 (انگلیس، آلمان و فرانسه) که شرکای مهم اروپایی ما هستند، هستیم. این گفت‌وگوها به معنای واقعی کلمه الان در جریان است. ما بسیار امیدواریم که این گفت‌وگوها به نتیجه‌ای مثبت منتهی شوند.» در واکنشی دیگر معاون وزیر خارجه روسیه ابراز امیدواری کرده است که اروپا همچنان به تعهدات خود در قبال برجام پایبند بماند و در راستای حفظ آن بکوشد و تسلیم خواسته‌های آمریکا نشود. سرگئی ریابکوف در دیدار با مهدی سنایی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه افزود: «سیاست روسیه همچنان حمایت و حفظ برجام است و هیچ تغییری را در قبال آن نمی‌پذیرد.» معاون وزیر خارجه روسیه در ادامه بر تداوم همکاری‌های دو کشور به ویژه در زمینه همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و برقراری صلح و امنیت منطقه‌ای تأکید کرد. دو طرف بر حل بحران منطقه و سوریه از طریق گفت‌وگوهای سیاسی نیز تأکید کردند. ▶

اکنون که زمان به پایان ضرب الاجل هسته‌ای ترامپ نزدیک می‌شود، رسانه‌ها بیشتر این مساله را زیر ذره‌بین قرار داده‌اند که فرجام توافق هسته‌ای چه خواهد شد؟ در ترجمه‌های این شماره از گفتار این مساله را مورد توجه قرار داده‌ایم.



عشق مفرط به «اولتیماتوم»

ترجمه مقاله‌ای از روزنامه گاردین درباره توافق هسته‌ای

ترامپ بارها رویکرد خصمانه خود را در قبال توافق هسته‌ای با ایران آشکار ساخته است. او طی یک ماه گذشته، دو انتصاب معنادار در دولت خود صورت داده است؛ حضور پمپئو در مسند وزارت امور خارجه و جان بولتون در مسند مشاور امنیت ملی دولت آمریکا نشان می‌دهد که وی نسبت به تلاش‌ها برای حفظ توافق هسته‌ای رغبتی نداشته است. جان بولتون به طور کلی یکی از مخالفان «دیپلماسی چندجانبه» می‌باشد و بارها این موضع را در قبال برجام نیز اعلام کرده است. بولتون در ماه آگوست سال گذشته (سال ۲۰۱۷ میلادی) و در حالی که جان کلی، رئیس کارکنان کاخ سفید سعی داشت او را از نفوذ در ساختار اجرایی دولت ترامپ دور نگاه دارد، در مطلبی نوشت که ایالات متحده آمریکا باید خود را از این توافق (برجام) خلاص کند. اما هم‌اکنون که بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی دولت ترامپ انتخاب شده

تحلیلی در این خصوص ارائه کرده که از نظر تان می‌گذرد.

به نظر می‌رسد دونالد ترامپ به دادن اولتیماتوم و ایجاد بحران‌ها و تنش‌های ناشی از آن در نظام بین‌الملل علاقه وافری دارد. او در صدد است همه دنیا را در انتظار بیانه‌ها و تصمیمات خود در قبال تحولات بین‌المللی نگاه دارد. با این حال به نظر می‌رسد هیچ یک از ضرب‌الاجل‌های زمانی ترامپ به اندازه ضرب‌الاجل ۱۲ ماه می‌جدی نبوده است. در این تاریخ، او باید بار دیگر تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را به حالت تعلیق دریاورد یا از توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید خارج شود. با این حال ترامپ تهدید کرده که این بار خودکارش را در جیب خود نگاه دارد و از آن برای امضای مجدد تعلیق تحریم‌ها استفاده نکند.

مترجم: سعید سبحانی

روزنامه نگار

فاصله اندکی تا فرا رسیدن ضرب‌الاجل زمانی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا برای تصمیم‌گیری در خصوص توافق هسته‌ای با ایران باقی مانده است. ترامپ قبلاً خطاب به تروییکای اروپایی و کنگره آمریکا اعلام کرده بود که در صورت عدم رفع آنچه وی نواقص برجام می‌خواند، از این توافق خارج خواهد شد. از سوی دیگر، انتصاب جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی و مایک پمپئو به عنوان وزیر امور خارجه دولت ترامپ، نشانه‌ها و شواهد خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای را پررنگ‌تر ساخته است. روزنامه گاردین در تاریخ ۱۱ فروردین ماه امسال،

چرا ترامپ باید برجام را حفظ کند؟

تاملی بر بیانیه اخیر مقامات امنیتی و سیاسی سابق آمریکا

اقدام (خروج از برجام) خدمتی به منافع ملی آمریکا نخواهد کرد.

برنت اسکوکرافت، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا؛ ژنرال مایکل هیدن، مدیر سابق آژانس امنیت ملی و آژانس مرکزی اطلاعات؛ ریچارد لوگر و سام نون از سناتورهای سابق آمریکایی؛ آدام اریک اولسون، فرمانده پیشین نیروهای ویژه عملیاتی آمریکا و آدام ویلیام جی فالون، فرمانده سابق فرماندهی مرکزی ایالات متحده از جمله امضاکنندگان این بیانیه محسوب می‌شوند؛ افرادی که دارای ده‌ها سال تجربه در حوزه سیاست خارجی و امنیت آمریکا هستند. سفرای سابقی که بیانیه امضا کرده‌اند شامل رایان کراکر، دانیل کرتزر، جیمز کاتینگهام، توماس راک، ویلیام سی. هارپر و... هستند که در کشورهای مختلف منطقه خاورمیانه سابقه سفارت و فعالیت داشته‌اند. این بیانیه در حالی منتشر می‌شود که زمان اندکی تا تصمیم‌گیری ترامپ در خصوص توافق هسته‌ای با ایران باقی مانده است. با این حال به نظر می‌رسد ترامپ با تصمیم خود مبنی بر بازگشت تحریم‌ها، به صورتی موثر میزان تعهدپذیری آمریکا را در نظام بین‌الملل زیر سوال خواهد برد.

مطابق توافق نامه‌ای که در سال ۲۰۱۵ میلادی و در دوران ریاست جمهوری اوباما به امضای ایران و اعضای ۵+۱ رسید، سطح فعالیت‌های هسته‌ای ایران در قبال کاهش تحریم‌های اقتصادی تنزل یافته است. همچنین در این توافقنامه، شاهد اعمال بازرسی‌های بین‌المللی بی‌نظیری برای سنجش تعهدات برجامی ایران هستیم. با این حال دونالد ترامپ معتقد است که محدودیت‌های اعمال شده علیه برنامه هسته‌ای ایران باید دائمی (و نه محدود به زمانی مشخص) باشند. او همچنین اظهار کرده است که این توافقنامه، فعالیت‌های موشکی ایران و خصوصاً فعالیت‌های ایران در زمینه تولید و آزمایش موشک‌های بالستیک را ممنوع نمی‌کند؛ دیدگاه‌های رئیس‌جمهور آمریکا در این خصوص مورد استقبال اسرائیل و عربستان سعودی قرار گرفته است.

نکته دیگر اینکه سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان (تروئیکای اروپایی) که توافقنامه هسته‌ای با ایران را امضا کرده‌اند، موافق با نگرانی‌های ترامپ در خصوص فعالیت‌های موشکی ایران هستند. با این حال کشورهای اروپایی معتقدند که این موضوع باید خارج از چارچوب برجام مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، ایران اعلام کرده که توافق هسته‌ای را مورد بازنگری (و تغییر) قرار نخواهد داد. با این حال، انتصابات جدید دونالد ترامپ در کاخ سفید قابل تامل بوده است. او از یک سو مایک پمپئو، رئیس سابق سازمان سیا را به عنوان وزیر امور خارجه و جان بولتون را به عنوان مشاور امنیت ملی دولت خود انتخاب کرده است. وجه مشترک این دو سیاستمدار، محکومیت توافق هسته‌ای با ایران از دید آنهاست. وندی شرمین، وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده که رهبری تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا را در جریان مذاکرات منتهی به توافق هسته‌ای بر عهده داشت در مقابله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز تأکید کرده است که با انتصاب بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا، انتظار می‌رود که عمر توافق هسته‌ای با ایران کوتاه باشد. ▶

۲ با نزدیک تر شدن به زمان اعلام تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در خصوص توافق هسته‌ای با ایران، شاهد شنیده شدن صداهای گویاتری در داخل آمریکا در مخالفت با تصمیم احتمالی کاخ سفید مبنی بر خروج از برجام هستیم. این مخالفت‌ها معمولاً از سوی کهنه‌سربازان آمریکایی، نیروهای امنیتی سابق آمریکا، دیپلمات‌های برجسته سابق آمریکایی و... صورت می‌گیرد. در اکثر این موارد، مخالفان نسبت به عواقب و تبعات بین‌المللی خروج یکجانبه دولت ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران هشدار داده و خواستار اتخاذ تصمیمی عادلانه در این خصوص شده‌اند. با این حال شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریکا خود را برای خروج از برجام آماده کرده است. روزنامه نیویورک تایمز اخیراً در این خصوص گزارشی را به قلم «ریک گلاذ استون» منتشر کرده است که از نظراتان می‌گذرد.

اخیراً بیش از یکصد نفر از مقامات سابق نظامی، امنیتی و سیاسی ایالات متحده آمریکا حمایت خود را از توافق هسته‌ای با ایران و حفظ آن اعلام کردند. این در حالی است که برجام به شدت مورد حمله ترامپ و مشاوران وی قرار گرفته است. نکته قابل تأمل اینکه امضاکنندگان این بیانیه، متعلق به هر دو حزب ایالات متحده (دموکرات و جمهوریخواه) هستند. در میان این افراد، ۵۰ افسر نظامی بازنشسته و حداقل نام‌های چهار سفیر سابق ایالات متحده در اسرائیل (رژیم صهیونیستی) به چشم می‌خورد. این افراد با امضای این بیانیه، صدای خود را به گوش دونالد ترامپ رساندند، کسی که توافق هسته‌ای با ایران را «بدترین معامله» می‌داند. در این بیانیه گروهی تأکید شده که حفظ توافق هسته‌ای با ایران، بهترین تصمیم برای حفظ منافع ملی آمریکاست. در این خصوص دلایلی نیز ذکر شده و مورد بحث قرار گرفته است. برخی مواردی که در این بیانیه مورد تأکید قرار گرفته، عبارتند از:

۱- اهمیت موضوع نظرات‌های بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران توسط بازرسان سازمان‌های بین‌المللی. ۲- اینکه باقی‌ماندن ایالات متحده آمریکا در توافق هسته‌ای با ایران منجر به حفظ روابط و اشتراکات به شرکای اروپایی آن می‌شود. شرکای اروپایی آمریکا از برجام حمایت کرده و خواستار باقی‌ماندن کاخ سفید در آن هستند.

۳- خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران امکان دستیابی به توافق هسته‌ای با کره شمالی را از بین خواهد برد. حتی ممکن است پیونگ‌یانگ متعاقب خروج آمریکا از برجام با ایالات متحده مذاکره‌ای در این خصوص صورت ندهد زیرا لغو برجام این باور را در میان مقامات کمرای تقویت خواهد کرد که ایالات متحده توافق نامه‌های بین‌المللی را لغو می‌کند (و نسبت به تعهدات خود در حوزه معاهدات پایبند نیست).

در این بیانیه تأکید شده است که ترامپ باید تعهدات آمریکا نسبت به معامله هسته‌ای با ایران را حفظ کند تا با انجام این کار، قدرت مانور خود را در مواجهه با ایران و کره شمالی افزایش دهد. همچنین در این بیانیه تأکید شده است که آمریکا با خروج از برجام نفوذ خود را به عنوان یک رهبر بین‌المللی از دست خواهد داد و این

است، می‌تواند صداهای مخالف در خصوص خروج از برجام را مدیریت کرده و مانع از شنیدن آنها شود. «کلسی داون پورت» مدیر کل بخش عدم گسترش سلاح در انجمن کنترل تسلیحات در ایالات متحده آمریکا معتقد است: «انتصاب بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی دولت ترامپ، میخی است که بر تابوت برجام زده شده است. من فکر می‌کنم مهم است که اتحادیه اروپا، روسیه و چین و دیگر کشورها تلاش می‌کنند تا این معامله (برجام) را حفظ کرده و ارتباطات خود را با ایران در این خصوص حفظ کنند تا این معامله را با هم انجام دهند. عدم پایبندی ایالات متحده آمریکا به برجام، منجر به سرزنش این کشور خواهد شد و همچنین پیام خطرناکی را در خصوص گسترش سلاح‌های هسته‌ای مخابره خواهد کرد.»

در هر حال، اخیراً ملاقات‌هایی میان امضاکنندگان اروپایی برجام با مقامات وزارت خارجه آمریکا در برلین صورت گرفته است. در این ملاقات‌ها، دو خواسته اصلی ترامپ در خصوص برجام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ترامپ همواره بر سر عدم گنجانده شدن موضوع توان موشکی ایران در توافق هسته‌ای و عدم دائمی بودن محدودیت‌های برجامی ایران (به لحاظ زمانی) دولت اوباما را به چالش کشیده است. با این حال به نظر می‌رسد تغییری در برجام در کار نیست. سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه معتقدند که تغییر برجام عملاً با توجه به فضای حاکم در نظام بین‌الملل امکان‌پذیر نیست. این در حالی است که رئیس‌جمهور آمریکا بر اعمال تغییرات در توافق هسته‌ای با ایران اصرار می‌ورزد. «ما امید خود را در خصوص حفظ توافق هسته‌ای از دست داده‌ایم. او (ترامپ) می‌خواهد از توافق هسته‌ای با ایران خارج شود تا به یکی دیگر از وعده‌های خود در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا عمل کرده باشد.»

این سخنان را یک دیپلمات اروپایی در گفت‌وگو با گاردین عنوان کرده است. دونالد ترامپ در اظهاراتی خطاب به خبرنگاران آمریکایی عنوان کرده بود که میان وی و تیلرسون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، بر سر برجام اختلاف نظر وجود داشته است. تیلرسون معتقد بود که می‌توان توافق هسته‌ای را نجات داد، این در حالی است که مایک پمپئو جانشین وی چنین نظری ندارد. مقامات اروپایی (طی یکسال اخیر) احساس کردند که تیلرسون مشتاق همکاری با آنها برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران بوده و سعی کرده تا با پیدا کردن برخی راه‌حل‌های مشترک، مانع از لغو برجام شود. با این حال ترامپ احساس می‌کرد که تیلرسون مواضع وی را در مذاکره با سران اروپایی نمایندگی نمی‌کند، بلکه قصد دارد رئیس‌جمهور آمریکا را در این خصوص آواره کند!

«ما باید اول بتوانیم با مقامات اروپایی در این خصوص (برجام) به توافق دست پیدا کنیم. سپس این توافق به مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا و متعاقباً به رئیس‌جمهور ارائه خواهد شد تا تصمیم نهایی در خصوص برجام اتخاذ شود.» این سخنان را برابیان هوک، نماینده فعلی دولت ترامپ در کمیته مشترک برجام بیان کرده است. با این حال به نظر می‌رسد مایک پمپئو و جان بولتون حاضر به قبول پیشنهادات اتحادیه اروپا در راستای ممانعت از خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران نباشند. با این حال شاید یکی از بهترین فرصت‌ها برای نجات توافق هسته‌ای با ایران، ملاقات روسای جمهور ایالات متحده و فرانسه در کاخ سفید باشد. این ملاقات در ۲۴ آوریل امسال (قبل از پایان ضرب‌الاجل زمانی ترامپ) صورت خواهد گرفت و قرار است در این ملاقات امانوئل ماکرون و ترامپ در خصوص برجام با یکدیگر تبادل نظر کنند. ▶

منبع: گاردین

محرمانه‌های بن سلمان

چرا ولیعهد عربستان به اسرائیل سفر کرد؟

مترجم: سید عبدالعظیم موسوی

پژوهشگر مسائل خاورمیانه



برای ناظران سیاسی و پژوهشگران تعجب آور نبود زمانی که خبرگزاری فرانسه فاش کرد که شاهزاده سعودی بلندپایه که چند ماه پیش به تل آویو سفر کرده، ولیعهد این کشور، محمد بن سلمان بوده است. این امر در سایه اقدامات اخیر محور ریاض-ابوظبی برای عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر اسرائیل بهتر قابل درک است. با این حال، این دیدار اولین و تنها هماهنگی بین ریاض و تل آویو را نشان نمی دهد، بلکه این دو، تاریخی طولانی از همکاری و هماهنگی مخفی در حوزه های سیاسی، نظامی و اقتصادی را به خود شاهد بوده اند.

از لحاظ تاریخی باید توضیح داد زمانی که عبدالعزیز موفق شد کنترلش بر کل عربستان را بسط دهد به توصیه بریتانیا از حرکت به سمت اردن و فلسطین، که در آن زمان شاهد نبردهای سهمگینی میان نیروهای صهیونیستی موسوم به هاگانا و مردم فلسطین بودند اجتناب کرده و علاوه بر آن، عبدالعزیز برای به دست آوردن دل انگلیسی ها و یهودیان و پرهیز از هرگونه مواجهه با صهیونیست ها از تمام جزایر عربی مشرف بر خلیج عقبه چشم پوشی کرد.

اما انقلاب توسط افسران آزاد در مصر علیه ملک فاروق در سال ۱۹۵۲ منجر به ایجاد یک دشمن مشترک جدید برای عربستان و رژیم اسرائیل شد و آن دشمن مشترک کسی نبود جز جمال عبدالناصر که به نظام پادشاهی در مصر پایان داده و می رفت که به الگوی پادشاهی در سوریه، عراق و عربستان نیز پایان ببخشد. با این وجود همکاری عربستان و اسرائیل تا سال ۱۹۶۲، به تعویق افتاد. در آن سال، ۷۰ هزار سرباز مصری برای کمک به کودتای افسران جمهوریخواه علیه حکومت پادشاهی یمن شمالی وارد این کشور شدند در حالی که عربستان به شدت از حکومت پادشاهی یمن شمالی در مقابل نیروهای جمهوریخواه و مصری ها حمایت می کرد.

آنچه عربستان و اسرائیل را بیش از پیش به هم نزدیک کرد این بود که مصر در وضعیت نبرد با اسرائیل قرار داشت.

در آن برهه، عربستان تسلیحات پیشرفته ساخت اسرائیل را در اختیار قبایل یمنی طرفدار خود قرار داده و با هماهنگی کمال ادهم، داماد ملک فیصل، حریم هوایی خود را به روی هواپیماهای اسرائیلی گشود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ه ش و خلق فضای ایران هراسی از طریق مفاهیمی چون «صدور انقلاب»، دو رژیم سعودی و اسرائیل فرصت آن را یافتند تا بدون برقراری رسمی روابط دیپلماتیک، هماهنگی ها و همکاری های امنیتی را با محور مقابله با ایران در عالی ترین سطوح از سر بگیرند. اما سطح هماهنگی ها به مناطقی مانند لبنان، فلسطین و عراق و با آگاهی کامل ایالات متحده محدود باقی ماند حتی زمانی که عراق خاک کویت را هدف تهاجم قرار داد، سعودی ها دیدارهایی را با مقامات اسرائیلی در نیویورک انجام دادند و از آنها خواستند به حملات موشکی صدام حسین به سمت اسرائیل تا آزادسازی کامل کویت پاسخ ندهند. هدف آنها این بود که با این کار مانع از آن شوند که صدام بتواند با حمله به اسرائیل نزد افکار عمومی جهان عرب محبوبیتی کسب کند. روابط تجاری «مخفی» بین بازرگانان و افرادی از خاندان حاکم سعودی و اسرائیل بتدریج رشد کرده و حکومت عربستان در مقابل ورود برخی کالاهای اسرائیل مورد نیاز خود سکوت اختیار کرد. پس از حمله تروریستی به برج های دوقلوی منهتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مقامات سعودی و اسرائیلی بار دیگر خود را نیازمند هماهنگی بیشتر در سطح امنیتی یافتند از این رو، بندر بن سلطان مسئولیت این هماهنگی بین سرویس های امنیتی دو رژیم را برعهده گرفت. عربستان از این هماهنگی به عنوان فرصتی برای سرکوب معترضان شیعه در استان الشریقه و هرگروه دیگری استفاده کرد که می توانست متسبب به ایران باشد. این همکاری از طریق بندر بن سلطان و مایر داگان، رئیس وقت موساد با محوریت مقابله ایران به اوج خود رسید اما رسیدن باراک اوباما به قدرت در آمریکا و تحولاتی مانند انقلاب های عربی و برکناری داگان، از سطح همکاری امنیتی عربستان و اسرائیل کاست. با پایان موج اول انقلاب های عربی و شروع آنچه به

«انقلاب معکوس» معروف بوده و در قالب کودتای سیسی در مصر تجلی یافت، منافع امنیتی ریاض-تل آویو بار دیگر حول محور حمایت از دولت کودتا در مجامع بین المللی و پایتخت های غربی به یکدیگر نزدیک شد. اما توافق هسته ای ایران در سال ۲۰۱۵، که با ظهور و قدرت گیری محمد بن سلمان همراه شد، دو رژیم را متقاعد کرد که به بهانه مقابله با دشمن مشترک ایران، سرعت بیشتری به عادی سازی و رسمیت بخشیدن به روابط بدهند. بر همین اساس نیز، انور عشقی، مشاور سابق رئیس سازمان اطلاعات عربستان به اسرائیل سفر کرده و با مقامات صهیونیست از جمله بنیامین نتانیا هو و قائم مقام وزارت خارجه اسرائیل دور گولد دیدار کرد به گفت و گو و مذاکره نشست؛ رویداد مهمی که اولین در نوع خود نبود.

با این پیش زمینه هاست که محمد بن سلمان، دستور تاسیس لابی عربستان در آمریکا معروف به «ساراک» را به سلمان الانصاری، از شخصیت های مطرح سعودی در آمریکا داد. الانصاری تاکنون به کرات در رسانه های مطرح آمریکایی خواستار برگزاری جلسات میان لابی مذکور با شخصیت ها و مقامات و چهره های مطرح لابی صهیونیستی در آمریکا با هدف هماهنگی مواضع برای مقابله با ایران شده است. خواسته لابی فوق، ایجاد کانال های رسمی ارتباطی میان ریاض و تل آویو و عادی سازی روابط است.

عوامل نزدیکی عربستان و اسرائیل در دوره محمد بن سلمان

تا اینجای، هیچ تردیدی در خصوص اراده عربستان و اسرائیل برای توسعه بی سابقه روابط دوجانبه وجود ندارد، اما باید دید عواملی که موجب همگرایی هرچه بیشتر این دو می شوند، کدامند.

اول: همگرایی منافع در برخورد با برنامه هسته ای ایران: این امر، به عنوان عامل تحریک کننده فزاینده هماهنگی سیاسی بین تل آویو و ریاض عمل کرده است.

دوم: دیدگاه های مشترک عربستان و اسرائیل در خصوص «خطرات» انقلاب های عربی و رویدادهای مرتبط با آن: درک مشترک از خطرات ناشی از انقلاب های عربی موجب شد که اسرائیل و عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای عرب خلیج فارس در خصوص حمایت از کودتای عبدالفتاح سیسی در سال ۲۰۱۳، در مصر به توافق برسند. همان امر موجب شد تا دولت افراطی جناح راست در تل آویو به تلاش برای مشروعیت بخشی





پیونگ یانگ به دنبال خروج از انزوا است کودتای دیپلماتیک

مترجم: آزاده کشور دوست

روزنامه نگار

است. شاید بازی‌های المپیک زمستانی پیونگ چانگ و حضور ورزشکاران کره شمالی در این رویداد بتوان مقدمه‌ای برای آب شدن یخ روابط دو کره و متعاقب آن، پیونگ یانگ و واشنگتن دانست. دلیل دیگر، تلاش برای کسب اعتبار شخصی از سوی رهبر کره شمالی است. کیم جون که به تازگی دهه چهارم زندگی خود را آغاز کرده است، کاری کرد که نه پدر و نه پدربزرگش موفق به انجام آن نشده بودند. دعوت موفقیت آمیز از یک رئیس جمهور در قدرت آمریکا-فارغ از هر نتیجه‌ای که می‌تواند به دنبال داشته باشد-سند قدرتی است که برای همیشه در پرونده کیم جونگ اون خواهد ماند. دو بار پیش از این در گذشته کره شمالی به طور موقت مذاکره کرد اما در نهایت مذاکرات را رها کرد. در سال ۱۹۹۴ میلادی زمانی که بیل کلینتون در کاخ سفید بود چارچوب مورد توافق میان کره شمالی و آمریکا مورد تایید قرار گرفت که طبق آن قرار شد کره شمالی دست از برنامه هسته‌ای خود بردارد. چند سال پس از آن نیز در دوران ریاست جمهوری جورج بوش، پیونگ یانگ به مجموعه‌ای طولانی از مذاکرات معروف به مذاکرات شش جانبه شرکت کرد. در نهایت کره شمالی توافقنامه‌ای را برای پایان دادن به فعالیت‌های هسته‌ای اش امضا کرد اما نهایتاً و در عمل توافق را نادیده گرفت. اینکه واشنگتن به‌رغم این بدعهدی‌های کره شمالی بار دیگر حاضر به نشستن پای میز مذاکره با این کشور شده است، به خودی خود یک پیروزی برای پیونگ یانگ محسوب می‌شود. دلیل بالقوه دیگر، نگاهی به تاریخ و درس گرفتن کره شمالی از تحولات عراق و لیبی بود که باعث شد این کشور از ناکامی آمریکا در این دو پرونده که مانند کره شمالی متهم به استفاده از تسلیحات نامتعرف بودند، استفاده کند و اگر نتوان گفت از موضعی بالاتر، شاید در جایگاهی برابر در برابر حریف موهلایی خود مذاکره کند. کره شمالی به این نتیجه رسیده که بهترین سلاح‌ها را در اختیار داشته باشد و دو دستی به آن بچسبید. از طرف دیگر، مقام‌های واشنگتن نیز معتقدند که اعمال فشار تحریم‌ها، تهدید به جنگ و تحت فشار قرار دادن چین برای کاهش روابط تجاری با کره شمالی، باعث کشاندن پیونگ یانگ پای میز مذاکره شده است. تجارت با چین برای پیونگ یانگ بسیار مهمتر از فشارهای آمریکاست چرا که چینی‌ها شریک

دیدار قریب الوقوع «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا و «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی که بعد از چندین هفته تنش و تهدید جنگ رخ می‌دهد را می‌توان تعبیر این روایت مشهور از مارکس دانست که می‌گوید «این بار، تاریخ برای نخستین بار در قالب یک مضحکه چهره خود را نشان می‌دهد.» این دو رهبر آتشین که تا همین چند ماه پیش با صفاتی مانند «پیر خرفت یاوه گو» و «مرد موشکی» یکدیگر را خطاب می‌کرده و تهدید می‌کردند که با موشک و تجهیزات هسته‌ای خاک طرف مقابل را هدف قرار خواهند داد، اکنون پذیرفته‌اند که در چارچوب مذاکرات صلح در برابر یکدیگر بنشینند، به چشمان هم خیره شوند، احتمالاً با یکدیگر دست بدهند و سپس مذاکره کنند؛ هر چند «رکس تیلسون» وزیر خارجه برکنار شده آمریکا میان دو واژه «مذاکره» و «گفت‌وگو» تفاوت ماهوی قائل شده و تصریح کرده بود که دونالد ترامپ تصمیم دارد با کره شمالی گفت‌وگو کند و نه مذاکره. با همه اینها، مضحکه به تازگی ارجحیت دارد و بعد از هشدارهای آتش و خشم، این شانس که تقابل بین دو طرف حداقل به تعویق بیفتد، نیز مورد استقبال است. هرگونه پیشرفتی در یک توافق صلح جایگزین، یک پیروزی حقیقی خواهد بود. ولی دشوار است که بتوان این چشم‌انداز را چندان جدی گرفت و احتمال رخ دادن اشتباه در این مسیر، بسیار پررنگ می‌نماید. اما اکنون این پرسش مطرح می‌شود که دلیل این چرخش یکباره چیست؟ چرا کیم بعد از آن همه تهدید، برای رئیس جمهوری آمریکا پیام دعوت فرستاد و دلیل پذیرش این دعوت از سوی ترامپ چه بود؟ بسیاری از تحلیلگران معتقدند که این کودتای دیپلماتیک کره شمالی بوده‌اند آمریکا.

شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل این مساله را بتوان تلاش کره شمالی برای خروج از انزوا دانست. کیم جونگ اون جوان که کشورش با موجی از تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و غیر از چین در میان همسایگان خود نیز مطرود است، از فرصت روی کار آمدن یک رئیس جمهوری مددی مزاج و غیرقابل پیش‌بینی استفاده کرده

بین‌المللی برای دولت جدید قاهره و ریاض و دیگر پایتخت‌های عربی به تامین کمک‌های مالی و سیاسی برای عبدالفتاح السیسی در مصر اقدام ورزند. «روابط نزدیک عربستان و اسرائیل به دلیل عوامل مرتبط با همگرایی منافع و ملاحظات شخصی بن سلمان است.»

سوم: دو طرف، تعریف مشابهی از «تروریسم» را مبنای همکاری قرار داده و آن را متبلور در تهدید ناشی از اسلام سیاسی و گروه‌های جهادی می‌دانند؛ اقدام عادل الجبیر در خواندن حرکت حماس به عنوان سازمانی تروریستی با وجود اینکه هیچ خصومتی با عربستان ندارد، شاهدهی بر این ادعا است. عربستان حزب الله لبنان که یک گروه مقاومت بوده و تنها مبارزه با رژیم اسرائیل را مدنظر دارد نیز به عنوان گروهی تروریستی معرفی کرده است. **چهارم:** نزدیکی مواضع دو طرف در بحران سوریه، عامل دیگری برای همگرایی عربستان و اسرائیل است؛ هر دو هم ریاض و نیز تل‌آویو نسبت به آنچه رشد نفوذ ایران در سوریه می‌خوانند، به شدت هراسناک هستند، اگرچه تمایل اسرائیل به تشکیل دولت خودمختار کردی در شمال شرق سوریه به وضوح در تضاد با اهداف ترکیه است اما بازدید نامر السهبان، وزیر سعودی از رقه آن هم پس از ورود نیروهای سوریه دمکراتیک (قسد) به این شهر، حاکی از نزدیکی رویکرد عربستان و اسرائیل در موضوع کردی است.

پنجم: به نظر می‌رسد محمد بن سلمان، عزم و اراده جدی دارد که قدرت را در عربستان سعودی به دست گرفته و همچنان به چتر حمایتی آمریکا برای این کار نیامد است. از این رو، گسترش روابط با اسرائیل و با لابی صهیونیستی در آمریکا، می‌تواند هر دولتی در آمریکا را مجاب به حمایت از بن سلمان کند.

ششم: ترس عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از احتمال کاهش نقش ایالات متحده در خاورمیانه به خصوص در دوره پساداعش و تنها ماندن این کشورها در رویارویی با آنچه خطر فزاینده نفوذ منطقه‌ای ایران می‌خوانند، مضاف بر علت است برای اینکه عربستان سعودی به روابط با رژیم اسرائیل به عنوان اتحادی جهت مقابله با آمریکا برای مقابله با ایران در شرایط هرگونه کاهش حضور آمریکا در خاورمیانه نگاه کند.

هفتم: وابستگی عربستان سعودی به برخی تکنولوژی‌ها و تسلیحات نظامی اسرائیل عامل دیگری است که نباید از آن غفلت شود؛ مجله «دفاع اسرائیل» اخیراً افاش کرد که شرکت صنایع نظامی اسرائیل معروف به «الیپیت»، بسیاری از محصولات خود را به عربستان سعودی صادر می‌کند. با وجود شرط بندی اسرائیل و عربستان بر تحقق منافع مشترک از طریق روابط دو جانبه، اما نهادهای ارزیاب استراتژیک در تل‌آویو پیش‌بینی می‌کنند که آینده سوددهی این روابط به شدت متزلزل است. دلیل این امر نیز، موقعیت نامشخص محمد بن سلمان است.

نتیجه گیری

شواهد حاکی از آن هستند که عربستان و اسرائیل دو محور جدید برای تقابل با ایران در ابعاد مختلف را تشکیل داده‌اند. اسرائیل مستول مقابله با ایران در محور شامات یعنی در سوریه و لبنان و عربستان شمشیر جنگ با ایران در حوزه خلیج فارس و در مناطقی مانند عراق را به دست گرفته است. آنچه مدنظر این تقابل است شکل دهی دو محور یا مجموعه امنیتی علیه ایران در منطقه است، نکته جدید در تقابل فوق، ورود آشکار عربستان به عرصه تقابل با ایران بوده اگرچه شاید تمایلی به رویارویی مستقیم نظامی نداشته باشد اما ترجیح می‌دهد از طریق شرکایی مانند اسرائیل و همراهی دولت تندروی آمریکا این امر محقق شود. ▶

منبع: سایت قطری «العربی الجديد»



جوانک ماجراجو

تحلیلی بر مصاحبه اخیر محمد بن سلمان با مجله تایم

روند برای غربی‌ها دیگر قابل قبول نیست. اینکه مثلاً ندانی تا سفر بعدی رئیس‌جمهور آمریکا یا انگلیس به عربستان، پادشاه فعلی سعودی زنده خواهد ماند یا اینکه همانند سلطان پیشین، به خاطر کهولت سن به دیار باقی خواهد شتافت؟ غرب عمل‌انمی توانست تصویر درستی از آینده برنامه‌هایش در ریاض داشته باشد. تغییر مداوم پادشاه‌ها و بی‌ثباتی مدیریتی به علاوه تحولات سال‌های اخیر منطقه، و واشنگتن را برای یک جراحی بزرگ در عربستان مصمم تر کرد. حالا دیگر وقتش بود تا جوانی تابع، رام و سازگار، با طول عمر بیشتر برای آینده عربستان انتخاب شود. با صندوق رای و انتخابات آزاد که ناآشناترین واژه‌گان در ادبیات سیاسی این کشور است نمی‌شد کار را پیش برد و مهم‌تر از همه اینکه دلیلی نداشت آمریکایی‌ها خانواده سلطنتی آل سعود را به خاطر چیزی که خودشان هم به آن چندان اعتقادی ندارند عصبانی و ناراحت کنند. خطرناک‌تر اینکه همیشه هم خروجی صندوق‌های رای به نفع آمریکا نبوده خاصه در غرب آسیا. لذا شیوه پادشاهی موروثی باید حفظ شود اما شورا، انتخاب و لیبعد را با نظر آمریکا به پیش برد. همه چیز از قبل هماهنگ شده بود. اختلافات و صدا‌های مخالف به شیوه آمریکایی-عربستانی خفه شد و در نهایت «محمد بن سلمان» با بالاترین رای در تاریخ عربستان سعودی و با ۳۱ رای از ۳۴ رای اعضای «شورای بیعت»، به عنوان ولیعهد جدید انتخاب شد. فراموش نکنیم که بیشترین رای ولیعهد قبلی عربستان ۲۲ رای بوده و این یعنی واقعا واشنگتن برای این جوانک سنگ تمام گذاشته و کارش را تمیز و بی‌نقص تا اینجا بازی پیش برده است.

کلیدکاخ پر هزینه سفید، دو سالی است که به دست یک سوداگر پول پرست افتاده که اکنون لقمه‌ای چرب‌تر از جوانک منطقه ما نمی‌شناسد. تازه ترامپ از دست بقیه دوستانش عصبانی است که چقدر دل‌رحم هستید در چاییدن این بچه «خر پول» سعودی. حالانوبت اوست که

رضا گنجی

تحلیل گر مسائل بین‌الملل

همه‌ما در خاطرات کودکی‌مان، در مدرسه یا در محله، بعضاً جوانک خام و پخمه و دنگل و کم‌هوش و نادانی را به خاطر داریم که پدری متمول و دارا داشت با پول تو جیبی جزیل. آن پسرک، جان‌می‌داد برای چاییدن و واواشتن‌اش در پرداخت هزینه خوراکی‌ها و تفریحات بچگی‌مان. اگر همبازی منصف و معقولی بودیم، دل‌مان برای این همه پخمگی و سادگی می‌سوخت و اگر بدسرشت و بدذات بودیم که هیچ، با سر افتاده بودیم در جام غسل. هر روز برای پولش نقشه می‌کشیدیم و... آن پسرک هنوز در محله ما هست. فقط مانده‌ام که چرا بزرگ نمی‌شود؟ چرا هنوز راحت فریب می‌خورد؟ چرا لذت می‌برد از این همه فریب خوردن؟ وزیر امور خارجه ایران، آقای محمدجواد ظریف که گویا این جوانک منطقه ما را به خوبی می‌شناسد، در جدیدترین پیامش در فضای مجازی اظهار داشت که «همچنان، دوشیدن بی‌کم و کاست ادامه دارد». ایشان پیش‌تر در توثیتی گفتند: «برخی از اینکه دیگران را بدوشند ذوق‌زده می‌شوند، برخی دیگر حتی شادمان‌ترند که دوشیده می‌شوند.» «محمد بن سلمان» بن عبدالعزیز آل سعود فرزند ملک سلمان پادشاه کنونی عربستان سعودی که کمی بیش از سه دهه از عمرش را سپری کرده، به صورت ناگهانی طی سال‌های گذشته بیشترین سمت‌های حاکمیتی را در عربستان، مملکت پیرمردها، تحت اختیار خود گرفته و به فاصله‌ای اندک و در ۲۹ آوریل ۲۰۱۵ به دستور پدر، نخست به عنوان جانشین ولیعهد و معاون دوم و در نهایت به تاریخ ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ به عنوان ولیعهد جدید عربستان و معاون شورای وزیران انتخاب شد. این داستان پادشاهان همیشه پیر و فرتوت عربستان تبدیل به یک طنز سیاسی شده است. این

اصلی اقتصادی آن کشور محسوب می‌شوند. از طرف دیگر، از مهم‌ترین دلایلی که آمریکا حاضر به مذاکره با پیونگ‌یانگ شده است، موقعیت جغرافیایی کره شمالی و قرارگرفتن در میان حصار از هم‌پیمانان واشنگتن است. هرگونه درگیری فیزیکی و نظامی می‌توانست موقعیت ژاپن و کره جنوبی و حتی چین را تهدید کند، بنابراین دست واشنگتن برای اقدام نظامی علیه کره شمالی بسته‌تر می‌شد. همچنین این کشورها از استفاده پیونگ‌یانگ از تسلیحات هسته‌ای برای مقابله با آمریکا به شدت در هراس بودند. با همه اینها، کارشناسان سیاسی که معتقدند اکنون زمان مناسبی برای چنین دیداری نیست، اندک نیستند. «رابرت کلی» استاد دانشگاه ملی «پوسان» در این باره گفته است: «دیدار ترامپ با کیم جونگ اون در شرایط فعلی بسیار پرریسک است چرا که ترامپ دانش سیاسی اندکی درباره کره شمالی و سیاست پیچیده این کشور دارد. همه ما می‌دانیم که او بسیار کم مطالعه می‌کند و عمده وقت خود را به تماشای تلویزیون می‌گذراند. از طرف دیگر، بعد از روی کار آمدن «جان بولتون» به عنوان مشاور امنیت ملی ترامپ، اوضاع از قبل هم ناایمان‌تر شده است. در مقابل، دولتمردان کره شمالی از مدت‌ها قبل در حال بررسی این موضوع هستند و درباره تمامی جزئیات آن مطالعه کرده‌اند. آنها با دست‌پروا برای برد پای میز مذاکره می‌آیند.» او ادامه داد: «نخستین چشم‌اندازی که از نشست سران آمریکا و کره شمالی که احتمالاً اواخر ماه می یا اوایل ماه ژوئن برگزار می‌شود، این است که کیم جونگ ۴۰ دقیقه درباره جنایت‌های واشنگتن در جریان جنگ کره سخنرانی می‌کند و پرسش این است که آیا ترامپ می‌تواند تحمل کند و به این سخنرانی گوش کند؟ از طرف دیگر هنوز مشخص نیست که آیا جان بولتون که خواستار استفاده از گزینه نظامی علیه کره شمالی شده است، در اتاق مذاکره حاضر خواهد بود یا خیر؟

«مایکل جی گرین» استاد دانشگاه «جورج تاون» و معاون رئیس مرکز آسیایی مطالعات استراتژیک و بین‌المللی نیز با تاکید بر اینکه ترامپ هنوز آماده دیدار با رهبر کره شمالی نیست، گفت: «اگر ترامپ مدیریت بهتری در قبالت حقایق کره شمالی نشان می‌داد، چشم‌انداز این دیدار، کمتر نگران‌کننده بود. روند دیدار با مقام‌های پیونگ‌یانگ، تله‌های زیادی به همراه دارد. رهبران کره شمالی از دهه‌ها قبل تجربه مقابله با محدودیت‌هایی که از جانب شورای امنیت و برخی همسایگان آسیایی اعمال شده را دارند و فراز و نشیب‌های دیپلماتیک را به خوبی می‌شناسند. این مساله در مورد برخی از دیپلمات‌های آمریکایی نیز صدق می‌کند ولی مشکل اینجا است که این متخصصان کارکنسته، در نشست با مقام‌های کره شمالی حضور نخواهند داشت. مساله مهم بعدی درخواست‌هایی است که دو طرف در این نشست از یکدیگر مطرح خواهند کرد. در حالی که آمریکا پیش از این حضور خود در این نشست را به پایان فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی گره زده بود، اما به نظر می‌رسد همچنان این دیدار برای ترامپ ماجراجو بیشتر از آن باشد که بخواهد روی این مساله پافشاری زیادی داشته باشد. از طرف دیگر، درخواست برای برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در کره جنوبی و لغو آزمایش‌های مشترک واشنگتن و سئول، از مهم‌ترین درخواست‌های بالقوه کره شمالی خواهد بود.» به گفته کلی، چند هفته بیشتر به این دیدار نمانده است و ترامپ باید کارهای زیادی به منظور آماده شدن برای حضور در اتاق مذاکره انجام دهد؛ کاری که با توجه به شخصیت ترامپ، انجام آن دور از ذهن به نظر می‌رسد. ▶

منبع: گاردین

ملی اش، در درازمدت به سود منطقه و جهان اسلام خواهد بود. این نزدیکی بی شک می تواند بخشی از رفتارهای زمخت عربستان را مهار و یا کاهش دهد. حاکمان حال حاضر آل سعود به سان جوان خام و سرکش و جاهلی رفتار می کنند که بهترین سیاست، کم کردن آسیب هاست. ایران چه بخواند و چه نخواهد با عربستان در یک منطقه زندگی می کند و همسایه هم هستند و اکنون تهران باید بپذیرد که با همسایه کم خردی روبرو است که الزاماً نزاع هر روزه، چاره کار نیست. شاید حذف گروه های تکفیری جهادی به قیمت کشتن مسلمانان بیشتر یا نفوذ بیشتر در منطقه با قربانی کردن عربستان و دیگر کشورهای اسلامی برای آمریکایی ها راحت باشد اما برای ایران که خواهان مدیریت بر دنیای اسلام با لحاظ شأنیت و حفظ حرمت جان مسلمانان است، تصمیمی سخت خواهد بود. باید از جنگ پرهیز کرد. مهم نیست که پایتخت ها صرفاً در رسانه ها مدعی عادی سازی روابط در صورت رفتار معقول طرف مقابل باشند، مهم باور این مطلب و برداشتن گام های اساسی و جدی در کم کردن هزینه هاست. همان قدر که ریاض لیستی بلند از رفتارهای خصمانه ایران علیه کشورش دارد و در رسانه ها و محافل دیپلماتیک ارائه می دهد، تهران نیز قادر به انتشار لیستی به مراتب بلندتر و مفصل تر، از خصومت ها و شیطنت های آل سعود ضد کشورش است. افزون بر این، بر کسی پوشیده نیست که خطر سیاست های غلط ریاض، در درازمدت آسیب های جدی بر جهان اسلام وارد خواهد کرد و چه چیز بدتر از اینکه آل سعود اکنون تبدیل به اسب تروای غرب در قلب جهان اسلام شده است؟

وقتی کسی یک شبه و بادکنکی به قدرت می رسد، باید منتظر پریشان گویی و توهمات و خودبزرگ پنداری اش هم باشید. معلوم است که سرزیر شدن آن همه تسلیحات نظامی از سوی آمریکا و انگلیس، این جوان سعودی را دچار توهم می کند. در این بین، کلی رفیق اجاره ای و بند کیفی هم از این طرف و آن طرف پیدا می شوند و برای بیشتر چاپیدن، سیاست هایش را تایید می کنند. حالا مگر می شود به همین آسانی، از چنین حاکمی آن هم از نوع خام و ناپخته اش، انتظار اظهار نظرهای معقول و رفتار مقبول داشت؟ بن سلمان سخت دلش را به دست آمریکا که اکنون بر شانه اش قرار دارد خوش کرده است و گره های اقتصادی ایجاد شده بین دو کشور و دیگر کشورها را تضمینی برای یک حمایت همیشگی و باثبات می داند. فقط سنش خیلی کمتر از آن است که داستان رابطه محمد رضا پهلوی با آمریکایی ها و غرب را به خاطر آورد، وقتی که رئیس جمهور آمریکا از جزیره تبت برای شاه ایران سخن می گفت و... بن سلمان در مصاحبه اش، ایرانیان را علت مشکلات منطقه می داند اما معتقد است که آنها تهدید بزرگ به حساب نمی آیند، هر چند اگر مراقبت و رصد نشوند قابلیت تبدیل شدن به یک تهدید بزرگ را دارند. او ادعا می کند که ایران حتی در غرب آسیا هم دارای وزن اقتصادی مناسب نیست و در بین پنج قدرت بزرگ اقتصادی منطقه، رتبه ای به مراتب پایین تر از عربستان، امارات، مصر، ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی داراست. فرزند ملک سلمان حتی در بخش نظامی هم ایران را پایین تر از پنج کشور نخست نظامی منطقه ارزیابی می کند و معتقد است که کیفیت تجهیزات نظامی ایران به مراتب پایین تر از تسلیحاتی است که عربستان در اختیار دارد. بن سلمان رفتن به سمت سلاح اتمی را مشروط به زمانی کرد که ایران رسماً دستیابی به بمب اتم را اعلام کند چرا که قبل از آن به باور او، ریاض با ظرفیت دفاعی موجود، قادر به دفاع از خود است و نیازی به سلاح اتمی ندارد.

به نظر بن سلمان در هر کشمکش منطقه ای و در هر کشور بی ثبات، جای پای ایران پیدا است، در عراق، در سوریه، لبنان، یمن و... اما در مقابل هر جا که ریاض حضور دارد و تهران قدرت دخالت ندارد، ثبات در آن کشور

با خانواده ترامپ و تیمش گفت و اینکه روابط عربستان با اعضای کنگره از هر دو حزب، خوب است و دولتش علی رغم بعضی اختلافات با دولت او با ما در خصوص ایران و منطقه، همچنان متعهد به تعامل با همه کسانی است که دولت آمریکا را نمایندگی می کنند. او اشتراک منافع بین آمریکا و عربستان را ۹۹ درصد و اختلافات فی مابین را تنها یک درصد می داند. اینکه چرا رسانه ها تنها درباره این یک درصد اختلاف صحبت می کنند باعث ناراحتی اش می شود.

بن سلمان رتبه عربستان در بخش آموزش را ۴۱ می داند، در حالی که کشوری چون فرانسه دارای رتبه ۴۰ در لیست است. او آرزومند است که با اعمال تغییرات در نظام آموزشی کشورش، رتبه ای بین ۳۰ تا ۲۰ را در سال های آتی کسب کند. از دید او کاری که عربستان در طول سه سال گذشته برای «آموزش» کرده، برابری می کند با ۳۰ سال کاری که در این زمینه در کشورش صورت گرفته است. روایت عربستان سعودی از اسلام همیشه بحث برانگیز بوده و اغلب عالمان دینی و سیاستمداران عالی رتبه با دیدگاه مستقل و معقول، عامل اصلی پیدایش رادیکالیسم دینی و گروه های تروریستی تکفیری در منطقه و حتی افراطی گری در دنیا را به خاطر همین نگاه دینی آل سعود می دانند. این تعریف اصلاً به مذاق ولیعهد خوش نمی آید و معتقد است که بر عکس، ما برای ارائه چهره ای لطیف و معقول از اسلام راه طولانی و سختی را پشت سر گذاشته ایم، مردم را از پرستش درخت خرما برای صاحب فرزند شدن به سمت خداپرستی سوق دادیم، تجارت و مشارکت های اجتماعی زنان را تسهیل کردیم، او قوانین کشورش را مشتق از قرآن و سنت پیامبر می داند و منکر و هابیت در عربستان سعودی است. ولیعهد بر این باور است که ایده و هابیسیم توسط دو طیف ترویج می شود. نخست آنها که مخالف هر پدیده نو هستند و خواهان ماندن ما در اعتقادات کهن اند و دیگری ایران که به دنبال منزوی کردن عربستان از کل منطقه با این ادعا که نظام عربستان بیرون داد فرقه ای خاص به نام هابیت است. بن سلمان موفقیت برنامه هایش در طول سه سال قبل را به خاطر حمایت های مردم کشورش می داند، در حالی که به باور او اگر این حمایت ها نبود، انجام همین اندازه از اصلاحات، به ۱۰ سال زمان نیاز داشت. به ادعای او، اعضای خانواده سلطنتی در این راه با او همراه بوده و به ولیعهد منتخب با تمام توان کمک می کنند. خبرنگار «تایم» هیچ سوالی درباره وجود اختلافات شدید در خانواده سلطنتی آل سعود از بن سلمان نمی پرسد و تمایلی هم به دانستن دلایل آن همه بازداشت ها و سرکوب های درون فامیلی ندارد. گویا توافق «تایم» با ولیعهد بر این بود که سیمای این متحد ۸۰ ساله با آن همه پول های که با خود آورد، دچار خراش نشود. هی کردن و کلنجار رفتن و ستیز با حاکمی که دارد خودش به آرامی و از سر رضایت شیر می دهد از ذکاوت به دور است. دشمنی آل سعود با ایران بخصوص بعد از روی کار آمدن محمد بن سلمان، عریان تر از هر زمانی دیگر خودنمایی می کند. یکی از ماموریت های مشخص و تعریف شده آمریکایی ها و صهیونیست ها برای ولیعهد جوان، مهار نفوذ ایران در منطقه و زدن بازوهای حمایتی تهران است. بقای بن سلمان در حاکمیت، با به ثمر رساندن این ماموریت گره خورده است و او باید همه توانش را در این راه به کار بندد.

بی شک مدیریت رفتارهای این جوان سعودی برای تهران آسان نخواهد بود. شاید بهترین شیوه، دور نگه داشتن بدنه جهان سنی، در سطوح مختلف، از تفکرات رادیکالی و بعضاً واداده عربستان باشد. همچنین محافظت از این دیدگاه که عربستان همواره یک ظرفیت برای جهان اسلام است، روبرو کردی است که تهران را از دیگر جهت گیری ها نسبت به عربستان متمایز می کند. تلاش ایران برای برقراری ارتباط با عربستان با حفظ عزت و منافع



از این نم به هر شکل ممکن برای آمریکا کلاهی بدوزد. در ماه مارس ۲۰۱۸ محمد بن سلمان به آمریکا می رود تا در قالب چندین قرارداد نظامی و غیر نظامی دوشیده شود و ایضا یک تشکر جانانه از پدر خوانده خود، ترامپ، به عنوان اصلی ترین حامی اش در آینده سیاسی عربستان بکند. سلمان در دیدار اش از روابط طولانی دو کشور می گوید و اینکه عربستان قدیمی ترین متحد آمریکا در منطقه است. یک اتحاد ۸۰ ساله با منافع مشترک در بخش های سیاسی و اقتصادی و امنیتی. برای ترامپ دوستی با این جوانک یعنی ایجاد چهل هزار شغل جدید برای شهروندان آمریکایی و پیگیری سیاست های منطقه ای کشورش با ریال های عربستانی، بدیهی است که با این همه سرمایه گذاری و خریدهای کلان نظامی، یک لیخنند بزرگ بر لبان ترامپ نقش بندد و از این جوان به عنوان یک «دوست خوب» نام برد. مهم نیست که «سی ان ان» یا دیگر رسانه های آمریکایی بگویند که محمد بن سلمان از رفتارهای «دونالد ترامپ» در نشست خبری با رئیس جمهور آمریکا احساس حقارت کرد. مهم میلیاردها دلار پولی است که از جیب عربستان سعودی، به عنوان یک کشور اسلامی ربوده شد و به نظام سرمایه داری آمریکا تزریق شد. همه می دانند که ترامپ هنگامی برای کسی ارزش قائل می شود که کسب و کارش رونق پیدا کند. بن سلمان تنها بخشی از بازی تبلیغاتی ترامپ است و حتی حق هم ندارد از اینکه با او چنین رفتاری شده ناراحت باشد و این ناراحتی اش را عیان کند. مجله «تایم» در سفر اخیر بن سلمان به آمریکا، مصاحبه ای یک ساعته با او ترتیب داد تا مخاطبانش را بیشتر با برنامه های ولیعهد عربستان آشنا کند، به او سایز و وزن بیشتری در افکار عمومی جهان و منطقه بدهد و از طرفی، غیر مستقیم یک بار دیگر به او گوشزد کند که بدون آمریکا حمایت های واشنگتن، حکومت و سلطه اش سست تر از آن است که خود می پندارد. بن سلمان هم در این مصاحبه تمام زورش را از تا چهره ای مدرن از خود و کشورش ارائه دهد و به کاخ سفید اطمینان دهد که روی خوب آسیبی شرط بندی کرده اند. او در آغاز مصاحبه از دوستی نزدیکش

ساخت ایران

چرا باید از تولید کالای ایرانی حمایت کنیم؟



◀ آرمان خالقی

قائم مقام دبیر کل و عضو هیأت مدیره خانه صنعت معدن و تجارت ایران

در پی طرح جدی تر موضوع حمایت از کالاهای ایرانی توسط مقام معظم رهبری که تحت عنوان نام سال ۱۳۹۷ صورت پذیرفته است و مباحثی که در این خصوص از ابتدای سال جاری مطرح شده، قاعدتا تا پایان سال جاری تمرکز مباحث توسط اندیشمندان، صاحب نظران و فعالان عرصه اقتصاد و سیاست روی این موضوع انجام خواهد پذیرفت و فرصتی را ایجاد خواهد کرد که ابعاد این موضوع تحلیل شده و پس از نقد و بررسی تمام ابعاد و جوانب این موضوع توسط این افراد، راهکارهای عملیاتی استخراج و دستور کار کشور قرار گیرد.

سیر نام گذاری سال های گذشته توسط رهبر معظم انقلاب و بررسی آن به مان نشان می دهد که این نام گذاری ها در امتداد تحقق و دستیابی به اهداف افق چشم انداز ۱۴۰۴ که ایران را کشوری توسعه یافته و پیشرو در سطح منطقه متصور گردیده، قرار داشته و ابعاد و اهمیت اقتصاد در نیل به توسعه کشور از آن چنان قابلیت ها و ویژگی هایی برخوردار است و شاید آن قدر کارهای بر زمین مانده و ناتمام وجود دارد که می بایست توجه مان را به طور حدا کثری روی مسائل اختصاصی متمرکز کنیم.

حال که می توان گفت موضوع اقتصاد مقاومتی در کشور تبدیل به یک دیدگاه و یک رویه سیاست گذاری شده و مورد اقدام در مسیر فعالیت های اجرایی، قانون گذاری و برنامه ریزی در کشور قرار گرفته است و اهمیت توجه به تاب آوری اقتصاد کشور در کانون توجهات قرار گرفته است، گام بعدی در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی حمایت از کالای ایرانی است، چرا که محوریت اقتصاد مقاومتی بر تقویت ارکان تولید کشور قرار دارد و به عبارتی دیگر تولید محور توسعه است و این باید به یک باور عمومی و یک اعتقاد راسخ برای مردم و مسئولین کشور تبدیل شده و بید پیگیری شود.

آنچه از مباحث طرح شده از ابتدای سال برمی آید، برخی از فعالان اقتصادی و سیاسی کشور، بیشتر توجه خود را به موضوع خرید کالای ایرانی معطوف داشته اند، ولی این تمامی موضوع نیست و نباید خلط مبحث شود. اصل این رهنمود و شعار سال عبارت «حمایت از کالای ایرانی» است نه صرفا خرید کالای ایرانی و باید مراقبت شود که در این زمینه دچار اشتباه برداشت نشویم.

اینکه خرید کالای ایرانی یکی از مباحث اصلی حمایت از کالای ایرانی است و چه نیکوست که مردم کشور نسبت به خرید محصولات ساخت ایرانی با تعصب برخورد کنند، موضوعی انکارناپذیر و بسیار حائز اهمیت است.

باید توجه داشته باشیم سال های سال در پستوهای ذهنی ما این باور غلط رسوب کرده که آنچه ساخت کشورهای خارجی به ویژه کشورهای غربی و کشورهای توسعه یافته صنعتی است، از مرغوبیت و مطلوبیت برخوردار است و فرهنگ مصرف عامه مردم بر این مبنا قرار گرفته که خرید کالای خارجی برابر است با کالای مطلوب و

بشار اسد ندارند. هنوز دقیق نمی دانند با داعش باید چه بکنند. از حل بحران یمن عاجزند و... ولیعهد به تاییم گفت که بزرگترین اشتباه کاخ سفید لشکرکشی به افغانستان و عراق بود و الان هم بزرگترین اشتباهش بی شک خارج شدن از سوریه است چرا که این عقب نشینی باعث قدرت ایران و نفوذ بیشتر تهران در دمشق، بیروت و بغداد خواهد شد. حق با اوست. ایران در لحظه فرصت ها را شکار می کند.

باید پذیرفت که شرایط منطقه به گونه ای است که برخلاف قبل نمی شود برایش برنامه های پنج ساله یا ۱۰ ساله یا بیست ساله طراحی کرد. هر کس صبح به میزانی که هزینه بکند، هوش به خرج بدهد، سیاست بکار ببندد، توانمند باشد و... بهره خودش را از اتفاقات منطقه ای می برد. این شرایط برای ایران، آمریکا، روسیه، ترکیه، اروپا، چین و دیگر کشورهای صاحب نفوذ در غرب آسیا مساوی است. همه بازیگران، اتاق فکرشان را ۲۴ ساعته کردند تا عقب نمانند از رویدادهای لحظه ای و تصمیماتی که بعضا باید آنی گرفته شود. القوه، عربستان بعد از ساقط شدن طالبان در افغانستان و ختم حاکمیت مطلق سنی ها در عراق و باز شدن میدان بازی برای ایران در این دو کشور، اخم هایش برای ما بیشتر شده است. انقلاب های عربی و دفاع ایران از این جنبش ها که سرنگونی حاکمان همسویا ریاض را در پی داشت، باعث خشم آنها شد. حماقت بزرگ غربی ها و سعودی ها نه ساقط کردن دو دشمن دیرینه ایران در مرزهای شرقی و جنوب ایران و نه ایجاد زمینه های نفوذ و بی عدالتی در توده عرب که به انقلاب های عربی منجر شد، که سکوت در برابر جنایات و بیشروری داعش بود. ایران هرگز به میزانی که بعد از ماجرای داعش دلیل و بهانه برای حضور مستقیم در کشورهای عربی، سنی و شیعه نشین پیدا کرد تا قبل از آن نمی توانست به آسانی راه ورودش به این کشورها را با این وسعت هموار ببیند. پس باید با همه مصیبت هایی که پیدایش داعش برای منطقه و ایران داشت، این فرصت به دست آمده را یک امتیاز برای تهران لحاظ کرد. امتیازی که سعودی ها و دوستان آن سوی آبی شان با یک حرکت غلط سیاسی برای ایران به ارمغان آوردند. این طبیعی است که سعودی ها با هزینه فراوان و با استخدام رسانه های متعدد درصدمت مهم کردن ایران در موضوع یمن باشند.

راه اندازی شبکه ها و اجاره رسانه های متعدد در این مقطع زمانی از اولویت های ریاض است و تهران باید در رسانه ها متهم اصلی اغتشاشات و نا آرامی های منطقه ای معرفی شود تا مداخلات نظامی و اطلاعاتی آنها معقول به نظر برسد. منفعل عمل کردن ایران در این بخش خسارات جبرانناپذیری را به دنبال خواهد داشت. دخالت ایران در سطحی که آنها در رسانه ها جار می زنند به دور از واقعیت است. آنها خود در خلوت به این موضوع واقفند اما دشمن ها معمولا تعهدی به بیان واقعیت ندارند، آنها باید با همه ابزارها و تکنیک ها برای مقصود خود استفاده کنند. هر چه دشمن و دشمنی پلیدتر باشد، خصومت و پلشتی درشت تر بروز می کند. ایران دیگر نمی تواند از کشوری چون عربستان با توجه به آنچه در یمن و منطقه می گذرد یک رفتار معقول را مطالبه کند، تهران تنها می تواند آسیب های احتمالی را مهار و در مقابل، تکنیک های منطقه ای را برای این منظور به کار ببندد. حریف هم اکنون سخت به دنبال کشتن سربازان ایران نه در زمین واقعی جنگ عراق و سوریه و لبنان و یمن و غیره که درصدد کشتن انگیزه مدافعان واقعی بیش ایرانی در بستر رسانه ای است. جوانک داستان مان که در ابتدا صحبتش بود را فراموش نکرده اید؟ همه به وقت تاراج، نیش شان تا بنا گوش برایش باز بود اما هیچ کس مشتاق نبود که در خلوت از آن یادی کند یا در جمع دوستان جان، از رفاقت با او بگوید یا به آن دوستی افتخار کند. باید به پسرک تپل و سادّه محله مان کمک کنیم تا بیش از این مورد سوءاستفاده بچه های بد قرار نگیرد. ▶

حاکم است، کشورهایی مانند مصر، کویت، اردن و بحرین، به باور او، تهران به دنبال گسترش ایدئولوژی اش است و ریاض هر قدر که در توان داشته باشد تهران را مجبور به عقب نشینی خواهد کرد. پیش تر هم این جوانک در مصاحبه با «وال استریت ژورنال» تهدید کرده بود که اگر فشارها و تحریم های ضد ایرانی جدی گرفته نشود یا در این بخش توفیقی نداشته باشیم، احتمالاً ۱۰ تا ۱۵ سال دیگر شاهد جنگ با ایران خواهیم بود. سخنگوی وزارت خارجه ایران هم در واکنش به این سخنان ولیعهد جوان گفت: «این نوریسیده خام اندیش که هنوز بادیه دماغ دارد، یانمی داند جنگ چیست یا تاریخ نخوانده است و یا شور و خجسته با بزرگی به صحبت ننشسته است.» آقای قاسمی، سخنگوی دستگاه دیپلماسی همچنین توصیه کرد: «عقلای قوم و تجربه آموختگان سعودی به وی بیاموزند چگونه بزرگتر از او که ادعای سروری جهان عرب داشت و خود را سردار قادسیه می خواند و شرق و غرب و عرب پشتیبانش بودند، در مقابل اراده مردم دلیر و بزرگ این مرز و بوم به خاک مذلت نشست.» به نظر من باید این راهم به این جوانک یادآوری کرد: «ای آنکه عزم جنگ یلان داری / اول بسنج قوت اعضا را.»

خوش رقصی بن سلمان برای تل آویو در مصاحبه با «تایم» خیلی برایش کارکرد نداشت. او از امکان عادی شدن ارتباطات دو کشور در صورت حل صلح آمیز مساله فلسطین گفت و در گفتگو با نشریه آتلانتیک هم از «حق یهودیان در داشتن سرزمین خودشان» سخنانی بر زبان آورد. هر کدام از این حرف ها باید یک موج رسانه ای بزرگ ایجاد می کرد و اسرائیلی ها بیشترین بهره را از این اظهارات مقام عالی عربستان می بردند. اما هیچ خوش خدمتی در تل آویو کاملاً بیگانه نشد. زمانی هیچ کشور عربی یا اسلامی مایل نبود که ولو در صورت وجود یک سری ارتباطات پنهانی با طرف اسرائیلی این ارتباط، جایی درز پیدا کند یا مورد بهره برداری طرف دیگر قرار گیرد اما امروز کار به جایی رسیده که تل آویو هم خیلی تمایلی به نمایش نزدیکی خود با ریاض و... ندارد. سیاست حفظ وضعیت و موقعیت کشور دوست را می فهمیم اما این واکنش را در قالب کم کردن آسیب نزدیکی یا «بدنام ها» هم می توان تفسیر کرد. در استراتژی آمریکا یکی ها و اسرائیلی ها، کنار آمدن با عربستان و پذیرش همیشگی ریاض به عنوان یک دوست، دارای هیچ درجه ای از اعتبار نیست اما در تاکتیک، آمریکا با حاکمان دیکتاتور تا زمانی که تهدیدی برای منافع شان نباشد، ندارند. همان قدر که بعضا آشوب برای آمریکا می تواند کارکرد داشته باشد، حکومت سازی بدون تنش و برقراری ارتباط با تمامی کشورهای منطقه برای تجارت بهتر و دنبال کردن منافع آمریکا، دارای اهمیت است. طنز داستان آنجا درشت دیده و شنیده می شود که بن سلمان در همین مصاحبه از سیاست های کلان نفتی برای آینده جهان، حل بحران های منطقه با درایت ریاض، خطاهای سال های قبل آمریکا در غرب آسیا و کسب رتبه های بالا در بخش های تکنولوژیکی و غیره می گوید. هنوز باورش نیست که آنچه تا امروز دارد یا احتمال در آینده به دست خواهد آورد، تنها پیشکش غرب با هزینه ای بس گزاف است که از جیب مسلمانان سعودی و از منابع جهان اسلام دارد پرداخت می شود و او فقط یک بنای ساده است نه معمار. فراموش نکنیم که نمایش ضعیف آمریکا و غرب در سرکوب جنبش های اسلامی و سقوط حاکمان همسویا با ریاض، باعث خشم و عصبانیت عربستان شده بود. ریاض تازه بعد از آن اتفاقات منطقه ای بود که بی برد دیگر نمی شود خیلی روی قدرت و نفوذ آمریکا و غرب، در غرب آسیا حساب باز کرد. عربستان، ترکیه و دیگر کشورهای منطقه متوجه شدند که غرب دارای هیچ برنامه و استراتژی مشخص و مقبولی برای منطقه نیستند. آنها هیچ گزینه مناسبی برای

است که با دقت و وسواس خاص می‌بایست در این عرصه ورود کرده و علاوه بر رصد کردن کیفیت کالاهای ساخت ایران که قطعاً در بهبود دیدگاه و نظر مشتریان و ارتقای اعتبار و کیفیت کالاهای ایرانی موثر است، برنامه‌ریزی و اقدامات ویژه‌ای را به انجام برساند.

می‌بایست امسال توجه‌مان را به این موضوع معطوف نماییم که در عبارت «ساخت ایران» روی محصولات ایرانی به‌عنوان یک افتخار و نشانی از اعتبار و ضمانت حسن کیفیت و عملکرد محصولات و تجهیزات ایرانی به جایگاه شایسته‌ای برسد.

تدوین و ابلاغ استراتژی توسعه صنعتی کشور به‌عنوان قطب‌نما و راهبرد اصلی فعالیت دستگاه‌های اجرایی کشور در مسیر حمایت از کالاهای ساخت ایران، موضوعی است که در سال جاری باید محقق شده و ضمانت اجرای آن نیز پیش‌بینی شود. هر دستگاه اجرایی در این استراتژی می‌بایست دارای وظایف و برنامه مشخصی بوده که در طول برنامه زمان‌بندی اجرایی تحقق سیاست‌های مندرج

تولید قرار گیرد و دست از شیوه برخورد سختگیرانه خود با تولیدکنندگان بردارد و فضا را به گونه‌ای فراهم کند که یک فعال اقتصادی واقعی بخش خصوصی به‌طور ویژه بتواند با سهولت و سرعت به منابع مالی مورد نیاز خود دست یابد. تطویل زمان، سختی‌های بی‌مورد و عدم وجود تنوع در ارائه خدمات بانکی مناسب و شایسته جزو وظایف مهم سیستم بانکی کشور است. همین‌طور نظام مالیاتی کشور باید به گونه‌ای اصلاح و در خدمت تولید قرار گیرد که تولیدکنندگان با طیب خاطر و فراغ بال بتوانند به کسب و کار خود بپردازند و سیستم مالیاتی به‌عنوان یک مانع و مشکل در برابر تولیدکنندگان مطرح نشود.

اینکه ما موفق شویم سیستم و نظام تجاری کشور را به نحوی اصلاح نماییم که تجارت در خدمت تولید ملی قرار گیرد و نظام تجاری کشور در بخش تأمین مواد اولیه و مایحتاج بخش تولید به نحو کارآمد فعالیت کند و از سوی دیگر در بخش نظام توزیع در داخل کشور اصلاحات اساسی صورت پذیرد تا عرضه محصولات ایرانی با کمترین هزینه و

با کیفیت مناسب و اگر این نوع تفکر را با قدری حس تفاخر و خودبرتنگری نسبت به دیگران در صورت استفاده از کالاها و برندهای خارجی ترکیب کنیم، حاصل آن، این شده که بسیاری از مردم چنانچه کالای ایرانی و خارجی را در مقام قیاس قرار دهند، بدون توجه به مزایا از قبیل کیفیت و قیمت و خدمات پس از فروش، متأسفانه محصول خارجی را به متاع ایرانی ترجیح می‌دهند. امیدواریم طی سال جاری ما حاصل هم‌اندیشی‌ها و بیان دیدگاه‌ها و مباحثی که در طول سال جاری به انجام خواهد رسید، ما را به این نقطه رهنمون سازد که اولویت خانوار ایرانی در زمان خرید کالا و محصولی که مورد نیاز خانواده ایرانی است، کالای ایرانی باشد. حتی اگر به این نقطه برسیم که در شرایط برابر از نظر کیفیت و قیمت و خدمات پس از فروش، یک کالای مشابه ایرانی و خارجی در کنار هم مورد مقایسه قرار گیرند، ناخودآگاه مشتری کالای ایرانی را به کالای خارجی ترجیح داده و بپسندد، آن زمان می‌توان گفت که در سال جاری ما حاصل تمام این تذکرات و تبیین شعار حمایت از محصولات ایرانی، مردم شریف ایران به سطح جدیدی از سلیقه مصرف دست یافته و همانند شهروندان بسیاری از کشورها به این باور رسیده‌اند که برای حمایت از ایجاد شغل، امنیت و سطح رفاه اجتماع کشور خود، باید از محصولات وطنی پشتیبانی نمایند.

اما آیا فقط حمایت از کالای ایرانی را منحصر به خرید این کالاها و محصولات توسط مردم و دولت (به‌عنوان مصرف کننده بزرگ کالا و محصولات و خدمات) بدانیم و وظیفه ما در این نقطه به پایان می‌رسد؟

قطعاً چنین نیست.

حمایت از کالای ایرانی علاوه بر آنچه گفته شد مستلزم برنامه‌ریزی و هم‌افزایی کلیه دستگاه‌های حاکمیتی از قبیل قوای سه‌گانه مقتنه، مجریه و قضاییه برای حمایت همه‌جانبه و کارآمد است.

حمایت‌های قانونی و نظارت بر حسن اجرای قوانین حمایتی از بخش تولید کشور جزء وظایف انکارناپذیر و اساسی مجلس شورای اسلامی است.

مجلس در سال جاری باید آنچه خلأ قانونی در این زمینه وجود دارد را شناسایی و تنقیح و تدوین نماید و قوانین موضوعه قبلی که در این زمینه توسط مجلس به تصویب رسیده است را بررسی و ایرادات وارده بر آن را مرتفع نموده و از سویی دیگر نسبت به حسن اجرای قوانین موجود در حمایت از بخش تولید با حساسیت ویژه پیگیری و مراقبت نماید و حتی در صورت لزوم افراد خاطی و کم‌کار در اجرای این قوانین و مسئولیت‌ها را مورد بازخواست و مواخذه قرار دهد.

وظیفه دولت محترم نیز علاوه بر الزام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تابعه خود به خرید کالاهای ساخت ایران برای رفع مایحتاج خود، برنامه‌ریزی بلندمدت برای زمینه‌سازی بهبود محیط کسب و کار برای فعالان اقتصادی است. اگر محیط کسب و کار را فقط در بهبود چند شاخص موجود ببینیم و محیط کسب و کار را به‌عنوان یک فضا و شرایط الزام‌آور و فراتر از آنچه قانون خاص آن مشخص نموده و در شاخص‌های بین‌المللی مشخص گردیده مورد توجه قرار دهیم، حل بسیاری از مسائل و معضلات بخش تولید در آن مستتر است.

رفع مشکلات ناشی از دیوان‌سالاری دولتی (یا همان بوروکراسی اداری) و تسهیل فضا و شرایط کسب و کار موضوع بسیار مهمی است که باید در سال جاری به نحوی صورت پذیرد که فعالان اقتصادی در مقایسه با شرایط اقتصادی و کسب و کار سایر کشورهای رقیب، از محیط کسب و کار مساعدتری برخوردار شوند تا بتوانند به رقابت با آنها بپردازند.

سیستم بانکی کشور الزاماً باید در خدمت بخش

بیشترین گستره در دسترس مصرف کنندگان داخلی قرار گرفته و از عرضه سهل الوصول کالای قاچاق و زیرپله‌ای پیشگیری شود. از دیگر سو اگر توان تجاری کشور بر مدار توسعه بازار بین‌المللی کالاهای با کیفیت و رقابتی ایرانی تنظیم شود توفیقات چشمگیری را شاهد خواهیم بود. زمانی که گفته می‌شود از کالاهای ایرانی حمایت شود، علاوه بر بازار داخل باید حضور در بازارهای خارج از کشور را برای فعالان اقتصادی و عرضه محصولات ساخت ایران تسهیل و فراهم کنیم. نظام دیپلماسی بین‌المللی کشور باید در سال جاری با این وظیفه که راهگشای تحقق این امر باشد، به کار گرفته شده و نظام مبادلاتی، گمرکی، حمل و نقل، تعرفه‌ها و همه و همه می‌بایست در خدمت تولید ملی قرار گیرند. باید توجه داشته باشیم که ظرفیت تولید کارخانجات ایران بیش از نیاز تولید داخل بوده و بسیاری از واحدهای تولیدی توان تولید محصولات با کیفیت صادراتی را دارند و چنانچه بازارهای خارجی برای تولیدکنندگان ایرانی گشوده شوند، می‌توان ظرفیت حداکثری واحدهای تولیدی را به کار گرفت و کالاهای ایرانی را به اقصی نقاط جهان صادر کرد. سازمان ملی استاندارد به‌عنوان حافظ منافع ملی متضمن کیفیت کالاهای ساخت ایران و یکی از بخش‌های مهم حاکمیتی

در این استراتژی نسبت به انجام آن مکلف و مقید باشد. این استراتژی باید به گونه‌ای تدوین شود که شخص حقیقی یا حقوقی که در زمینه توسعه صنعت و معدن کشور فعالیت می‌نماید، وظیفه خود را به‌طور روشن و سریع دریافته و در مسیر تحقق استراتژی کام بردارد. و اما قوه قضاییه؛ قوه قضاییه به‌عنوان دستگاه حامی حقوق مردم در این زمینه باید برخوردی بسیار فعالانه داشته و با افرادی که در این مسیر وظایف خود را به انجام نمی‌رسانند، برخورد ارشادی و در صورت لزوم قضایی نماید. این قوه می‌بایست از جایگاه مدعی العموم با افرادی که مکلف به انجام وظایف قانون بوده ولی با کم‌کاری یا کارشکنی به‌توان تولیدی کشور خسارت وارد می‌نمایند، برخورد جدی نموده و جدیت مدیریت کلان کشور در تحقق اهداف اقتصادی ملی را نشان دهد. ظرفیت بالای قوه قضاییه در حمایت از کالای ایرانی و تولیدکنندگان موضوعی انکارناپذیر و غیرقابل چشم‌پوشی است که باید چشم انتظار بروز و ظهور آن باشیم. و کلام آخر اینکه بسیاری از وعده‌ها و اقدامات و برنامه‌ها و قوانینی وجود دارند که دولت تاکنون نسبت به انجام آنها مبادرت ننموده است که امیدواریم در سال جاری محقق شوند. ▶

پایان نجفی، آغاز هاشمی؟

سال جدید که آغاز شد همه منتظر بودند تا شورای شهر تهران تصمیم نهایی خود را در مورد ماندن یا رفتن محمدعلی نجفی اعلام کند. همزمان خبرها حکایت از آن داشت که لابی‌های سنگینی در اتاق‌های محرمانه اصلاح‌طلبان برای تعیین تکلیف این کرسی مهم در جریان است. برخی اما می‌گفتند چهره‌های ارشد جناح تصمیم به ماندگاری نجفی در شهرداری گرفته‌اند. گویا همین تصمیم هم مورد موجب رفتن نجفی شد. حالا این محسن هاشمی است که بیشترین شانس را برای رسیدن به شهرداری تهران دارد البته اگر مخالفتش اجازه دهند.

سیاست



مسأله محسن

آیا مخالفت اصلاح طلبان رادیکال با محسن
هاشمی مانع از شهردار شدن او می شود؟

آیا محسن هاشمی شهردار تهران می‌شود؟ این سوال حالا برای خیلی‌ها مهم است؛ برای خودش البته بیش از سایرین.

وضعیت او البته بهتر از سال گذشته است که درست در همین موقع است قرار داشت.

شهردار شدن او یک مساله است و جدال آتشینی که در پیدا و پنهان جناح اصلاح طلب بر سر او پدید آمده حرف دیگری است.

پستی که او به آن چشم دوخته خواهان زیادی دارد. از محمدرضا عارف که درباره این پیشنهاد سکوت کرده تا افرادی مانند مهرعلیزاده و حناچی.

بیشتر از گزینه‌ها البته بحث بر سر این است که کدام طیف به این سمت مهم برسد. محسن هاشمی اما با همه گزینه‌ها تفاوت دارد. تفاوت اساسی او این است که طیف رقیب او یعنی حامیان رئیس دولت اصلاحات به خوبی می‌داند شهردار شدن محسن هاشمی یعنی نزدیک شدن هرچه بیشتر او به پاستور و به همین دلیل هم هست که مخالفان نامزدی او تا این حد اصرار دارند و بر حرفشان یعنی شهردار نشدن محسن هاشمی اصرار دارند.

مخالفت عارف با شهردار شدن محسن هاشمی

روزنامه سازندگی وابسته به حزب کارگزاران امروز در مطلبی از مخالفت جدی عارف با شهردار شدن محسن هاشمی خبر داده و نوشته است: محمدرضا عارف با شهردار شدن محسن هاشمی مخالف است؛ همانطور که با شهردار شدن نجفی مخالف بود با این حال هنگامی که در مجلس نظرش را درباره شهردار شدنش پرسیدند، سکوت کرد.

به گزارش نامه نیوز، این روزنامه، از تلاش برخی برای مطرح کردن عارف برای شهرداری تهران خبر داده و به کنایه نوشته است: «عارف منتظر است دعوت رسمی از او برای شهرداری تهران انجام شود تا با اجماع اصلاح طلبان به شهرداری برسد.»

در بخشی از این یادداشت، نویسنده با تأکید بر اینکه، عملکرد شهرداری می‌تواند تأثیر مستقیمی بر آرای مردم در انتخابات آتی مجلس داشته باشد، تأکید می‌کند که عملکرد عارف در فراکسیون امید مناسب نبوده و با حضور در این فراکسیون، اختلاف در جبهه اصلاح طلبان نه تنها کمتر نشده، بلکه بیشتر نیز شده است. نویسنده این یادداشت افزوده است: با این حال، عارف نمی‌تواند این حق را برای خود قائل باشد که شهردار بشود اما با اعضای

شورای شهر برای شهردار شدن مخالفت کند.

و اما تحقیر عارف توسط اصلاح طلبان برای اولین بار نیست؛ اینکه یک روزنامه اصلاح طلب حق اظهار نظر برای شهرداری تهران را از عارف سلب کند، حرف تازه‌ای نیست چرا که به نظر می‌رسد عارف برای اصلاح طلبان پیش از این نیز مهم نبوده است؛ چندی پیش سایت اصلاح طلب انتخاب درباره انتقاد عارف از دولت نوشته بود: عارف دست بردار نیست! همان کسی که در میان قحط الرجال سال‌های اخیر که بر اثر کناره‌گیری یا کنار گذاشتن برخی چهره‌های اصلی جریان اصلاحات، یکباره «مهم» شد! او حالا تصور می‌کند رئیس یک جبهه بزرگ به نام اصلاح طلبان است. او حالا پس از انتخابات تصور می‌کند روحانی مدیون او و شوروی کاذبی اصلاح طلبان است (و نه پیکره عظیم اصلاح طلبی) و به دنبال سهم خواهی‌هایی هست که بار دیگر، نزاع و اختلاف را برمی‌انگیزد و ناراحتی مردم را موجب می‌شود. نه تنها رسانه‌های اصلاح طلب بلکه شخصیت‌های نزدیک به دولت نیز از اظهار نظرها و انتقادهای عارف استقبال نکرده‌اند؛ حسام‌الدین آشنا، مشاور روحانی به سهم خواه توصیف کردن عارف، گفته بود: «درست است که گفتمان از جنس سهم خواهی نیست اما امان از سهم خواهی‌های افراد به اسم جریان».

انتقادهای عارف از بخشی از دولت روحانی، موجب شد که غلامرضا جعفرزاده، نماینده حامی دولت مجلس خطاب به او بگوید: اینکه فردی بگوید ما روحانی را رئیس جمهور کردیم، توهین به رئیس جمهور منتخب است؛ چرا تیزهوشی روحانی را نادیده می‌گیرید؟ مگر می‌توان سخنرانی‌های روحانی را فراموش کرد؟ چرا آن قدر انحصار طلبانه فکر می‌کنید؟ این اظهارات دلسوزانه نیست، امیدوارم دنبال سهمیه از کابینه نباشند. برخی دیگر از اصلاح طلبان معتقدند عارف طراز لازم برای محوریت جریان اصلاحات را ندارد و حتی با ریاست وی بر فراکسیون امید مخالفت کردند؛ غلامرضا کرباسچی در همین زمینه گفته بود: «در اردوگاه اصلاحات دوستان ما با وزن کشتی اشتباه بزرگی را رقم زدند. باید در این میان کسی به عنوان کاندیدای ریاست مطرح می‌شد که یا با شخصیت کارزماتیک خود بتواند نیروهای مختلف را به دور خود جمع کند یا از عوامل و عناوین کم‌هزینه‌تری برای رای آوری استفاده می‌کرد. کاری که شاید بتوان گفت از مسعود پزشکیان و حتی علی مطهری به خوبی برمی‌آمد باید یک فرد کارزماتیک کاندیدای ریاست مجلس

می‌شد؛ کاندید شدن عارف اشتباه بود؛ یا اینکه وقتی عارف از مخالفت با ائتلاف اصلاح طلبان با اعتدالیون سخن گفته، عطر یانفر با انتقاد از او، گفت اظهار نظر عارف شخصی بوده است.

کارشکنی یک حزب علیه محسن هاشمی

انتخاب «محسن هاشمی» به عنوان شهردار جدید تهران، موضوعی است که با استعفای نجفی در بسیاری از محافل اصلاح طلبانه دنبال و پیگیری شد؛ موضوعی که این بار صرفاً از سوی حزبی که او رئیس شورای مرکزی آن است؛ یعنی «کارگزاران سازندگی» دنبال نشد و برخی چهره‌های اصلاح طلب از دیگر احزاب این طیف هم برای پایان خوش اصلاح طلبان در شورای شهر و شهرداری، خواهان شهردار شدن هاشمی شدند.

این موضوع گویا از سوی بسیاری از اصلاح طلبان عضو شورای شهر و خارج از شورا پذیرفته شده بود و تا هفته گذشته بنا بر چنین انتخابی بود، اما مخالفت حزب اتحاد ملت و اعضای این حزب در شورا با شهردار شدن «محسن هاشمی» کار را تا ریزی با «سید محمد خاتمی» برای جلوگیری از چنین مساله‌ای کشانده است.

بنابراین، اعضای این حزب در شورا با کلیدواژه‌هایی نظیر لزوم پایبندی اعضای شورا به رای مردم و احترام به آن از رئیس جریان اصلاحات به ویژه «سید محمد خاتمی» خواسته‌اند تا حتی از مطرح شدن شهرداری «محسن هاشمی» جلوگیری کنند تا فردی خارج از شورای شهر متصدی امور شهری پایتخت و جانشین «محمد علی نجفی» شود.

تا الان هم گویا این خواسته حزب اتحاد ملت و اعضای آن در شورای شهر محقق شده است. نظر این طیف بر شهردار شدن افرادی نظیر «حبیب‌الله بیطرف»، معاون وزیر نفت و گزینه وزارت نیرو در کابینه دوازدهم که موفق به اخذ رای اعتماد مجلس نشد و «محمود حجتی» وزیر جهاد کشاورزی است؛ اما حال که این دو اعلام کرده‌اند حاضر به جداسازی از بدنه دولت نیستند، معلوم نیست که به کدام فرد فکر خواهند کرد؛ شاید «پیروز حناچی، محمد ابراهیم انصاری لازوی و وفا تابش» آترناتیوهای مورد نظر آنان باشند.

البته اصلاح طلبان همچنان نسبت به سرنوشت شهرداری تهران نگرانی‌های جدی دارند و بر این عقیده هستند که با انتخاب فردی نظیر «محسن هاشمی رفسنجانی» دغدغه‌های آنان نسبت به اداره امور شهری پایتخت تا حدود زیادی مرتفع خواهد شد. بر همین اساس، بخش زیادی از این طیف حاضرند ریسک خروج هاشمی از جمع اعضای شورا و ورود یک اصولگرا به جمع شورای شهری‌ها را بپذیرند، اما از تکرار تجربه نجفی جلوگیری کنند.

موافقان و مخالفان محسن هاشمی

در روزهای گذشته، خبرهای رسیده حکایت از آن دارد که احتمال شهردار شدن محسن هاشمی قوت یافته و ممکن است در روزهای آینده، شورای شهر، وی را به عنوان شهردار جدید معرفی کند؛ اما این موضوع با واکنش‌های مختلفی از سوی نمایندگان مجلس و برخی از سیاستمداران کشور روبه‌رو شده است.

برخی از جمله ابطحی و تاجزاده بر این باورند که انتخاب شهردار از میان اعضای شورای شهر اشکالی ندارد و ورود یک اصولگرا به جمع اعضای شورا، خدشه‌ای در تصمیمات وارد نخواهد ساخت. از سوی دیگر، برخی دیگر از اصلاح طلبان این کار را مخالف آرای مردمی قلمداد می‌کنند و بر این باورند اصلاحات باید به اعتماد مردم احترام بگذارد.

مخالفت کارگزاران سازندگی
با محمدرضا عارف علنی‌تر از
همیشه شده است





مخالفت حزب اتحاد ملت و اعضای این حزب در شورا با شهردارشدن «محسن هاشمی» کار را تا رایزنی با «سید محمد خاتمی» برای جلوگیری از چنین مسأله‌ای کشانده است.
بنابراین، اعضای این حزب در شورا با کلیدواژه‌هایی نظیر لزوم پابندی اعضای شورا به رای مردم و احترام به آن از رئوس جریان اصلاحات به ویژه «سید محمد خاتمی» خواسته‌اند تا حتی از مطرح شدن شهرداری «محسن هاشمی» جلوگیری کنند تا فردی خارج از شورای شهر متصدی امور شهری پایتخت و جانشین «محمدعلی نجفی» شود.

گروه‌های فشار صاحب قدرت را خلع سلاح کنید.

نامزدهای اصلی

محسن علیجانی، عضو فراکسیون امید؛ نام محسن هاشمی، ترک‌نژاد، افشانی، تقی‌زاده خامسی، محمدرضا عارف و محمدرضا تابش را از گزینه‌های مطرح برای شهرداری تهران عنوان کرد و گفت: «البته ممکن است اسامی دیگری هم بعد از این مطرح شود.»

علی اعطا، سخنگوی شورای شهر، روند انتخاب دومین شهردار دوره پنجم شورای شهر را چنین تشریح کرد: «اعضای شورای شهر می‌بایست ۵ نفر را به عنوان گزینه‌های شهردار معرفی کنند و از بین آن افراد، گزینه‌هایی که بیشترین رای را داشته باشند انتخاب می‌شوند و نهایتاً ۷ گزینه انتخاب می‌شود که این افراد باید برنامه‌های خود را در صحن علنی شورای شهر ارائه کنند.» بررسی‌ها نشان می‌دهد ۷ چهره تا سه شنبه ۲۸ فروردین بیشترین اقبال را در میان اعضای شورا و نجبان دارند.

۱. محسن هاشمی رفسنجانی
 ۲. مسعود کرباسیان
 ۳. محمدعلی افشانی
 ۴. پیروز حناچی
 ۵. محمدرضا عارف
 ۶. محمد مهدی تندگویان
 ۷. محمد ابراهیم انصاری لاری
- همچنین افراد زیر به عنوان فهرست دوم مطرح هستند.

۱. علی اوسط هاشمی
 ۲. مسعود سلطانی فر
 ۳. محمدحسین مقیمی
 ۴. محمد حقانی
 ۵. محسن مهرعلیزاده
- نکته دیگر اینکه رایزنی‌های مدیران دولتی، با وجود نظر صریح رئیس جمهور مبنی بر عدم حضور مدیران دولتی در شهرداری کماکان دنبال می‌شود. سخنگوی شورای شهر درباره زمان بندی انتخاب شهردار گفته: سه شنبه ۱۸ اردیبهشت دوفتر از بین ۷ نفر انتخاب می‌شوند و یکشنبه ۲۳ اردیبهشت شهردار تهران انتخاب می‌شود. ▶

بنابراین، باید در این مورد دقت لازم داشت.»

این نماینده در خصوص ورود سرلیست اصولگرایان به شورای شهر نیز گفت: «البته با ورود یک یا دو نفر به شورای شهر اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد، ولی من فکر می‌کنم که شورای شهری‌ها تمام ابعاد را در نظر خواهند گرفت و سپس در مورد شهردار تصمیم‌گیری خواهند کرد. همچنین فاطمه سعیدی، با اشاره به اهمیت بحث انتخاب شهردار تهران که قرار است در هفته جاری در دستورکار شورای شهر پایتخت باشد، گفت: «شورای شهر تهران در هفته جاری، مسأله انتخاب شهردار را در دستورکار قرار خواهد داد و شهروندان پس از اتفاقات اخیر در شهرداری تهران، منتظرند که خروجی تصمیم‌شورا را ببینند. وی با اشاره به مطالبات مردم در حوزه‌های مختلف اجرایی اظهار کرد: «امروز دیگر مردم از ما نمی‌پذیرند که بگوئیم نمی‌گذارند کار کنیم. مردم رای داده‌اند و باید اثر رایشان را ببینند؛ بنابراین، شورای شهر تهران در انتخاب شهردار پایتخت، باید مدیری در سطح ملی، پاک‌دست و توانمند انتخاب کند. نماینده اصلاح طلب مردم تهران در مجلس شورای اسلامی همچنین با تاکید بر لزوم پابندی به رای و نظر مردم که برآمده از انتخابات است، تاکید کرد: «شهر باید مطابق میل کسانی اداره شود که اعضای شورا را انتخاب کرده‌اند.» این عضو هیات‌رئیس فراکسیون امید مجلس خاطرنشان کرد: «البته رعایت حقوق اقلیت هم از الزامات دموکراسی است، ولی اکثریت رای دهندگان منتظرند تا ثمره رای خود را ببینند.» سعیدی در پایان تصریح کرد: «از این جهت، انتخاب شهردار، پیام مستقیم به رای دهندگان است؛ پیامی که می‌تواند در تصمیم‌گیری آنها برای مشارکت در انتخابات و حتی امید به اصلاح موثر باشد.» با این حال اما برخی نمایندگان از شهردارشدن محسن هاشمی دفاع می‌کنند و وی را تنها فرد برای سامان دادن به شهرداری تهران می‌دانند، به گونه‌ای که مصطفی کواکبیان، نماینده مردم تهران از اعضای شورای شهر تهران خواست به محسن هاشمی برای شهردارشدن رای دهند و نگران ورود یک اصولگرا به شورا نباشند. کواکبیان همچنین در توییتی نوشت: «اعضای محترم شورای شهر تهران، تهران مظلوم را از بلاتکلیفی درآورید؛ زمان را از دست ندهید؛ نگران یک رای اصولگرایان در شورای ۲۱ نفره نباشید و برای قاطع به محسن هاشمی،

در همین خصوص برخی نمایندگان مجلس، واکنش‌هایی به این موضوع داشتند؛ هرچند نمایندگان مردم تهران بر این اعتقاد هستند که نباید در مصادیق ورود کاندید، عواقبی را نیز برای شهردارشدن برخی اعضای شورای شهر تهران متصور هستند. سیدفرید موسوی در گفت‌وگو با تابناک در خصوص این موضوع اظهار داشت: «من فکر می‌کنم مردم کسانی را انتخاب کرده‌اند که علاوه بر آنها، به حساسیت این موضوع و نقشی که شهردار تهران در نظام مدیریت شهری کشور و همچنین شهردار تهران در امورات جاری خود مردم تهران دارد، واقف هستند.» وی گفت: «با این حال، نمایندگان تهران در مجمع نمایندگان استان تهران بنا دارند ورود خاصی به این موضوع و به خصوص در مورد مصادیق نداشته باشند و امیدواریم که اعضای شورای شهر، بهترین تصمیم را برای شهر تهران بگیرند و ما نیز از تصمیم آنها پشتیبانی خواهیم کرد.» این نماینده مردم تهران گفت: «امیدواریم که اعضا زودتر به جمع بندی برسند. باتوجه به اینکه در زمان نجفی، برخی ریل گذاری‌ها و اقدامات خوبی شده است، به ویژه در حوزه مبارزه با فساد، مردم امروز می‌دانند که شهرداری چگونه اداره می‌شود.»

وی در ادامه با اشاره به احتمال انتخاب یک عضو شورای شهر به عنوان شهردار نیز گفت: «خوشبختانه در جبهه اصلاحات، فقط الرجال نیست و گزینه‌های زیادی برای اینکه شهردار تهران شوند، هست، ولی همان طور که گفتیم، حتماً اعضای شورای شهر تمام ابعاد قضیه را در نظر می‌گیرند و رای خواهند داد.»

نماینده مردم تهران در ادامه افزود: همه این ۲۱ تن می‌دانند اگر یکی از خودشان را انتخاب کنند، ممکن است چه عواقبی داشته باشد. الان فعلاً همه در حال تصمیم‌گیری هستند و اوضاع کمی پیچیده است، چون باید یک تصمیم به خروج از شورا رای بدهند و هم یک رای دیگر به شهردار شدن بدهند و خلاصه هر اتفاقی ممکن است رخ بدهد.

وی گفت: «اینکه می‌گوئیم هر اتفاقی، منظور هر اتفاقی است که مربوط به شهردارشدن است، چون باید نخست رای بدهند که یک نفر از شورای شهر خارج شود و بعد از آن، فردی لازم را برای شهردارشدن به دست آورد و شاید در این میان، همه چیز بار دیگر به اما و اگر افتد؛



جدال سنگین کارگزاران - اتحاد ملت

چه کسی شهردار تهران می شود؟



۲ شهرداری تهران با تکلیف است و اینکه نجفی از بهشت رفت یا رانده شد، در تغییر وضعیت نقشی ندارد. به همین خاطر هم باید واکاوی در مورد علل استعفای نجفی را رها کرد و به فکر مرحله بعد یعنی انتخاب شهردار جدید بود. گزینه‌های بسیاری به صف شده‌اند و اعضای شورای شهر تهران انتخاب دشواری پیش رو دارند. گمانه‌زنی‌ها حول محور چهره‌های شاخصی همچون محسن هاشمی، اسحاق جهانگیری، محمدرضا عارف و دیگرانی همچون حناچی و بیطرف است. هرکدام از این افراد ویژگی‌ها و طبعاً مواعنی بر سر راه دارند که کار شورای اصلاح طلب تهران را سخت می‌کند.

◀ **از اصرار نزدیکان تا تردید شورا**

تازه‌ترین گزینه مطرح شده محمدرضا عارف است. فردی که ظرف نزدیک به سه سال گذشته موجبات نارضایتی برخی اصلاح طلبان را فراهم کرده است. از آن سکوت آزاردهنده در مجلس گرفته تا مواضع هماهنگ نشده‌اش در مورد ائتلاف یا عدم ائتلاف. شنیده‌ها حاکی از آن است که اطرفیان عارف خیز «بهشت» برداشته‌اند. خود او اما محافظه کارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصمیم گرفته و ابراز تمایل کند. شورای شهری‌ها نیز وقتی به عارف می‌رسند یک دوراهی پیش رو دارند. اصلاح طلبان شورا از یک سو به این فکر می‌کنند که با انتخاب عارف به عنوان شهردار موقعیت او را به عنوان نامزد احتمالی انتخابات ۱۴۰۰ تقویت می‌کنند و کار برای جریان اصلاح طلبی به جهت تعدد نامزدها سخت خواهد شد و از سوی دیگر به این می‌اندیشند که کارنامه نه چندان قابل دفاع عارف در مجلس شورای اسلامی او را به یک شهردار نامحسوب نزد تهرانی‌ها بدل می‌کند. محمدرضا عارف نیز باید موضوع شهردار شدن را از جوانب مختلف بسنجد. او بهتر از همه می‌داند که نه در مجلس بیش از امروز اثرگذار خواهد بود و نه در انتخابات ریاست جمهوری به گزینه مورد وفاق اصلاح طلبان تبدیل می‌شود. به نظر نمی‌رسد عارف که حتی از پس تصاحب ریاست مجلس برنیامده و به ریاست فراکسیون امید رضایت داده حالا نیز برای تکیه‌زدن بر صندلی نجفی ترغیب شود. مر نابع خبری غیررسمی اما می‌گویند که اطرافیان و مشاوران عارف سودای بهشت در سر دارند. کارشان ساده نیست اما از یک سو درگوش عارف می‌خوانند و از سوی دیگر به شورایی‌ها اصرار

می‌کنند. تصورشان این است که می‌توانند از شگرد اصولگرایان یعنی فرستادن شهردار به ریاست جمهوری استفاده کرده و راه میانی برای رساندن عارف به صندلی مورد نظرش بیابند.

◀ **وسوسه بهشت**

اسحاق جهانگیری یکی از نام‌های ثابت در فهرست اصلاح طلبان برای پر کردن هر صندلی خالی مهمی است. هرچه باشد مثل او کم دارند. برای همین هم از میانه مناظرات انتخاباتی ۹۶ به فکر ریاست جمهوری جهانگیری افتادند. بی‌مهری آقای رئیس‌جمهور نسبت به معاون اول نیز مضاف بر علت شد تا مدام خواستار خروج جهانگیری از دولت شده و بخواهند که از او یک کاندیدای قوی و اصلی در انتخابات ریاست جمهوری آتی بسازند. جهانگیری اما این خواسته و توصیه بسیاری از اصلاح طلبان را نادیده گرفت و به همکاری با دولت ادامه داد. مدافعان خروج او از دولت معتقد بودند و هستند که جهانگیری باید از روحانی فاصله گرفته وارد فاز انتقادی شود تا شانس بیشتری برای رای آوری در مصاف ۱۴۰۰ داشته باشد. از سوی دیگر انتخابات ۹۸ نیز در پیش است و برخی از اصلاح طلبان جهانگیری را گزینه مناسبی برای ریاست مجلس می‌دانند. گمانه‌های بسیاری در مورد نامزدی جهانگیری در انتخابات پارلمان طرح شد اما هیچ کدام جدی به نظر نمی‌رسد زیرا اصلاح طلبان هوشمندتر از آن هستند که مهره‌ای همچون جهانگیری را به جای پاسنور راهی بهارستان کرده و به رقابت با لاریجانی برای ریاست مجلس وادارند. این گروه اما نسبت به بهشت نظر مثبت‌تری دارند. روی تـوان مدیریت اجرایی جهانگیری حساب کرده و از رفتن نجفی خرسند هستند زیرا تصور می‌کنند شهرداری جایگاه وسوسه‌کننده‌تری است و شاید بتواند جهانگیری را به خروج از دولت مایل کند. نکته اینجاست که رویکرد دولت روحانی نسبت به جهانگیری در هفته‌های اخیر تغییر کرده و شاهد پررنگ شدن نقش او هستیم. اعلام سیاست‌های اقتصادی دولت برای کنترل بازار ارز مصداق این مدعا است. به عبارت دیگر جهانگیری در حال بازگشت به جایگاه واقعی معاون اولی است. از قرار معلوم جهانگیری در دولت ماندنی است.

برخی دیگر نیز می‌گویند که اسحاق جهانگیری در حاشیه آخرین جلسه هیات دولت در سال ۹۶ در پاسخ به

این سوال که «گفته شده شما از گزینه‌های شهرداری تهران هستید و چقدر این احتمال وجود دارد که در آینده به ساختمان شهرداری در خیابان بهشت بروید؟»، گفت: «الان هم در بهشت هستیم؛ اینجا مگر بهشت نیست؟»

پاسخ غیرشفاف جهانگیری می‌تواند نشانی باشد بر اینکه وی تا حدودی تمایل دارد تا در صورت ایجاد شرایط در شهرداری حضور پیدا کند. دلایل متعددی می‌توان بر مزیت خروج از دولت عنوان کرد.

◀ **حمایت کارگزاران و ترجیح اصولگرایان**

محسن هاشمی یکی از محتمل‌ترین گزینه‌های شهرداری تهران است و گویا قصد دارد که از مدیریت «شهر» آغاز کرده تا به مدیریت «کشور» برسد. نام محسن هاشمی از همان ابتدای کار در فهرست بود اما میثاق نامه اصلاح طلبان مانع از فرستادن او به بهشت شد. مدیریت چند ماهه نجفی و فشارهای بیرونی که اصلاح طلبان مدام از آن سخن می‌گویند اما اوضاع را تغییر داده است. حالا دیگر هم اصلاح طلبان دریافته‌اند که برای حفظ این کرسی باید چند قدمی با رقیب راه بیابند و هم اصولگرایان می‌دانند که باید با یکی از گزینه‌های اصلاح طلب همراهی کنند. شنیده‌ها حاکی است که آنها محسن هاشمی را ترجیح می‌دهند و هاشمی نیز اگر شهردار شود می‌داند کی و کجا کوتاه بیاید. هاشمی حمایت گروهی از اصلاح طلبان یعنی کارگزارانی‌ها را دارد و شانس‌اش را افزایش می‌دهد. بهشت اما برای محسن هاشمی پایان راه نیست. سر آن دارد که از فرصت سه ساله ۱۴۰۰ نهایت استفاده را کرده و با نمایش توانمندی‌های خود در شهرداری آماده کاندیداتوری برای انتخابات ریاست جمهوری شود. چرا که نه؟ او فرزند یکی از برجسته‌ترین سیاستمداران جمهوری اسلامی است و با همین اعتبار چند قدمی از رقبایش جلو است. حمایت کارگزاران، لابی با اصولگرایان و توان مدیریتی را نیز باید به داشته‌های او افزود و نتیجه چیزی نیست غیر از آنکه محسن هاشمی در صورت شهردار شدن کاندیدای کارگزارانی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری است.

بحث بر سر محسن هاشمی از سوی کارگزاران به شدت دنبال می‌شود. غلامحسین کرباسچی، دبیرکل این حزب صراحتاً اعلام کرده که میثاق نامه وحی منزل نیست و حتی برخی از اعضای شورای شهر آن را امضا نکرده‌اند. میثاق نامه، تعهدی است که اعضای شورای شهر در زمان قرار گرفتن در لیست داده‌اند مبنی بر اینکه حق ندارند از شورا برای تصدی پست دیگری استعفا دهند. کرباسچی در مصاحبه‌ای گفته: «آقای محسن هاشمی با توجه به سابقه کارشان در شهرداری برای شهرداری مناسب‌ترند. وقتی شورا آقای نجفی را انتخاب کرد، ما مخالفتی نکردیم و تلاش کردیم اگر ایشان کمکی خواست، دریغ نکنیم.» اما هاشمی چه در داخل شورا چه بیرون از آن مخالفینی دارد که کار را برای او سخت می‌کند.

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده اصلاح طلب رشت در گفت‌وگویی اعلام کرده: «بنده با محسن هاشمی به عنوان شهردار موافق نیستم. آن هم به دلیل جای خالی ایشان در شورا است. با همه احترامی که برای آقای چمران قائلم ولی با حضور ایشان، نظام شورا برهم می‌خورد. فکر می‌کنم بهتر است محسن هاشمی کرسی خود را حفظ کنند. چون اصلاح طلبان دیگر زمان آزمون و خطا ندارند و فرصت چندانی باقی نمانده است.»

◀ **پیروز حناچی**

حناچی در حال حاضر معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران است. وی پیش از این در وزارت راه و شهرسازی یکی از معاونین عباس آخوندی بود.



برخی رسانه‌ها از عبدالله جاسبی به عنوان یکی از گزینه‌های حضور در شهرداری تهران نام بردند



را به عنوان نامزد نهایی و اصلی برنامه‌های خود را ارائه داد و مرعشی نیز به نفع وی کناره‌گیری کرد.

در همان زمان عمل جراحی قلب حسین مرعشی نیز صورت گرفت تا مشخص شود وی نیز از لحاظ جسمی دارای مشکلاتی است ولی به نظر می‌رسد در دور جدید پس از گذشت ۷ ماه از انتخاب شهردار، مرعشی می‌تواند بار دیگر بختش را امتحان کند.

وی نماینده دوره‌های پنجم و ششم مجلس شورای اسلامی بوده و دایره مسئولیت‌های او از جهاد سازندگی شروع و به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ختم شده است. مرعشی در کارنامه فعالیت‌های خود، استانداری کرمان، ریاست دفتر هاشمی‌رفسنجانی در دوره ریاست جمهوری وی و ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را نیز در دوره اصلاحات دارد و در حال حاضر نیز از فعالان سیاسی اصلاح طلب و سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی است.

گزینه‌های دیگر

در این میان ممکن است اصلاح‌طلبان به مانند دور نخست از حضور برخی از زنان در میان گزینه‌ها نیز استقبال کنند تا نمایش توجه به توانایی زنان برای افکار عمومی اجرا شود. الهه کولایی در میان ۷ نامزد شهرداری توانسته بود در رتبه سوم با ۱۶ رای قرار بگیرد. وی عضو هیات علمی گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و نماینده مجلس ششم است. همچنین گزینه‌هایی مانند معصومه ابتکار نیز مطرح‌اند. ابتکار علاوه بر حضور در شورای شهر سوم تهران، ریاست سازمان محیط زیست و معاونت امور زنان رئیس‌جمهور را در کارنامه دارد.

از سوی دیگر بعید به نظر می‌رسد افرادی چون محسن مهرعلیزاده و محمود حجتی، استاندار اصفهان و وزیر کشاورزی که در مردادماه گزینه‌های شهرداری بودند، قصد داشته باشند دولت را ترک کنند.

اما به نظر می‌رسد که شورای شهر پنجم با توجه به تجربه تلخ اعتماد به محمدعلی نجفی که سابقه مدیریت اجرایی در خوری در کارنامه نداشته، این بار قصد داشته باشند تا کسی را به کرسی شهرداری بنشانند که دارای سابقه مفید و قوی در زمینه اجرایی باشد. در میان مدیران اصلاح طلب شاید این گزاره‌ها به تعداد انگشتان یک دست هم نرسد و این موضوع کار را تا حد زیادی سخت کرده است.

اصلاح طلب، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی و استاندار فارس در دولت یازدهم بود. وی معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و رئیس سابق سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور بوده است. در سابقه افشانی معاونت استانداری استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و سمنان نیز به چشم می‌خورد.

وی در رقابت با گزینه‌هایی مانند نجفی، مرعشی، الهه کولایی، مهرعلیزاده، شریعتمداری و بیطرف با ۱۴ رای در رتبه ۴ قرار گرفت. به نظر می‌رسد افشانی که به عنوان سوپاپ اطمینان در صورت عدم توافق کارگزاران و اتحاد ملت بر سر گزینه‌ها در میان نامزدهای شهرداری حضور داشت، این بار نیز بتواند با دست پرتر و شکست گزینه قبلی بر سر رسیدن به شهرداری چانه‌زنی کند.

حسین مرعشی

روزنامه سازندگی وابسته به حزب کارگزاران در یکی از شماره‌های بهمن ماه خود درباره شهرداری و اختلافات با نجفی از یک واقعیت پرده برداشت. این روزنامه اعلام کرد که گزینه نخست حزب کارگزاران محسن هاشمی بوده و گزینه دوم حسین مرعشی، یکی دیگر از اعضای حزب بود.

در این حال محمدعلی نجفی گزینه سوم یا به عبارتی آخر کارگزاران محسوب می‌شد که اعضای شورای وابسته به این حزب برای حفظ انسجام و اتحاد در شورا ناگزیر روی نجفی اجماع می‌کنند. حسین مرعشی بار دیگر با استعفای نجفی می‌تواند به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی مطرح شود. وی که در رای گیری اعضای شورای شهر در میان ۷ گزینه توانست با ۲۰ رای پس از نجفی در رتبه دوم قرار گیرد، به هر حال با اختلاف یک رای، نجفی

محسن هاشمی یکی از محتمل‌ترین گزینه‌های شهرداری تهران است و گویا قصد دارد که از مدیریت «شهر» آغاز کرده تا به مدیریت «کشور» برسد. نام محسن هاشمی از همان ابتدای کار در فهرست بوداما میثاق نامه اصلاح‌طلبان مانع از فرستادن او به بهشت شد

پیروز خناچی در مردادماه نیز به عنوان یکی از گزینه‌های تصدی پست شهرداری مطرح شده بود ولی هیچ‌گاه از وی دعوت به عمل نیامد تا برنامه‌های خود را ارائه کند.

با ورود نجفی به شهرداری، خناچی جایگزین علیرضا جاوید شد. ولی در چندماه گذشته علی‌رغم اینکه معاونت فنی و عمرانی می‌توانست با تکمیل برخی از پروژه‌های نیمه‌تمام که بالای ۹۰ درصد از کار عمرانی آن انجام شده، کارنامه‌ای از خود برجای بگذارد، اما در این زمینه موفق عمل نکرده که این می‌تواند پاشنه آشیل خناچی جهت ورود قدرتمندان به گزینه‌های احتمالی تصاحب پست شهرداری تهران باشد.

حبيب الله بیطرف

بیطرف ۶۲ ساله که برای تصدی پست وزارت نیرو در کابینه دوازدهم نیز معرفی شده بود و با رای عدم اعتماد روبه‌رو شد، نیز از گزینه‌های شهرداری تهران در مردادماه بود.

وی هم‌اکنون به عنوان معاون امور مهندسی، پژوهش و فناوری وزیر نفت ایران و رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران فعالیت می‌کند.

در ۲۹ تیرماه سال گذشته، بیطرف با توجه به شرایطی که برای حضور در کابینه مهیا شده بود از کاندیداتوری شهرداری انصراف داد.

وی در نامه‌ای عنوان کرده بود: «بدین وسیله به آگاهی می‌رسانم که اینجانب حبیب‌الله بیطرف، هیچ‌گاه آمادگی خود را برای سمت شهردار تهران به اعضای محترم شورای پنجم اعلام ننموده‌ام و اکنون ضمن تشکر از حسن نظر منتخبین محترم پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، انصراف خود را از کاندیداتوری شهرداری تهران اعلام می‌کنم. از پروردگار تعالی توفیق روزافزون همه عزیزان را خواستارم.» به نظر می‌رسد با توجه به اینکه وی موفق نشد برای کابینه دوازدهم راهی پاستور شود، این بار شاید دیگر تمایلی به انصراف در صورت دعوت به شهرداری نداشته باشد.

محمدعلی افشانی

از دیگر گزینه‌های احتمالی حضور در بهشت را می‌توان محمدعلی افشانی نامید. وی نیز در اوایل شورای پنجم برای ارائه برنامه دعوت شد. سیاستمدار



تصمیم در خانه عبدالله نوری

استعفای نجفی تصمیم اصلاح طلبان بود

شهری به وظایف خود به خوبی عمل خواهد کرد». وی در انتها خاطر نشان کرد: رای و خواسته مردم برای ما همیشه در اولویت بوده و باید مواظب باشیم با نظرات و خواسته مردم همگن عمل کنیم.

نجفی: از هر کرانه تیر جفا کردند روانه

محمد علی نجفی، شهردار تهران بعد از سخنان رئیس شورا پشت تریبون رفت و متن استعفای خود را قرائت کرد. او با بیان اینکه در وهله اول از حمایت‌ها و الطاف شورای شهر چه در روزهای اخیر و چه در هفت ماه فعالیتیم و همچنین از حمایت‌های شهروندان و نمایندگان مجلس تشکر می‌کنم، گفت: «تیمی در این مدیریت شهری بود که با چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم کرد و توانست کارنامه موفقی داشته باشد». شهردار تهران با بیان اینکه تیتراژ یک رسانه ملی سفره هفت سین ۱۴ میلیون تومانی شورا بود در حالی که این اتفاق رخ نداده بود و این در حالی است که به بدهی ۵۲ هزار میلیارد تومانی پرداخته نشده است؛ گفت: «منشاء این بدهی‌ها نیز جای سؤال است و در این میان مرا بیشتر مورد عنایت قرار می‌دادند و «از هر کرانه تیر جفا کردند روانه» که نهایتاً یکی به هدف خورد».

پیشنهاد نجفی برای انتخاب شهردار بعدی

نجفی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به تشریح دلایل استعفای خود پرداخت و افزود: «مسأله‌ای که موجب طرح این استعفا شد خارج از اداره من و مبتنی بر تقدیر الهی بود به شکلی که یک ماه قبل بر اساس اعلام پزشکان من مبتلا به بیماری شدم که هم مرحله درمان آن سخت است و هم پس از آن دوره‌ای طولیل و طولانی

نجفی، شهردار تهران روشن شود؛ شهرداری که با تعبیر شهربانو امانی با لشکری از مدیران و معاونان در جلسه حاضر شده بود تا هر طور شده موافقت شورایی‌ها را بگیرد. شورای شهری‌های تهران مثل روز اول مخالف بودند و اصرار کردند که نجفی بماند. به نظر آنها بیماری دلیل کافی برای استعفا نبود. از همین رو یا مثل صدراعظم نوری می‌گفتند نجفی نیز مثل دیگر راجل سیاسی دارای این بیماری به کار خود ادامه دهد یا مثل الویری تاکید می‌کردند که دلیل استعفا روشن شده و با مردم صریح سخن گفته شود.

محسن هاشمی: همگن با خواسته مردم عمل کنیم

جلسه صبح شورای شهر تهران با حرف‌های محسن هاشمی، رئیس شورا آغاز شد. او بعد از اعلام دستور جلسه که همان رسیدگی به موضوع استعفای نجفی بود، گفت: «متأسفانه در فضای مجازی نکات و مسائلی مطرح شد که همه قابل احترام هستند اما دو نکته مهم وجود دارد که جزو تلقی‌های اشتباه محسوب می‌شود. اولین نکته عدم حمایت از نجفی توسط شورا است. شورا از همان روز اولی که به نجفی رای داد تا امروز از حمایت خود دریغ نکرده است و خود شهردار نیز در جلسات مختلف به این مسأله اذعان داشتند». هاشمی نکته دومی که در فضای مجازی به آن پرداخته شده را بن بست در مدیریت شهری با استعفای نجفی دانست و گفت: «اینکه برخی تصور می‌کنند که استعفای نجفی به معنای بن بست برای مدیریت شهری است یک تلقی منفی محسوب می‌شود همان‌طور که امام خمینی فرمودند مجلس در راس امور است و شورا نیز در راس مدیریت امور

محمد علی نجفی از شهرداری تهران رفت. او البته در واپسین روزهای سال گذشته اعلام کرده بود که بنا ندارد دیگر در بهشت بماند. سال جدید که آغاز شد همه منتظر بودند تا شورای شهر تهران تصمیم نهایی خود را در مورد ماندن یا رفتن محمد علی نجفی اعلام کند. همزمان خبرها حکایت از آن داشت که لابی‌های سنگینی در اتاق‌های محرمانه اصلاح طلبان برای تعیین تکلیف این کرسی مهم در جریان است. برخی اما می‌گفتند چهره‌های ارشد جناح تصمیم به ماندگاری نجفی در شهرداری گرفته‌اند.

هراس از سرنوشت شورای شهر اول

در میان کسانی که با رفتن محمد علی نجفی مخالفت می‌کردند و البته در میان کسانی که به وضع موجود نیز با ماندگاری محمد علی نجفی انتقاد داشتند، یک دلهره مشترک وجود داشت. آنها معتقد بودند که زمان به عقب بازگشته و باز اصلاح طلبان در قامت اعضای شورای به وضعیت شورای شهر اول بازگشته‌اند. شورایی که خاطره‌های تلخ را در اذهان عمومی جامعه برجای گذاشته و نقطه تاریکی در کارنامه سایت ورزشی رسمی اصلاح طلبان به شمار می‌آید. از همین جهت بود که بحث‌ها در مورد شهرداری تهران به سطح بالایی چهره‌های این جریان رسیده بود.

استعفای اول

هر چه بود روز موعود فرا رسید. محمد علی نجفی به صحن شورا رفت و حکایت نمادنش را روایت کرد. اعضای شورای شهر تهران روز یکشنبه اولین جلسه رسمی جلسه را برگزار کردند تا تکلیف استعفای محمد علی

مدیریت شهری تلقی نکنیم. من استعفای ایشان را به منزله باور ایشان به حق مردم بر شهر می دانم».

◀▶ بلاتکلیفی تهران جایز نیست

محمدجواد حق شناس، از دیگر موافقان استعفای نجفی بود و در جلسه گفت: بنده از تصمیم نجفی دلخور و گلایه مند هستم «ما نباید تعهدمان را به مردم فراموش کنیم. ۳۰ میلیون رأی پشت ۲۱ نفر عضو شورای شهر تهران است و ما نمی توانیم شهر را بدون مدیر رها کنیم. امروز نجفی به این نقطه رسیده است که نمی تواند ادامه بدهد و ما باید به این روند نگاه و تحولی که به مردم قویش را داده ایم پایبند باشیم. یک ساعت بلاتکلیفی برای شهر تهران حتی جایز نیست».

◀▶ پرده آخر: نجفی شهردار ماند

بعد از بیان نظرات موافقان و مخالفان استعفای نجفی، آقای شهردار از جلسه خارج و رای گیری آغاز شد. پیشنهاد ناهید خداکرمی این بود که برای شفاف سازی از رأی گیری کاغذی استفاده نشود «چرا که مردم باید بدانند چه کسانی رأی مخالف می دهند». این پیشنهاد پذیرفته نشد و امینی، نایب رئیس شورای شهر عنوان کرد که در آیین نامه پیش بینی شده است که رأی برای استعفا و استیضاح با برگه و پنهانی باشد و بهتر است این آیین نامه را رعایت کنیم و اعضای شورا نمی توانند برخلاف آیین نامه تصمیم گیری کنند. به هر ترتیب رای گیری انجام شد و ۱۶ نفر از ۲۰ عضو حاضر در جلسه با استعفای نجفی مخالفت کردند. به این ترتیب او در این روز در سمت خود ابقا شد.

◀▶ اعتراض بالا گرفت

رای به ماندن محمدعلی نجفی اما باز خورد های فراوانی داشت. منتقدان ابقای نجفی و اصرار بر ماندگاری او با توجه به اذعان خودش در مورد بیماری را اتفاقی نادرست عنوان می کردند. از جمله این افراد احمد توکل بود که گفت: «آقای نجفی خودش می گوید من بیمارم، محسن هاشمی هم تصریح می کند که پزشک نجفی به وی گفته نباید فشار، استرس و اضطراب ببیند و شهرداری هم جای این مسائل است. واقعا تعجب دارد که چرا دوباره وی را ابقا کردند. رفتارهای شورای شهر حاوی تناقض است. از طرفی رئیس شورا اعلام می کند شهردار بیمار است و محیط کاری برایش خطرناک است اما باز به همان شخص برای این مسئولیت رای می دهند. هیچ انسان عاقلی



محمدعلی نجفی
بعد از دوبار استعفا
از بهشت رفت

می گذارد و از سوی دیگر سیر معالجه من هم با لطمه هایی مواجه می شود».

◀▶ با مردم صریح صحبت کنید

اعضای اصلاح طلب شورای شهر تهران با استعفای نجفی مخالف بودند و هر یک به نحوی سعی کردند که آقای شهردار را راضی به ماندن کنند. مرتضی الویری، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه تاکید داشت که علت این استعفا هنوز برای او محرز نشده و نمی تواند بیماری باشد. او با بیان اینکه تغییر مدیریت در تهران مسئله ساده ای نیست، گفت: من تجربه تلخ شورای شهر اول را به یاد دارم که در آن زمان به علت اختلاف جدی بین شورا و شهرداری به عنوان شهردار استعفا دادم.

وی با بیان اینکه من به اعضای شورای شهر گفتم که اگر اعضا به این جمع بندی برسند من شهردار نباشم حتی برای یک لحظه هم نمی مانم، گفت: حجابان امضا هشت نفره از اعضای ۱۵ نفره شورا آورد که روی انتخاب ملک مدنی به عنوان شهردار تهران نظر مثبت داشتند که همان چاروی برکه ۱۸۴ استعفا دادم و بعد با خبر شدم که با استعفای من موافقت شده است.

◀▶ بیماری رجل سیاسی

زهرا صدرا عظیم نوری در مخالفت با استعفای شهردار تهران گفت: نجفی بیماری را عامل استعفای خود گفته است و بنده در یک خانواده ای زندگی می کنم که این بیماری را دارند و درک می کنم وقتی این شرایط حاصل می شود شرایط روحی و جسمی نامناسب می شود و قطعاً تصمیماتی گرفته می شود که بر اساس لطامت روحی است.

◀▶ نجفی زمینه را مهیا کرد

احمد مسجد جامعی، عضو شورای شهر تهران نیز یکی دیگر از مخالفان استعفای نجفی بود و گفت: نجفی انتخاب شورای شهری بود که با حساسیت و بررسی مسائل مختلف و با اکثریت آرا منتخب شد. بنده ندیده ام که نجفی دچار اضطراب شود و این اعتماد به نفس موجب روحيه دادن به دیگر افراد مدیریت شهری شده بود.

◀▶ رسولی: در ابتدا گفتیم که تا آخر کار با ما بمانید

حسن رسولی، عضو شورای شهر تهران با تاکید بر اینکه تمام ۲۱ عضو شورا به شهرداری نجفی رای داده اند، گفت: «شهردار تهران هم رده با سران قوا است ما به فردی همچون نجفی نیازمند هستیم که از شرایط فعلی و گذشته شهر برون رفت داشته باشیم. ای کاش نجفی امروز در راستای سند تحویل و تحول گزارش های جدیدی را ارائه می دادند و می گفتند دستگاه های نظارتی چه اقدامی انجام داده اند».

◀▶ موافقت فخاری با استعفای نجفی

الهام فخاری عضو شورای شهر از معدود موافقان جلسه، دیروز بود و تنها از این استعفا ابراز تاسف کرد. او با بیان اینکه «شهری به جامانده از انحصار طلبی را تحویل گرفتیم». گفت: «شهری که از زیر زمین تاهوای آن پیش فروش شده. شهری که گذشته و آینده آن به فروش رفته است. مردم با حضور میلیونی تغییر در این روند را برگزیدند. مردم شاهد تغییر در مدیریت شهری بودند. مثل مناسبت نوروز و نوروزگاه ها که موجب شادی و رضایت مردم بود».

وی ادامه داد: «با توجه به شناخت از آقای نجفی اصل بر صداقت و احترام به تشخیص ایشان است. می توانیم استعفای ایشان را به معنای کناره گیری از



را به همراه دارد. لذا استعفای خود را به شورای شهر تهران ارائه کردم. البته افرادی که از روز اول پیش بینی پیغمبرگونه ای برای استیضاح و رفتن من داشتند، خیلی از این رفتن ابراز خوشحالی نکنند چرا که در آن زمان این افراد عنوان می کردند که نجفی مریض است و نمی تواند در این مسئولیت بماند. در حالی که در آن زمان مریض نبودم و اصلاً بیماری قلب من مطرح نبود و بیماری که امروز به خاطر آن استعفا داده ام مسئله ای است که ظرف یک ماه گذشته عارض شده و من از آن مطلع شده ام». وی ادامه داد: «بی تردید درمان من برای این بیماری بخش عمده ای از انرژی من را می گیرد و برای رتق ورتق امور شهرداری انرژی باقی نمی گذارد. لذا از اعضای شورا درخواست می کنم که اجازه دهند این بار را بر دوش برادر یا خواهر دیگری بگذارند. حفظ این مسئولیت با این بیماری خیانتی است بر امانتی که مردم به شورا سپرده اند و آنها نیز بخش اعظمی از آن را بر دوش من گذاشته اند. درخواست می کنم موضوع استعفای من را به مسائل سیاسی و محیطی و اطراف آن ارتباط ندهند. اصلی ترین علت این استعفا همین بیماری است که قابل جمع کردن نیست. البته عوامل مشدد همیشه وجود دارد. لذا پیشنهادهای و توصیه هایی که در این مدت مبنی بر تعیین قائم مقام یا اخذ مرخصی به من شده است برای من قابل قبول نیست».

نجفی تاکید کرد: «خوشبختانه در بین افرادی که در قالب رویکرد شورا قابل پذیرش هستند افراد شایسته و توانمند بسیاری وجود دارند و حتی در میان معاونین فعلی نیز افرادی هستند که می توانند بهتر از من مدیریت شهری را بر عهده بگیرند. به هر ترتیب اگر این وضعیت ادامه پیدا کند موجب وارد شدن لطمه به شهر و مدیریت شهری می شود و برخی فعالیت ها دچار سستی و رخوت خواهد شد».

نجفی باقی ماندن خود در پست شهرداری تهران را متحمل وارد شدن لطمه هایی به شهر و خودش دانست و افزود: «به من از دو جهت لطمه وارد می شود از یک سو به دلیل سیر درمان بیماری، قطعاً به مدیریت شهری نمی توانم به درستی بپردازم و در نهایت کارنامه ضعیفی از من به جای

نباید شخصی با این شرایط را برای این مسئولیت انتخاب کند. نجفی که قبلاً معاونت ریاست جمهوری را بعد ۶ ماه به دلیل بیماری ترک کرده بود، نباید برای این مسئولیت انتخاب می‌کردند اما حالا هم می‌خواهد از شهرداری برود نمی‌گذارد که جای تعجب دارد.»

مهدی جمران هم در واکنشی به این ماجرا گفت: «چگونه برخی از هر مشکلی می‌توانند یا می‌خواهند به نفع خود و مقاصد سیاسی‌شان بهره‌برداری کنند در حالی که استعفای آقای نجفی به زعم و تأکید خود ایشان تنها به دلیل بیماری است. آیا بیماری و عدم سلامت جسمی ایشان که به قول آقای نجفی که سه پزشک از ایشان کار نکردن و کناره‌گیری از کار را خواسته‌اند چگونه می‌توان به مسائلی نسبت داد که به هیچ وجه با استعفای شهردار تهران ارتباطی ندارد! چرا شورای شهر بیماری نجفی را انکار می‌کند؟»

اما تندترین واکنش را دادستان کل کشور داشت. وی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن انتقاد از عملکرد شورای شهر در بحث استعفای شهردار تهران اظهار کرد: «شورای محترم اسلامی شهر تهران این بساط سیاست بازی که راه انداخته‌اید چه معنایی دارد؟ وقتی شهردار رسماً اعلام می‌کند که توان کار سنگین کلانشهر تهران را ندارم و به علت بیماری نمی‌توانم این کار را ادامه دهم این موضوع در دستور قرار می‌گیرد و آقای شهردار در جلسه رسمی شورای شهر می‌گوید که با این کیفیت ادامه کار را خیانت می‌دانم؛ اما نوبت به رای گیری که می‌رسد با رای خود عنوان می‌کنند که شما مریض و ناتوان برای انجام کار نیستی و کار نکردن خیانت است. تنوع و گستره کار در شهرداری تهران سنگین است و وقتی فردی عنوان می‌کند که به دلیل بیماری نمی‌تواند کار را ادامه دهد استعفايش در شورای شهر پذیرفته نمی‌شود. فردا اگر این آقای شهردار توانست مدیریت لازم را بر شهر تهران داشته باشد چه کسی مسئول است. بنده به عنوان مدعی العموم به شورای شهر تهران عنوان می‌کنم که مسئولیت این کار با شماست.»

او به شهردار تهران پیشنهاد داد که مجدداً استعفای خود را تقدیم شورای شهر کند و گفت: «آقای شهردار باید مهلتی نیز تعیین کند و عنوان نماید که تا فلان روز در دفتر کارم هستم تا شهردار تعیین نماید در غیر این صورت از فلان تاریخ مسئولیت شهرداری تهران را عهده‌دار نخواهم بود و قطعاً آقای شهردار کسی شما را به این جهت تحت تعقیب قرار نخواهد داد.»

پرده دوم: استعفای دوم

درست در میانه‌ای که خیلی‌ها گمان می‌کردند داستان عجیب و غریب نجفی در شهرداری تهران به پایان رسیده و همه چیز به حالت عادی بازگشته است، خبرهای دیگری حکایت از آن داشت که بلوایی در اتاق‌های محرمانه جریان دارد. روز دوشنبه ارگان رسانه‌ای کارگزاران سازندگی اعلام کرد که نجفی مجدداً استعفا داده است. این رسانه نوشت که نجفی این بار دیگر از شورای شهر موافقت خروج از بهشت را خواهد گرفت. ماجرا هم گویا پشت پرده‌ای داشته که سازندگی آن را این گونه روایت کرده است: «برخی از سران حزب اتحاد ملت به دیدار عبدالله نوری رفتند. بهانه دیدار ماندگاری محمدعلی نجفی در شهرداری تهران بود. آقای نوری یکی از سران موثر جبهه اصلاحات است و در این دیدار تأکید کرد که هم احزاب و هم اعضای شورای شهر باید موضوع کسالت و بیماری آقای نجفی، شهردار تهران را بپذیرند و آن را جدی بگیرند. او همچنین متذکر شد پرداختن به هر موضوعی غیر از بیماری نجفی، یک بحث حاشیه‌ای است و ما نباید به سراغ حاشیه برویم. عبدالله نوری نگران است که آنچه در شورای شهر اول رخ داد، دوباره تکرار شود. به همین دلیل در ماه‌های اخیر فعال تر از قبل شده و با گروه‌های سیاسی، حول محور استعفای محمدعلی نجفی و حل اختلافات دو جریان موثر جبهه اصلاحات، دیدارهایی انجام می‌دهد. دیدار او با سران حزب اتحاد ملت، اولین دیدار نبود. پیش تر از این نیز در هفته‌های اخیر سران دو حزب کارگزاران سازندگی و اتحاد ملت، به دعوت عبدالله نوری، جلسه مشترکی برگزار کردند. اختلافات پیش آمده بر سر استعفای نجفی، بهانه این دیدار بود. سران حزب اتحاد در آن دیدار بر حفظ نجفی تأکید داشتند. در آن جلسه به خواست عبدالله نوری، توافقاتی صورت گرفت و قرار بر این شد که دو طرف پایبند این توافق بمانند. بند اول توافق بر این امر استوار بود که هر دو جریان از حیثیت آقای نجفی حمایت کنند. بند دوم توافقنامه این بود هم حزب کارگزاران و هم حزب اتحاد، موضوع کسالت و بیماری نجفی را بپذیرند و از نقل قول‌های دیگر و حاشیه‌ای پرهیز کنند کما اینکه خود او نیز در جلسه استعفای خود در شورای شهر بر این نکته تأکید کرد و گفت که علت استعفا بیماری است و لاخیر و از دیگران نیز خواست که مباحث فرعی را بیان نکنند. توافق سوم دو طرف که خواست عبدالله نوری بود، بحث جان‌شیران احتمالی نجفی است. عبدالله نوری از دو طرف خواست هیچ کس، جان‌شیران احتمالی

نجفی را تخریب نکند و... بند چهارم توافق نیز بحث بر سر شهردار شدن یا شهردار نشدن محسن هاشمی بود که نوری تأکید کرد چون هیچ چیز در این باره قطعی نیست، دو طرف نیز شهردار نشدن یا شهردار شدن محسن هاشمی را قطعی ندانند. ممکن است شرایطی پیش بیاید که جز او گزینه بهتر و موثرتری نداشته باشیم. پس از هم اکنون اعلام نکنیم که او نباید شهردار شود و ممکن است شرایط به گونه‌ای پیش برود که فرد دیگری را برای شهرداری پیدا کنیم پس مطالبات را با اینکه محسن باید شهردار شود، افزایش ندهیم و دامنه اختلافات را بیشتر نکنیم. هر دو طرف وعده دادند که پایبند این توافقنامه بمانند. اما با خروج از آن جلسه، برخی از سران حزب اتحاد، زیر قول خود زدند و با اعلام موضوعات حاشیه‌ای، اعلام کردند که نجفی به علت بیماری استعفا نداده و مسائل دیگری در میان است. نوری در آن دیدار و دیدارهای بعدی تأکید کرده بود که جایز نیست شهر را معطل بگذاریم پس بهتر است با استعفای خود خواسته شهردار موافقت شود، اما برخی از اعضای حزب اتحاد ملت کمپین نه به استعفای شهردار تهران راه اندازی کردند و مجدداً توافق یادشده را نادیده گرفتند. اکنون این نگرانی برای شورای پنجم نیز وجود دارد. لجباری سیاسی، دخالت در امور شهر و یازگیری از اعضای شورا توسط احزاب این مسیر گسستگی شورا و دلزدگی مردم را فراهم می‌کند. شورا باید در مقابل این هشدار، هوشیار باشد که در مسیر شورای اول قدم نگذارد و احزاب بدانند که بدون ائتلاف هیچ نیستند.»

خداحافظی با آقای شهردار

حالا همه نگاه‌ها به اعضای شورای شهر دوخته شده بود. در نخستین واکنش به خبر استعفای دوم نجفی، محسن هاشمی رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران با تأیید خبر گفت: پس از رای شورای اسلامی شهر تهران در مخالفت با استعفای دکتر نجفی ایشان طی نامه‌ای، ضمن تشکر از اعتماد و حمایت شورا، اظهار کرده‌اند که با نظر پزشک معالج خود جهت انجام عمل جراحی و آغاز درمان، امکان ادامه حضور در مسئولیت را ندارند.

وی با بیان اینکه نامه دوم نجفی مبنی بر استعفا از شهرداری تهران دقایقی پیش در اختیار بنده قرار گرفت، اظهار کرد: «در این نامه شهردار تهران ذکر کرده که با توجه به شرایطش قصد ادامه همکاری در شهرداری را ندارد. البته رای روز گذشته شورا به معنای تقدیر از زحمات آقای نجفی در طول دوره مسئولیت و حمایت از برنامه‌های مدیریت شهری بود و همان گونه که ایشان نیز در سخنان خود گفت به علت مشکلات جسمی، قادر به ادامه حضور در شهرداری نیست. وی با بیان اینکه موضوع استعفای دوم نجفی در جلسه علنی فردا شورای شهر تهران بررسی خواهد شد، گفت: در صورتی که استعفای دوم نجفی رای بدهند در نهایت برای شهرداری تهران سرپرست انتخاب خواهد شد. در نهایت روز سه‌شنبه جلسه شورای شهر تشکیل شد و اعضای رای گیری در مورد استعفای نجفی را به رای گذاشتند. با وجود اینکه این جلسه اعضای شورای شهر تهران به تنش کشیده شد و عده‌ای خواستار این بودند که بررسی استعفا به تعویق بیفتد اما اعضای شورا در نهایت به این نتیجه رسیدند که بررسی استعفا در دستور کار قرار گیرد و در نهایت با ۱۵ رای موافق، ۵ رای مخالف و یک رای سفید استعفا مورد موافقت قرار گرفت. پس از آن سمیع الله حسینی مکارم با ۱۴ رای سرپرست شهرداری تهران شد. بعد از اینکه مکارم سرپرست شد خودش را با فاصله به صحن شورا رساند و هاشمی خطاب به وی با شوخی گفت: مثل اینکه پشت در بودید چقدر زود رسیدید. همچنین حسن رسولی گفت برای آقای سرپرست یک صلوات بفرستید و کسی هم صلوات نفرستاد. ▶



درست در میانه‌ای که خیلی‌ها گمان می‌کردند داستان عجیب و غریب نجفی در شهرداری تهران به پایان رسیده و همه چیز به حالت عادی بازگشته است، خبرهای دیگری حکایت از آن داشت که بلوایی در اتاق‌های محرمانه جریان دارد. روز دوشنبه ارگان رسانه‌ای کارگزاران سازندگی اعلام کرد که نجفی مجدداً استعفا داده است

گفت‌وگوی مثلث با حسن رسولی

راه پاستور از بهشت نمی‌گذرد

تا پایان دولت آقای روحانی در کارآمدتر کردن دولت داشته و خواهد داشت، به عنوان یک نظر کارشناسی و با رویکردی دوستانه نسبت به آقای دکتر جهانگیری، در شان ایشان و به مصلحت کشور و اصلاحات نمی‌دانم که نفر دوم دولت آن هم در شرایط نسبتاً بحرانی امروز، دولت را تنها بگذارد و به شهرداری بیاید. آمدن آقای جهانگیری برای ما باعث افتخار است ولی مصالح ملی و منافع ملی در سرلوحه تصمیمات اصلاح طلبان قرار دارد و شخصیت‌های بزرگ اصلاح طلب که آقای جهانگیری هم یکی از آنها است، منافع شخصی و جناحی را بر منافع ملی ترجیح نمی‌دهند. همان طوره که دکتر عارف در سال ۹۲ که منافع شخصی و جناحی را بر منافع ملی ترجیح نداد و مبتنی بر مصالح ملی کنار کشید تا روحانی رئیس‌جمهور شود، برداشت من این است که آقای دکتر جهانگیری نیز در این شرایط حساس در دولت جاخالی نخواهد داد و اطمینان دارم آقای دکتر روحانی هم با هوشمندی و کبایتی که دارد، چنین یار وفاداری را که بیشترین کمک را به او در دولت و به خصوص در انتخابات سال ۹۶ ریاست جمهوری کرد، از دست نخواهد داد.

ما امروز به دنبال شهردار هستیم که البته کار سخت و پیچیده‌ای است و خروج آقای نجفی از شهرداری نیز برای اصلاح طلبان هزینه‌های جدی به بار داشته و خواهد داشت اما برای حل این مساله حق نداریم که خلاء جدی تری را در یکی از قوای سه‌گانه کشور که قوه مجریه و قوه اول و برتر کشور است، با خروج آقای جهانگیری فراهم کنیم. البته اینها نظرات شخصی من است.

با توجه به اینکه احتمال شهردار شدن شاخص‌ترین گزینه‌های مطرح شده را رد می‌کنید، باید گفت که شورا کار دشواری در پیش دارد و شما می‌فرمایید که جریان اصلاح طلب به هیچ وجه قصد ندارد از جایگاه شهرداری برای رسیدن به اهداف انتخاباتی خود استفاده کند.

▲ من چنین حرفی نزدم. من عرض کردم در راستای اجرای آن استراتژی اصلاح طلبان که گفتیم، هرکسی که نامزد شهرداری تهران شود اعم از آنکه رأی بیاورد یا نیاورد، باید به ما قول دهد که هوس رئیس‌جمهور شدن ندارد. ▶

۴ پذیرش استعفای محمدعلی نجفی توسط شورای شهر تهران گمانه‌زنی‌ها در مورد گزینه بعدی شهرداری را آغاز کرد. شورای شهری‌ها اما اصرار دارند که فارغ از هر نوع نگاه سیاسی و به فکر انتخاب کاربردترین مدیر شهری باشند. از همین رو شهردار شدن افرادی همچون محسن هاشمی، محمدرضا عارف یا اسحاق جهانگیری را رد می‌کنند. حسن رسولی، عضو شورای شهر تهران و از افراد نزدیک به محمدرضا عارف تاکید می‌کند که به نظر اعضای شورا لزوماً راه پاستور از بهشت نمی‌گذرد و شهردار بعدی کسی است که هوای رئیس‌جمهور شدن در سر نداشته باشد.

شده تا ظرف سه سال آماده‌سازی در انتخابات ریاست جمهوری شود و در این مسیر مورد حمایت کارگزاران است.

▲ یکی دیگر از مواد میثاق نامه این است که احدی از اعضای شورای شهر پس از اخذ رأی میلیونی مردم برای قبول هر نوع سمت، تصدی و شغلی که قابل جمع شدن با مسئولیت عضویت در شورا نباشد، از شورا خارج نشود. بنابراین همه اعضای شورای اسلامی شهر تهران اخلاقاً پذیرفته‌ایم که در عمل به وظیفه نمایندگی تا پایان دوره‌ای که به ما حق وکالت داده‌اند، فقط نماینده مردم باشیم.

حالا که شهردار شدن محسن هاشمی و عارف را محتمل نمی‌دانید، در مورد گمانه ضعیف‌تر یعنی شهردار شدن آقای جهانگیری صحبت کنیم. با توجه به کم‌رنگ شدن نقش ایشان در دولت صحبت از خروج او از دولت بود و شهرداری شاید می‌توانست جایگاه مناسبی باشد. حالا که از اظهارات و مواضع معاون اول استنباط می‌شود مسائل موجود در دولت رفع شده است؛ این گمانه چقدر محتمل است؟

▲ آقای دکتر جهانگیری از دهه‌های قبل مورد علاقه و شناخت عمیق بنده هستند و با تعریفی که از ایشان به جهت هویت شخصی و شخصیتی دارم و با توجه به نقش و جایگاه بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای که طی پنج ساله اخیر و

در روزهای اخیر شایعاتی مبنی بر احتمال شهردار شدن آقای عارف به گوش می‌رسد. گویا لابی‌هایی نیز از سوی اطرافیان ایشان صورت گرفته اما خودشان مخالف هستند. نظر شما در مورد استفاده از ظرفیت آقای عارف در شهرداری تهران چیست؟

▲ من طی روزهای اخیر در مورد این شایعه با آقای دکتر عارف صحبتی نداشتم، اما بر اساس شناختی که از آقای دکتر عارف دارم، طرح این موضوع را بی‌اساس می‌دانم ولی باید ایشان را ببینم و جويا شوم.

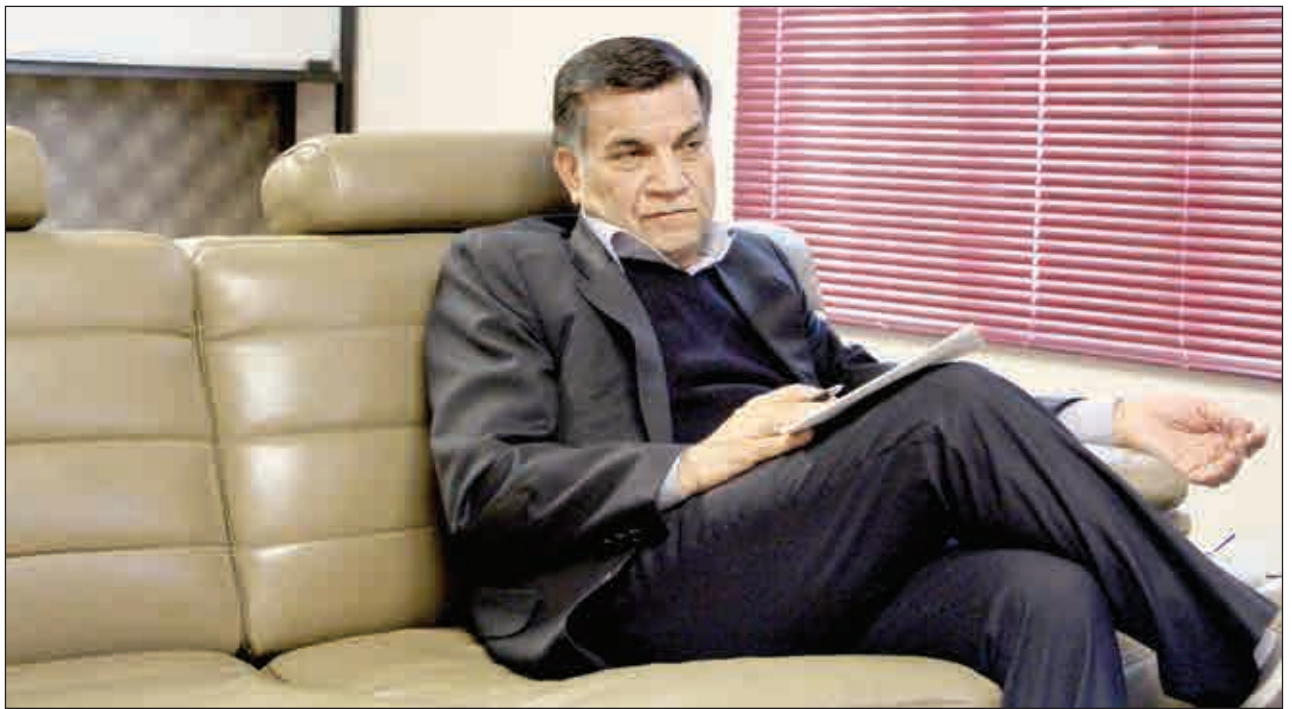
اگر این شایعه به واقعیت بدل شود احتمالاً این فرصت را مهیا می‌کند که ایشان در انتخابات ۱۴۰۰ نیز کاندیدا شده و شانس بیشتری نیز داشته باشند.

▲ یکی از قول‌هایی که ما به موکلان مان و حتی قبل از انتخابات در شورای عالی سیاست‌گذاری به ریاست آقای دکتر عارف به مردم دادیم این بود که از ظرفیت و جایگاه شهرداری و همه‌داری‌های مادی و معنوی آن برای اجرای پروژه‌های سیاسی - انتخاباتی و رسیدن به اهداف سیاسی استفاده ابرازی نکنیم. کما اینکه قبل از انتخاب همراه با اکثریت مطلق ۲۱ نفره شورای شهر در شهریور سال ۹۶ نیز یکی از محورهای پیمان نامه ما با آقای دکتر نجفی این بود که او قول بدهد هوس رئیس‌جمهور شدن ندارد و او این کار را کرد.

از جایگزین آقای نجفی نیز همین قول را می‌گیرید؟

▲ این استراتژی، استراتژی جریان اصلاحات است، قائم به افراد نیست و ما وظیفه داریم که در عمل به عهدی که با مردم بستیم پایبند باشیم. این گزاره و چرخه مبتنی بر اینکه راه رسیدن به جایگاه ریاست جمهوری واقع در پاستور از شهرداری در خیابان بهشت می‌گذرد؛ غلط است و ما قول داده‌ایم که به این چرخه آسیب‌رسان به منافع شهروندان پایان ببخشیم.

بر این اساس احتمال شهردار شدن آقای هاشمی هم رد می‌شود؟ به هر حال این گمانه وجود دارد که محسن هاشمی شهردار خواهد



بوی شورای اول می آید

شورای شهر مشکل جدی پیدا کرده است

ناصر ایمانی

فعال اصولگرا



و برای شورای شهر ارسال کرد، در متن نامه نیز به نظر دکتر معالج خود اشاره کرد که ادامه کار برایش ناممکن است. پس اگر اعضای شورای شهر واقعا به دور از مسائل سیاسی نگاه می‌کردند باید همان بار اول استعفای آقای نجفی را می‌پذیرفتند. حتی وقتی برای بار دوم استعفای آقای نجفی در دستور کار شورای شهر قرار گرفت ۵ نفر با این استعفا مخالفت کردند. این نشان می‌دهد که واقعا عده‌ای به مسائل سیاسی اولویت می‌دهند تا رسیدگی به امور شهری.

امیدواریم هر چه سریع‌تر شهردار توانمندی فارغ از گرایش‌های سیاسی انتخاب شود تا در سه سال باقیمانده امور شهر معطل نماند. اعضای شورای شهر پنجم تهران برخلاف آنکه تلاش دارند دوران مسئولیت آقای قالیباف را یک دوران پراپه‌ام و دارای مسائل مالی نشان دهند اما مردم این را نمی‌پذیرند. شهر تهران هرچه دارد از ۱۲ سال دوره مسئولیت قالیباف است، بنابراین معتقدم اگر بخواهند انتخاب درستی کنند، اعضای شورای شهر باید به در خانه قالیباف بروند و او را برای دوره‌ای دیگر به مسئولیت مدیریت شهر تهران منصوب کنند.

اما قطعاً این کار را نخواهند کرد. نام گزینه‌های زیادی مطرح می‌شود. مثلاً نام آقای عارف نیز به میان آمد اما آقای عارف گفته «از مجلس خارج نمی‌شود»،

مشکلاتی داشت. بعد که شورای شهر دوم تشکیل شد و کار دست اصولگرایان بود ثباتی را هم در داخل شورا و هم در حوزه مدیریت شهری شاهد بودیم. احمدی نژاد دوسالی شهردار بود وقتی به پاستور رفت، اصولگرایان این شورا ۱۲ سال جایگاه شهردار تهران را در اختیار داشتند، در این ۱۴ سال هیچ اختلاف و تنش جدی داخل شورا رخ نداد. امیدواریم تجربه‌های شورای شهر اول تکرار نشود. خوشحال نیستیم که امروز می‌بینیم تنشی در شورای شهر پنجم وجود دارد. همان ابتدای کار که نظرها به سمت انتخاب آقای نجفی به عنوان شهردار تهران رفت نسبت به توانایی‌ها و بیماری‌اش تردید وجود داشت. آن قدر فشار کاری روی شهردار زیاد است که آقای نجفی ۷ ماه بیشتر دوام نیاورد و استعفا کرد.

اما در همین موضوع ساده پذیرش استعفا دیدیم که اصلاح‌طلبان چقدر موضوع را پیچیده کردند. بعد از یک ماه که موضوع را در دستورکار شورا قرار دادند، آقای نجفی دوباره متن استعفای خود را تنظیم

یک سابقه ذهنی بد مردم از اصلاح‌طلبان درباره عملکرد و وضعیت حاکم بر شورای شهر اول دارند چرا که در آن دوران تنش‌های علنی و آشکاری بین گروه‌های مختلف این جریان سیاسی در شورای شهر وجود داشت. یاد می‌آید که اختلاف‌نظرها آن قدر شدید بود که اعضای شورای شهر دو گروه شدند؛ یک گروه اصلاح‌طلبان با سرگروهی حجازیان و گروهی هم طیف کارگزاران به سرگروهی عبدالله نوری مسائل را در حوزه مدیریت شهری دنبال می‌کردند. آنها اول آقای الویری را به عنوان شهردار انتخاب کردند اما از آنجا که درگیری‌های زیادی بین این دو گروه اصلاح‌طلب بود، آقای الویری بعد از سه سال استعفا داد و بعد آقای ملک مدنی امور را به دست گرفت که او نیز



شهردار از خارج از شهرداری می‌آید

از تکرار شورای شهر اول می‌ترسیم

عبدالله ناصری

فعال اصلاح طلب



معاونت‌ها و مدیران شهرداری کسی جز آقای حناچی وجود ندارد که در این شرایط بتواند مدیریت شهر را به دست گیرد. از طرف دیگر اعضای شورای شهر چون بیرون آمدن شان منتفی شد، طبیعتاً شهردار آینده خارج از دایره شورای شهر و مدیران ارشد شهرداری خواهد بود که با شرایطی که جبهه اصلاحات و کشور دارد و حساسیتی که روی مدیر شهر تهران است شاید در این زمینه بهترین فرد آقای مهندس بی‌طرف باشد و بعد از او بدون تردید گزینه مطلوب را آقای حناچی می‌دانم، چون به لحاظ علمی و فنی جزو بهترین‌ها است اما انتخاب شهردار تهران بی‌ش از آنکه فنی و تکنیکی

باید الگویی برای انتخاب شهردار دوم باشد. به عبارت صریح و روشن ۲۱ نفر شورای شهر تهران خودشان باید تصمیم بگیرند و حتی اگر نامزدهای حزبی و تشکیلاتی هم مدنظر آنها هستند، فارغ از روند تصمیم‌گیری‌های حزبی، خودشان به نتیجه برسند.

معتقدم هر چند تجربه ناگواری بود، اما برای تصمیم‌گیری‌های آینده این تجربه اگر ملاک عمل قرار گیرد کم‌فایده محسوب نمی‌شود چون خود اعضای شورا جدی‌تر برای انتخاب شهردار وارد عمل می‌شوند.

درباره گزینه‌های احتمالی نیز در مجموع

شهردار منتخب شورای شهر بر ترک مسئولیت خود تصمیم گرفت، که در واقع پشت کردن به رأی مردم بود، اما این اتفاق علل مختلفی داشت. مهمترین علت را اراده قدرتمند رقیب جبهه اصلاحات علیه مدیریت شهری می‌دانم. در نهایت این اتفاق نه به صلاح مدیریت شهری و نه به صلاح اصلاح‌طلبان بود اما متأسفانه پیش آمد.

شاید در مرحله اول و در دوران انتخاب شهردار، اعضای شورای شهر باید فراتر از احزاب و جریان‌های سیاسی اصلاح طلب درباره انتخاب شهردار اقدام می‌کردند، اما به هر صورت چنین نشد و این تجربه

نیاز به فرد میدانی داریم

مهرعلیزاده گزینه مناسبی است

پرسش دیگر این است که این وضعیت مبهم می تواند بر رای اصلاح طلبان در انتخابات های آتی تاثیر منفی بگذارد؟ من معتقدم اگر شفاف و روشن بیماری آقای دکتر نجفی را به مردم بگویند و حتی اگر موضوع سیاسی هم مطرح بوده عنوان کنند و مردم این صداقت را ببینند، بعید می دانم به جایگاه و پایگاه رای اصلاح طلبان لطمه ای وارد شود. باید یک فرد عملیاتی را در راس کار قرار دهند یعنی فرد باید تجربه مدیریت عملیاتی را در کارنامه خود داشته باشد. اگر غیر این اتفاق بیفتد جریان اصلاحات به بن بست می رسد. در جریان اصلاحات افرادی مثل آقای مهندس مهرعلیزاده حضور دارند که برای اداره شهرداری تهران بسیار مناسب هستند، البته از این نوع گزینه ها در جریان اصلاحات افراد دیگری هم هستند که می توانند برای تصدی این پست مثمرتر باشند. متأسفانه در جریان اصلاحات و در سالیان گذشته آن طور که باید و شاید کادر سازی نشده است.

در حال حاضر جوانان، خیلی میدانی برای ظهور و بروز در جریان اصلاحات را پیدا نکردند. همیشه این تفکر حاکم بوده که در مدیران گذشته چه افرادی هنوز کارآمد هستند که دوباره به کار دعوت شوند. یکی دیگر از خصوصیات که شهردار تهران باید داشته باشد این است که با مردم شفاف صحبت کند و این شفافیت را در موضوعات مالی اعمال کند. البته باید بگویم که در این زمینه دکتر نجفی وظیفه خود را به خوبی انجام داده است. باید با فساد مبارزه جدی شود مخصوصا که فساد به صورت سیستماتیک در آمده است. موضوع مهم دیگر، جوان گرایی است. من برای نیروی جوان و کارآمد احترام و ارزش زیادی قائل هستم. اگر این چهار ویژگی را شهردار تهران داشته باشد بسیاری از معضلات و مشکلات حل و فصل خواهد شد. ▶



ابوالفضل سروش

نماینده تهران

✓ صحبت های پیرامون این استعفای زود هنگام تا حدی به جایگاه اصلاح طلبان ضربه زد اما قبول ندارم که آن طور که برخی وانمود می کنند جایگاه اصلاح طلبان در بین افکار عمومی ضربه مهلک خورد. چندی پیش چند نفر از اعضای فراکسیون امید مجلس و عده ای از اعضای شورای شهر با آقای نجفی جلسه خصوصی داشتند و صحبت هایی مطرح شد و حقیقتا ایشان بیماری دارند و بنا بر همین موضوع خواستار این بودند که از سمت شهردار تهران کناره گیری کنند. این بیماری جدید است و ایشان اوایل بهمن متوجه آن شدند و تا حدی هم جدی است و پزشکان و خود آقای نجفی، صلاح را در کناره گیری و معالجه دیدند و این قضیه با زمانی که ایشان از سازمان میراث فرهنگی کناره گیری کردند بسیار متفاوت است.

سوال این است که اگر اعضای شورای شهر از موضوع خبر دارند چرا با رفتن ایشان در مرحله اول موافقت نکردند؟ باید گفت: شاید اعضای شورای شهر به دنبال این بودند که با کناره گیری آقای نجفی مخالفت کنند تا سر موقع و در یک شرایط بهتر فردی را جایگزین ایشان کنند اما اصرار دکتر نجفی به رفتن باعث شد در مرحله دوم با این استعفا موافقت شود. من به شخصه مخالف حضور دکتر نجفی در شهرداری تهران بودم زیرا ایشان نیروی ستادی است و خیلی در کارهای میدانی مناسب نیست. شهرداری تهران کار وسیعی است و نیاز به یک فرد میدانی دارد.

منطقی هم نیست. خروج آقای جهانگیری از دولت نیز با این اوضاع امکان ناپذیر است. الان شورای شهر مشکل جدی برای پیدا کردن شهردار دارد که هم مناسب باشد و هم طیف های مختلف را از داخل و خارج شورا راضی نگه کند.

به نظرم در نهایت اعضای شورای شهر پنجم مجبورند به گزینه محسن هاشمی رای دهند چون محسن هاشمی سابقه کار در شهرداری دارد، در شورا از مقبولیت اجمالی برخوردار است و من فکر می کنم مجبور می شوند به او رای دهند. ضمن آنکه بعید به نظر می رسد اختلاف نظر ها در خارج و داخل شورا میان اصلاح طلبان اجازه دهد، آنها به فرد دیگری برسند.

توصیه می کنم اصلاح طلبان خارج از شورا کار را رها کنند و بگذارند اعضای شورا خودشان تصمیم بگیرند، اگر دخالت های خارج از شورا ادامه پیدا کند، به کار شورا آسیب می زند. البته از این مرحله هم بگذریم بعید می دانم کارگزاران و اتحاد ملت اختلافات شان تمام شود و با هم کنار بیایند. مواضع آقای غلامحسین کرباسچی این روزها خیلی علیه اصلاح طلبان تند شده که نشان می دهد اختلافات درونی میان آنها حل نشده است، به همین خاطر دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی چنین موضعی را اتخاذ می کند. ▶



به محسن هاشمی پیشنهادهایی شده است

نباید شتابزده عمل کنیم

باید تاکید کنم که شهرداری تهران مسئولیت بسیار بزرگی است که در عین حال یک موهبت خیلی بزرگ محسوب می شود که می تواند به یک جامعه ۱۰ میلیونی و در نگاه دیگر به کل کشور خدمت و اصلاح زندگی بهتر را ارائه دهد. در شهرداری تهران با همه جنبه های زندگی از تولد تا فوت سرو کار داریم و آن کسی که این مسئولیت را می پذیرد باید کاملا آماده باشد و امیدواریم بتواند پویا و نوآور در شهر تهران عمل کند. شهردار تهران باید از ظرفیت همه گروه ها و طیف ها برای اداره شهر استفاده کند. شورای شهر تهران تاکنون گزینه های خاصی را مورد بررسی قرار نداده است ولی انتخاب شهردار تهران در دستور کار شورا قرار گرفته است.

درباره اخباری که این روزها در مورد احتمال شهردار شدن محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران نیز باید بگویم که در شورا هاشمی به عنوان شهردار مطرح نشده است و در این خصوص نیز صحبتی انجام نشده است، البته پیشنهادهایی به هاشمی از طرف بخش هایی از جامعه بوده و هست، منتها شورا نه ایجابی و نه سلبی به آن ورود نکرده است. ▶



الهام فخاری

عضو شورای شهر

▲ درباره محسن هاشمی به عنوان یکی از گزینه های شهرداری تهران در شورا صحبتی نشده است. شورای شهر تهران بالاخره به این نتیجه رسید که برای شهرداری تا انتخاب گزینه مناسب سرپرست انتخاب کند. انتخاب شهردار نباید شتاب زده باشد و در این انتخاب باید از ظرفیت های قانونی استفاده شود و در یک فضای منطقی و با استفاده از تجربه ۸ ماه گذشته به یک شرایط متناسب برسیم.

قطعا در بازه زمانی مشخص شده شهردار تهران انتخاب خواهد شد و همین طور ملاک های منطقی و علمی نیز در انتخاب شهردار لحاظ خواهد شد. اعتقاد شخصی بنده این است که چابکی، نوآوری و پرنگیزه بودن از ملاک های بسیار مهم شهردار آینده خواهد بود.

باشد در بین جریان های مختلف کشور اساسا سیاسی تلقی می شود به همین خاطر احتمال چنین انتخابی قریب به صفر است.

پس حتما باید به بیرون سازمان شهرداری نگاه کرد و در این شرایط امکان اجماع جامع اصلاح طلبان داخل و خارج از شورای شهر روی نامه آقای مهندس بی طرف وجود دارد. موضوع دیگر نگرانی از تکرار تجربه تلخ شورای شهر اول است. البته برخی در بیرون جبهه اصلاحات می خواستند چنین اتفاقی بیفتد، ولی به نظر من در مرحله دوم استعفای آقای نجفی اتفاق خوبی صورت گرفت و تجربه خوبی به دست آمد. حتما تجربه تلخ شورای شهر اول تکرار نخواهد شد. به نظرم به اندازه کافی اصلاح طلبان از تجربه شورای شهر اول درس گرفتند و دیگر این تجربه را تکرار نخواهند کرد. ▶

بازی دوگانه

آیا در آینده‌ای نزدیک شاهد اتحاد علنی تر دیگر اعضای ۱+۵ در مقابل ترامپ و دولت آمریکا (بر سر برجام) خواهیم بود یا به واسطه ادامه بازی دوگانه تروویکای اروپایی، این «اتحاد» همچنان شکلی کامل به خود نمی‌گیرد؟ در هر حال، پکن و مسکو علاوه بر اینکه دوبازیگر عضو ۱+۵ محسوب می‌شوند، در نظام بین‌الملل نیز دارای قدرت مانور موثری هستند. در چنین شرایطی دیالوگ بازیگر غیر آمریکایی برجام، یعنی پکن، مسکو، برلین، پاریس و لندن در آینده‌ای نزدیک دیدنی خواهد بود.

سیاست خارجی

تیتریک



ایران در برابر آمریکای سرکش و اروپای سردرگم

نقشه‌واشنگتن و اروپا در قبال برجام چیست؟

**دلیلی ندارد در صورت خروج آمریکا
در برجام بمائیم
گفت‌وگو با دکتر حسین شیخ‌الاسلام**



**واشنگتن قصد دارد با کمترین هزینه
از توافق خارج شود
دکتر ابو محمد عسکر خانی
در گفت‌وگو با مثلث**



**دفرمه کردن برجام
راهکار اندیشکده «رند»
برای حفظ برجام**

بودن توان دفاعی کشور»، «تاکید بر عهدشکنی آمریکا در سطوح دیپلماسی رسمی»، «استفاده از ظرفیت‌های حوزه دیپلماسی عمومی در واکنش به اقدامات آمریکا» و «رایزنی فشرده دیپلماتیک با دیگر بازیگران بین‌المللی» از مهم‌ترین اقداماتی است که دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید در مواجهه با دولت ترامپ صورت دهد.

از سوی دیگر، پاسخ جمهوری اسلامی ایران نسبت به خروج احتمالی آمریکا از برجام باید محکم، هوشمندانه و قاطعانه باشد. طی روزهای اخیر مقامات کشورمان صراحتاً عنوان کرده‌اند که واکنش ایران نسبت به لغو توافق هسته‌ای برای آمریکا پشیمان‌کننده خواهد بود. بدیهی است که دولت ترامپ در صورت خروج از برجام، باید سخت‌ترین هزینه‌های ممکن را به لحاظ فنی، حقوقی، سیاسی و بین‌المللی بپردازد. بنابراین تحولاتی که هم‌اکنون در کاخ سفید و در قبال برجام می‌گذرد، به مثابه آماده‌باشی برای دستگاه سیاست خارجی و اجرایی ما برای واکنش قاطعانه نسبت به نقض عهد آمریکاست.

اولتیماتوم مسکو به غرب در خصوص برجام

در حالی که عهدشکنی آمریکا و بازی دوگانه اروپا در قبال برجام همچنان ادامه دارد، روسیه و چین همچنان تاکید دارند که برجام قابل مذاکره (و اصلاح یا تغییر) مجدد نیست. «سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه در نشست خبری با «وانگ ای» همتای چینی خود تاکید کرده است:

«هرگونه تلاش برای تجدیدنظر در توافق هسته‌ای ایران و نقض مفاد این توافق غیرقابل قبول است. اصرار آمریکا برای بازنگری در برجام نشان می‌دهد که این کشور مایل است تا به صورت یکجانبه در عرصه بین‌المللی وارد عمل شود و رویکردی یکجانبه در امور بین‌المللی داشته باشد. بخش مهمی از گفت‌وگوهای من و وزیر امور خارجه چین به توافق هسته‌ای ایران اختصاص داشت. به اعتقاد ما هرگونه تلاش برای بازنگری در این توافق هیچ ارتباطی با قطعنامه‌ای که در تأیید برجام به تصویب رسیده است ندارد و صرفاً تلاش‌های جامعه بین‌المللی را تضعیف می‌کند... این روند، دیپلماسی در جهان را تضعیف می‌کند.»

در هر حال به نظر می‌رسد تقابل ایالات متحده آمریکا با روسیه و چین بر سر برجام طی هفته‌های آتی تشدید خواهد شد. از سوی دیگر، تروئیکای اروپایی نیز چاره‌ای جز اتخاذ موضعی شفاف‌تر در خصوص توافق هسته‌ای با ایران ندارد.

سوال اصلی اینجاست که آیا در آینده‌ای نزدیک شاهد اتحاد علنی‌تر دیگر اعضای ۵+۱ در مقابل ترامپ و دولت آمریکا (بر سر برجام) خواهیم بود یا به واسطه ادامه بازی دوگانه تروئیکای اروپایی، این «اتحاد» همچنان شکلی کامل به خود نمی‌گیرد؟ در هر حال، پکن و مسکو علاوه بر اینکه دو بازیگر عضو ۵+۱ محسوب می‌شوند، در نظام بین‌الملل نیز دارای قدرت مانور موثری هستند. در چنین شرایطی دیالوگ ۵ بازیگر غیر آمریکایی برجام، یعنی پکن، مسکو، برلین، پاریس و لندن در آینده‌ای نزدیک دیدنی خواهد بود. ▶

شواهد و مستندات موجود، حاکی از خروج احتمالی ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران می‌باشد. انتصاب جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی و مایک پمپئو به عنوان وزیر امور خارجه دولت ترامپ، سیگنال‌های مشخصی را به مخاطبان موضوع برجام مخابره کرده است.

وجه مشترک این دو مقام آمریکایی، مخالفت ذاتی و اساسی آنها با توافق هسته‌ای می‌باشد. منابع خبری در غرب، اکثراً بر این باورند که ترامپ در نهایت قصد دارد با طرح دوباره ادعای عدم کارآمدی برجام، از این توافق خارج شود. به عنوان مثال، گاردین اخیراً در گزارشی به نقل از یکی از دیپلمات‌های اروپایی نوشته است که اروپای واحد، دیگر آمیدی نسبت به باقیماندن ترامپ در توافق هسته‌ای با ایران ندارد. با این حال سوال اصلی اینجاست که نقشه نهایی آمریکا و اروپا در قبال برجام چیست؟ از سوی دیگر، رویکرد و استراتژی کشورمان در برابر خروج احتمالی واشنگتن از توافق هسته‌ای چه باید باشد؟

نقشه ترامپ در قبال برجام

بدون شک رئیس‌جمهور آمریکا از مواضع قبلی و سلبی خود در قبال توافق هسته‌ای با ایران عقب‌نشینی نخواهد کرد. ترامپ کماکان توافق هسته‌ای را بدترین

**پاسخ جمهوری اسلامی ایران نسبت
به خروج احتمالی آمریکا از برجام باید
محکم، هوشمندانه و قاطعانه باشد. طی
روزهای اخیر مقامات کشورمان صراحتاً
عنوان کرده‌اند که واکنش ایران نسبت
به لغو توافق هسته‌ای برای آمریکا
پشیمان‌کننده خواهد بود**

توافق ممکن می‌داند و حتی بر سر همین موضوع، رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه سابق خود را برکنار و پمپئو را جایگزین وی کرد. برخی تحلیلگران غربی معتقدند که ترامپ در صدد «کسب امتیازات بیشتر در برجام» با استفاده از اهرم فشار می‌باشد.

انتصاب جان بولتون و پمپئو نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. از سوی دیگر، ترامپ قصد دارد در صورت خروج احتمالی از برجام، کمترین هزینه ممکن را متقبل شود و تروئیکای اروپایی را نیز در این خصوص با خود شریک کند. لازم به ذکر است که جان بولتون، قبل از اینکه به سمت مشاور امنیت ملی آمریکا انتخاب شود، ضمن تاکید بر لزوم خروج واشنگتن از برجام تاکید کرده بود که در این خصوص لازم است شرکای اروپایی آمریکا نیز به واشنگتن ملحق شوند و رایزنی‌های لازم (در سطح دیپلماتیک) میان کاخ سفید و اروپا صورت گیرد.

برخی منابع خبری و تحلیلی در غرب نظر دیگری در این خصوص دارند. آنها معتقدند امکان دارد ترامپ خروج علنی آمریکا از برجام را اعلام نکند اما از تمديد تعليق تحریم‌های ایران نیز خودداری کند! بدون شک

این بازی یکجانبه و پیچیده، معنایی جز خروج آمریکا از برجام نخواهد داشت. ضمن آنکه رئیس‌جمهور آمریکا در عملیاتی کردن این بازی دوگانه ناتوان به نظر می‌رسد. واقعیت امر این است که با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، واشنگتن دیگر هدایتگر این معادله نخواهد بود.

اروپا همچنان سردرگم است

علی‌رغم اینکه به نظر می‌رسد آمریکا تصمیم نهایی خود را در خصوص توافق هسته‌ای با ایران اتخاذ کرده است، اروپا کماکان در این خصوص سردرگم به نظر می‌رسد. صدر اعظم آلمان و رئیس‌جمهور فرانسه قرار است در دو سفر جداگانه به ایالات متحده آمریکا، با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرده و در خصوص «برجام» و حفظ توافق هسته‌ای با او رایزنی کنند. این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل معتقدند انتصاب جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا به معنای عزم ترامپ برای خروج از برجام می‌باشد. از سوی دیگر، ترامپ همچنان بر سر موضوعاتی مانند گنجاندن توان موشکی ایران در برجام، بازرسی از امکان نظامی ایران و وضع محدودیت‌های دائمی بر برنامه هسته‌ای ایران اصرار می‌ورزد. تروئیکای اروپایی نیز طی هفته‌های اخیر به ترامپ اعلام کرده‌اند که امکان تغییر برجام بر اساس شروطی که وی اعلام کرده است وجود ندارد.

سفر ماکرون و مرکل به کاخ سفید به صورت جداگانه و قبل از فرارسیدن ۲۲ اردیبهشت‌ماه (ضرب‌الاجل زمانی تعیین شده از سوی ترامپ) صورت می‌گیرد. این سفرها در حالی صورت می‌گیرد که میان بازیگران اروپایی نیز بر سر نحوه مواجهه با برجام اختلاف وجود دارد. اخیراً در جریان برگزاری نشست بروکسل، شاهد بروز اختلافات عمده‌ای میان سران کشورهای این مجموعه بر سر اعمال تحریم‌های موشکی و منطقه‌ای علیه کشورمان بودیم. تروئیکای اروپایی اصرار دارد که وضع تحریم‌های جدید علیه ایران برای جلوگیری از اقدام ترامپ مبنی بر خروج از برجام ضروری می‌باشد.

این در حالی است که برخی کشورهای اروپایی مانند ایتالیا، اسپانیا و اتریش معتقدند که این اقدام تنها منجر به بی‌اعتباری اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل خواهد شد و ترامپ نیز فارغ از اعمال یا عدم اعمال این تحریم‌ها، تصمیم نهایی خود را در خصوص خروج از برجام اتخاذ کرده است.

واقعیت امر این است که بازی پارادوکسیکال اروپا در برجام طی یک‌سال اخیر هزینه‌های زیادی برای تروئیکای اروپایی داشته است. «مه‌ار آمریکا» وظیفه‌ای بوده است که تروئیکای اروپایی (به عنوان سه کشور امضاکننده برجام) از عهده آن بر نیامده‌اند.

استراتژی ایران در قبال لغو برجام

آنچه مسلم است اینکه اصلی‌ترین هدف ترامپ از تهدیدات یک‌ساله اخیر (در خصوص خروج از برجام) و اعمال فشار بر تروئیکای اروپایی، کسب امتیازات بیشتر از ایران بوده است؛ هدفی که رئیس‌جمهور آمریکا همچنان به دنبال آن است. بدیهی است که «اصرار بر خطوط قرمز سیاست خارجی»، «تاکید بر معامله‌ناپذیر

به طور کلی نقش و تاثیرگذاری برجام در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

▲ دشمنان ما و در رأس آنها آمریکا رژیم صهیونیستی و عربستان، پس از انقلاب اسلامی منافع و جایگاه بین‌المللی خود را به واسطه دین خواهی، آزادی طلبی و مردم سالاری و آرمان خواهی ما در خصوص آزادسازی فلسطین مسجدالاقصی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران در خطر دیدند. آنها تمایل به این دارند که برای کنترل ما اهرم‌های فشاری را به بهانه‌های مختلف داشته باشند، در واقع آنها می‌خواهند این ابزارهای فشار را علیه ما داشته باشند تا بتوانند هر زمان خواستند از آنها در جهت تحمیل خواسته‌ها و سیاست‌هایشان بر ما استفاده کنند، شش قطعه‌نامه بین‌المللی که علیه ایران صادر شده بود هم از این امر مستثنی نبود و نمی‌خواستند این اهرم‌های فشار را به سادگی از دست بدهند. پس خاصیت برجام در این برهه این بود که این ابزار یعنی قطعه‌نامه‌های بین‌المللی که در شورای امنیت و ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد تنظیم شده بود را از آنها گرفت، هر چند که آنها پس از برجام هم تمام تلاش خود را داشتند تا بار دیگر ایران را به بهانه‌های دیگر ذیل بند هفتم منشور ملل متحد آورند.

برجام توانست این فرصت فشار را از آنها بگیرد، آنها دیگر نمی‌توانند در این حوزه با ما بازی در آورند و این یک پیروزی دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی ایران است. از طرف دیگر شاهد هستیم که در جبهه‌بندی‌های بین‌المللی چین و روسیه در کنار آمریکا قرار ندارند و همچنین اروپا به عنوان متحد قدیمی آمریکایی‌ها دیگر همچون گذشته محکم و کامل در راستای سیاست‌ها و خواسته‌های آمریکا گام بر نمی‌دارد که اینها همه نشان از زوال رفتن قدرت و هیمنه آمریکا در نظام بین‌الملل امروز دارد. در یک دوره‌ای ما می‌دیدیم که دشمنان ما خود را در قالب جامعه جهانی تلقی می‌کردند، یعنی پنج کشور دائم عضو شورای امنیت سازمان ملل تصمیمات و سیاست‌های اتخاذی خود را در قالب خواست و رویکرد جامعه جهانی قلمداد می‌کردند، اما دیگر این موضوع هم رنگ باخته و دوره مطرح کردن این مسائل پایان یافته و بر همه مشخص شده است که آنها که با ما مشکل دارند یک عده محدودی هستند که با توسل به ابزار و ساز و کارهای بین‌المللی خود و سیاست‌های خود را از جانب همه کشورهای جهان مطرح می‌کردند. این برای ما امروز در دوران پس‌برجام یک فرصت است، انشقاق ایجاد شده میان آمریکا و اروپا از طرفی و روسیه و چین با آمریکا از طرف دیگر می‌تواند برای ما فرصت باشد که بهتر است در این خصوص هوشمندی بیشتری را داشته باشیم تا هر چه بیشتر منافع ملی ما تامین و جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای ما نیز تقویت شود.

تحلیل شما از مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در دوران پس‌برجام چیست؟ این مناسبات پس از امضای توافق هسته‌ای و اجرایی شدن آن چگونه و بر چه مبنایی شکل گرفته و ادامه پیدا کرده است؟

▲ در دوران رژیم گذشته که ایران در اختیار آمریکا بوده، ایالات متحده آمریکا از طریق ایران، عربستان و دیگر پادشاهی‌هایی که در منطقه تابع او بودند، سیاست‌های خود را پیش می‌برده و تنظیم مناسبات می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران و مستقل شدن جمهوری اسلامی ایران، آمریکا تمام تلاش خود را به کار بست تا ایران نتواند استقلال خود را داشته باشد و بر خلاف منافع و خواسته‌های آن دولت در منطقه کاری را پیش نبرد که جنگ تحمیلی هشت ساله و انواع تحریم‌ها و توطئه‌های به کار برده شده علیه ایران در این چهار دهه در این راستا قابل تحلیل است. به دلیل ترس از مردم سالاری دینی در ایران اسلامی بود که آمریکایی‌ها شورای همکاری خلیج فارس را به وجود

دلیلی ندارد در صورت خروج آمریکا در برجام بمانیم

گفت‌وگو با دکتر حسین شیخ‌الاسلام

آن زمان می‌گفتند جنگی است میان مسلمانان با گرایش‌ها و مذاهب مختلف خود و امروز دیگر مشخص است که یک طرف میدان ترامپ است و پادشاهی‌های خلیج فارس و در یک طرف هم کشورهای اسلامی مستقل وجود دارند. امروز درگیری ما با جبهه مستکبران واضح‌تر شده است و مشخص شده که دشمن اصلی ما چه کسی است و از ابهام خارج شده است.

تا چه زمانی ایران می‌خواهد در برجام باقی بماند؟ تلاش‌های دستگاه سیاست خارجی ما برای نگاهداشتن اروپا، روسیه و چین در مقابل آمریکا در قبال برجام چگونه بوده است؟

▲ اگر آمریکایی‌ها برجام را به هم بزنند، هیچ دلیلی برای ماندن ما وجود ندارد. ما از منظر اسلامی به تعهد خود تا زمانی که طرف مقابل به تعهداتش پایبند باشد، متعهد هستیم و اگر به هر دلیلی نخواهند این روند ادامه داشته باشد ما نیز به ماندن در برجام اصراری نداریم.

ما غصه نگه‌داشتن برجام را نباید داشته باشیم، آنها باید این نگرانی را داشته باشند. ببینید آمریکایی‌ها بهره اقتصادی از قبال برجام نمی‌برند و برای همین با برجام مخالف هستند اما اروپایی‌ها از این توافق منتفع هستند، بنابراین آنها باید تلاش کنند که برجام بماند.

اگر آمریکایی‌ها بخواهند برجام را به هم بزنند ما هم آن را به هم خواهیم زد و هیچ نگرانی‌ای از این بابت نداریم. طرف مقابل از ابتدا می‌خواست در خصوص مسائل منطقه‌ای مذاکراتی را در کنار مذاکرات هسته‌ای با ایران داشته باشد اما نظر رهبری بر این نبود. همین امروز شاهدیم که برجام که صرفاً مسائل هسته‌ای را شامل می‌شود به خوبی پیش نمی‌رود حالا شما تصور کنید پرونده‌های دیگری هم با آنها می‌داشتیم و هر کدام به همین نحو ناقص پیش رفته بود. ما سابقه همکاری خوبی را با آمریکایی‌ها پیش و پس از انقلاب اسلامی نداشته‌ایم، همواره آنها با ما از موضع تجاوزگری، دخالت در امور داخلی و اتخاذ سیاست‌های خصمانه برخورد کردند که موارد متعددی از اقدامات منفی آمریکا نسبت به ملت ایران در کارنامه سیاه دولت‌های آمریکایی وجود دارد. در بحث برجام ما حتی یک قطعنامه شورای امنیت را پشتوانه این توافق نامه قرار دادیم اما می‌بینیم که آمریکایی‌ها با قلدری حتی نسبت به قوانین بین‌المللی هم اعتنایی ندارند و خود را مبری از این مساله می‌دانند و دیگر برای همه روشن شده است که نمی‌توان با آمریکایی‌ها هیچ‌گونه همکاری داشت. ▶

۲ دونالد ترامپ به تهدیدات خود علیه توافق هسته‌ای با ایران ادامه می‌دهد. قرار است ترامپ در ۲۲ اردیبهشت ماه نظر نهایی خود را در خصوص برجام و تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران اعلام کند. در خصوص کلیت توافق هسته‌ای، نقش و جایگاه آن در منطقه و نظام بین‌الملل، بی‌تعهدی‌های آمریکا در برجام و رفتار جمهوری اسلامی ایران در صورت خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای، گفت‌وگویی با دکتر حسین شیخ‌الاسلام، مشاور وزیر امور خارجه کشورمان صورت داده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد.

به عنوان کشور دارنده مواد خام دارند، نوع سیاستی که نسبت به موضوع مرزی میان لبنان و اسرائیل دارند به نحوی که لبنانی‌ها به دنبال تثبیت حقوق خود در اکتشاف نفت از دریا هستند اما جانب اسرائیل را نگاه می‌دارند یا حضور آمریکایی‌ها در سوریه و حمایت آنها از نیروهایی است که در شرق سوریه قرار دارند یعنی در جایی متمرکز هستند که عمده نفت آن کشور در آن مناطق قرار دارد، از همه مهم‌تر رفتار آنها با عربستان سعودی به عنوان سلطان نفت جهان، همچنین نوع رفتار آنها در قبال «شرکت آرامکو» که آن را می‌خواهند با چپاول از عربستان در بورس بگیرند، در این راستا قابل تحلیل است.

این در حالی است که ایران برای منطقه همواره خواهان صلح، آرامش و امنیت است و اینکه مردم منطقه خودشان بتوانند بر منابع عظیمی که در کشورهای منطقه وجود دارد کنترل و مدیریت داشته باشند.

شکست‌های یابایی گروه‌های تروریستی وابسته به غرب (از جمله داعش) چه تأثیری بر مخالفت‌ها و ادامه سیاست‌های خصمانه دولت آمریکا و عربستان سعودی در دوران پسابرجام علیه ایران داشته است؟

▲ این یک توطئه بزرگی بود و قطعاً پیروزی و دستاورد بزرگی برای غربی‌ها به حساب می‌آید چرا که توانستند گروهی را از جنس خودمان به جان مایندازند و میان امت اسلامی تفرقه ایجاد کنند، گروه‌هایی که خوناختند و افراطی از اسلام را به جهان معرفی کردند که تفاوت فاحشی با اسلام ناب داشت. این مساله گروه‌های تروریستی تکفیری یک ایده و توطئه پیچیده و عظیمی به زعم خودشان علیه ما بود؛ اما پس از آنکه این مساله رو به زوال رفت رودرویی‌ها شفاف‌تر از گذشته شده است، چرا که تا

آوردند تا کشورهای پادشاهی خلیج فارس را زیر علم سعودی‌ها متحد کنند. بنابراین دشمنان ایران همواره می‌خواستند اهرم‌های فشار را علیه ایران داشته باشند که در مقاطع مختلف در این چهار دهه نتوانستند این کار را انجام دهند. در موضوع توافق هسته‌ای یک موضوعی هم بود که می‌خواهم به آن اشاره کنم و آن اینکه ایران در برابر قدرت‌های جهان ایستاد و در مقابل آنها پای میز مذاکره نشست و این به معنای ارتقای جایگاه ایران اسلامی در معادلات بین‌المللی است و یکی از دلایل مخالفت دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ما همچون عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی همین مطلب است چرا که این مساله به خودی خود به معنای مشروعیت بخشی بیشتر به حق هسته‌ای ایران به حساب می‌آید.

چرا عربستان و رژیم صهیونیستی همچنان در صدد تقابل با برجام و ابطال آن از سوی دولت ترامپ هستند؟ ریاض و تل‌آویو چه سیاستی را در این خصوص دنبال می‌کنند؟

▲ ما مشکلی که با برجام داریم عدم انجام تعهدات طرف مقابل در قبال توافق هسته‌ای است که نمی‌گذارد از منافع برجام به طور کامل بهره‌مند شویم و این بدعهدی‌ها هم عمدتاً در حوزه بانکی و مالی اتفاق افتاده است. درست است که بدعهدی از طرف آنها انجام می‌شود ولی برای ما هم عزتمندان نیست که کسی با ما توافقی کند ولی نسبت به انجام تعهداتش در قبال ما بی‌تفاوت باشد.

اگر آن قسمت‌هایی از برجام که به نفع ما است اجرایی نشود دیگر برای ما حضور در این توافقنامه جذابیتی ندارد، آمریکایی‌ها می‌خواهند با فشارهای مختلف ما را از دستاوردهای برجام محروم و فضا را علیه ما تنظیم کنند.

برجام برای ما درس‌های زیادی داشت و ما باید از آنها برای ادامه مسیر خود استفاده کنیم، به طور مثال بدعهدی‌های آمریکا امری نبود که برای ما تعجب‌برانگیز باشد، ما از ابتدای این راه می‌دانستیم که نمی‌توانیم به غربی‌ها و آمریکایی‌ها اعتماد کنیم ولی در دوران پسابرجام این مساله برای ما به یقین حاصل شد.

دولت آمریکا بارها مسائلی از جمله لزوم اصلاح برجام و تغییر توافق هسته‌ای را مطرح کرده است. ترامپ در قالب طرح این مسائل، به دنبال چیست؟

▲ دولت ترامپ اساسش بر قلدری است، خود ترامپ اعتراف می‌کند که آمریکا ضعیف شده و می‌خواهد این کشور را به جایگاه قبلی خود بازگرداند و از طرفی این را هم می‌گوید که ایران کشوری با قدرت و نفوذ در منطقه است. باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که ترامپ و جمهوری خواهان در یک جنگ داخلی با حزب رقیبشان دموکرات‌ها قرار دارند، جمهوری خواهان جناح اسلحه‌سازی و نفت در آمریکا هستند و دموکرات‌ها جناح شرکت‌های بزرگ نرم‌افزاری. در شرایط فعلی دو، سه سال اخیر دموکرات‌ها در این نبرد اقتصادی در جمهوری خواهان غلبه پیدا کردند و این در حالی است که تا به حال شرایط عکس این مطلب بوده و این شرکت‌های اسلحه‌سازی و نفتی بودند که در آمریکا حرف اول را می‌زدند.

برای همین است که کرس تیلرسون، رئیس بزرگ‌ترین شرکت نفتی دنیا به عنوان وزیر امور خارجه این کشور مطرح می‌شود تا در حوزه سیاست خارجی این مساله را به عنوان یکی از اساسی‌ترین امور آمریکا پیگیری کند و امپراتوری نفتی آمریکا را بازسازی کرده باشد.

آمریکایی‌ها طوری نسبت به گاز و نفت حساسیت دارند که بتوانند تا جایی که امکانش هست تسلط خود را بر بازارهای گاز و نفت منطقه و جهان افزایش دهند، نوع رفتارهای آمریکا با عراق که معتقدند نباید از آن کشور در سال ۲۰۱۱ بیرون می‌آمدند، نوع رویکردی که با افغانستان



اگر آمریکایی‌ها بخواهند برجام را به هم بزنند ما هم آن را به هم خواهیم زد و هیچ نگرانی‌ای از این بابت نداریم



واشنگتن قصد دارد با کمترین هزینه از توافق خارج شود

دکتر ابو محمد عسکر خانی در گفت و گو با مثلث

متحدہ آمریکا و اروپا هستیم. نکته دیگر اینکه عملکرد آمریکا و برخی از کشورهای قدرتمند نویسندگان تعهدات و پیمان‌های بین‌المللی هستند و چنانچه احساس خطر و ضرر کنند قواعد را به نفع خود تفسیر می‌کنند. این اتفاقی است که در قبال توافق هسته‌ای با ایران نیز رخ داده است. ایالات متحده آمریکا در این خصوص احساس خطر و ضرر کند، قواعد و تعهدات موجود را به سود خود تفسیر می‌کند. واشنگتن در همین راستا ایران و حتی شرکای اروپایی خود را تحت فشار قرار می‌دهد.

ما با خروج از برجام عملاً چیزی به دست نخواهیم آورد. ما تعهداتی را که داده بودیم اجرا کردیم. با این حال آمریکایی‌ها می‌خواهند زمینه‌سازی و تبلیغات کنند که ایران نمی‌خواهد برجام را اجرا کند. برنامه آنها این است که کشورمان از سلاح‌های متعارف و سپس از سلاح نامتعارف هم خلع شود. در اینجا موضوع دیگری وجود دارد که باید نسبت به آن توجه داشته باشیم. اینکه وقتی یک طرف از اجرای توافق طرفه می‌رود، شکاف ایجاد می‌شود و توافق به صورت ماهوی نقض و قواعد عرفی حاکم می‌گردد. ما نمی‌توانیم از توافق هسته‌ای یا همان برجام خارج شویم. اگر از برجام خارج شویم متهم به نقض ماهوی آن بی‌تی خواهیم شد. به طور کلی برجام، کودک ناقص الخلقه‌ای است که درست شدنی نیست و پیامدهای بدی برای ما خواهد داشت.

مادر برجام تعهداتی را داده‌ایم و مرز نظارت و بازرسی را در آن مشخص نکردیم. همین مساله سبب شده تا آنها (آمریکا) متمم‌هایی را اضافه کنند در کنار متمم‌ها، مکمل‌هایی مانند قانون کانتسارا اعمال کنند. هم‌اکنون ترامپ می‌خواهد فازهای بعدی برجام را اجرا کند. برجام به طور کلی توافقی چند جانبه است و اگر ایالات

۳ بدعهدی‌ها و کارشکنی‌های ایالات متحده آمریکا در قبال توافق هسته‌ای با ایران به نقطه اوج خود رسیده است. قرار است دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تا تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه، تصمیم نهایی خود را در قبال برجام اتخاذ کند. بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل معتقدند با توجه به مواردی مانند انتصاب جان بولتون و مایک پمپئو در کاخ سفید، احتمالاً ترامپ دیگر تعلیق تحریم‌های ایران (و فوق برجام) را تمدید نخواهد کرد و این به معنای خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران می‌باشد. در این خصوص گفت و گو می‌کند با دکتر ابو محمد عسکر خانی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل صورت داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

زمین آمریکا را چگونه تفسیر می‌کنید؟

▲ در اینجا لازم است در ابتدا به نکته‌ای اشاره کنم؛ اینکه روابط بانکی و برخی مسائل دیگر پس از برجام هنوز حل نشده و مشکلات تحریم‌های بانکی بر طرف نشده است، به دلیل ارتباط بانکی اروپا با بانک‌های آمریکایی است. به عبارت بهتر، ایران به تعهداتش پایبند بوده است اما به دلیل کنترل آمریکایی‌ها بر شرکت‌های اروپایی، این شرکت‌ها نمی‌توانند به تعهداتشان در قبال برجام و ایران عمل کنند.

از سوی دیگر، آمریکا قصد دارد به وسیله تلاش اروپایی‌ها در کنترل نیروهای نظامی و سلاح‌های راهبردی ایران به هدف و مقصود خود برسد. در اینجا بار دیگر شاهد اتخاذ سیاست چماق و هویج از سوی ایالات

طی یک سال اخیر، شاهد اتخاذ مواضع سلبی و بازدارنده‌ای از سوی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در قبال برجام بوده‌ایم. به طور کلی ترامپ از تقابل با برجام به دنبال چیست و چه هدفی را طی هفته‌های منتهی به ضرب الاجل زمانی جدید دنبال می‌کند؟

▲ واقعیت امر این است که ایالات متحده آمریکا نگران از بین رفتن حقوق بین‌المللی و اجماع نظر دیگر کشورهای دنیا نیست. تنها نگرانی آمریکا در این خصوص، کم کردن هزینه‌های خود در قبال خروج از توافق هسته‌ای می‌باشد. به عبارت بهتر، امکان خروج آمریکا از برجام وجود دارد اما واشنگتن قصد دارد با کمترین هزینه از توافق هسته‌ای با ایران خارج شود. تاکنون تحریم‌هایی که علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده «تحریم‌های آمریکایی» بوده است. آمریکا در این خصوص احساس نیاز به رای مثبت و تأیید دیگر کشورها ندارد. با این حال همان گونه که اشاره کردم، واشنگتن به دنبال کاهش هزینه‌های خروج خود از برجام است و در همین راستا، گام به گام از تهدیدات خود فاصله می‌گیرد.

معتقدم که از ابتدا برجام در مسیر درست نبود، اگر چه طرف ایران در موضوع هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است اما ناایستاده و بدون مطالعه، ما آمریکا و اروپا را وارد ماجرای مذاکرات هسته‌ای و برنامه اقدام جامع مشترک (برجام) کردیم.

به نظر می‌رسد تروئیکای اروپایی در قبال توافق هسته‌ای با ایران همچنان رویکرد دوگانه‌ای را پیش گرفته‌ و رفتارهای متناقضی را در این خصوص نشان می‌دهند. بازی برجامی اروپا در

دفرمه کردن برجام

راهکار اندیشکده «رند» برای حفظ برجام

می شود و وجاهت قانونی ندارد. به عبارت بهتر، برجام از سوی آمریکا، اروپا یا هر بازیگر دیگری قابل تغییر نیست و افزودن هر گونه ضمیمه‌ای به برجام مصداق «تغییر برجام» محسوب می شود. از این رو طبیعی جلوه دادن افزودن ضمانتی به برجام (آن هم بدون اجازه ایران) وجاهت قانونی و حقوقی ندارد.

نکته دیگری که در گزارش موسسه رند به چشم می خورد، بی اهمیت جلوه دادن گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی در خصوص برجام است. آژانس بین المللی انرژی اتمی مرجعی حقوقی برای اعلام پایبندی ایران به برجام محسوب می شود. علی رغم فشارهای نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد بر یوکیو آمانو، مدیر کل آژانس و همچنین علی رغم تلاش هایی که در شورای حکام در مقابله با برجام صورت گرفته و می گیرد، آژانس تا کنون ۹ بار پایبندی کشورمان نسبت به برجام را تایید کرده است. بدیهی است که برجام صرفاً توافقی «سیاسی» نبوده و بعد «فنی» آن بسیار پررنگ است. در چنین شرایطی پس زدن ابعاد فنی توافق هسته‌ای و تبدیل آن به موضوع یک «معامله سیاسی»، بازی خطرناکی است که ایالات متحده آمریکا و در مرحله بعد، سه کشور اروپایی طی یک سال اخیر آن را دنبال کرده‌اند.

واقعیت امر این است که در گزارش موسسه «رند» کمترین اشاره‌ای نسبت به نامشروع و غیرمعمول بودن خواسته‌های دولت ترامپ در قبال برجام نشده است. این گزارش به نحوی تنظیم شده است که گویا «دفرمه کردن برجام»، معامله‌ای دوطرفه! است که عدم پذیرش آن از سوی ایران منتج به ابطال توافق هسته‌ای خواهد شد! اما آنچه برجام را در معرض ابطال قرار داده است، «کلیت تلاش مشترک آمریکا و اروپا برای تغییر آن» است نه مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر خواسته و قیچانه کاخ سفید. بدیهی است که برجام به هیچ عنوان قابل تغییر نیست. این تغییر تنها در قالب الحاقیه، بلکه در قالب اصلاحیه و متمم نیز نمی تواند اعمال شود. حتی در قالب توافق ثانویه (که مسلماً نقض غرض برجام است) نمی توان چنین اقدامی را صورت داد. موضوعی که نه تنها موسسه رند، بلکه ایالات متحده آمریکا و تروییکای اروپایی نیز نسبت به آن واقف هستند. ▶

۴ طی روزهای اخیر، هر یک از موسسات و نهادهای فکری، سیاسی و دیپلماتیک در غرب نکات و پیشنهادهایی را در خصوص برجام و روش حفظ آن پیشنهاد کرده‌اند. اندیشکده غیرانتفاعی «رند» یکی از این موسسات است. در یکی از گزارش های خود به قلم «جیمز رابینز» و «دالیا داساکای»، از تحلیلگران ارشد اندیشکده غیرانتفاعی «رند» به نکات قابل تاملی اشاره کرده است که در ارتباط با برجام معنای خاصی دارد. مواردی که در این گزارش آمده، به صورت فهرست وار عبارتند از:

۱- اروپا دوباره برای توافق هسته‌ای با ایران به مذاکره نخواهد نشست و شاید تنها ضمانتی را به آن اضافه کند.
۲- از ماه اکتبر ۲۰۱۷ ترامپ گفته بود که آمریکا آماده خروج از برجام است، اما تمامی کشورهایی که برجام را امضا کردند بر این باورند که توافق هسته‌ای کارساز است.
۳- ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به کنگره ۶۰ روز وقت داده بود تا توافق هسته‌ای را بهبود بخشند یا آن را کنار بگذارند، اما کنگره هیچ کدام از این اقدامات را انجام نداد.

۴- لازم نیست گفته و تاکید شود که آژانس بین المللی انرژی اتمی بارها پایبندی ایران به توافق اتمی را تایید کرده است.

۵- ما (موسسه رند) چند اقدام را پیشنهاد داده‌ایم که شامل به کارگیری مکانیسمی درون توافق برای تقویت بازرسی های اتمی می شود. ما همچنین پیشنهاد پیگیری توافق های جانبی را دادیم که به عنوان ضامن در آینده افزوده شوند، به اضافه انجمن های همکاری منطقه‌ای برای بررسی مسائل امنیتی و وسیع تر خارج از دامنه توافق به ویژه توسعه موشکی.

۶- ترامپ تهدید به خروج از برجام کرده است، اما اروپا احتمالاً به دنبال حفظ برجام با آمریکا یا حتی بدون آمریکا باشد.

واقعیت امر این است که موسسه رند به صورت غیرمستقیم، از همان ایده ترامپ مبنی بر «تغییر برجام» برای حفظ توافق هسته‌ای حمایت کرده است اما آن را در قالب یک «پیشنهاد» ارائه داده است. بدون شک، افزودن ضمیمه‌ای به توافق هسته‌ای (برجام)، آن هم بدون اجازه و مذاکره با ایران، اقدامی یکجانبه از سوی اروپا محسوب می کند؟

متحده آمریکا از آن خارج شود، یک معاهده چندجانبه را زیر پا گذاشته است. بنابراین، هدف آمریکا خروج از برجام نیست، بلکه ایجاد متمم‌ها و مکمل هایی در خصوص توافق هسته‌ای است که با استناد به آنها بتواند برای فازهای بعدی که مهم ترین آنها خلع تسلیحات متعارف ماست استفاده کند.

آیا سند برجام و توافق هسته‌ای، اجازه مانور بی حد و نظارت ایالات متحده آمریکا در تقابل با فعالیت های نظامی و امنیتی ما را می دهد؟

▲ به طور کلی برجام طرح و رژیم امنیتی محسوب می شود. من تاکید می کنم که هدف از برجام، خلع سلاح ابدی ایران است که شامل ابزار هسته‌ای می شود. به عبارت بهتر، کشورمان الی الابد از یک فناوری دائمی محروم شده است. ما با پذیرش برجام نه تنها خلع سلاح ابدی را پذیرفته ایم، بلکه بی نظیر ترین نظارت ها و مصونیت ها را نیز قبول کرده ایم. همچنین قبول کرده ایم که اطلاعات مادر اختیار اعضای ۵+۱ قرار گیرد. بنابراین برجام یک رژیم هدفمند و شبکه‌ای است. حتی من در سال ۱۳۶۱ پیشنهاد کردم که ایران از NPT از طریق ماده ۱۰ آن خارج شود که آن زمان ایران می توانست از آن خارج شود اما هیچ کس به این تذکر گوش نداد. به عنوان نمونه، کره شمالی ابتدا به NPT پیوست اما پس از آن با بدعهدی آمریکا مواجه شد و مشاهده کرد که نمی تواند به آمریکا اعتماد کند و در همان روزها از آمریکا سلب اعتماد کرد و اکنون برنامه هسته‌ای خود را ادامه می دهد. فراتر از آن، من حتی در سال ۱۳۹۵ زمانی مهلت آن پی تی پایان یافت پیشنهاد کردم که دیگر وارد این قرارداد نشویم، اما افرادی که برجام را امضا کردند با این خواسته مخالفت کرده و از آن بی تی خارج نشدند.

نکته قابل تامل دیگر اینکه سه ماه پس از امضای دوباره قرار داد آن بی تی در سال ۱۳۹۶، تحریم هایی علیه ایران از سوی آمریکا اعمال شد. در هر حال، توافق هسته‌ای هم اکنون یک طفل ناقص الخلقه است اما از آن هیچ گاه یک انسان سالم درست نمی شود. در هیچ قسمت از توافق هسته‌ای، تحریم های یکجانبه ایالات متحده آمریکا پر داشته نشده است. رفع تحریم ها و عده توخالی بود که در برجام به ما داده شد. هر کشور و شرکتی که در صنعت نفت بیش از ۲۰ میلیون سرمایه گذاری کند، از سوی ایالات متحده آمریکا تحریم می شود.

به صورت خاص، نقش رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و شخصیت فردی و سیاسی وی را در مواجهه و آشنگتن با برجام چگونه ارزیابی می کنید؟

▲ شخصیت ترامپ به صورت خاص دارای بی نظمی و آشوب است. این بی نظمی و آشوب برگرفته از نظام بین الملل و شرایط حاکم بر آن است. کلیت راهبرد بین المللی ترامپ در قبال متحدانش این است که پول بدهند و راه بیابند. این راهبرد موجب شد تا ترامپ پول بیشتری از ناتو دریافت کند و ژاپن و کره جنوبی برای تامین امنیت خود در مقابل کره شمالی، هزینه بیشتری به ایالات متحده بپردازند. گرایش ترامپ در این خصوص کاملاً رئالیستی است.

در یک جمع بندی کلی باید تاکید کنم که تمام سعی آمریکا در این است که یکپارچگی ملت ایران را متزلزل کند، مطرح شدن بحث هسته‌ای تنها بهانه آمریکاست. واشنگتن می خواهد با تبلیغات گسترده قلب ملت ایران را براباید لذا شعارهای دنیا پسند و دموکراتیک می دهد تا قلوب ملت ایران را به خود جلب کند. واقعیت امر این است که ایالات متحده آمریکا فرهنگ، نفت و سیاه را در کشورمان نشانه گرفته است و هر سه این موارد را در برجام مورد هدف خود قرار داده است. ▶



دیپلماسی متناقض

پس از اتخاذ مواضع دوگانه از سوی رئیس جمهور آمریکا در قبال مسأله سوریه، اکنون این پرسش به صورت جدی افکار عمومی را به خود مشغول کرده که سیاست نهایی ترامپ در سوریه چیست؟ اوطی چند هفته اخیر از یک سواخ خارج کردن نیروهایشان از سوریه سخن گفت و به فاصله چند روز با مطرح کردن برخی ادعاهای واهی مبنی بر استفاده دولت دمشق از سلاح شیمیایی علیه مردم، همراه با بریتانیا و فرانسه به برخی مواضع در این کشور حمله موشکی انجام داد. اغلب تحلیلگران این حملات را پاسخی به پیروزی‌های میدانی ارتش سوریه و قدرت گرفتن محور روسیه و ایران در این کشور می‌دانند.

بین الملل

تیتریک

سر درگمی کاخ سفید

حمله آمریکا به سوریه هیچ
معادله‌ای را تغییر نداد



راهکار منسوخ
جنبه تبلیغی حملات برای ترامپ
اهمیت زیادی دارد



پیام برای پوتین
تقابل غرب با مسکو در آسمان سوریه
چه معنایی داشت؟



گرز - چماق به جای چماق - هوپج
آیا بولتون دیدگاه‌های
جنگ طلبانه‌اش را به شورای
امنیت ملی منتقل می‌کند



◀◀ **امیرعلی ابوالفتح**
کارشناس مسائل آمریکا

ایالات متحده آمریکا در حال حاضر به جمع بندی مشخصی در خصوص راهبرد کلان در قبال سوریه دست پیدا نکرده است که چند دلیل برای آن وجود دارد؛ یکی تعارض شدید بین تفکرات ملی گرایانه و تفکرات جهان گرایی در آمریکاست که بعد از انتخابات سال ۲۰۱۶ پیروزی دونالد ترامپ به وجود آمده است، به گونه ای که ملی گرایان به سیاست های چند دهه اخیر جهان گرایان نقد دارند و معتقد هستند که این سیاست جهان گرایی باعث فرسوده شدن توان ملی آمریکا شده و باید ایالات متحده بار خود را در عرصه بین المللی سبک کند.

در حالی که جهان گرایان نسبت به این قضیه به شدت مقاومت می کنند و هنوز این کشمکش و جدال به نفع هیچ یک از این گروه ها تمام نشده است. نکته دیگر اینکه درون دولت آمریکا انسجام و وحدت نظر وجود ندارد و از هم گسیختگی تصمیم گیری ها را شاهد هستیم. این مساله در وهله نخست به شخصیت رئیس جمهور مربوط

صداهای متفاوتی از واشنگتن شنیده می شود؛ از یک طرف شاهد خط و نشان کشیدن های دونالد ترامپ برای سوریه هستیم و از سوی دیگر می بینیم که وی بر خروج نیروهای آمریکایی از این کشور تاکید دارد. همزمان نیز اقدام نظامی علیه سوریه انجام می دهد. اختلافاتی که درون آمریکا و میان متحدان آن کشور وجود دارد، باعث سرخوردگی آنها شده است و این مسائل حکایت از آن دارد که فعلا آمریکا هیچ استراتژی دقیقی برای سوریه متصور نیست

می شود. دونالد ترامپ شخصی است که خیلی پایبند به تصمیمات جمعی نیست و تیم امنیت ملی آمریکا بارها دچار تغییر شده است. در حال حاضر این کشور وزیر خارجه ندارد و تیم امنیت ملی آمریکا نیز دائم در حال تغییر و جابجایی است.

نکته سوم اینکه دست ایالات متحده آمریکا برای ترسیم یک استراتژی دقیق در قبال سوریه بسته است. بنا به دلایلی آمریکا از یک بازیگر فعال و تعیین کننده تقریباً به یک تماشاچی حاشیه ای در سوریه بدل شده و از ابزار زیادی برای جهت دادن به تحولات سوریه برخوردار نیست. حضور نظامی آمریکا کم رنگ است و در درون سوریه با دو بازیگر قدرتمند مانند روسیه و ایران مواجه است. در ائتلاف ضد بشار اسد نیز اختلاف نظرهای خیلی عمیق است. اختلافات میان عربستان، ترکیه، قطر و تعارضات برخی از این کشورها با اسرائیل باعث می شود که آمریکا میان دیدگاه متحدان خود در قبال سوریه سرگردان بماند. این سه عامل دلایل اصلی هستند که بر اساس آنها می توان گفت دولت آمریکا فعلا توان ارائه یک استراتژی دقیق را ندارد. به همین دلیل صداهای متفاوتی از واشنگتن شنیده می شود؛ از یک طرف شاهد خط و

نشان کشیدن های دونالد ترامپ برای سوریه هستیم و از سوی دیگر می بینیم که وی بر خروج نیروهای آمریکایی از این کشور تاکید دارد. همزمان نیز اقدام نظامی علیه سوریه انجام می دهد. اختلافاتی که درون آمریکا و میان متحدان آن کشور وجود دارد، باعث سرخوردگی آنها شده است و این مسائل حکایت از آن دارد که فعلا آمریکا هیچ استراتژی دقیقی برای سوریه متصور نیست.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا با حمله موشکی به سوریه، از مرحله دیگری از سیاست های واشنگتن در قبال این منطقه پرده برداشت. باتوجه به اینکه ترامپ بارها گفته بود که نمی خواهد وارد یک جنگ دیگر شود اکنون این پرسش مطرح است که این حمله موشکی هرچند محدود با چه اهدافی صورت گرفت و دیگر اینکه سیاست کلی کاخ سفید در قبال مساله سوریه چیست؟

در ابتدا باید توجه داشت حملاتی که بامداد شنبه گذشته به سوریه صورت گرفت با جوسازی رسانه ای که مقامات آمریکایی و رسانه های آنها پیش از این حمله انجام داده بودند چندان سازگاری نداشت؛ البته حملات این بار آمریکا نسبت به حملات سال گذشته که به پایگاه هوایی الشعیرات انجام داد، گسترده تر بود ولی نسبت به انتظارات و فضا سازی رسانه ای که در این زمینه به وجود آمده بود، محدود بود.

در سال گذشته در پی مطرح شدن برخی ادعاها مبنی بر اینکه دولت سوریه در «خان شیخون» از سلاح شیمیایی استفاده کرده است، آمریکا به پایگاه هوایی شعیرات حمله کرد و در آن حمله از تعداد محدودی موشک استفاده کرد، اما این بار حمله سه گانه آمریکا گسترده تر از قبل بود و بیش از ۱۰۰ موشک به چندین منطقه سوریه ارسال کردند ولی همان طور که گفتم نسبت به انتظارات اولیه که آمریکا می ایجاد کرده بودند و این تصور را به وجود آورده بودند که آنها به زیرساخت های اساسی سوریه از جمله کاخ ریاست جمهوری، مراکز سیاسی این کشور و همچنین پایگاه های نظامی روسیه در سوریه حمله می کنند، این حملات بسیار محدود بود؛ گرچه آنها تلاش کردند در مقیاسه که سال گذشته عزم قوی تری را از خود به نمایش بگذارند.

باید توجه داشت که آمریکا و هم پیمانانش با انجام حملات گسترده هوایی قادر نیستند که معادلات میدانی سوریه را به راحتی تغییر دهند، به نحوی که سرنوشت جنگ در سوریه تغییر کند. از دیگر سو اختلاف نظرهایی نیز بین آمریکا و شرکایش در این زمینه وجود داشت؛ چنان که نخست وزیر انگلیس تاکید کرد که حمله به سوریه در راستای سرنگونی نظام سیاسی این کشور نیست. از دیگر سو در تیم امنیت ملی آمریکا نیز نوعی به هم ریختگی در این زمینه به چشم می خورد چرا که آمریکا در حال حاضر از وزیر خارجه برخوردار نیست و جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا نیز تازه چند روزی است که فعالیتش را در این سمت آغاز کرده است.

صحبت هایی که مقامات آمریکایی در قالب مصاحبه یا انتشار توئیت در این ارتباط مطرح می کردند نیز به نوعی نشان می دهد که در داخل آمریکا در مورد نوع حمله به سوریه اجماع وجود ندارد؛ البته آنها بر این نکته نیز تاکید داشتند که باید به نوعی رفتار کنند که ضعیف قلمداد نشوند و این تصور به وجود نیاید که آنها در برابر ادعای استفاده

دولت سوریه از سلاح شیمیایی در دوما و انکشی از خود نشان نخواهند داد.

این در حالی است که هنوز اثبات نشده که استفاده از سلاح شیمیایی در منطقه دوما توسط چه کسانی صورت گرفته است. دولت های سوریه، روسیه و ایران معتقدند که این یک نوع صحنه سازی است و اگر چنین اتفاقی نیز صورت گرفته باشد گروه های شورشی مسئول آن هستند ولی غربی ها نظری برخلاف این دارند و انگشت اتهام شان به سمت دولت سوریه است.

از دیگر سو، چنین حمله ای قدرت بازدارندگی آمریکا را نشان نمی دهد چرا که حتی اگر ادعای آمریکایی ها را بپذیریم که دولت دمشق از سلاح شیمیایی استفاده کرده، این حمله مانع از این نمی شود که دولت دمشق بار دیگر از این سلاح استفاده نکند چنان که سال گذشته نیز آمریکایی ها چنین ادعایی را مطرح کردند، با همین ادعا به پایگاه هوایی الشعیرات حمله کردند و امسال نیز به ادعای آنها بار دیگر دولت بشار اسد از این سلاح استفاده کرده است، بنابراین این حملات دارای قدرت بازدارندگی نیست.

تناقض دیگری که در سیاست های کاخ سفید در قبال سوریه وجود دارد اینکه حدود دو هفته قبل ترامپ اعلام کرد که قصد دارد نیروهای نظامی آمریکا را از سوریه خارج کند که این گفته با اقدام شنبه آمریکا در حمله به سوریه در تعارض است. البته یک فرضیه مطرح است که در برابر تصمیم رئیس جمهور آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی این کشور از سوریه، نیروهای قدرتمندی که از جنگ منتفع می شوند، از جمله برخی از تندروها در آمریکا، صاحبان کارخانجات اسلحه سازی و برخی از کشورهای منطقه از جمله اسرائیل و عربستان خواسته اند که زمینه ای را فراهم کنند یا از انفاق رخ داده در دوما به نحوی سوء استفاده کنند تا دونالد ترامپ را در برابر عمل انجام شده ای قرار دهند به نحوی که رئیس جمهور آمریکا نه تنها نیروهای نظامی اش را از سوریه خارج نکند، بلکه وارد فاز درگیری نظامی با سوریه نیز شود و این فرضیه ای قریب به ذهن است؛ چرا که تحولات صورت گرفته در دوما با صحبت رئیس جمهور آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه، تقریباً همزمان شد. ▶



ترزما، نخست وزیر انگلیس
تاکید کرد که حمله به سوریه در
راستای سرنگونی نظام سیاسی
این کشور نیست



راهکار منسوخ

جنبه تبلیغی حملات برای ترامپ اهمیت زیادی دارد

روزه صورت گرفت باید دید چه دستاوردهایی داشته یا اینکه سناریوهای محتمل برای آن کدام هستند؟

در اولین گام باید اشاره کرد همچنان که چند روز قبل از حمله مشاهده شد، ترامپ افکار عمومی دنیا را به سوی جنگ سوق داده بود؛ بنابراین هدف این اقدام در وهله اول این بود که ترامپ نشان دهد که آمریکا به حرفی که بزند عمل می‌کند و می‌تواند بدون ترس از واکنش روسیه به سوریه حمله کند. هدف دیگر این بود که غرب و به خصوص آمریکا به هم پیمانان عرب خود در منطقه نشان دهند که آمریکا جانب آنها را دارد. اما بیشتر جنبه تبلیغی این حملات برای ترامپ مهم بود و او تمایلی به درگیری با روسیه یا ایران نداشت.

همچنین عدم حضور برخی کشورها نظیر کانادا، ایتالیا، آلمان و... در حمله نظامی جالب توجه بود. در واقع این موضوع نشان دهنده آن است که واشنگتن به رغم فضا سازی‌های رسانه‌ای در هفته‌های اخیر نتوانسته اجماعی درباره حمله به دست آورد. از سوی دیگر درباره اینکه چرا تجاوز هوایی دولت‌های محور غرب در مقطع فعلی صورت گرفت دلایل متفاوتی ذکر شده است. از جمله اینکه:

اول: هدف این حمله ممانعت از پیروزی‌های سوریه و جبهه مقاومت در روبرویی با تروریست‌ها بود. دولت سوریه با پاکسازی غوطه شرقی عملاً موفق به تثبیت کامل بشار اسد شده بود. پیشروی ایران، روسیه و سوریه، موجبات دخالت آمریکا و متحدانش که خواهان نقش تعیین کننده در جنگ بودند را فراهم کرد.

دوم: این اتفاق در پی روابط پر از تنش بین روسیه و انگلیس شکل گرفت؛ چرا که در پی مسمومیت اسکریپال، جاسوس دو جانبه و دخترش در بریتانیا روابط لندن و مسکو به شدت متشنج شده و تراز می در پی اقدامی علیه پوتین بود. بر این اساس حمله شیمیایی نیز توطئه‌ای طراحی شده از سوی انگلیس بود.

سوم: این عامل به نقش ولیعهد جوان عربستان اشاره دارد؛ بر این اساس که جنگ داخلی سوریه و حضور مستشاری ایران در این کشور، باعث بهانه جویی‌ها و زیاده خواهی‌های عربستان سعودی شده است. از این رو محمد بن سلمان به شدت پیگیر ترغیب دخالت غرب در

بحران سوریه برای مقابله با ایران است.

چهارم: این حمله با هدف بازگشت به سیاست انحراف به خارج برای رهایی از مشکلات داخلی است. برای ترامپ انحراف افکار عمومی از بحران‌های داخلی و پرونده‌های متعددی که در داخل آمریکا برای وی گشوده شده، اهمیت بسیار دارد. اقدام به تجاوز نظامی نیز به همین دلیل صورت گرفته است.

پنجم: رئیس‌جمهور تازه کار فرانسه دوست نداشت در عرصه بین‌المللی عقب بماند و خواستار ایفای نقش بیشتر در بحران سوریه بود؛ از سوی دیگر اعتراضات داخلی علیه ماکرون در حال انجام بود، بنابراین او ترجیح داد با حضور در حمله نظامی همانند ترامپ از این مساله برای انحراف افکار عمومی بهره‌برداری کند.

در خصوص اینکه آیا این حمله نظامی اتمام یافته است یا نه، باید گفت منطق حکم می‌کند که حمله شنبه محدود بوده و ادامه نداشته باشد. در این رابطه می‌توان به توثیق‌های دونالد ترامپ نیز اشاره کرد. ترامپ اگر چه شنبه در توئیتر خود از نتایج حملات موشکی بامداد شنبه به سوریه ابراز رضایت کرد، اما از انجام مأموریت نیز سخن گفت. اما برخی کارشناسان از اتمام موج اول سخن گفته و بر این عقیده هستند که غرب از طریق حملات متوالی در پی بازگشت جدی به بحران سوریه و ایفای نقش برای تغییر توازن قوا در راستای برکناری بشار اسد است که این تحلیل به نظر منطقی نیست چرا که بدون شک اگر غرب چنین هدفی داشته باشد با واکنش روسیه و ایران روبه‌رو خواهد شد. در این میان واکنش روسیه نیز به حمله شنبه آمریکا جالب توجه بود. به رغم اینکه برخی خبرگزاری‌ها از قول ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه گفته بودند که روسیه این دهن کجی آمریکا و متحدانش را همان امروز پاسخ خواهد داد اما به طور کلی واکنش روسیه به مجموعه این تحولات تنها به محکوم کردن محدود شد و واکنش عملی در این راستا از کرملین مشاهده نشد. هر چند ممکن است روس‌ها در روزهای اخیر کمک‌های اطلاعاتی و مستشاری در این رابطه به سوریه‌ها داده باشند. در عین حال هنوز نباید ماجرای واکنش‌های روسیه را تمام شده دانست.

وزارت دفاع روسیه در بیانیه خود پس از پایان حملات ائتلاف به سوریه اظهار داشته که موضوع تحویل سامانه ضد موشکی اس ۳۰۰ به سوریه را بررسی خواهد کرد. این تحولات نشان می‌دهد که آمریکا و متحدانش با تهدید روسیه را جدی گرفته‌اند یا نخواسته‌اند به تنش‌های بیشتر با پوتین دامن بزنند. ضمن اینکه میزان ضربه‌ای که آمریکا و متحدینش وارد کردند، به آن اندازه نبود که روسیه بخواهد و واکنش شدید و مستقیمی نشان دهد. از سویی روسیه هم می‌داند دست‌زدن به واکنشی شدید در مقابل حملات روسیه نسبتاً محدود و شکنج، لندن و پاریس می‌تواند چه هزینه‌های وحشتناکی به همراه داشته باشد. به هر روی، حمله موشکی آمریکا به سوریه، صرف نظر از ابعاد نظامی آن، به عنوان یک اقدام سیاسی منسوخ و ناکارآمد، آسیبی جدی به روابط این کشور با روسیه وارد ساخت. در تحلیل نهایی آنچه باید اشاره کرد این است که این حمله و نتایج آن نشان داد ائتلاف روسیه، ایران و سوریه نقاط قوت زیادی دارند که طرف آمریکایی را واداشته قبل از هر گام محاسبه‌شده‌ای با دقت فکر کنند.

بنابراین واشنگتن انتظار دارد با توجه به اینکه حمله به سوریه را با مشارکت لندن و پاریس انجام داده، شاهد مقابله به مثلی نباشد به خصوص که از خطوط قرمز فراتر نرفته است، بلکه صرفاً مراکز نظامی را هدف قرار داده که ادعا می‌کند در حملات شیمیایی به کار گرفته شده است. ضمن اینکه حمله به سوریه از پایگاه‌هایی در قطر و عربستان صورت گرفت و این دو کشور به سرعت حملات مزبور را تأیید کردند. این مساله، از متحدان عرب آمریکا، نقش آنها، جاگرفتن شان در جبهه آمریکا و احتمال شرکت در هرگونه حمله‌ای در منطقه به ویژه علیه ایران در آینده پرده برداشت. ▶

بامداد شنبه دولت‌های ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و فرانسه با شلیک بیش از صد موشک و حملات هوایی چندین نقطه در خاک سوریه را هدف قرار دادند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده همچون هیتلر که کوس آغاز جنگ جهانی دوم را صادر کرد، در پیامی تلویزیونی آغاز این حملات را اعلام و آن را واکنشی به حمله «شیمیایی» ادعایی به شهر دوما خواند. در پی این اقدام جوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در سخنانی ادعا کرد مراکز که هدف گرفته، مرتبط با توانمندی تسلیحات شیمیایی دولت سوریه بوده‌اند. وی افزود: «ما مراکز را انتخاب کردیم که خسارت تلفات نظامی عملیات را کاهش دهد.»

در راستای این اقدام مشترک امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه در پیامی مدعی شد که هدف از این اقدام نظامی ضربه زدن به ظرفیت‌های تولید سلاح‌های شیمیایی در سوریه بوده است و تراز می، نخست‌وزیر بریتانیا که نمایندگی محافظه کاران را برعهده دارد نیز با اجتناب ناپذیر خواندن این حمله گفت که به همراه ایالات متحده و فرانسه در پی یافتن راهی برای پرهیز از اقدام نظامی بودند اما روسیه مانع تلاش‌های دیپلماتیک شد.

به نوشته وال استریت ژورنال، ترامپ برای فیصله دادن به مساله بحران سوریه به ظاهر خواستار چنان حمله‌ای بود که نه فقط رژیم سوریه را مجازات کند، بلکه روسیه و ایران، حامیان اسد را نیز وادار به تاوان پس دادن کند؛ اما گویا رهبر آمریکا با مخالفت مشاورانش برای اقدام قاطع روبه‌رو شده است. چرا که جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا او را به احتیاط فرامی‌خواند تا از درگیری خطرناک با روسیه و ایران جلوگیری شود. متیس به دلیل اینکه دولت آمریکا دارای استراتژی گسترده‌ای در منطقه نیست، نگران است. اما تا توجه به اینکه به رغم هشدار مشاوران دفاعی این حمله با تاخیری چند



احمد معنوی

کارشناس مسائل بین‌الملل

صحنه سوریه شوند با هدف رونق کتونی نقش آفرینی محور مقاومت در این کشور معکوس یا کند شود، این مساله برای عربستان یک موفقیت محسوب خواهد شد. به نظر می‌رسد با این تحولات، رایزنی‌های میان کشورهای غربی و کشورهایی مانند عربستان را رژیم صهیونیستی برای ایجاد یک مرحله جدید افزایش پیدا خواهد کرد. اما این مساله که محور عربی-اسرائیلی و غربی چقدر بتواند موفق شوند مساله دیگری است. در رابطه با کمک‌های مالی ریاض به کشورهای غربی برای انجام این حملات در این مقطع فعلا خبر و اطلاعات موثقی در دست نیست اما به نظر می‌رسد که عربستان آمادگی آن را دارد تا حمایت‌ها یا حداقل بخشی از هزینه‌های اقتصادی آمریکا و طرف‌های غربی را برعهده بگیرد تا روند تحولات سوریه وارد یک مرحله جدید شود. در واقع عربستان، سوریه را به عنوان یکی از حوزه‌های مهم رقابت با ایران محسوب می‌کند و خواستار موفقیت کامل ایران در این حوزه نیست. تحولات قبل از بحران عربی و شرایط کتونی به خوبی نشان می‌دهد که سعودی‌ها بیش از آنکه مخالف حکومت بشار اسد یا

نمایش بی‌اثر

محور عربی-غربی نمی‌خواهند تهران-مسکو دست برتر را در سوریه داشته باشند



علی اکبر اسدی

کارشناس مسائل خاورمیانه

بعد از پیروزی‌های میدانی ارتش سوریه با کمک متحدانش همچون روسیه و ایران و موفقیت آنها در به شکست کشاندن تروریست‌ها و با کساری بسیاری از مناطق، برخی کشورهای منطقه‌ای همچون عربستان و رژیم صهیونیستی نسبت به تحولات سوریه نگران تر از گذشته شدند. این نگرانی به تقویت و قدرت گرفتن بیش از پیش روسیه، ایران و حزب الله در سوریه مربوط می‌شود. به همین دلیل نیز تل آویو و ریاض در تحریک کشورهای غربی برای مداخله نظامی در این کشور نقش داشتند تا روند پیشرفت تحولات به نفع محور مقاومت را برهم بزنند. با این تفاسیر حمله اخیر موشکی به سوریه، سه بازیگر اصلی شامل آمریکا، بریتانیا و فرانسه داشت و دو بازیگر فرعی به نام عربستان و اسرائیل که در حمایت و تحریک بازیگران غربی نقش داشتند. همان طور که اشاره شد سوریه یکی از حوزه‌هایی است که عربستان می‌خواهد با موفقیت و نفوذ ایران در آن حوزه به نوعی مقابله کند. در دوره باراک اوباما، رئیس جمهوری پیشین آمریکا، سعودی‌ها تلاش کردند که این کشور را به صورت جدی وارد قضایای سوریه کنند و از قدرت واشنگتن و غرب برای تغییر روند تحولات سوریه استفاده کنند. دولت اوباما به رغم آنکه خط قرمزهایی در مورد قضایای استفاده از سلاح شیمیایی تعیین کرد اما در نهایت وارد سوریه نشد و این یکی از انتقادات مهم سعودی‌ها به دولت پیشین آمریکا بود. اما در دوره جدید، دونالد ترامپ کمی جدی تر به این قضایا نگاه می‌کند. البته رئیس جمهور کتونی آمریکا نیز تا امروز مواضع متناقضی در رابطه با مساله سوریه اتخاذ کرده و به همین دلیل نمی‌توان دریافت که سیاست اصلی واشنگتن در قبال مساله سوریه چیست. در بررسی مواضع اعلامی ترامپ می‌بینیم که او چندی پیش گفته بود به رغم تمام این کش و قوس‌ها خیلی منافع در منطقه و سوریه ندارد و می‌خواهد از آنجا خارج شود. ترامپ در سخنانی که چند هفته پیش داشت تأکید کرد که ماموریت اصلی آمریکا که رهایی از داعش بود به پایانش نزدیک می‌شود و آنها به زودی تصمیمی را با هماهنگی دیگران اتخاذ خواهند کرد. ترامپ بر خروج نیروهای آمریکایی از سوریه تأکید کرد و گفت که به زودی تصمیمش را در این رابطه اعلام خواهد کرد. او همچنین از هزینه بر بودن مداخله آمریکا در سوریه سخن گفت و بر منفعت این مداخله برای دیگر کشورها تأکید کرد. رئیس جمهور آمریکا از دیگر سو پیشنهاد داد که عربستان هزینه حضور نیروهای آمریکا در سوریه را پرداخت کند و توضیح داد که ریاض اهتمام ویژه‌ای به این تصمیم دارد. این سخنان ترامپ بعد از آن بیان شد که عربستان سعودی خواهان باقی ماندن آمریکا در سوریه شد. در واقع ترامپ صراحتاً در واکنش به این درخواست سعودی‌ها گفت که عربستان باید هزینه این حضور و نقش آفرینی ایالات متحده آمریکا را بپردازد. این نوع موضع گیری‌ها از سوی ترامپ نشان می‌دهد که او فعلا یک تصمیم جدی در خصوص مساله سوریه اتخاذ نکرده است. ضمن اینکه برخی خبرها حاکی از آن است که ترامپ حتی خواستار جایگزینی نیروهای عربی به خصوص سعودی‌ها با آمریکایی‌ها در سوریه هستند.

در تحلیل چرایی حملات موشکی اخیر آمریکا، انگلیس و فرانسه به سوریه در وهله نخست و پیش از آنکه درخواست سعودی‌ها یا صهیونیست‌ها باشد، باید گفت که این حمله موشکی، یک طرح غربی با هدف اثرگذاری روی تحولات سوریه بود و آنها می‌خواستند نشان دهند که روسیه و ایران نمی‌توانند آینده تحولات سوریه را به تنهایی رقم بزنند. در واقع این حمله نه فقط پاسخ به نگرانی ریاض-تل آویو از قدرت گرفتن ایران و روسیه در سوریه بود، بلکه به نگاه غربی‌ها به این مساله نیز مربوط می‌شود که نمی‌خواستند تهران و مسکو دست برتر را در سوریه داشته باشند. بنابراین تصمیم گرفتند که یک نمایش قدرت را نشان دهند و تحولات سوریه را وارد فاز متفاوتی



کنند. اما در رابطه با نقش تل آویو و ریاض در حمله موشکی سه کشور غربی به سوریه باید توجه داشت که عربستان و اسرائیل تلاش دارند فضا به گونه‌ای پیش برود که تحولات سوریه وارد یک مرحله کاملاً جدید شود و قدرت‌های غربی مجبور شوند که به صورت فعال تری وارد این بحران شوند. به همین دلیل نیز آنها سعی کردند بر ادعاهای مطرح شده در مورد حمله شیمیایی تأکید بسیار داشته باشند تا به این طریق غرب را با ادعاهای حقوق بشری به میدان سوریه بکشانند. از منظر رژیم صهیونیستی همان طور که عنوان شد نکته کلیدی صحبت‌های مقامات اسرائیلی این بود که اگر سوریه بخواهد به همکاری خود با ایران ادامه دهد و جمهوری اسلامی به حضور خود در سوریه به همین منوال ادامه دهد، قطعاً روند تحولات دچار تغییر خواهد شد. این بدان معناست که مشکل اصلی برای اسرائیلی‌ها در سوریه حضور ایران است. از منظر سعودی‌ها، اگر آنها بتوانند حمایت‌های مالی و سیاسی از طرف‌های غربی داشته باشند که طرف‌های غربی به صورت فعالانه تر و جدی تری وارد

وضعیت انسانی در سوریه باشند، با شراکت و همکاری دولت سوریه با ایران مشکل دارند. بر این اساس این مساله روشن می‌شود که هدف و محور اصلی سیاست خارجی عربستان در منطقه مقابله با ایران است. با این حال تجارب سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بسیاری از تلاش‌های سعودی‌ها برای مقابله با ایران نه تنها با موفقیت همراه نبوده، بلکه نتایجی منفی و معکوس داشته است. به عنوان نمونه تلاش ریاض برای اعمال فشار بر قطر و دور کردن آن از ایران نه تنها نتایج مثبت نداشته، بلکه همکاری و نزدیکی بیشتر رهبران قطر با ایران را در پی داشته است. در حوزه لبنان نیز اعمال فشارهای عربستان بر رهبران لبنان به خصوص در قضیه حریری باعث افزایش بی‌اعتمادی بین طرف‌های لبنانی و عربستان شد. در بحران یمن نیز سعودی‌ها با چالش بزرگی روبرو هستند و هزینه‌های چند سال گذشته برای برخورد با متحدین ایران در این کشور به موفقیت منجر نشده است؛ بر عکس تهدیدات جدیدی برای عربستان از جانب یمن شکل گرفته که در تاریخ روابط دو کشور سابقه نداشته است. ▶



عملیات محدود

پاسخ مثبت آمریکا به درخواست ریاض و تل آویو برای حمله به سوریه

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه

حمله موشکی آمریکا، بریتانیا و فرانسه به سوریه براساس آنچه خودشان اعلام کرده اند یک عملیات برق‌آسا و محدود بود که آن را مرحله نخست عملیات نامیده‌اند؛ ولیکن به نظر می‌رسد همان طور که وزیر خارجه آمریکا اشاره کرد آنها خواستار این نیستند که عملیات به گونه‌ای ادامه پیدا کند که واکنش‌های جدی و گسترده‌ای در پی داشته باشد. به عبارت دیگر آنها درصدد آن هستند که بتوانند واکنش‌های این‌تهاجم را کنترل کنند و این واکنش‌ها غیرقابل کنترل نشود. این نوع از عملیات محدود و یک‌شبه نشان‌دهنده نگرانی‌های آمریکا، بریتانیا و فرانسه از پیامدهای منفی آن است که ممکن است متوجه منافع متحدان و موقعیت آنها در این منطقه است؛ البته نشانه‌های روشن دیگری مبنی بر نگرانی و واشنگتن از پیامدهای منفی تجاوزشان به سوریه نیز در عرصه به چشم می‌خورد و آن کوشش آمریکا برای همراه کردن فرانسه و انگلیس در این موقعیت بود. این بدین معناست که هیچ کدام از این سه کشور که از جمله قدرت‌های هسته‌ای جهان هستند و داعیه ابرقدرتی دارند، در عرصه عمل شهادت آن را نداشتند که به تنهایی با سوریه که یک کشور جهان‌سومی محسوب می‌شود و طی ۶ سال گذشته جنگ داخلی مخربی را تجربه کرده، روبه‌رو شوند.

افزون بر این، انگیزه‌ها و اهداف این عملیات هم به خوبی نمایانگر موقعیت ضعیف متجاوزین به سوریه است؛ زیرا بنا به اعتراف مکرر مقامات آمریکایی این عملیات با هدف جلوگیری از قدرتمندتر شدن دولت سوریه و جلوگیری از تغییر معادلات نظامی به ضرر متحدان آمریکا صورت گرفته است. درواقع واشنگتن، پاریس و لندن در این تجاوز محدود عملاً اعتراف کردند که سلاح‌های اهدایی

هم به موازات ابراز نگرانی‌های رژیم صهیونیستی از تغییر معادلات منطقه‌ای، همسویی و هم‌نوایی خود را با مقامات تل آویو آغاز کرد و پیوسته در تمامی تحرکات یک سال اخیر خود به عنوان مختلف ناشکیبایی خود را نسبت به آنچه در سوریه در حال وقوع است، ابراز کرد.

چنان که گفته می‌شود دعوت ترامپ به ریاض در خرداد ماه سال گذشته و پذیرش امضای بزرگترین قرارداد تسلیحاتی در تاریخ با آمریکا نیز با هدف ترغیب ایالات متحده آمریکا به حضور بیشتر در منطقه و حمایت از رژیم‌های مرتجع عربی صورت گرفته است.

همچنین در بیانیه‌ای که در حضور دونالد ترامپ و به نام بیانیه ریاض انتشار یافت، بر ضرورت مقابله با کشورهای محور مقاومت تاکید شد. البته نکته مهم در این صحنه همسویی‌های تل آویو با ریاض و همگرایی‌های جدیدی میان عربستان و اسرائیل بود که کوشش‌های طرفین به ویژه طرف اسرائیلی را به منظور تشویق آمریکایی‌ها به حضور بیشتر در منطقه نشان می‌داد. مقامات ریاض و به خصوص محمد بن سلمان در یک ماه اخیر نیز تحرکات بسیار گسترده‌ای را برای کشاندن آمریکا به صحنه سوریه از خود نشان دادند و این در حالی بود که دولت ترامپ به دلایل متعددی نتوانست در حضور نظامی در منطقه پرهیز می‌کرد، بلکه پیوسته بر این امر تاکید داشت که حضور نظامی آمریکا در منطقه یک امر زینبار برای کشور است و آمریکا باید حتی به حضور محدود خود در سوریه پایان داده و این کشور را ترک کند.

البته واقعه دیگری که سبب شد تا مقامات عربستان بر تقاضای خود برای حضور آمریکا در منطقه تاکید بوزند شکست فضاتحار متحذرتین گروهک تکفیری آنها در سوریه به نام جیش الاسلام بود. گروهکی که بیشترین پیوندهای ایدئولوژیک، سیاسی و تبلیغاتی را با ریاض داشت و در منطقه غوطه شرقی مستقر بود. عملیات یک ماه اخیر دولت سوریه در غوطه شرقی، شکست سنگینی را به این گروهک وارد ساخت و این گروهک را وادار کرد تا از منطقه‌ای که آمریکایی‌ها نیز درصدد بهره‌برداری‌های نظامی از آن بودند، خارج شوند. در نهایت باید توجه داشت که آمریکا در قبال سوریه یک سیاست بلندمدت و کلان و یک سیاست کوتاه‌مدت دارد. اگر بخواهیم سیاست بلندمدت آمریکا را بررسی کنیم باید به دیدگاه‌های این کشور و به خصوص گروه‌هایی که به مسیحیان صهیونیسم معروف هستند، توجه کنیم و نظرات آنها را در رابطه با جایگاه سوریه در دوران آخر الزمان و مسائل مرتبط با آن مورد بررسی قرار دهیم. بر اساس این دیدگاه آمریکا در بلندمدت به دورانی می‌اندیشد که مسیحیت بتواند بر این منطقه مسلط شده و با سیطره بر اماکن مقدس این منطقه، زمینه ظهور مجدد حضرت مسیح (ع) را فراهم کند. البته زمانی که از سیاست‌های بلندمدت آمریکا سخن به میان می‌آید در عرصه مسائل راهبردی، موضوع حفظ امنیت اسرائیل به عنوان مهمترین اولویت دولت واشنگتن باید مدنظر قرار بگیرد. بدین معنی که آمریکایی‌ها درصدد هستند تا ترتیبات نظامی و سیاسی در سوریه به گونه‌ای رقم بخورد که امنیت اسرائیل به بهترین وجه تضمین شود.

بنابراین روند کنونی که بیانگر افزایش توانمندی‌های روزافزون نظامی-سیاسی سوریه است، در سیاست بلندمدت آمریکا از موضوعاتی است که باید به آن پایان داده شود. با این حال کاهش آشکار توانمندی‌های نظامی آمریکا و موانع جدی پیش‌رو در اجرای این راهبرد در شرایط کنونی ابدی اجازه اجرای عملیاتی را مبنی بر این استراتژی به واشنگتن نمی‌دهد. بنابراین در حال حاضر آمریکایی‌ها ناگزیر به برنامه‌های کوتاه‌مدت و عملیات بسیار محدود تا قاعدتا تأثیرات ناپایدار و زودگذری دارد، می‌اندیشند؛ امری که طی عملیات اخیر به خوبی شاهد آن بودیم.

آنها به عربستان و برگزاری بزرگترین مانورهای نظامی رژیم صهیونیستی به هیچ وجه نتوانسته معادلات منطقه را به نفع سیاست‌های غرب تغییر دهد و آنها به ناگزیر برای تغییر معادلات به صورت مستقیم وارد عرصه عملیات نظامی شدند؛ اقدامی که قاعدتا تأثیرات آن در تغییر معادلات بلندمدت نخواهد بود و به محض بازگشت ناوهای آمریکایی از منطقه مجدداً روند افزایش قدرت سوریه و کاهش قدرت متحدان آنها از سر گرفته خواهد شد. نکته بسیار جالب دیگر در این عرصه هدف گرفتن نقاطی خاص در سوریه بود که نگرانی آنها را از واکنش روسیه، ایران و حزب الله نشان می‌دهد؛ به این معنی که آنها در حمله به بندر طرطوس، دیگر پایگاه‌های روسیه در سوریه و بسیاری از پایگاه‌های مهم نظامی سوریه پرهیز کردند و اهمه و ترس خود را از واکنش‌های مستقیم و غیرمستقیم این عملیات برملا ساختند. در خصوص نقش اسرائیل در این عملیات باید توجه داشت که رژیم صهیونیستی از زمان فروپاشی ساختار سیاسی داعش کوشش‌های خود را برای کشاندن پای آمریکا به منطقه و وارد کردن ضربات سنگین به سوریه آغاز کرده است. مجموعه تحرکات دیپلماتیک مقامات اسرائیلی و مجموعه برنامه‌های تبلیغاتی رسانه‌های مرتبط با محافل صهیونیستی طی حدود یک سال گذشته و از زمان فروپاشی موصل، پایتخت داعش تاکنون به عنوان مختلف برنامه‌های گسترده و متعددی را برای فراهم کردن شرایط ذهنی یک تهاجم فلج‌کننده علیه سوریه به کار گرفتند. چنان که در سفرهای متعدد نخست‌وزیر رژیم اسرائیل به آمریکا و اروپای مشخصاً و آشکاراً از نگرانی‌های خود در خصوص دوران پس‌ادعش سخن گفت و از اینکه سوریه و هم‌پیمانان آن در مسیر افزایش قدرت نظامی و توانمندی‌های عملیاتی قرار گرفته‌اند، اظهار نگرانی کرد. حتی به‌طور مشخص بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از ضرورت تهاجم نظامی علیه سوریه سخن گفت؛ این به معنی نگرانی شدید رژیم صهیونیستی از تغییر معادلات منطقه‌ای به ضرر این رژیم و به نفع کشورهای محور مقاومت است. اما در خصوص نقش عربستان نیز باید توجه داشت که این کشور

پیام برای پوتین

تقابل غرب با مسکو در آسمان سوریه چه معنایی داشت؟



حسن هانی زاده

کارشناس مسائل خاورمیانه

🔥 سرانجام بامداد شنبه، واشنگتن، لندن و پاریس به موضعی در سوریه حمله موشکی انجام دادند تا به زعم خود بتوانند از پیروزی و پیشروی ارتش سوریه و محور مقاومت در این کشور جلوگیری کنند. دولت سوریه در طول یک سال اخیر توانسته با کمک روسیه و محور مقاومت بیش از ۹۵ درصد از اراضی این کشور را از وجود گروهک‌های تروریستی پاک‌سازی کند که این امر به مفهوم شکست نظامی آمریکا، عربستان و اسرائیل است. این حمله موشکی، یک سناریوی از پیش طراحی شده هالیوودی برای برهم زدن شطرنج نظامی و سیاسی سوریه از سوی آمریکا، عربستان، فرانسه، انگلیس و رژیم صهیونیستی است. از آنجایی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در صدد بود تا شبهه وابستگی خود به روسیه در جریان انتخابات ریاست جمهوری را از بین ببرد تصمیم گرفت به نوعی در تقابل با سیاست‌های کرملین قرار گیرد. همچنین ترامپ در طول ماه‌های گذشته تلاش کرد تحریم‌های جدیدی را علیه روسیه برقرار کند تا به کلی این تصور را که ولادیمیر پوتین در پیروزی ترامپ نقش داشته از خود دور کند. انگلیس نیز روسیه را متهم کرد که در مسموم کردن یک جاسوس روسی در انگلستان نقش داشته است. در عین حال طی هفته‌های اخیر مهمترین حادثه‌ای که اتفاق افتاد، پاک‌سازی غوطه شرقی از وجود گروهک‌های تروریستی جیش الاسلام، جبهه النصره و فیلق الرحمن بود که شکست بزرگی برای آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود. از این رو سناریوی مربوط به استفاده دولت بشار اسد از سلاح شیمیایی علیه اهالی دوما در اطراف دمشق که

در واقع یک سناریوی هالیوودی است، طراحی شد. از دیگر سو محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان در سفر به آمریکا، انگلیس و فرانسه با پرداخت ده‌ها میلیارد دلار رشوه به این سه کشور در قالب خرید تسلیحاتی آنها را به تدارک یک حمله علیه سوریه تشویق کرد. بنابراین ابتدا آمریکا تلاش کرد تا از طریق تصویب یک قطعنامه در شورای امنیت علیه دولت سوریه زمینه یک حمله سه‌جانبه را فراهم کند اما وتوی روسیه، مانع از تحقق این امر شد. این حمله سرانجام صورت گرفت اما هیچ‌گونه دستاورد نظامی برای آمریکا، انگلیس و فرانسه به همراه نداشته است. ضمن آنکه عربستان سعودی مبلغ ۴ میلیارد دلار برای این حمله در اختیار آمریکا قرار داد. محمد بن سلمان ولیعهد عربستان که به شدت از شکست عناصر تروریستی جیش الاسلام در غوطه شرقی خشمگین شده با توسل به لابی صهیونیستی در ایالات متحده و لابی یهودی در انگلیس، از رهبران این دو تجمع صهیونیستی خواست تا آمریکا، انگلیس و فرانسه را به تسریع در حمله به سوریه و ادار سازند. در مقابل محمد بن سلمان به لابی صهیونیستی وعده داد که به زودی مقدمات برقراری رابطه میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل را فراهم کند. ولیعهد عربستان همچنین برای ایجاد تقابل بین ایران و رژیم صهیونیستی و وادار کردن ایران به یک عکس‌العمل شتابزده از اسرائیل خواست تا پایگاه نظامی حمص در سوریه را بمباران کند که چند تن از رزمندگان ایرانی بر اثر این حمله به شهادت رسیدند. بنابراین با این حمله عجلانه ضمن آنکه آمریکا، فرانسه و انگلیس به اهداف خود دست پیدا نکردند، مشخص شد که سیستم دفاع هوایی سوریه که توسط کارشناسان روسی ایجاد شده در تقابل با موشک‌های پیشرفته آمریکایی از کارآمدی بالایی برخوردار است. در واقع آمریکا، انگلیس و فرانسه بیش از اینکه با شخص بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه مشکل داشته باشند با شخص ولادیمیر پوتین،

رئیس‌جمهوری روسیه مشکل دارند و قصدشان این است که به نوعی روسیه را در موضعی تدافعی قرار دهند. آمریکا چندین بار تلاش کرد تا قطعنامه‌ای علیه دولت سوریه در شورای امنیت تصویب کند اما وتوی روسیه مانع از تصویب این قطعنامه شد و به همین دلیل بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی این حمله را نقض آشکار قوانین بین‌المللی از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه می‌دانند. با این حال آمریکا با این حمله پیامی برای روسیه و محور مقاومت ارسال کرد مبنی بر اینکه و اشتگتن عرصه را در سوریه برای ایران، روسیه و حزب الله خالی نخواهد کرد. به نظر می‌رسد که آمریکا در آینده اگر شرایط بین‌المللی اجازه دهد، حملات موشکی دیگری علیه دولت سوریه انجام خواهد داد. ضمن اینکه قطر که از محاصره کامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس رنج می‌برد برای خروج از این بن‌بست اجازه داد که هواپیماهای B1 آمریکایی از پایگاه العدید قطر پرواز کنند و موشک‌های تام‌هاوک را به سوی سوریه پرتاب کنند. پیامدهای همکاری قطر و آمریکا در آینده نزدیک موجب خواهد شد که دوحه مشکلات خود را با عربستان، بحرین، مصر و امارات حل کند. قطر پس از سفر اخیر تمیم بن حمد، امیر قطر به آمریکا با شرایط جدیدی روبه‌رو شده است.

زیرا دونالد ترامپ به محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان هشدار داده که بحران کشورهای خلیج فارس را سریعاً حل کند. ترکیه نیز که یکی از بازیگران بحران سوریه است با اشغال دو شهر منبج و عفرین در اطراف استان مرزی ادلب سوریه تلاش دارد تا حضور نظامی خود را در این کشور تثبیت کند و مانع از برقراری رابطه میان نیروهای مدافع خلق کرد سوریه با کردهای ترکیه شود. در نهایت باید در نظر داشت که بقای بشار اسد در قدرت به ادامه کمک روسیه، ایران و حزب الله به دولت سوریه بستگی دارد. پس از حملات موشکی اخیر آمریکا، انگلیس و فرانسه جایگاه بشار اسد در سطح داخلی و جهان اسلام و عرب تقویت شد. صدها هزار تن از مردم سوریه پس از حملات موشکی آمریکا به سوریه به خیابان‌ها آمده و از دولت بشار اسد حمایت کردند که این نشان‌دهنده آن است حمله موشکی سه کشور غربی به سوریه هیچ‌گونه دستاورد نظامی و سیاسی به همراه نداشته است. ▶



تکمیل حلقه ترامپ

جان بولتون جنگ طلب به عنوان سومین مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ منصوب شد؛ او که همواره بر طبل جنگ کوبیده و علیه ایران و برجام نیز صحبت‌های بسیار تندی داشته، این روزها در جایگاه یکی از نزدیک‌ترین افراد به ترامپ قرار گرفته است. با توجه به دیدگاه‌های افراطی بولتون این موضوع مطرح می‌شود که رئیس جمهور آمریکا از روی کار آوردن وی چه اهدافی را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد که ترامپ با انتصاب بولتون به دنبال آن بوده که فردی نزدیک به خود را روی کار آورده و تاحدی نیز پیام جنگ‌طلبی آمریکا را به جهانیان مخابره کند.

بین‌الملل

گرز - چماق به جای چماق - هویج

آیا بولتون دیدگاه‌های جنگ طلبانه‌اش را به شورای امنیت ملی منتقل می‌کند

بولتون تنها چند روز است که کارش در این سمت را آغاز کرده و هنوز مشخص نیست که آیا او دیدگاه‌های تند و افراطی‌اش در زمانی که تحلیلگر بود شامل تأکید بر قدرت سخت و برخورد با ایران، کره شمالی و روسیه را با خود به شورای امنیت ملی خواهد آورد و بر این نهاد حاکم خواهد کرد یا اینکه در نهایت بدنه کارشناسی در آمریکا باعث می‌شود بولتون در مواضع خود تجدیدنظر کند و ما شاهد چهره و مواضع متفاوتی از بولتون باشیم.

البته مواضع بولتون بسیار تند و افراطی است و در خصوص ایران، او نه تنها با برجام مخالف و به دنبال تغییر سیاست‌های ایران است، بلکه آشکارا از ایده تغییر رژیم در ایران صحبت کرده و از جمله سیاستمدارانی است که هر ساله در تجمع سالانه منافقین در پاریس حضور داشته و در آنجا سخنرانی کرده است.

مشاور امنیت ملی جدید آمریکا اخیراً نیز اظهار کرده که باید بحث هسته‌ای را در مورد ایران کنار گذاشت و به دنبال تغییر رژیم در این کشور رفت. لذا بولتون از جمله مخالفان سرسخت حکومت در ایران و همچنین توافق هسته‌ای برجام است. او بارها تأکید داشته که ترامپ باید از توافق هسته‌ای خارج شود و نظرش این است رئیس‌جمهور آمریکا باید راهی را در پیش بگیرد که بوش در پیش گرفت یعنی خروج از پیمان منع موشک‌های ضد موشک که در سال ۲۰۰۱ اتفاق افتاد. بولتون معتقد است همچنان که روس‌ها به خروج از این پیمان واکنشی نشان ندادند اگر ترامپ هم از برجام خارج شود ایران هیچ واکنشی نشان نخواهد داد. با وجود این اظهارنظرهای تند و تیز باید توجه داشت که هنوز بولتون در سمت مشاور امنیت ملی دولت ایالات متحده آمریکا در خصوص ایران و برجام اظهارنظری نکرده است. شاید دیدگاه‌های بولتون تأخوری تعدیل شده باشد و نمی‌توان براساس دیدگاه‌های گذشته او قضاوت کرد و گفت که مشاور امنیت ملی آمریکا در آینده چه رویکردی را می‌خواهد پیش بگیرد.

همچنین این سناریو نیز مطرح است که شاید هدف ترامپ از روی کار آوردن مهره‌های افراطی خود، یک نمایش تبلیغاتی برای ایجاد هراس در کشورهایمانند ایران است و به طور جدی دست به اقدامی نخواهند زد. در این رابطه باید توجه داشت که ترکیب مایک پمپئو به عنوان وزیر خارجه، جیمز متیس به عنوان وزیر دفاع و جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا، تداعی کننده کابینه جنگ است. این افراد، افرادی هستند که بر قدرت سخت تأکید دارند و هیچ ابایی درباره صحبت کردن از جنگ‌های پیش‌دستانه ندارند. آنها معتقدند که اگر لازم شد ایالات متحده باید بدون توجه به نظر متحدانش وارد درگیری شود. اما این بدان مفهوم نیست که الزاماً خروجی این کابینه معروف به کابینه جنگ، ضرورتاً جنگ و درگیری باشد. بسیاری از مواقع دولت‌ها، نمایش اقتدار را بروز می‌دهند تا وارد جنگ نشوند و دیدگاه ترامپ نیز بیشتر بر این مبنا استوار است. رئیس‌جمهور آمریکا معتقد است برای آنکه وارد جنگ نشوند باید ارتش قوی و اراده ورود به جنگ داشته باشند. این مساله باعث می‌شود دشمنان بترسند و ریسک درگیری با آمریکا را نداشته باشند. در حالی که برخی معتقد هستند که یک دولت ضعیف احتمال بروز جنگ را افزایش می‌دهد. بر اساس این الگو می‌توان گفت شاید شکل گیری چنین مثلثی با هدایت ترامپ امکان بروز جنگ را تا حدودی کاهش دهد. اما این مساله را نیز باید در نظر داشت که تصمیم ورود به جنگ الزاماً در واشنگتن اتخاذ نمی‌شود و حضور افراد افراطی با دیدگاه‌های افراطی ممکن است زمینه را برای شکل گیری یک حادثه تصادفی که منجر به جنگ شود افزایش دهد. این مساله ممکن است در مورد ایران، سوریه یا کره شمالی صدق کند. ▶

◀ امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا

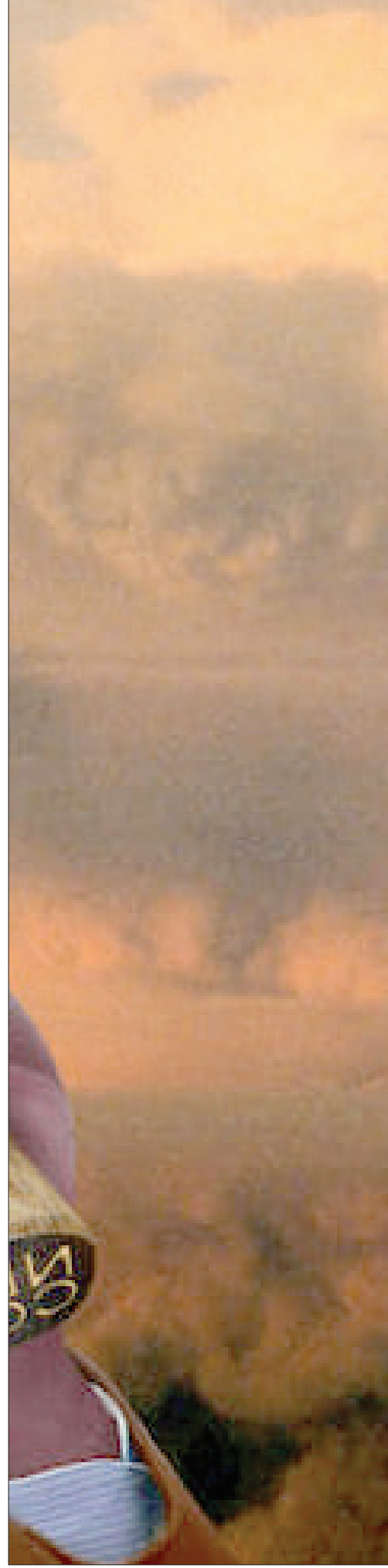


انتصاب جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا از سوی دونالد ترامپ با انگیزه‌های متفاوتی دنبال شده است. جان بولتون به عنوان سومین مشاور امنیت ملی در دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا کار خود را رسماً از روز دوشنبه، نهم آوریل آغاز کرد. وی با یک پیام تویتری دونالد ترامپ که در آن خبر برکناری ژنرال هربرت ری‌موند مک‌مستر از سمت مشاور امنیت ملی عنوان شده بود، به این سمت منصوب شد. در ۱۴ ماه گذشته، بولتون بعد از مایکل فلین و هربرت مک‌مستر، سومین شخصی است که سمت مهم مشاور امنیت ملی آمریکا را برعهده می‌گیرد. بولتون به لحاظ دیدگاه‌های شخصی و مسئولیت‌هایی که تاکنون عهده‌دار بوده است، در زمره شاخص‌ترین چهره‌های موسوم به «شاهین‌ها» ی سیاست خارجی آمریکا شناخته می‌شود.

بولتون در زمان تصدی سمت سفیر آمریکا در سازمان ملل در تحقیر این نهاد بین‌المللی گفته بود اگر ۱۰ طبقه ساختمان سازمان ملل نیز تخریب شود، اتفاقی رخ نخواهد داد. همچنین میزان دلبستگی بولتون به صهیونیست‌ها به حدی بود که اسرائیلی‌ها، سفیر آمریکا در سازمان ملل را اصطلاحاً عضو ششم از هیات پنج نفره اسرائیل در سازمان ملل لقب داده بودند. البته بولتون در دورانی که سمت‌های دولتی نداشت، بر لحن تند و افراطی خود افزود و به چهره اصلی جریان جنگ طلب در آمریکا بدل شد. برخی از سخنان بولتون در شبکه‌هایی همچون فاکس نیوز اعتراض هم‌حزبی‌های وی در حزب جمهوریخواه را نیز برانگیخت. در رابطه با انگیزه‌ها و اهداف ترامپ از انتصاب بولتون در سمت مشاور امنیت ملی آمریکا در ابتدا می‌توان به اختلاف دیدگاه‌هایی که میان رئیس‌جمهور آمریکا و مشاور امنیت ملی پیشین او یعنی ژنرال هربرت مک‌مستر بروز کرد، اشاره داشت. به نظر می‌رسد که مک‌مستر، مشاور امنیت ملی وقت آمریکا به اندازه‌ای که ترامپ نیاز داشته در خصوص سیاست خارجی و سیاست امنیتی قوی عمل نکرده و دیدگاه‌های ترامپ که نماینده جریان ملی‌گرا در آمریکا است را پیگیری نمی‌کرده است. یکی از موارد اختلاف میان طرفین، بحث ایران بوده است اما می‌توان گفت که مک‌مستر همچنان به نظریات بین‌الملل‌گرایی و تقویت مشارکت بین‌المللی اعتقاد داشت در حالی که ملی‌گرایان آمریکایی تأکیدشان بر این است که باید از این ائتلاف‌های بزرگ خارج شد و منافع آمریکا را مدنظر قرار داد. شعار «اول آمریکا» یا اولویت آمریکا که مدنظر رئیس‌جمهور این کشور است نه خیلی برای رکس تیلرسون، وزیر خارجه پیشین اهمیت داشت و نه برای مک‌مستر، مشاور امنیت ملی. در نهایت نیز هر دو شخص از پست‌هایی که مشغول به کار بودند کنار گذاشته شدند.

اما اینکه چرا جان بولتون به سمت مشاور امنیت ملی برگزیده شد باید اشاره کرد که او از جمله چهره‌های شاخص جریانی است که معتقد است ایالات متحده آمریکا در مسائل سیاست خارجی و سیاست امنیتی باید منافع خود را مدنظر قرار دهد. بولتون در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، از تفکرات محافظه‌کاران نوین حمایت می‌کرد و حامی نظریاتی مانند جنگ پیش‌دستانه، حمله بدون کسب مجوز شورای امنیت به عراق و تأکید بر قدرت سخت به جای تمرکز بر قدرت نرم بود.

به همین دلیل می‌توان گفت شاید نزدیک‌ترین فرد از جنس مشاور امنیت ملی به تفکرات ترامپ، شخص جان بولتون است. اما باید این نکته را نیز در نظر گرفت که



مشاور جنگ

ترامپ به دنبال راضی نگه داشتن قشر تندرو در آمریکا است

مهدی فتحی

کارشناس مسائل آمریکا



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا طی یک سال و نیمی که قدرت را در آمریکا در اختیار دارد، سه مشاور امنیت ملی انتخاب کرده که جان بولتون آخرین آنهاست. اولین مشاور مایکل فلین بود که در مدت کوتاهی پس از انتصاب در این سمت به دلیل آنکه گفتند با روسیه همکاری‌های تجاری و پیوندهای نزدیکی داشته، مجبور به استعفا شد؛ سپس ژنرال مک‌مستر به عنوان مشاور امنیت ملی انتخاب شد و پس از حدود یک سال گفته شد که در زمینه برجام، کره شمالی و برخی دیگر از موضوعات میان رئیس‌جمهور و مشاور امنیت ملی او اختلاف نظرهایی پدید آمده و در نهایت به استعفا می‌مک‌مستر منجر شد. امروز نیز جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی ترامپ انتخاب شده است. به نظر می‌رسد که از یک جهت ترامپ، او را به دلیل آنکه یک چهره تندرو است انتخاب کرده است؛ بولتون فردی است که به استفاده از قدرت سخت در سیاست خارجی آمریکا اعتقاد دارد، زبان بسیار تندی در این حوزه دارد و نسبت به مشورت آمریکا با متحدانش اصلا نظر مثبتی ندارد. جان بولتون تلاش دارد که به هر طریقی رهبری آمریکا را در نظام بین‌الملل دیکته کند یا سیاست‌هایی را پیش بگیرد که به اصطلاح این قضیه را تضمین کند. شاید چون کسانی که در میان میانه‌روها و چهره‌های شناخته‌شده در آمریکا ویژگی‌هایی را داشتند که بتوانند در این سمت قرار بگیرند با شخص رئیس‌جمهور همکاری نمی‌کردند و ترامپ با آنها اختلاف نظر داشت برای آنکه بتواند قشر تندرویی که در انتخابات به وی رای داده بودند را راضی کند. جان بولتون را به عنوان مشاور امنیت ملی انتخاب کرد. این انتصاب بیشتر به دلیل خط‌مشی افراطی بولتون و با هدف راضی نگه داشتن محافل تندرو داخل آمریکا است. همچنین ترامپ می‌خواهد بر این مسأله تأکید کند که در مجموعه او بعد از برکناری برخی افراد تندرو در گذشته، در حال حاضر گروه‌های تندرو دوباره به کاخ سفید باز خواهند گشت. البته به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن ترامپ که تسلطی بر سیاست خارجی و امنیتی ندارد و فردی است که تا حدودی تسلط بر امور اقتصادی دارد و دیگر از آن جهت که در امور سیاسی نیز محاسبه اقتصادی انجام می‌دهد، احتمالا ترامپ در آینده با بولتون نیز دچار اختلاف نظر خواهد شد.

حال اینکه آیا این اختلافات جان بولتون را به سرنوشت دو مشاور امنیت ملی پیشین دچار خواهد کرد یا اینکه درون کابینه حفظ خواهد شد یا خیر، هنوز مشخص نیست. در رابطه با مواضع بولتون نیز باید اشاره کرد که او مواضع بسیار افراطی دارد؛ در گذشته او به دنبال آن بود که آمریکا سیاست‌هایش را به صورت یکجانبه در صحنه بین‌المللی پیش ببرد و با نقش سازمان ملل مخالف بوده است. در دوران جورج بوش که در دولت حضور داشت نیز از جمله حامیان کاهش بودجه سازمان ملل توسط آمریکا بود. با اسرائیل رابطه بسیار نزدیکی دارد و گفته می‌شد در زمان بوش او بیش از رئیس‌جمهور آمریکا منافع اسرائیل را پیگیری می‌کرده و به دنبال این بود که دولت بوش به هیچ طریقی به مواضع اسرائیل لطمه‌ای

مانند بولتون می‌تواند اختلافات آمریکا را با متحدانش در اروپا در زمینه امور سیاسی، نظامی و اقتصادی بیشتر کند. در قبال جمهوری اسلامی ایران نیز به نظر می‌رسد با روی کار آمدن بولتون، رژیم صهیونیستی تا حدود زیادی دلگرمی بیشتری به دست آورده و سعودی‌ها نیز از انتخاب او خیلی خوشنود هستند. آنها انتظار دارند به نوعی توجه ترامپ را به سمت ایران و خاورمیانه بیشتر جلب کنند و احتمالا ادبیات بولتون در قبال ایران ادبیات تندی خواهد بود. به نظر می‌رسد که دولت آمریکا با انتخاب این ادبیات درصدد آن باشد که منطقه خاورمیانه را متشنج کند و به دنبال آن باشد که تسلیحات بیشتری را به کشورهای منطقه بفروشد تا از این طریق تجارت اسلحه را داخل آمریکا رونق ببخشد. حتی این احتمال وجود دارد که کار به درگیری‌های مقطعی در کشورهای مختلف خاورمیانه کشیده شود. همچنان که در اولین جلسه‌ای که بولتون به عنوان مشاور شورای عالی امنیت ملی شرکت کرد بحث در خصوص مسائل سوریه و قضیه استفاده ساختگی از سلاح شیمیایی در دوما مطرح شد و به نظر می‌رسد مواضع افراطی جان بولتون و مشاوره دادن

وارد نکند. در زمینه سیاست‌گذاری به جنگ پیشدستانه و پیشگیرانه باور داشت و خواستار این بود که با مخالفان و دشمنان دولت آمریکا جنگی پیشگیرانه آغاز شود تا آنها تبدیل به تهدیدی برای آمریکا نشوند. در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز جان بولتون با منافقین و دشمنان ایران رابطه نزدیکی داشت و در نشست‌های آنها شرکت می‌کرد. او مانند ترامپ اعتقاد دارد که توافقنامه برجام نباید باقی بماند و خواستار این است که از این قرارداد به نوعی خارج شوند. البته پیش از برجام و در دوران ریاست جمهوری بوش هم بولتون همین مواضع افراطی را داشت ولی در آن زمان چون دولت جورج بوش بسیاری از این مواضع را در صحنه بین‌المللی دنبال می‌کرد، سیاستمداران و نخبگان در جامعه آمریکا اغلب از این مواضع حمایت نمی‌کردند. در حال حاضر



او به رئیس‌جمهور آمریکا در این نشست آشکارا مشاهده شد. البته ترامپ و بولتون تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند و آن اینکه ترامپ محاسبه اقتصادی می‌کند و برای هر امری سود و زیان اقتصادی آن را در نظر می‌گیرد. ترامپ در مبارزات اقتصادی بسیار علیه جنگ صحبت کرد زیرا در دوران جنگ طلبی آمریکا یعنی دوران جورج بوش دولت واشنگتن بودجه بسیار سنگینی را در خاورمیانه هزینه کرد و حدود ۶ یا ۷ تریلیون دلار در منطقه هزینه کرده بود بدون آنکه برایشان سودی داشته باشد. لذا ترامپ احتمالا بدون محاسبه‌های اقتصادی هر تصمیمی با نظریات جان بولتون همراهی نخواهد کرد و قربانی تفکرات ایدئولوژیک بولتون و افرادی مانند وی در سیاست خارجی و امنیتی نخواهد شد. ▶

نیز به نظر می‌رسد که چه در داخل جامعه آمریکا و چه در زمینه برقراری اجماع بین آمریکا و متحدانش در ناتو و اروپا، انتخاب بولتون، دولت آمریکا را با مشکلاتی مواجه کند. بعید است که متحدان آمریکا دیدگاه‌های بولتون را بپذیرند زیرا او نیز مانند ترامپ اعتقاد دارد که ابتدا باید منافع آمریکا حفظ شود. این در حالی است که دیگر روسای جمهور آمریکا به دنبال آن بودند که با دیگر متحدان شان گفت‌وگو کنند و در نهایت آمریکا با مشارکت و همکاری دیگر قدرت‌ها رهبری آن تصمیم را برعهده بگیرد. اما تیم افراطی‌ای که بولتون عضو آن بود اعتقاد داشت نیازی به مشورت نیست و ایالات متحده می‌تواند سیاست‌هایش را به صورت یکجانبه پیش ببرد. در حال حاضر نیز به نظر می‌رسد انتخاب چهره‌ای

سیاست پیشگیرانه

ترامپ نمایش واکنش تند را آغاز کرده است



سیده مسعوده میرمسعودی

سر دبیر مجله ایرانی روابط بین‌الملل

با انتصاب جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید و مایک پمپئو به عنوان مسئول دستگاه دیپلماسی آمریکا، موجی از اظهارنظرهای متفاوت درباره آینده تصمیمات دونالد ترامپ پیش‌بینی شده است، به ویژه درباره برجام به عنوان یک توافق بین‌المللی بین ایران و ۵+۱، که این روزها سرنوشت آن به تصمیم ترامپ در ۱۲ ماهه می‌بستگی دارد. اکنون این پرسش‌ها مطرح است که آیا آمریکا از برجام خارج می‌شود و آیا با انتصاب

به کره شمالی است. برای بررسی روی کار آمدن بولتون و تاثیرات آن در ابتدا به موضوع برجام خواهیم پرداخت. با این سوابق در نگاه اول می‌توان به این نتیجه رسید که خروج آمریکا از برجام وقوع است و بولتون بعد از خروج در تلاش برای قانع کردن آمریکا با هدف تغییر رژیم ایران خواهد بود. به نظر نویسنده، این نیت در مورد انتصاب جان بولتون مدنظر ترامپ بوده است و انتصاب او یک سیاست پیشگیرانه از طرف ترامپ است. در واقع ترامپ یک فرد بازارمحور است و قانون بازار هم روی این محور می‌چرخد که در مبادلات سودمحور برای افزایش سود کالا، موضوعی مخالف و در خلاف جهت مطرح می‌کنند. این اصل در بازار اقتصادی یک اصل برای فروش یک کالا است که اکثر بازاری‌های حرفه‌ای از این اصل تبعیت می‌کنند و آن این است که

پمپئو به جای تیلرسون و انتصاب جان بولتون در سمت مشاور امنیت ملی کاخ سفید، به نوعی مبارزه نمایشی برای غلبه بر دغدغه‌های سیاست خارجی آمریکا است. در حال حاضر دغدغه سیاست خارجی آمریکا شامل رفتار با روسیه و سیاست مداخله جویانه این بازیگر قدیمی در منطقه خاورمیانه، مذاکره با کره شمالی، چالش‌های اقتصادی با چین، موضوع برجام و بی‌ثبات‌سازی منطقه توسط ایران، مسائل خاص منطقه عربی و تلاش برای همراهی متحدین اروپایی با سیاست‌های اعمالی آمریکا است. البته در چند روز اخیر ادعای حمله دولت بشار اسد به دوما سوریه و بمباران شیمیایی منطقه توانسته مدعی بودن آمریکا در منطقه و نیت این کشور در اجرای سیاست‌های اعمالی‌اش را تداوم ببخشد. در عین حال آمریکا از این موضوع به خوبی برای پیشبرد سیاست‌های اعمالی خود مخصوصاً در قانع کردن بازیگران اروپایی در تحریم روسیه و خروج از برجام در ۱۲ می‌سود خواهد برد.

جان بولتون در مقام مشاور امنیت ملی آمریکا شاید بیشتر از اینکه خود عمل‌کننده باشد، نمایشی از عکس‌العمل تند و دادن سیگنال به تحلیلگران با هدف نمایش واکنش تند برای کسب منافع آمریکا است. اکثر تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند که با روی کار آمدن پمپئو و بولتون، مواضع آمریکا در سیاست خارجی تندتر خواهد شد و دقیقاً ترامپ نیز با به کار بردن این «اصل معامله در بازار» (نمایش تند و در نهایت عملکرد نرم) می‌خواهد این موضوع را جا بیندازد تا طرف‌های موردنظر رفتارهایشان را بر اساس نظر ترامپ تغییر دهند.

ترامپ با این استراتژی می‌خواهد اصلاحات در برجام را به دست متحدین اروپایی انجام دهد و متحدین اروپایی نیز این موضوع را درک کرده‌اند؛ سفرهای اخیر دولتمردان اروپایی به آمریکا برای قانع کردن ترامپ با هدف عدم خروج از برجام و اتخاذ سیاست‌های نرم حاکی از این موضوع است.

در نهایت تا قبل از ادعای مطرح شده توسط آمریکا مبنی بر حمله شیمیایی اسد به دوما سوریه و بمباران این منطقه، ترامپ فقط اصل خاص بازار از انتصاب بولتون را پیگیری می‌کرد ولی با این ادعاها عملاً یک بهانه دیگر برای ترامپ آفریده شد که خواهد توانست عقاید بولتون مبنی بر خروج از برجام، تغییر رژیم ایران، حمله احتمالی به این کشور، واکنش تند در سوریه و همچنین واکنش تلافی جویانه برای روسیه را قوت بخشد. البته حمله به ایران تقریباً بعید است زیرا این مساله با خصوصیات ترامپ ناهمگون است؛ ترامپ بیشتر نمایش واکنش تند را دارد و در عمل بیشتر نرم‌نشان می‌دهد و این موضوع تماماً می‌تواند به ضرر برجام و سیاست خارجی ایران در منطقه باشد. باید توجه داشت که هم‌اکنون یک ائتلاف عربی - غربی علیه ایران تشکیل شده است؛ دوستان اروپایی ایران در سیاست‌های اجرایی خود متزلزل هستند و تصمیم‌گیران ایران باید بیشتر در سیاست‌های داخلی و ترمیم اقتصادی و همچنین ایجاد آمادگی برای آینده بعد از خروج احتمالی آمریکا از برجام تلاش کنند. در عین حال مردم را از نظر اقتصادی قوت ببخشند چون به جرات می‌توان گفت بر دولتی که در سیاست‌های داخلی بتواند در حاکمیت قانون و شفافیت در پاسخگویی به مطالبات ملت خود استوار و پایدار باشد هیچ حربه خارجی کارساز نخواهد بود. ▶



بانیست عقب‌نشینی در آخر و همچنین به دست آوردن سود بیشتر، در شروع نمایش محکمی از مخالفت و عدم تمایل به فروش داشته باشد. لذا هدف ترامپ از جایگزینی

بولتون و پمپئو که سابقه مخالفت با برجام و کلا طرفدار سیاست‌های تند آمریکا در قبال مسائل جهانی هستند، سیاست‌های اعمالی آمریکا دچار تغییرات شگرف خواهد شد؟

برای پاسخ به این سوالات و آینده پژوهی در این موارد باید به دنبال تغییرات در کاخ سفید و نیت و اهداف تصمیمات ترامپ باشیم. یکی از تصمیمات ترامپ که ذهن تحلیلگران را بر عزم او در خروج آمریکا از برجام قوت بخشید جایگزینی جان بولتون با مک‌مستر به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا است؛ شخصی که یکی از موافقان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۱۳، مخالف با اصل کارکرد سازمان ملل، یکی از حامیان جنگ پیشگیرانه با کره شمالی و همچنین تغییر رژیم در ایران و واکنش تند

جان بولتون در مقام مشاور امنیت ملی آمریکا شاید بیشتر از اینکه خود عمل‌کننده باشد، نمایشی از عکس‌العمل تند و دادن سیگنال به تحلیلگران با هدف نمایش واکنش تند برای کسب منافع آمریکا است



رئیس‌جمهور ناسازگار

مهره‌های هماهنگ‌تر با ترامپ در واشنگتن روی کار آمدند

در سطح سیاست خارجی و برنامه‌های ترامپ در حوزه روابط خارجی، موضوعاتی همچون کره شمالی، مناقشه اسرائیل - فلسطین، مسائل خاورمیانه و نیاز ترامپ به پیشبرد برنامه‌های خود در مسیری بدون مانع، از جمله مهمترین دلایل و انگیزه‌هایی است که ترامپ را به سمت چنین تغییراتی متمایل کرده است.

در این رابطه جلب توجه عربستان و اسرائیل از طریق نشان دادن عزم ترامپ برای مقابله با ایران به منظور تامین منافع ایالات متحده آمریکا را می‌توان هم از دلایل و هم از تأثیرات انتصاب جان بولتون به سمت مشاور امنیت ملی کاخ سفید در نظر گرفت.

ترامپ از یک سو با توجه به شعار «نخست آمریکا» و روحیه کاسبارانه خود هدایت دلارهای نفتی عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس به سمت صنایع اسلحه‌سازی آمریکا را در نظر دارد و از سویی دیگر نیز تلاش دارد تا تشکیل تیمی تهاجمی و ضدایران را به زمینه‌ای برای پیشبرد برنامه‌های خود در ارتباط با مساله اسرائیل تبدیل کند. در همین راستا همراه کردن عربستان سعودی با طرح مورد نظر خود در رابطه با مناقشه اسرائیل - فلسطین برای ترامپ از اهمیت خاصی برخوردار است و در این رابطه دشمن مشترکی به نام ایران می‌تواند از تأثیر قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد.

اما تردیدی نمی‌توان داشت که در این میان مساله ایران و برجام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که می‌توان اذعان کرد اقدام ترامپ برای وارد کردن بولتون و پمپئو به تیم سیاست خارجی و امنیت ملی خود بیش از هر چیز متأثر از نگاه خاص و برنامه‌های ترامپ در

بحران زده خاورمیانه را دچار نوعی ابهام و آشفتگی کرده است.

در روزهای اخیر نیز در تازه‌ترین رخدادی که به زعم قریب به اتفاق کارشناسان کاملاً با برجام و تصمیم‌اتی ایالات متحده نسبت به این توافق مرتبط است، شاهد برخی تغییرات و جابه‌جایی‌ها در دولت ترامپ هستیم که طی آن دو چهره مهم و کلیدی سیاست‌گذاری ایالات متحده یعنی رکس تیلرسون و ژنرال مک‌مستر جای خود را به چهره‌هایی تندروتر و البته هماهنگ‌تر با شخص ترامپ داده‌اند. در بررسی و تحلیل تغییرات انجام گرفته از سوی ترامپ باید هم به ویژگی‌های شخصیتی ترامپ توجه نشان داد و هم به برنامه‌های سیاست خارجی مورد نظر وی.

در سطح تحلیل شخصیتی ترامپ، یک‌دست نبودن تیمی که رئیس‌جمهور آمریکا با آن کار می‌کند به‌ویژه در پست‌های کلیدی چون وزارت خارجه و مشاور امنیت ملی و عدم همخوانی در سطح مورد انتظار میان ترامپ با تیلرسون و مک‌مستر، در نهایت منجر به انجام تغییرات یاد شده گردید. در واقع دردسرهای ناراضی‌های ایجاد شده برای رئیس‌جمهور ایالات متحده به دلیل عدم همراهی چهره‌های برجسته دولت با تصمیمات و نظرات ایشان علت و انگیزه مهمی برای اقدام اخیر به حساب می‌آید.

در این سطح تحلیل حذف تیلرسون و مک‌مستر صرفاً یا عمدتاً به دلیل روحیه ناسازگار ترامپ با مخالفین و منتقدین خود است تا به خاطر دلایلی همچون هدفمند بودن این تغییرات. از این رو به نظر می‌رسد که انتخاب بولتون را هم می‌بایست در کنار دیگر تصمیمات و اقدامات متناسب با شخصیت ترامپ قرار داد.



روح‌اله سوری

کارشناس روابط بین‌الملل

۴ پس از ۱۲ سال تنش و کشمکش، پرونده هسته‌ای ایران با رسیدن به ایستگاه برجام این امیدواری را به وجود آورده بود که روابط متشنج میان ایران و غرب تا حدودی رنگ و بوی آرامش به خود بگیرد و مسیری تعاملی پیش روی طرفین باز شود. اما شرایط حاضر به گونه‌ای است که پس از سپری شدن نزدیک به سه سال از برقراری توافق هسته‌ای نه تنها شاهد چنین وضعیتی نیستیم که سرنوشت مهمترین توافق سیاسی - حقوقی دو دهه ابتدایی قرن بیست و یکم به سمتی پیش رفته است که از یک سو شاهد قوت گرفتن فشارهای اروپا علیه ایران به خاطر راضی نگه داشتن ترامپ هستیم و از سوی دیگر نیز زمزمه خروج ایالات متحده آمریکا و حتی ایران از این توافق، هر روز پررنگ‌تر می‌شود.

در سطح منطقه‌ای شکل‌گیری ائتلافی با حمایت ترامپ علیه ایران به دلیل نگرانی برخی بازیگران منطقه‌ای از تأثیرات برجام در بهبود روابط جمهوری اسلامی ایران با جهان و در سطح بین‌المللی سردرگمی استراتژیک اتحادیه اروپا میان حفظ برجام به دلیل وجود ضرورت‌های امنیتی و اقتصادی از یک سو و متقاعدسازی ترامپ برای عدم خروج از برجام از سوی دیگر، سرنوشت این توافق و بالطبع سرنوشت منطقه

چیزی به نام دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری دو سال پیش را به رسمیت نمی‌شناسد.

ج- حمایت از اقدام نظامی علیه کره شمالی و ابزار تردید نسبت به موفقیت مذاکره با کره شمالی:

لیندسی گراهام، سناتور جمهوری خواه ایالات کارولینای جنوبی بیان داشته که جان بولتون به شدت نسبت به کره شمالی بدبین است و اعلام تمایل کره شمالی برای مذاکره را تردیدی برای خرید زمان می‌داند.

د- ابراز نگرانی نسبت به اصلاحات سیاسی بن سلمان و احتمال منتهی شدن سرنوشت وی به سرنوشت شاه ایران:

بولتون بیان داشته که نسبت به اقدامات اصلاحی بن سلمان تردید دارد و نباید تاریخ و سرنوشت شاه ایران را هنگامی که می‌خواست کشورش را به سرعت مدرنیزه کند از یاد برد. وی همچنین از احتمال تحریک گروه‌های وهابی در مقابل اقدامات بن سلمان ابراز نگرانی کرده است.

ه- مخالفت با استراتژی آمریکا در جنگ با داعش با تکیه بر نیروهای عراقی:

از نظر جان بولتون استراتژی ایالات متحده در جنگ با داعش منجر به قدرت گرفتن ایران و روسیه و پر شدن خلاء قدرت پس از داعش توسط این دو کشور شده است. به همین خاطر وی منتقد سیاست آمریکا در زمان اوباما و دولت ترامپ در کمک به عراق برای بازپس گیری مناطق تحت سلطه داعش است.

و- بی‌ثمر دانستن مذاکره با اروپا جهت اصلاح برجام:

هرچند بولتون و ترامپ در مورد برجام از توافق نظر زیادی با یکدیگر برخوردار هستند ولی همان گونه که گفته شد وی نسبت به متمرکز بودن مذاکره با اروپا جهت اصلاح برجام ابراز تردید نموده و بر این باور است که توافق هسته‌ای از ابتدا یک توافق بد و غیرقابل اصلاح بوده است. این در حالی است که ترامپ روی کمک و نقش اروپا در این زمینه حساب ویژه‌ای باز کرده است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که با وجود چنین اختلاف دیدگاه‌هایی کار برای همکاری بدون دردسر ترامپ و بولتون در آینده چندان آسان نخواهد بود. باید منتظر ماند و دید آیا گذر زمان به تشدید و تعمیق این اختلافات خواهد انجامید و جان بولتون نیز به سرنوشت مک‌مستر دچار خواهد شد یا اشتراک دیدگاه این دو در رابطه برجام و ایران می‌تواند به همکاری آنها برای پیشبرد برنامه‌های ضد ایرانی خود با کمک متحدان شان در خاورمیانه بینجامد؟ ▶



بولتون بیان داشته که نسبت به اقدامات اصلاحی بن سلمان تردید دارد و نباید تاریخ و سرنوشت شاه ایران را هنگامی که می‌خواست کشورش را به سرعت مدرنیزه کند از یاد برد

پیدا کند. این مساله بخصوص پس از سفر وزیر خارجه فرانسه به ایران و تلاش کشورهای اروپایی برای اعمال تحریم‌های مرتبط با موضوع موشکی علیه ایران به خوبی مشهود است.

۲- از نگاهی دیگر انتصاب جان بولتون به سمت مشاور امنیت ملی آمریکا نه به عنوان ابزاری تهدیدآمیز جهت متقاعد کردن اروپایی‌ها برای پذیرفتن شروط ترامپ، که اساساً مقدمه چینی برای خروج آمریکا از برجام یا اقدام تهاجمی این کشور علیه ایران است.

جان بولتون یکی از مهمترین چهره‌های ضد ایران در میان سیاستمداران ایالات متحده آمریکا است. روحیه جنگ طلبانه مشاور جدید امنیت ملی ترامپ در کاخ سفید بر کسی پوشیده نیست. وی بلافاصله پس از انتصاب از سوی ترامپ در مصاحبه‌ای با اسکای نیوز اذعان داشت که راه صلح از جنگ می‌گذرد و اگر صلح می‌خواهید باید برای جنگ آماده شوید. بولتون کمی پیش از توافق هسته‌ای ایران و غرب، در مطلبی در روزنامه نیویورک تایمز اعلام کرد که تنها اقدام نظامی است که می‌تواند موثر باشد. وی ضمن حمایت از اسرائیل گفته بود که فرصت خیلی کوتاه است اما همچنان یک حمله نظامی می‌تواند موفقیت آمیز باشد. بولتون حتی از راه اندازی جنگ داخلی در ایران حمایت کرده است. گزینه جدید مشاور امنیت ملی آمریکا بر این باور است که برجام از طریق مذاکره با اروپایی‌ها قابل اصلاح نیست و باید این واقعیت را پذیرفت که توافق هسته‌ای از ابتدا یک توافق بد و غیرقابل اصلاح بوده است. وی حتی طی ماه‌های قبل، از عملی نشدن وعده‌های ترامپ در مورد برجام (پاره کردن برجام) به شدت انتقاد کرده است، بنابراین با توجه به چنین مشخصاتی به نظر می‌رسد که این احتمال وجود دارد بولتون پس از استقرار در پست مشاور امنیت ملی آمریکا، ترامپ را برای خروج از برجام یا حتی جنگ با ایران ترغیب کند.

در همین رابطه استفان والت از تئوریسین‌های روابط بین‌الملل، طی مقاله‌ای در فارین پالیسی ضمن برشمردن پنج مرحله مقدماتی در شروع جنگ، به دلایلی از جمله تفاوت میان ایران و کره شمالی از حیث داشتن سلاح هسته‌ای و همچنین نوع واکنش همسایگان این دو کشور در قبال جنگ آمریکا با آنها، چنین نتیجه‌گیری کرده است که گزینه جنگ با ایران از احتمال قوی‌تری نسبت به جنگ با کره برخوردار است.

اگرچه آنچه اغلب در رسانه‌ها به چشم می‌خورد، میزان هماهنگی بیشتر ترامپ با بولتون بر سر موضوعاتی چون برجام و نقش این موضوع در انتخاب وی از سوی ترامپ است اما لازم است توجه داشته باشیم که در کنار چنین توافقی و اشتراک نظری میان بولتون و ترامپ، در برخی موضوعات اساسی تفاوت و اختلاف نظرهایی نیز میان این دو مشاهده می‌گردد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- اشتباه دانستن حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳:

در حالی که ترامپ به تازگی حمله نظامی سال ۲۰۰۳ را بدترین تصمیمی دانسته که تا کنون گرفته شده است، جان بولتون به شدت از این اقدام ایالات متحده دفاع می‌کند و ایده اشتباه دانستن برکناری صدام حسین را ایده‌ای کاملاً ساده‌انگارانه توصیف کرده است.

ب- حمایت از برخورد قاطع با روسیه:

جان بولتون دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ ایالات متحده را یک اقدام واقعی جنگی عنوان نموده که واشنگتن هرگز نباید آن را تحمل کند. این در حالی است که ترامپ

رابطه با ایران و برجام است. مساله ارتباط حضور بولتون در سمت مشاور امنیت ملی آمریکا با برجام و ایران را می‌توان از دو جنبه تحلیل کرد:

۱- در درجه اول می‌توان انتصاب جان بولتون و جایگزینی پمپئو را به جای تیلرسون را به کارگیری یک ابزار تهدید از سوی ترامپ در برابر اروپا در نظر گرفت. ترامپ پس از تعیین شروط مورد نظر خود برای ماندن ایالات متحده در برجام، اکنون به منظور افزایش سطح اعتبار تهدیدات خود نسبت به خروج از برجام، اقدام به انجام تغییرات یاد شده از طریق حذف گزینه‌های معتدل تر و جایگزینی آنها با مهره‌های تندروتر کرده است. در واقع رئیس جمهور آمریکا با پررنگ جلوه دادن احتمال خروج آمریکا از برجام و یا حتی احتمال جنگ با ایران، سعی دارد اروپا را متقاعد به پذیرش شروط خود کند.

دریافت چنین پیامی در طرف اروپایی، جدای از برداشت اروپا از میزان مصمم بودن ترامپ برای خروج از برجام، به فاكتورهای مختلفی وابسته است. از جمله اینکه برای اروپا پارچا ماندن برجام تا چه میزان از درجه اهمیت برخوردار است و هزینه‌های امنیتی-سیاسی ناشی از برهم خوردن این توافق از دیدگاه اتحادیه اروپا چه چیزی می‌تواند باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به نزدیکی جغرافیایی خاورمیانه با اروپا و اهمیت منطقه از نظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، برداشت کشورهای اروپایی از انتصاب بولتون می‌تواند جدی‌تر شدن احتمال خروج آمریکا از برجام و وقوع پیامدهای امنیتی و اقتصادی ناشی از آن برای خاورمیانه و اروپا باشد. لذا این احتمال وجود دارد که اروپا بیشتر به سمت اعمال فشار بر ایران پیش برود.

البته باید توجه داشت که انتصاب بولتون با توجه به ابراز تردیدی در رابطه با قابل اصلاح بودن برجام از طریق مذاکره با اروپایی‌ها، می‌تواند برای اروپا حامل این پیام نیز باشد که قصد ترامپ برای خروج از برجام قصدی جدی است و سیاست‌های تقابلی آمریکا نسبت به ایران عمیق‌تر از آن است که اروپا بتواند از طریق برخی اعمال فشارها نسبت به برنامه موشکی ایران، ترامپ را راضی به ماندن در برجام کند. از طرفی هم، افزایش دامنه و عمق سیاست متقاعدسازی ترامپ از طریق اعمال فشار بر ایران، خطر خروج ایران از برجام یا پیچیده‌تر شدن سیاست منطقه‌ای ایران را به دنبال خواهد داشت. بنابراین با توجه به چنین مواردی اروپا ممکن است به این نتیجه‌گیری برسد که به جای همراهی با ترامپ و تلاش بیهوده برای متقاعدسازی وی بهتر است به فکر راهکارهایی برای حفظ برجام بدون ایالات متحده باشد و از این طریق با فراهم کردن شرایط مناسب، ضمن کاهش اثرات منفی خروج آمریکا از برجام، فضا را به سمتی برود که با ماندن ایران و دیگر طرف‌ها در برجام، از خطر بروز جنگ در خاورمیانه که می‌تواند اثرات بین‌المللی به همراه داشته باشد جلوگیری به عمل آورد.

لازم به ذکر است که سیاست اروپا در قبال برنامه موشکی و حضور منطقه‌ای ایران به دلایل پیامدها و تأثیرات امنیتی که می‌تواند برای اروپا داشته باشد تا حدودی مستقل از ایالات متحده است. به عبارت دقیق‌تر این موضوعات به خودی خود مسائل مهم و نگران کننده‌ای برای اروپا محسوب می‌شوند و می‌توان گفت که واکنش اروپا نسبت به برنامه موشکی ایران علاوه بر تأثیرپذیری از نوع رویکرد ترامپ به برجام، به میزان زیادی هم به نوع روابط اروپا با ایران و نگرانی‌های آنها مرتبط است.

مساله مهمی که لازم است در اینجا مورد توجه بیشتری قرار گیرد این است که ظاهراً ایران نتوانسته است آن‌طور که اروپایی‌ها انتظار داشته‌اند راجع به برنامه موشکی و مسائل منطقه‌ای به فهم مشترکی با آنها دست

دستور برای دلار

در بازار ملتهب ارز و سکه قیمت فروش دلار در بازار آزاد به بیش از ۶۰۰۰ تومان و قیمت فروش سکه تمام بهار آزادی به دو میلیون تومان نزدیک شد. این مساله که باعث شوک به بازار شده بود، در نهایت با واکنش دولت مواجه شد. اسحاق جهانگیری اعلام کرد که ارز تک‌نرخه شده و از این پس ۴۲۰۰ تومان خواهد بود.

اقتصاد

تیتراول

به وقت پاسطور

دولت روحانی سیاست جدیدی
برای کنترل قیمت ارز
در پیش گرفته است



افزایش قیمت ارز کار دولت نیست گفت‌وگو با محمد هاشمی



دولت زیادی خوشبین بود افزایش قیمت اراده دولت نبود



قیمت واقعی ارز گفت‌وگو با بایحیی آل اسحاق

شوگ غیر منتظره به بازار ایران؛ دلار در سرعتی باور نکردنی کانال ۶۰۰ تومان را رد کرد. آن هم به فاصله دو روز. دلار گوشه به هیچ چیزی بدهکار نبود؛ نرخ این ارز لحظه به لحظه روی تابلوی صرافی‌های خیابان فردوسی تغییر می‌کرد.

مقامات دولتی سکوتی سنگین پیش گرفته و تنها مشاور حسن روحانی اقدام به توییت‌های عجیب و غریب دیگران و طعنه‌های متفاوتی می‌کرد. دیگر دولتی‌ها اما سکوت را بر هر کار دیگری ترجیح می‌دادند. صفاها ساعت به ساعت مقابل صرافی‌ها طولانی‌تر و خرید و فروش دلار هم سخت می‌شد.

روز ۶۰۰ تومانی تهران

در دومین روز از بازار ملتپه ارز و سکه قیمت فروش دلار در بازار آزاد به بیش از ۶۰۰ تومان و قیمت فروش سکه تمام بهار آزادی به دو میلیون تومان نزدیک شد. در این روز دلار در میدان فردوسی جولان می‌دادند و مسافرانی که نیازمند خرید ارز بودند مقابل صرافی‌ها صف کشیده بودند. در این بین افرادی نیز وجود داشتند که با توجه به افزایش قیمت ارز طی دو روز، تمایل به فروش ارزهای خود پیدا کرده بودند.

بر اساس مشاهدات میدانی در این روز فروش دلار در چهارراه استانبول و خیابان فردوسی تهران که یکی از مراکز اصلی بازار ارز پایتخت است، به هیچ وجه توسط صرافی‌ها برای متقاضیان عادی صورت نمی‌گرفت و فقط یک صرافی آن هم با دریافت کارت ملی، پاسپورت و ویزا معادل ۱۰۰۰ دلار با قیمتی حدود ۴۹۶۰ تومان که برابر ارز دولتی است، به متقاضیان خود ارائه می‌کرد که با رسیدن به ساعت ۱۶:۰۰ این روند نیز متوقف شد و مسافرانی که قصد خرید دلار را داشتند، با گرو گذاشتن کارت ملی خود نزد این صرافی در نوبت خرید روز بعد قرار گرفتند.

در این بین در بازار آزاد که جولانگاه دلار در میدان فردوسی بود، دلار به قیمت حدود ۵۸۰۰-۵۷۰۰ تومان از فروشندگان عادی خریداری شد و رقم فروش نیز توسط دلارهای حدود ۶۱۰۰ تومان بود؛ هرچند افرادی نیز حضور داشتند که دلار نبودند و با توجه به رشد قیمت ارز طی دو روز اخیر سعی به فروش دلارهای نه‌چندان زیاد خود کرده و رقمی معادل ۵۹۰۰ تا ۶۰۰۰ تومان را در نظر می‌گرفتند. در مورد بازار ارز نیز می‌توان گفت که در بسیاری از صرافی‌ها سکه به فروش نمی‌رسید و قیمت سکه تمام بهار آزادی در ساعات پایانی دوشنبه به رقمی حدود دو میلیون تومان رسید. در این بین قیمت نیم سکه و ربع سکه نیز به ترتیب حدود یک میلیون و ۶۳۰ هزار تومان بود.

علاوه بر کمبود دلار در بازار دوشنبه، خرید و فروش یورو نیز با کاهش عرضه مواجه شده بود و با قیمتی معادل ۷۲۰۰ تا ۷۳۰۰ تومان در بازار و صرافی‌ها معامله می‌شد. همچنین قیمت پوند با طی کردن روند صعودی به ۸۸۰۰ تومان رسید و قیمت لیر نیز به حدود بیش از ۱۵۰۰ تومان رسید.

این در حالی بود که در برخی صرافی‌ها قیمت اعلام شده به متقاضیان خرید بالاتر از قیمت ارائه شده در تابلوی الکترونیک موجود در صرافی بود. به طور مثال در یکی از این صرافی‌ها قیمت لیر در تابلوی الکترونیک معادل ۱۴۶۰ تومان اعلام شده بود در حالی که قیمت اعلام شده لیر در داخل صرافی معادل ۱۵۲۰ تومان بود. همچنین قیمت

پوند ۸۴۰۰ تومان روی تابلوی اعلان صرافی‌ها درج شده اما برای خرید با نرخ ۸۸۰۰ تومان از سوی صرافی‌ها در اختیار مشتری قرار می‌گیرد.

نکته قابل تامل دیگر مربوط به عدم برخورد با جولان دلالاتی بود که در میدان فردوسی به ویژه مقابل مرکز تجارت جهانی تجمع کرده بودند و تعداد قابل اشاره‌ای دلار را در میان خود به خرید و فروش می‌رساندند.

رونمایی معاون اول از داستان جدید ارز

در آخرین ساعات دوشنبه شب اما ناگهان اسحاق جهانگیری در صفحه تلویزیون ظاهر شد و خبری مهم را از جانب دولت اعلام کرد و گفت که دلار تک‌نرخ شده و حالا همه باید از این نرخ تبعیت کنند.

اسحاق جهانگیری دوشنبه شب و در پایان جلسه فوق‌العاده ستاد اقتصادی دولت برای مدیریت بازار ارز گفت: «با این رقم، ارز مورد نیاز همه بخش‌ها از طریق بانک مرکزی و صرافی‌ها و بانک‌های تحت کنترل بانک مرکزی تأمین می‌شود.»

جهانگیری البته روایت خاص خود را از ماجراهای پیش آمده برای ارز داشت: «یک حجم وسیعی منابع خارجی در حال حرکت به سمت کشور است و در چنین شرایطی این گونه تغییرات در نرخ ارز خیلی غیرطبیعی است و به نظر می‌آید که عوامل غیراقتصادی، غیرقابل توجه و پیش‌بینی نشده در این موضوع مؤثر بوده و در چنین شرایطی نمی‌توانیم اجازه دهیم فضای اقتصادی کشور متلاطم شود.» معاون اول رئیس‌جمهور با ابراز اینکه «در این چارچوب تصمیم گرفته شد در ارتباط با مسائل ارز و نیازهای ارزی کشور یک بررسی دقیق انجام گیرد» اظهار داشت: «در شرایط فعلی بیش از ۹۰ میلیارد دلار صادرات ایران است. مجموعه کالاهایی که طی سال‌های گذشته و سال ۹۶ وارد کشور شده به‌طور متوسط سالی حدود ۵۰ میلیارد دلار بوده است و کنار آن مقداری ارز هم برای ارائه خدمات به مسافران، دانشجویان، امور درمانی و از این قبیل امور نیاز داریم که باید تأمین شود.» در ۵ سال اخیر میزان ارز ما بیش از نیاز بوده و در برخی از سال‌ها تا ۱۵ الی ۲۰ میلیارد، ارز اضافه بر ارز مورد نیاز برای نیازهای ضروری اقتصاد، واردات کالا و واردات خدمات داشته‌ایم. دولت مصمم است با مردم اطمینان دهد که قادر است اقتصاد

کشور را با ثبات، با اطمینان و قابل پیش‌بینی اداره کند، به همین دلیل تصمیم گرفتیم که نرخ دلار از سه شنبه برای تمام فعالان اقتصادی و برای رفع همه نیازهای قانونی و اداری آنان، نیازهای خدماتی مسافران، دانشجویان، محققان و دانشمندی که برای کارهای تحقیقاتی خودشان به ارز نیاز دارند، ۴ هزار و ۲۰۰ تومان باشد و با این عدد و رقم ارز به همه نیازهای کشور از طریق بانک مرکزی و صرافی‌ها و بانک‌های تحت کنترل بانک مرکزی ارز پاسخ داده خواهد شد. هیچ نرخ ارزی را با قیمت‌های دیگری به رسمیت نمی‌شناسیم و برای ما هر قیمت ارز غیررسمی دیگری در بازار از فردا به عنوان قاچاق تلقی خواهد شد مثل قاچاقی که وقتی می‌گوییم مواد مخدر قاچاق است و کسی حق خرید و فروش ندارد و با کسی که خرید و فروش می‌کند، برخورد می‌شود، نرخ دیگری هم اگر در بازار شکل بگیرد دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی برخورد خواهند کرد و به رسمیت نمی‌شناسیم. مجدداً تأکید می‌کنم برای تأمین همه نیازهای کشور با این عددی که اعلام شد، ارز از طریق

بانک، حواله‌ای، صرافی و روش‌هایی که وجود دارد، تحویل داده خواهد شد و تأمین می‌شود. حتی سرمایه‌گذار خارجی که ارز وارد کشور می‌کند، سود آن برای خروج بر اساس همین نرخ اعلامی خواهد بود. به همه بخش‌های مختلف تأکید می‌کنم که ارز مورد نیازشان با این قیمت تأمین خواهد شد.

واکنش بازار به نرخ جدید

از ساعات آغازین صبح سه‌شنبه خیلی‌ها منتظر بودند واکنش بازار و جامعه به قیمت‌های جدید را ببینند. مشاهدات اولیه از بازار ارز در ساعات اولیه روز نشان می‌داد که دلار با قیمت ۴۲۰۰ تومان عرضه نمی‌شود و عمدتاً این نرخ تنها روی تابلوی اعلان قیمت‌های صرافی‌هاست.

بازار ارز با حضور نسبتاً گسترده متقاضیان همراه شده و مقابل برخی از صرافی‌های خیابان فردوسی و چهارراه استانبول صف‌های طولانی شکل گرفت.

این اتفاق در حالی افتاده که شب قبل از آن جلسه فوق‌العاده ستاد اقتصادی دولت با حضور رئیس‌جمهوری برگزار شد و پس از آن اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری اعلام کرد که نرخ دلار برای تمامی افراد و فعالان اقتصادی ۴۲۰۰ تومان است و فروش دلار با بیش از این نرخ قاچاقی به حساب می‌آید و عملاً با نرخ ۴۲۰۰ تومان دلار تک‌نرخ شده است. اما مشاهدات از بازار ارز در صبح سه‌شنبه (۲۱ فروردین) حاکی از آن بود که عملاً این اتفاق نیفتاده و برخی از دستفروشان و دلالت‌ها با نرخ بیش از ۵۵۰۰ تومان عرضه می‌کردند. در میان صرافی‌ها همچنان تعداد زیادی از خرید و فروش دلار خودداری می‌کردند و تنها چند صرافی به شکل محدود که عمدتاً صرافی‌بانک‌ها بودند، دلار می‌فروختند. مشاهدات نشان می‌داد که روی تابلوی اعلان قیمت صرافی‌ها بر اساس آنچه معاون اول رئیس‌جمهوری اعلام کرده است، نرخ خرید و فروش دلار ۴۲۰۰ تومان ثبت شده است. اما عملاً با این نرخ فروخته نمی‌شد. مقابل یکی از صرافی‌ها که صف نسبتاً طولانی شکل گرفته بود، دلار با نرخ حدود ۴۹۰۰ تومان فروخته می‌شد و پرس و جو از برخی متقاضیان نشان می‌داد که این ارز تنها با ارائه مدارک مسافری از جمله پاسپورت و ویزا امکان‌پذیر است و سقف آن هم بین ۱۰۰ دلار تا ۳۰۰۰



در آخرین ساعات دوشنبه شب اما ناگهان اسحاق جهانگیری در صفحه تلویزیون ظاهر شد و خبری مهم را از جانب دولت اعلام کرد و گفت که دلار تک‌نرخ شده و حالا همه باید از این نرخ تبعیت کنند

دلار است. برخی از صرافی‌ها عنوان می‌کردند که «هنوز ارز به صرافی‌ها تزریق نشده و قرار است طی ساعات آینده دلار با قیمت ۴۲۰۰ تومان فروخته شود.»

اما آنچه واضح به نظر می‌رسید این بود که شرایط فعلی بازار با ابهام مواجه است و خیلی از متقاضیانی که در صف‌ها ایستاده‌اند، اطلاع دقیقی از وضعیت بازار ندارند و نمی‌دانند که قرار است در ساعات آینده چه اتفاقی در بازار بیفتد.

یکی از متقاضیانی می‌گفت که «نرخ ۴۲۰۰ تومان برای دلار امکان‌پذیر نیست، ممکن است برای یکی-دو روز با این نرخ فروخته شود، اما مجدداً شرایط به حالت قبلی برمی‌گردد.» برخی دیگر از متقاضیان اظهار می‌کنند که «در ماه آینده و در صورت خروج آمریکا از برجام قیمت دلار با شتاب بیشتری صعودی خواهد شد.» برخی نیز معتقدند «تک‌نرخ شدن دلار تصمیم درستی بوده است.»

تغییر اوضاع در روز چهارشنبه دلالتان سنگر را حفظ کردند!

اما سه‌شنبه بازار رنگ و بوی متفاوتی پیدا کرد. با توجه به عرضه نشدن دلار ۴۲۰۰ تومانی به صرافی‌ها، مشاهدات از بازار ارز حاکی از خلوت‌تر شدن بازار و جمع شدن صف‌های طولانی خرید دلار داشت. اما دلالتان همچنان در بازار بودند و به صورت نامحسوس دلار را ۵۳۰۰ تومان می‌خریدند و ۵۵۰۰ تومانی می‌فروختند. بر اساس گزارش‌های میدانی از بازار ارز و صرافی‌های چهارراه استانبول و میدان فردوسی، متقاضیانی که روزهای اخیر برای خرید دلار صف‌های طولانی کنشیده بودند و مقابل صرافی‌ها تجمع کرده بودند، در این روز پراکنده شدند و بازار نسبت به روز گذشته آرام شد.

این در حالی بود که سه‌شنبه پس از جلسه فوق‌العاده ستاد اقتصادی دولت که بر اساس آن نرخ دلار ۴۲۰۰ تومان اعلام شد، جمعیت گسترده‌ای به صرافی‌ها و بازار ارز هجوم آوردند و صف‌های طولانی را شکل دادند. اما با توجه به عرضه نشدن دلار ۴۲۰۰ تومانی به صرافی‌ها، برخلاف سه‌شنبه، چهارشنبه بازار ارز چندان شلوغ نبود و بیشتر افراد صرفاً از صرافی‌ها قیمت‌ها را سوال می‌کردند یا از پشت شیشه، تابلوی اعلان قیمت‌ها را رصد می‌کردند. همانند بازار سه‌شنبه دلار ۴۲۰۰ تومانی توسط صرافی‌ها فروخته نمی‌شد و صرفاً این نرخ روی تابلوی اعلان قیمت صرافی‌ها مشاهده می‌شد. اما دلالتان و دستفروشان همچنان در بازار به شکل نامحسوس فعال بودند و دلار را با نرخی حدود ۵۳۰۰ تومان خریداری و با نرخ ۵۵۰۰ تومان می‌فروختند. همچنین مانند روزهای قبل حضور نیروهای انتظامی و تعزیرات حکومتی در بازار ارز پررنگ بود و بازار را کنترل می‌کردند.

صرافی‌ها به حالت تعلیق درآمده‌اند

در این میان برخی می‌گفتند که صرافی‌ها ترجیح داده‌اند تعطیل باشند. برای مثال رئیس اتحادیه طلا و جواهر مشهد گفته بود: «هم‌اکنون در بازار دلاری به قیمت ۴۲۰۰ تومان وجود ندارد و به دلیل مشخص نبودن قیمت دلار، صرافی‌ها به حالت تعلیق درآمده‌اند. باقر معبودی نژاد، با بیان اینکه بانک مرکزی دلاری با نرخ ۴۲۰۰ تومان در بازار تزریق نکرده است، عنوان کرد: «در این خصوص باید دلار توسط بانک مرکزی به بازار وارد شود که در نهایت دلار فروشان ارز مورد نیاز مردم را به دست‌شان برساند.»

او در خصوص خرید و فروش دلار در بازار بیان کرد: «هم‌اکنون دلاری در بازار به طور رسمی خرید و فروش نمی‌شود و قیمت غیررسمی آن در بازار حدود ۵ هزار ۶۰۰ تومان اعلام شده است. به تعلیق درآمدن دلار فروشان به

دلیل نبود دلار و همچنین بالا بودن قیمت خرید دلار توسط دلار فروشان بازار فروش آن را به حالت تعلیق درآورده است. امیدواریم با تلاش‌های دولت، قیمت دلار کنترل شود زیرا با افزایش قیمت دلار توری می‌آید که ایجاد می‌شود بسیار خطرناک است و من معتقدم این نوسانات تا آخر هفته ادامه دارد.

دلار فروشان نمی‌توانند دلار خود را بالاتر از قیمت ۴۲۰۰ تومان بفروشند چرا که این کار یک جرم به شمار می‌آید به همین دلیل از فروش آن ممانعت می‌کنند. هم‌اکنون نرخ غیررسمی طلا که در بازار تهران اعلام شده نرخ طلای ۱۸ عیار هر گرم ۱۶۶ هزار ۲۰۰ تومان و سکه تمام بهار آزادی یک میلیون و ۷۸۰ هزار تومان، نیم‌سکه ۹۰۰ هزار تومان و ربع سکه ۵۸۰ هزار تومان اعلام شده است که شاهد مقدار کمی افت قیمت در طلا هستیم.»

شرایط فروش ارز

اما بعد از اسحاق جهانگیری نوبت سیف بود که به غیبت طولانی خود در بحران ارز پایان دهد. او خبرهای مهمی برای بازار و مردم داشت. ولی الله سیف در برنامه تیتراژ امشب که از شبکه ۶ سیما پخش شد با تشریح پشت‌پرده گرانی دلار در ماه‌های اخیر، گفت: «ویژگی مثبت اقتصاد ما در ۵ سال گذشته اقتصاد با ثبات پیش‌بینی پذیر بوده است ولی از ۶ ماهه دوم سال ۹۶ این فضا ملتهب شد.»

سیف بار دیگر به نقش شبکه‌های اجتماعی در التهاب آفرینی دلار اشاره و تصریح کرد: «افزایش قیمت هیچ منشأ اقتصادی اصلاً و ابداً نداشته است.» درباره نحوه اجرای ارز تک‌نرخ ۴۲۰۰ تومانی در بازار ارز در روز جاری اظهار داشت: «امروز روز اول اجرای این تصمیمات بود و قرار شد بانک مرکزی دستورالعمل‌ها را ارائه و مقدمات اجرا را فراهم کند.»

رئیس کل بانک مرکزی درباره آثار دلار ۴۲۰۰ تومانی در بازار آزاد هم این‌طور توضیح داد که این سیاست موجب شد تا دلار به ۴۹۰۰ تا ۵۱۰۰ تومان هم نزول داشته باشد. البته اینها مهم نیستند چرا که مبنای اصلی ما نرخ ۴۲۰۰ تومانی است.

بهترین تصمیم ممکن را گرفتیم

وی با بیان اینکه نرخ تورم نیز یکی از گزینه‌هایی است که می‌تواند در اجرای این سیاست اثرگذار باشد، گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم مجدداً انباشتی از عدم تعادل و نارضایتی ایجاد شود که فضا را بهم‌بریزد.» رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر اینکه بهترین تصمیم ممکن برای بازار ارز با دلار تک‌نرخ ۴۲۰۰ تومانی گرفته شده است، ادامه داد: «این سیاست در درجه اول شفافیت دارد و از هر گونه احتمال فعالیت‌های پولشویی جلوگیری می‌کند.»

وی ضمن اشاره به اینکه ارز یک ثروت ملی است که باید آگاهانه به کالاهای و نیازهایی تخصیص داده شود که منجر به رشد اقتصادی شود، گفت: «همچنین ساختار نظارتی مناسبی برای بانک مرکزی در بازار به همراه خواهد داشت، ضمن آنکه یکسان‌سازی نرخ ارز با این مدل سیاست‌گذاری اجرایی شده است.»

مبنای محاسبه دلار ۴۲۰۰ تومانی چه بود؟

سیف با بیان اینکه به بانک‌ها ابلاغ شد که مبنای گشایش اعتباری برای واردات کالا به کشور همان نرخ ۴۲۰۰ تومانی است، اظهار داشت: «نظام بانکی هر گونه گشایش اعتباری را با نرخ ۴۲۰۰ تومان باید انجام دهد، البته متناسب با تغییرهای اقتصادی و فضای اقتصاد کلان نرخ به‌روز می‌شود.»

سیف به تحرکات بازار عید در تعطیلات نوروز اشاره و تصریح کرد: «به صورت خاصی در این ایام بازار ملتهب

شد.» وی درباره مبنای محاسبه ۴۲۰۰ تومان گفت: «یک ارز ۳۸۰۰ تومان داشتیم، ضمن آنکه یک ارز در سامانه سنا داشتیم که نشان می‌دهد ما برخی بین ۳۸۰۰ تا ۴۸۰۰ تومان در بازار باید داشته باشیم و در نهایت به ۴۲۰۰ تومان رسیدیم، البته این نرخ تثبیت شده نیست.»

ضوابط جدید ارز مسافرتی، دانشجویی و بیمار

رئیس کل بانک مرکزی درباره زمان ابلاغ ضوابط فروش ارز مسافرتی، بیمار و دانشجویی گفت: «تراز منابع و مصارف به این صورت که بخشی از نیازها کالایی است و بخشی خدماتی و بخشی هم غیرواقعی، ما برای بخش خدماتی و کالایی برنامه‌ریزی کردیم و جای هیچ نگرانی وجود ندارد.»

سیف با تأکید بر اینکه خروج سرمایه از کشور باید ضابطه‌مند شود، افزود: «در مورد بیماران و دانشجویان دستورالعملی وجود داشت که کماکان سر جای خود است، البته کمی بازنگری شده که فردا اول وقت ابلاغ می‌کنیم.» رئیس کل بانک مرکزی درباره ارز مسافرتی اعلام کرد: «برای کشورهای همسایه ۵۰۰ یورو و برای کشورهای دور ۱۰۰۰ دلار در نظر گرفتیم به‌عاملت بانک‌های ملی و ملت تا به سرعت مسافران نیاز ارزی خود را تأمین کنند.»

وی با ابراز اینکه ضوابط اجرایی به‌زودی در نهایت ظرف فردا و پس‌فردا کامل می‌شود، گفت: «هر کسی می‌تواند ۱۰ هزار یورو در منزل داشته باشد ولی بالاتر از آن قاچاق محسوب می‌شود. ارز همراه مسافر بحث دیگری است که بیش از ۵ هزار یورو مجاز نیست.»

برنامه جدید بانک مرکزی برای سکه

سیف درباره تأثیر ارز تک‌نرخ در قیمت سکه گفت: «این بازارها به هم مرتبط هستند؛ الان که دلار ۴۲۰۰ تومان شده همه عواملی که تحت تأثیر دلار بالاتر بودند الان باید تعدیل شوند. به‌محض اعلام این خبر ۲۰۰ هزار تومان سکه ارزان شد و به دامنه یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید، بنابراین سکه باز هم ارزان می‌شود.»

رئیس کل بانک مرکزی در ادامه از برنامه جدید این بانک برای بازگشت آرامش به بازار طلا خبر داد و گفت: «تغییراتی در زمان و قیمت پیش‌فروش سکه اعمال کردیم که از فردا بانک ملی براساس آن، نسبت به ثبت نام مردم اقدام خواهد کرد.»

بر همین اساس پیش‌فروش سکه با سررسید یک‌ماهه یک میلیون و ۵۹۰ هزار تومان، سه‌ماهه یک میلیون و ۵۴۰ هزار تومان، شش‌ماهه یک میلیون و ۴۷۵ هزار تومان، ۹‌ماهه یک میلیون و ۴۱۰ هزار تومان، ۱۲‌ماهه یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان، ۱۸‌ماهه یک میلیون و ۲۴۵ هزار تومان و دوساله یک میلیون و ۱۶۰ هزار تومان انجام خواهد شد.

قیمت‌های پیش‌فروش سکه ثابت نخواهد بود چراکه با روند بازار تعدیل خواهد کرد.»

برنامه‌ای برای خروج ارزهای خانگی

سیف با اشاره به سایر تمهیدات در نظر گرفته شده برای خروج ارزهای خانگی و ورود در نظام بانکی گفت: «طبق بخشنامه‌ای که در اسفند ماه ابلاغ شد و امروز نیز تأکید کردیم، به بانک‌ها اجازه دادیم سپرده‌گیری ارزی کنند و بانک مرکزی سپرده‌ها را تضمین خواهد کرد. همچنین ترتیبی دادیم که بانک‌ها علاوه بر نرخ سودی که به سپرده‌گذار می‌پردازند مبلغی اضافه از بانک مرکزی سود بگیرند. رئیس کل بانک مرکزی با اظهار اینکه سپرده‌گذاری ارزی ریسک نگهداری منابع ارزی در خانه‌ها را نیز برطرف می‌کند، گفت: «مردم به دلیل بدعهدی که در گذشته شده

و بعد از کسر ۱۴/۵ درصد سهم وزارت نفت، مابقی درآمد نفتی به عنوان منابع دولت مصرف خواهد شد. بر اساس تبصره ۱ قانون بودجه ۹۷، سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی و گاز) ۳۲ درصد تعیین می‌شود. بانک مرکزی مکلف است در طول سال و متناسب با وصول منابع، بلافاصله نسبت به واریز این وجوه و سهم ۱۴/۵ درصد شرکت ملی نفت ایران از کل صادرات نفت و میعانات گازی (معاف از تقسیم سود سهام دولت) و همچنین سهم ۳ درصد استان‌های نفت خیز، گاز خیز و کمتر توسعه یافته موضوع ردیف درآمدی ۲۱۰۱۰۹ جدول شماره (۵) این قانون مطابق جزء (۳) بند (الف) ماده (۲۶) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ و بند (ت) ماده (۳۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۰/۱۱/۱۳۹۵ و جزء (۳) بند (ب) ماده (۴۴) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ اقدام نماید. مبالغ مذکور به صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود. بنابر این حدود ۴۹/۵ درصد درآمد نفتی در اختیار دولت نبوده و دولت می‌تواند از ۵۰ درصد درآمد نفتی سالانه کشور برای تأمین منابع مورد نیاز خود استفاده کند. از طرفی بر اساس جدول زیر در قانون بودجه ۹۷، درآمد دولت از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که بخش عمده‌ای از آن از محل فروش نفت است ۱۰۷ هزار میلیارد تومان ذکر شده است. سقف منابع حاصل از نفت در لایحه و قانونی است، قیمت نفت در لایحه ۵۵ دلار برای هر بشکه و با نرخ تسعیر ارز ۳۵۰۰ تومانی محاسبه شده است. بر اساس اعلام سخنگوی دولت میزان درآمد نفتی کشور ۵۰ میلیارد دلار می‌باشد. باتوجه به اینکه تنها ۵۰ درصد این درآمد (۲۵ میلیارد دلار) در اختیار دولت قرار می‌گیرد، بنابراین درآمد ۱۷/۵ هزار میلیارد تومانی از محل رشد ۷۰۰ تومانی تسعیر ارزی تنها از محل بودجه عمومی در اختیار دولت قرار خواهد گرفت، این در حالی است که سهم ۱۴/۵ درصدی وزارت نفت نیز شامل این افزایش خواهد شد و مجلس باید برای افزایش درآمد ریالی وزارت نفت نیز تدبیر لازم را بیندیشد. حالا باید منتظر ماند و دید آیا نمایندگان مجلس در خصوص درآمدهای جدیدی که به شکل مستقیم نصیب دولت خواهد شد، موضع خاصی خواهند داشت؟ ▶



رئیس کل بانک مرکزی
بعد از حضور در مجلس با
اعتراض‌های زیادی
مواجه شد

تأثیر تک‌نرخی شدن دلار بر بازار سرمایه

یک کارشناس بازار سرمایه گفت: «نوسانات نرخ ارزی تا تک‌نرخی شدن آن اثرات متفاوتی بر معاملات بازار سرمایه در کوتاه و بلندمدت از خود به جای می‌گذارد». ابراهیم خلیلی در خصوص تأثیر تک‌نرخی شدن دلار بر بازار سرمایه اعلام کرد: «پس از نوسانات شدید در بازار ارز در حالی از دیروز موضوع دلار تک‌نرخ با قیمت ۴۲۰۰ تومانی اجرایی شده که این رخداد اثرات متفاوتی بر نمادهای معاملاتی بازار سهام گذاشته است. این کارشناس بازار سرمایه افزود: بر این اساس با افزایش نرخ دلار تا ۶ هزار تومان صف‌های خرید در نمادهای معاملاتی مربوط به شرکت‌های صادرات محور تشکیل شد و در مقابل در برخی نمادها که مواد اولیه آنها از خارج کشور تأمین می‌شود از جمله خودرویی‌ها، شاهد تشکیل صف فروش در تالار شیشه‌ای بودیم. وی ادامه داد: «بر این اساس با اعلام نرخ ۴۲۰۰ تومان برای دلار این صف‌ها برعکس شد که نشان از تأثیر متفاوت افزایش و کاهش نرخ ارز بر روی نمادهای معاملاتی در بازار سهام دارد». این کارشناس بازار سرمایه تصریح کرد: «این گونه تأثیرات بر معاملات بازار سرمایه کوتاه‌مدت است و بدون شک نکته مهم برای معامله‌گران و همچنین فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران رسیدن قیمت دلار به تعادل و کاهش نوسانات بازار ارز است و بر این اساس با از بین رفتن نوسانات نرخ ارز می‌توان به بهبود شرایط بازار سهام امیدوار بود.»

درآمد نجومی ۱۷ هزار میلیارد تومانی دولت از دلار تک‌نرخ

با تک‌نرخی شدن دلار، اختلاف ۷۰۰ تومانی نرخ تبدیل ارزهای نفتی بودجه ۹۷ منجر به افزایش درآمد ۱۷/۵ هزار میلیارد تومانی دولت خواهد شد. در روز قبل از اعلام تصمیم پیش‌بینی نشده دولت برای تک‌نرخ کردن ارز با قیمت ۴۲۰۰ تومان، تمامی محاسبات بودجه‌ای تغییر یافت. بر اساس لایحه بودجه و همچنین قانون مصوب مجلس شورای اسلامی نرخ فروش ارزهای نفتی به بانک مرکزی ۳۵۰۰ تومان در نظر گرفته شده است، در واقع با افزایش قیمت دلار رقم کل بودجه و موارد مرتبط با اقتصاد مردم و دولتی جابه‌جایی می‌شود. به‌طور میانگین درآمد نفتی کشور حدود ۵۰ میلیارد دلار است که ۳۲ درصد آن به صندوق توسعه ملی واریز شده

بود تردید دارند اما بانک مرکزی اکنون سپرده‌ها را تضمین می‌کند و مردم نباید نگرانی داشته باشند.»

نویخت: امکان کاهش نرخ دلار از ۴۲۰۰ تومان هم وجود دارد

اما بعد از واکنش‌های متعدد به تصمیم مهم دولت در مورد نرخ ارز، محمدباقر نوبخت در میان خبرنگاران رسانه‌ها حاضر شد و گفت: «امکان کاهش نرخ جدید دلار وجود دارد و معتقد هستیم اگر عرضه دلار از طریق سامانه‌ای که ارزهای صادراتی را مدیریت کند منسجم شود، نرخ فعلی کاهش خواهد یافت. اجرای این سیاست‌ها در یک دوره ۶ ماهه پیگیری خواهد شد تا بازار ارز به تعادل برسد.»

کوچ نقدینگی از بازار «ارز» به «تسه»

در حالی که تا دو روز گذشته قیمت اوراق تسهیلات مسکن به دلیل کاهش میزان معاملات مسکن، به کمتر از ۶۰ هزار تومان رسیده بود، امروز با رشدی چشمگیر، اوراق تسه ۶۰ هزار تومانی، ۷۷ هزار تومان فروش رفت. طی ماه‌های گذشته به دلیل جذابیت‌های بازار ارز و سکه، دلان و سفته‌بازان در پی خرید و فروش دلار و سکه طلا بودند؛ به همین دلیل بازار اوراق تسهیلات مسکن (تسه) در آرامش به سر می‌برد. اما با اجرای سیاست تک‌نرخ کردن ارز، نقدینگی سرگردان در حال خروج از بازار سکه و ارز و حرکت به سمت بازار مسکن است؛ بر این اساس طی دو روز اخیر قیمت اوراق تسه به صورت چشمگیری افزایش یافته است. بر اساس اعلام دیده‌بان بازار، اوراق تسهیلات مسکن صادره در شهریور ماه ۹۶ با نماد «تسه ۵۹۰۶» که در روزهای پایانی هفته گذشته به قیمت ۵۹ هزار تومان به فروش رفته بود، امروز در فرابورس به قیمت ۶۵ هزار تومان معامله شد.

همچنین اوراق تسه اسفند ۹۶ (۹۶۱۲) که در روزهای گذشته ۶۰ هزار تومان بود، امروز با قیمت ۶۵ هزار و ۴۰۰ تومان به فروش رفت. اوراق تسهیلات مسکن فروردین ۹۶ (تسه ۹۶۰۱) نیز در هفته گذشته ۵۷ هزار تومان بود که امروز به نرخ ۶۴ هزار و ۵۰۰ تومان به فروش رسید. گفتنی است گران‌ترین نرخ اوراق تسهیلاتی که امروز در بازار سرمایه به فروش رسید، اوراق تسه آذر ماه ۹۵ (تسه ۹۵۰۱) بود که در هفته گذشته ۵۷ تا ۶۱ هزار تومان معامله می‌شد به قیمت ۷۷ هزار و ۵۰۰ تومان معامله شد. ضمن اینکه اوراق تسهیلات مسکن صادره در خرداد ماه ۹۵ (تسه ۹۵۰۳) نیز در حالی که ۶۲ هزار تومان تا روز گذشته در فرابورس خرید و فروش می‌شد، به قیمت ۷۳ هزار تومان خریداری شد. بیش‌ترین حجم خرید و فروش اوراق نیز تا کنون فروش بسته ۲۴۰ برگه‌ای این اوراق متعلق به آذرماه ۹۶ است که ۶۴ هزار و ۵۰۰ تومان به فروش رسید. به گفته کارشناسان، در حالی که همچنان بازار مسکن در رکود به سر می‌برد، افزایش ناگهانی نرخ اوراق تسهیلات به فاصله دو روز تعجب‌آور است. اگرچه کارشناسان بازار مسکن پیش‌بینی افزایش ناگهانی معاملات مسکن پس از ماه مبارک رمضان و در نتیجه افزایش قیمت اوراق تسهیلات مسکن را اعلام کرده بودند، با این حال افزایش قیمت این اوراق در بازه زمانی کنونی که هنوز بانک عامل بخش مسکن ترتیب اثر به پرونده‌های دریافت وام متعلق به روزهای پایانی سال گذشته را به طور جدی آغاز نکرده، جای تعجب دارد. به خصوص که تعدادی از معاملات امروز اوراق تسهیلات، خرید برگه‌ها در حجم‌های بزرگ است که نشان‌دهنده خرید این اوراق برای مصارفی غیر از دریافت وام مسکن به شمار می‌رود.



افزایش قیمت ارز کار دولت نیست

گفت و گو با محمد هاشمی

ثابت بود. بعد از آن، در دولت آقای خاتمی کمی قیمت ارز بالا رفت اما کنترل کردند. بدترین وضعیت وقتی حساب کنیم در دولت دوم آقای احمدی نژاد اتفاق افتاد که یک دفعه ارز بر اثر جهش از ۱۲۰۰ به بالای ۳ هزار تومان رسید که در تاریخ ایران بی سابقه بود.

آیا افزایش قیمت دلار ربطی به سیاست‌های توسعه‌ای دارد؟

▲ خیر، این پدیده توسعه‌ای نیست. ربطی به توسعه ندارد و در کل نیز پدیده بدی است. تأثیر منفی و زیانش را هم بیشتر اقشار آسیب‌پذیر همچون افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی و کسانی که درآمد ثابت دارند، می‌بینند. کسانی که حقوق ثابت دریافت می‌کنند کارگر و کارمند هستند، کسبه نیستند که گران بخرند و گران بفروشند. البته شاید قدری مشتری‌هایشان کم شود اما به آن معنا فشاری زیادی تحمل نمی‌کنند.

برخی تحلیل می‌کنند که نوسان رخ داده در بازار ارز با اراده دولت انجام شد، نظر شما چیست؟

▲ اظهار نظر درباره این سوال خیلی مشکل است اما به نظر من نمی‌تواند اراده دولت باشد. یعنی من این مسئله را نمی‌توانم بپذیرم که دولت اراده کرد تا ارز را تا یک قیمتی بالا ببرد. این از لحاظ اقتصادی و سیاسی به زیان کشور است و به صلاح کشور نیست چون امروز دارایی‌ها مثلا فردی صد میلیون تومان می‌ارزد اما وقتی ارزش پول ملی ۲۰ درصد کم شود، ارزش سرمایه‌های آن فرد ۸۰ میلیون می‌شود و در واقع زیان می‌کند، کسی که زیان می‌کند نمی‌تواند نظر خوبی نسبت به دولت و نظام داشته باشد. ▶

۲ محمد هاشمی، معاون اجرایی دولت اصلاحات و سازندگی از تجارب افزایش ارز در آن دولت‌ها می‌گوید و معتقد است: «افزایش ارز پدیده بدی است و ربطی به توسعه اقتصادی ندارد.» او تأکید می‌کند: «افزایش قیمت ارز موجب کاهش دارایی‌های افراد می‌شود و وقتی کسی در این اتفاق زیان کند نظر خوبی نسبت به دولت و نظام نخواهد داشت.»

یک نکته‌ای را درباره زمان دولت آقای هاشمی مطرح می‌کنند و می‌گویند «در یک مقطعی بنا به الگوهای توسعه‌ای قیمت ارز گران شد تا بعد از آن رونق اقتصادی به وجود آید» آیا این طور بود؟

▲ خیر، زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی فقط یک ماه نوسان ارز داشتیم، آن زمان در آمریکا دولت کلینتون حاکم بود. کلینتون یک هزار تومانی را برداشت و گفت «وقتی قیمت دلار به هزار تومان برسد، من می‌توانم بر دولت ایران خیلی فشار بیاورم تا تحولاتی در کشور رخ دهد». پس دولت آقای هاشمی فقط یک بار این مسئله را داشت که قیمت ارز بالا رفت. آقای هاشمی با مدیریت ابزارهایی که در اختیار داشت، قیمت ارز را کمتر از یک ماه پایین آورد و قیمت ارز از حدود ۹۰۰ تومان به ۶۰ تومان برای تولید و بخش خصوصی و ۱۷۰ تومان برای خدماتی مثل سفرهای خارجی و سیاحتی رسید تا آمریکایی‌ها نتوانند از این طریق خسارتی را به کشور وارد کنند. تا زمانی که دولت تحویل آقای خاتمی شد قیمت ارز در این ارقام

در نیمه دوم فروردین ماه شاهد بی‌ثباتی در بازار ارز بودیم به طوری که قیمت دلار به بیش از ۶ هزار تومان رسید، شما به عنوان کسی که در دولت سازندگی و دولت اصلاحات معاون اجرایی بودید، این اتفاق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ اصولاً وقتی قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند، معنی‌اش کاهش ارزش پول ملی است. کاهش ارزش پولی ملی یعنی دارایی‌های ملی متعلق به اشخاص حقیقی و خصوصی از دست می‌رود و طبعاً زیان به دارایی‌های افراد حقیقی و حقوقی اتفاق مطلوبی نیست. نکته دیگر آنکه عده زیادی در کشور هستند که درآمدشان ثابت است. البته عده محدودی ثابت نیست و متغیر است و خیلی برای آنها نوسان قیمت ارز فرق نمی‌کند، ولی آنها که درآمدشان ثابت است، وقتی ارزش پول ملی کاهش پیدا کند یعنی قدرت خرید آنها کاهش پیدا کرده است. وقتی قدرت خرید آنها کاهش پیدا کند تأثیر منفی روی سطح زندگی می‌گذارد و هزینه‌هایشان بالا می‌رود. این اتفاق خوبی در اقتصاد کشور نیست که ۸۰-۹۰ درصد از جمعیت که درآمد ثابت دارند یکدفعه به تناسب افزایش قیمت ارز از درآمد آنها کاسته و به هزینه آنها اضافه شود. یعنی اگر ۱۰ درصد ارزش پول ملی کاهش پیدا کند هزینه کسانی با درآمد ثابت ۲۰ درصد می‌کند. این پدیده نامناسبی در یک کشور و جامعه است. در مجموع از نظر تحلیل سیاسی و اقتصادی نوسان قیمت ارز پدیده بدی محسوب می‌شود.

تولید سوق دهد اما این کار با آن سیاست انقباضی جور در نمی‌آید. راه دیگر آن بود که دولت بستری فراهم آورد که بازار سرمایه یعنی بورس جاذب نقدینگی سرگردان در جامعه شود. در واقع وقتی نقدینگی جامعه فعال می‌شود بورس، مسکن، تولید، ارز، سکه و طلا عرصه‌های مستعد برای جذب نقدینگی هستند. کاملاً مشخص بود دولت سعی کرد همه اینها را برای مبارزه با تورم در سطح پایین نگه دارد، منتها همه اینها پایین نگه داشتن تصنعی است چون مثل ظروف مرتبه می‌ماند، طبعاً باید اجازه داده می‌شد نقدینگی مسیر خودش را پیدا کند و دولت کاری کند که مردم به حضور در بورس ترغیب شوند که می‌تواند مفید باشد اما دولت اجازه نداد بورس رشد کند و شاخص کل بورس را از ۸۵ هزار پایین کشید و بین ۵۰ تا ۶۰ هزار قرار داد و مدت‌ها نیز بازار بورس را مهار کرد. این اتفاق باعث شد مردم پول خود را به سمت وسوی دیگری ببرند و اساساً کمتر در جهت تولید و بورس استفاده کنند. بر اساس این سیاست دولت نقدینگی سرگردان در جامعه رشد زیادی پیدا کرد. به نظر می‌رسید دولت برای این قضیه فکری کرده باشد و مکانیزم کنترلش را پیش‌بینی و طراحی کرده اما اتفاقی که افتاد نشان می‌دهد که دولت در یک مرحله‌ای سیاستش بر این قرار گرفت که این کار را انجام دهد و یک دفعه دستش را از کنترل بازار ارز برداشت و یک دفعه کنترلش را رها کرد. از این طرف سکه و طلا بالا رفت. از آن طرف قیمت ارز بالا رفت. اگر دولت اجازه می‌داد بازار سرمایه شناور باقی بماند نقدینگی مسیر خود را پیدا می‌کرد. دولت می‌توانست نقدینگی سرگردان در جامعه را کنترل کند و اوضاع بازار ارز و سکه از دستش خارج نشود. به نظر می‌آید که یک مقدار خوش‌بینی بیش از حدی در دولت به اجرای برنامه به وجود آمده بود که دولت را امیدوار کرده بود که تهدیدی وجود ندارد و بعد از اجرای برنامه شاهد هجوم سرمایه‌های خارجی به کشور و افزایش سرمایه‌گذاری در امر تولید خواهیم بود و نیازی به کنترل‌های بیشتر نیست اما فکر می‌کنم دولت مقداری غافلگیر شد. حالا باید دید اقدام بانک مرکزی در تک‌نرخ کردن قیمت ارز چه حاصلی را در پی خواهد داشت. ▶

دولت زیادی خوشبین بود

افزایش قیمت اراده دولت نبود

علی صوفی

وزیر دولت اصلاحات



خود به خود تأثیرگذار است چون خیلی از کشورهایی که با آمریکا و اروپا معامله و ارتباط دارند، در نوع مناسبات‌شان با ایران بالاترین هستند. اوضاع و احوال منطقه و نقش ایران در منطقه نیز تغییری است که تأثیر خودش را از نظر سیاسی و اقتصادی بر مسائل ارزی کشور می‌گذارد.

البته همه متغیرهای غیرقابل کنترل منحصر به خارج از مرزها نیستند، بلکه در داخل نیز متغیرهایی وجود دارند که قابل کنترل توسط دولت نیستند مثلاً همکاری بین دستگاهی که باید وجود داشته باشد خود چالشی برای دولت است اما با این وجود، می‌توان گفت خود دولت بیشترین تأثیر را دارد و این بسته به آن است که چه سیاستی را انتخاب می‌کند. دولت آقای روحانی از ابتدا با دو بحران تورم و رکود در سطح داخلی مواجه بود و عزم دولت بر مهار و کنترل تورم قرار گرفت که از وظایف دولت به لحاظ اقتصاد کلان است، به عبارت دیگر دولت وظیفه دارد تورم را مهار کند. به همین خاطر از ابتدا دولت آقای روحانی سیاست انقباضی در پیش گرفت و سعی کرد بازار سرمایه از جمله ارز را تحت تأثیر قرار دهد یعنی اراده خود را بر این قرار داد که نگذارد قیمت ارز بالا برود و قیمت ارز را کنترل کند اما نقدینگی که یک متغیر غیرقابل کنترل برای دولت شده بر اثر سیاست انقباضی فعال شد. به عبارت دیگر سیاست انقباضی دولت مهار رکود و ایجاد رونق اقتصادی در عرصه تولید را به محاق برد. خیلی‌ها به این اراده و سیاست دولت معترض بودند اما دولت عزمش جزم بود که فقط به تورم تکریمی برسد. این کار باعث افزایش نقدینگی در جامعه شد و این نقدینگی تهدید جدی برای دولت است چون متغیر کنترل‌نشده‌ی محسوب می‌شود. دولت می‌توانست با سیاست‌هایی نقدینگی را به سمت

۳ در روزهای اخیر شاهد افزایش یکباره قیمت ارز در بازار بودیم اما دولت بعد از مدتی صبر و سکوت ورود و برای کنترل اوضاع اقدام کرد، برخی معتقدند «این اتفاق با اراده خود دولت انجام شد» اما من معتقدم التهاب در بازار ارز و سکه خارج از اراده دولت رخ داد. چند متغیر داریم که باید تمام متغیرها را در پدیده رخ داده در نظر بگیریم. در واقع به طور کلی متغیرها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یکسری متغیرهای قابل کنترل و یکسری متغیرهای غیرقابل کنترل. آن متغیرهای غیرقابل کنترل نیز خود چند دسته قابل تقسیم هستند. یک دسته از متغیرها شامل اراده کشورهای متخاصم تأثیرگذار در سطح بین‌المللی می‌شود. آنها مقابل ارز حاصل از فروش نفت که باید در اختیار دولت ایران قرار بگیرد و در شبکه‌های بانکی جریان پیدا کند، مانع تراشی می‌کنند. یعنی بعد از برجام گشایش‌هایی در نقل و انتقال ارز حاصل از فروش نفت اتفاق افتاد اما بعد از روی کار آمدن آقای ترامپ در آمریکا روند این گشایش معکوس شد و الان سوئیفت انجام نمی‌شود. این متغیر دسترسی دولت را به ارز کم می‌کند.

متغیر بسیار مهم و غیرقابل کنترل دیگر سرنوشت برجام است. آمریکا تهدید می‌کند در برجام نخواهد ماند. در واقع یک بازی را طراحی کرده که ۳ ماه به ۳ ماه باید حضورش را در برجام تمدید کند. وقتی تمدیدی انجام می‌دهد همزمان تهدید هم می‌کند که دفعه بعد این تمدید انجام نخواهد شد پس همواره چالش جدی در رابطه با سرنوشت برجام و اجرای تعهدات آن وجود دارد که این





فرار سرمایه؛ عامل افزایش ارز

چه تقاضاهایی قیمت دلار را تعیین می‌کند؟

اختیار آنها نگذارد زیرا پس از مدتی آنها می‌تواند به کشور می‌ماند، به‌بیشترین فشار را باید تحمل کنند. ما نباید به کسانی که نسبت به هموطنان شان بی‌مهر هستند، باج دهیم زیرا اینها بودند که نرخ ارز را در چندماه گذشته بالا بردند و به تبع آنها گروه سوم یا همان سفته‌بازان هم در داخل ارز می‌خرند برای اینکه گران شود و بفروشند.

بانک مرکزی و دولت هم واقعا نمی‌دانند در مقابل این قشر از مردم چه کار باید کنند. اگر ما حس وطن‌پرستی قوی‌ای داشتیم حتما علیه کسانی که می‌خواهند ثروت شان را از کشور خارج کنند موجهی راه می‌انداختیم تا ارز را خارج نکنند اما متاسفانه بخش اعظم این جو در اختیار همین قشر است. آنها به راحتی می‌توانند فضایی حاکم کنند تا با متقاعد کردن باقی جامعه به آنها بقبولانند که دولت بدعمل می‌کند. بنابراین تا جایی که ما دچار بی‌ثباتی اقتصادی هستیم بانک مرکزی نمی‌تواند نظارتی داشته باشد. در حال حاضر ترامپ و طرفدارانش در منطقه فشار شدیدی به ایران می‌آورند تا اقتصاد ما را بی‌ثبات کنند. زمانی که حتی تصور بی‌ثباتی هم ایجاد شود شاهد فرار سرمایه توسط ثروتمندان کشور خواهیم بود لذا حتی کارشناسان بانک مرکزی هم برای جلوگیری از خروج سرمایه راه‌حلی غیر از کنترل کامل ارز (تخصیص ارز) ندارند. یعنی دولت باید فقط به کسانی پول بدهد که کالا وارد می‌کنند و به هر واردکننده بابت هر کالا تعداد مشخصی ارز با نرخ دولتی تخصیص داده شود. در این شرایط بازار آزاد از بین می‌رود و قیمت‌ها در بازار سر به فلک می‌کشد.

در نتیجه باید گفت که این ناامنی را ترامپ ایجاد کرده است و با تعیین ضرب‌الاجل ۱۲۰ روزه‌هاست برای خروج از برجام، قطعاً بازی ارز و دلار ادامه خواهد داشت و نرخ ارز هم افزایش بیشتری می‌یابد. اما رئیس‌جمهور آمریکا شخص بی‌ثباتی است و ممکن است از برجام خارج نشود. او بیشتر از این موضوع علیه ایران استفاده می‌کند تا اقتصاد ما را به هم بریزد. بنابراین تا وقتی که ناامنی باقی بماند نوسان ارز هم به قوت خودش خواهد ماند. ▶

شرایط کنونی هم تعداد این جور آدم‌ها بیشتر شده است و هم از توان مالی بالاتری برخوردار هستند و همان کار زمان جنگ را می‌خواهند تکرار کنند. نام این رفتار را می‌توان فرار سرمایه‌ها گذاشت.

۴. گروه سفته‌بازان. کسانی هستند که در داخل کشور زندگی می‌کنند و قصد انتقال سرمایه و ارز خود را به خارج از کشور هم ندارند اما وقتی می‌بینند که ارز در حال گران شدن است، شروع به خرید آن می‌کنند تا زمانی که گران تر شد، بفروشند. این گروه ممکن است سود کنند یا بالعکس کارشان ضرر داشته باشد.

۵. هزینه‌های دولت برای امور نظامی و سیاست خارجی است که در برابر آن هیچ کالا و خدماتی دریافت نمی‌شود. این هزینه‌ها به تبعیت از هزینه‌های دفاعی کشور صرف می‌شود.

این گروه همه تقاضای کشور را تشکیل می‌دهد که اگر هر پنج مورد آن را جمع کنیم به اندازه درآمد ارزی کشور نمی‌شود. یعنی درآمد منتهای هزینه یعنی همان تراز بازرگانی مادر کشور مثبت است و از لحاظ اقتصادی هیچ دلیلی ندارد که ارز ما بالا برود. دلیل بالا رفتن آن را بیشتر در گروه سوم و چهارم می‌توان جست. از زمانی که ترامپ اعلام کرد ممکن است از برجام خارج شود، برخی سرمایه‌داران در کشور فکر می‌کنند مانند زمانی که تحت فشارهای شدید قبل برجام بودیم باید ثروت شان را تبدیل به ارز کنند و به خارج از کشور ببرند. این عده که احساس ناامنی می‌کنند تعدادشان کم اما پول شان زیاد است. اینجا است که دولت و بانک مرکزی باید تصمیم بگیرند که هر قدر این قشر درخواست می‌کنند به آنها ارز بدهند یا اینکه محدودیت قائل شوند. این موضوعی مهم است و هر ایرانی باید از خودش سوال کند که در شرایطی که افراد سرمایه‌دار تمایل به خروج ثروت از کشور دارند تا چه حدی باید به آنها کمک کرد.

در سالی که گذشت ما چیزی حدود ۱۸ میلیارد دلار ارز اضافه داشتیم. اگر بنا بر این باشد که پول را به سرمایه‌داران بدهیم تا از کشور خارج کنند، بعد از تمام شدن آن باید چه کرد؟ بهتر است که دولت همه پس‌انداز ارزی خود را در

◀◀ احمد حاتمی‌یزدی

مدیرعامل اسبق بانک صادرات



۴ اساساً قیمت هر چیزی براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. هر چند عرضه و تقاضا در بعضی جاهای کشور یک نرخ و گاهی هم چند نرخ است، مثلاً در مورد قیمت زمین. عرضه و تقاضا قیمت زمین را تعیین می‌کند اما قیمت زمین در همه جای کشور یکسان نیست. ما در سال بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی داریم که ناشی از صادرات اعم از نفت، گاز، فرآورده، پتروشیمی و صادرات سنتی است، بر همین اساس ما حدوداً ۵ نوع تقاضا داریم که موجب اختلاف ارز می‌شوند. این ۵ نوع تقاضا عبارتند از:

۱. مهمترین بخش تقاضا برای ارز مربوط می‌شود به خرید کالا اعم از واسطه‌ای، سرمایه‌ای مصرفی و خدماتی مانند پزشکی، فرهنگی (دانشجویان)، گردشگری، بانکی، حمل و نقل و غیره که بیش از ۷۰ درصد تقاضای ارز ما مربوط به اینهاست. ما ارز می‌دهیم و آن را خریداری می‌کنیم که ارز این بخش از طریق بانک‌ها و کانال‌های رسمی صورت می‌گیرد، بنابراین کاملاً قابل نظارت و کنترل است و پایین‌ترین نرخ ارز هم به این قسمت تعلق می‌گیرد که هنوز هم نرخ آن زیر ۴ هزار تومان است.

۲. خرید ارز برای تأمین وجه مربوط به کالاهای قاچاق است. یعنی عده‌ای ارز می‌خرند برای اینکه کالای قاچاق وارد کشور کنند. این دسته ارز را از طریق صرافی‌ها با قیمت بالاتری تهیه می‌کنند. خیلی‌ها رقم این نوع قاچاق را ۱۵ میلیارد دلار بیان می‌کنند که هیچ‌گاه قابل اتکا نبوده، زیرا آمار درستی از آن در دست نیست.

۳. وقتی که احساس ناامنی زیادتر می‌شود، عده‌ای به این فکر می‌افتند که دارایی شان را از کشور خارج کنند. مثل اتفاقی که در دوران جنگ افتاد. بعضی تمام زندگی خود را فروختند، تبدیل به ارز کردند و به خارج رفتند. در

صدمه دیدن اقشار آسیب پذیر است و به این بهانه با واقعی شدن قیمت ارز مخالفت کنند. اولاً باید بگوییم که مهم ترین مصرف کنندگان ارز گروه های ثروتمند و مرفه هستند و فقرا کمترین استفاده را از ارز آن می کنند ولی حتی اگر فرض کنیم که پایین نگه داشتن نرخ ارز به نفع فقرا است خب باید بگوییم مگر با بالا بودن نرخ تورم، بالا بودن نرخ بهره و نرخ بیکاری، پایین نگه داشتن نرخ ارز ممکن است؟ تجربه ۴۰ ساله نشان می دهد که ممکن نیست. ظرف ۴۰ سال اخیر ۹ بار نرخ ارز ضرب در ۲ شده و نزدیک است که یک بار دیگر هم این اتفاق برایش بیفتد. متاسفانه در همه موارد افزایش قیمت ارز توام با تالامات و نوسانات و رانت و فساد و هبها بوده، در حالی که می شد با یک شیب ملایم دولت ها نرخ را تعدیل و از صدمات فراوان به اقتصاد کشور جلوگیری کرد. الان هم هنوز دیر نیست، یعنی دولت جلوی ضرر را از هر جا که بگیرد منفعت حاصل می شود.

درباره تعیین نرخ ۴۲۰۰ تومان برای دلار نیز معتقدم اگر تیم اقتصادی دولت تردید را کنار بگذارند ارز را تک نرخی اعلام کنند و بازار را به رسمیت بشناسند و خود را با بازار هماهنگ کنند به زودی اعتماد مردم به پول ملی جلب می شود و دیگر لازم نیست از تصمیم های ترامپ و امثال او دچار دلهره و تشویش شویم. البته منظورم از تک نرخی کردن نرخ های دستوری نیست، بلکه پیروی از واقعیت های بازار از اصول علم اقتصاد است. ▶

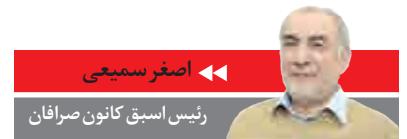
هزینه و فایده نرخ دستوری

دولت جلوی ضرر را بگیرد

وقتی نرخ بهره بالا باشد خواه ناخواه در دراز مدت بین ارزش پول های دو کشور با نرخ بهره متفاوت اختلاف ایجاد می شود و هر چه این تفاوت نرخ بهره بیشتر و زمانش طولانی تر باشد نرخ ارز هم متفاوت تر می شود و در واقع پولی که دارای بهره کمتر است ارزشی بیشتر پیدا می کند.

نکته دیگری که به توجه و علاقه مندی و در نهایت هجوم مردم به بازارهای ارز منتهی می شد همانا تفاوت نرخ ارز مداخله ای و تزریق پولی با نرخ در بازار بود. بنده هم بارها در زمان خودش به ایجاد این رانت اعتراض کرده و هشدار داده بودم که زمانی که تفاوت نرخ مداخله ای با بازار در محدوده یک درصد باشد، می توان نام کارمزد بر آن نهاد و قابل قبول است ولی وقتی بیش از ۱۰ درصد اختلاف در آن ایجاد می شود نامی جز رانت بر آن نمی گذارند. حتی اگر این رانت به کسانی داده شود که مصرف کننده واقعی باشند مانند مسافران، دانشجویان یا تولیدکنندگان، در هر حال باز هم غلط است حتی اگر از سر دلسوزی باشد باز هم اشتباه و فساد آفرین است.

شاید برخی بگویند که بالا رفتن قیمت باعث



اصغر سمیعی

رئیس اسبق کانون صرافان

دولت در رابطه با نرخ ارز متاسفانه اشتباهی را که دولت های قبل هم انجام داده بودند تکرار کرد. یعنی فتر قیمت را تا آنجا که توانست فشرده و سعی در تثبیت نرخ ارز کرد. در واقع وقتی در مردادماه سال ۹۲ آقای دکتر سیف قیمت ۳۲۰۰ تومان برای دلار را واقعی ارزیابی کرد، انتظار این بود که با توجه به اختلاف نرخ تورم و بهره کشور با کشورهای حوزه ارزهای معتبر، قیمت دلار به طور منظم تعدیل شود تا نرخ تورم و بهره به کنترل در آید ولی متاسفانه تیم اقتصادی دولت تحت فشارهای برخی رسانه ها و قدرتهای غیر اقتصادی راه خود را عوض و اقدام به سرکوب نرخ ارز و جمع کردن بیش از پیش این فنر کرد. به عبارت دیگر به اصل مهم اقتصاد توجه نکرد.

وقتی تورم وجود دارد طبعاً نرخ بهره هم بالا می ماند

و در نظر دارد که تحریم هایی را با این توجیه علیه ایران وضع کند؛ موضوعی که هیچ منطقی ندارد؛ چرا که بارها دیده ایم که آمریکا میلیاردها دلار سلاح نظامی به عربستان فروخته و عربستان آن را بر سر مردم یمن کوبیده است. با این حال این موضوعی است که بارها از آن استفاده کرده و ایران را تحت فشار قرار می دهند و اکنون نیز هر قدر همکاری های آمریکا با کشورهای اروپایی بیشتر شود، مشکلات بیشتری برای ایران پیش خواهد آمد. از ماه قبل هم دیدیم که نخست وزیر انگلستان، رئیس جمهور فرانسه و نخست وزیر آلمان درباره برنامه های موشکی ایران موضع گیری کردند و اکنون نیز احتمال آن وجود دارد که آمریکا در اردیبهشت ماه برای برجام مشکلاتی ایجاد کند. بدیهی است که این احتمالات و فضای روانی آن در بازار ارز خود را نشان می دهد و ذخایر ارزی بانک مرکزی هم به اندازه ای نیست که بتواند این بحران را مدیریت کند.

به ویژه اینکه اکنون ریختن ارز توسط بانک مرکزی به بازار هم چنداں توصیه نمی شود؛ چرا که ذخایر بانک مرکزی کاهش می یابد و توسط سوداگران بلعیده می شود. نرخ سود سپرده های بانکی هم کاهش یافته و از سوی صنایع پیشرفته ای هم نداریم که نرخ بازدهی قابل قبولی داشته باشند؛ در نتیجه پول به سمت ارز رفته و جهش های ناگهانی و افسارگسیخته را در ارز ایجاد کرده است. البته نمی توان منکر سیاستگذاری های غلطی شد که در سال های گذشته رخ داده و به جای تلاش برای ایجاد اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران، مسائل سطحی و حل آنها مورد نظر قرار گرفته است. باید توجه می شد که زیربنای اقتصاد در ایران خراب است و این زیربنا نیاز به اصلاحات قدرتمند دارد و با اصلاحات سطحی کاری از پیش نخواهد رفت. به هر حال در شرایط کنونی به نظر می رسد بانک مرکزی اقدام خاصی نمی تواند انجام دهد تا اینکه ببینیم جو روانی بازار به کدام سمت می رود. ▶

ردپای سیاست در گرانی دلار

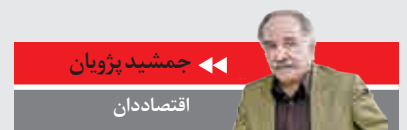
چرا ارز به این روز افتاده است

خود را به کاخ سفید گذاشته، مدام از احتمال خروج از برجام سخن گفته و البته اروپا بارها اعلام کرده که از برجام خارج نمی شود و اتفاقاتی مانند افزایش صادرات نفت، بازیابی برخی مشتریان پتروشیمی و وصول برخی طلب های ایران از کشورهای دیگر از طریق برخی بانک ها در سال های گذشته منجر به آن شد که قیمت ارز تا حدودی متعادل شود.

با این حال مشخص بود که وضعیت همیشه این طور نمی ماند و از حدود چند ماه پیش آمریکا مذاکراتی را با



اروپا آغاز کرد و اروپا هم به هر حال همکاری هایی با ترامپ دارد که این وضعیت منجر به آن شد که مردم گمان کنند تحریم ها دوباره برمی گردد. اکنون می بینیم که اروپا به بهانه موشک های بالستیک علیه ایران موضع گیری کرده



جمشید بژوین

اقتصاددان

سخنان ترامپ مبنی بر اینکه در اردیبهشت ماه درباره برجام تصمیم گیری می کند و همچنین موضع گیری برخی رهبران اروپا علیه فعالیت های موشکی ایران جو روانی بازار را به این سمت هدایت کرده که ممکن است در آینده بار دیگر تحریم ها علیه ایران وضع شود و چنین موضوعی منجر به هجوم برای خرید ارز شده و صحیح نیست بانک مرکزی هم منابع ارزی خود را به بازار عرضه کند تا برخی با انگیزه های سوداگرانه آن را به دست بیاورند. شما را ارجاع می دهم به سال ۱۳۹۱ که یک مرتبه قیمت دلار از ۱۰۰۰ به ۳۰۰۰ تومان افزایش پیدا کرد. این موضوع چه دلیلی داشت؟ قطعاً دلیل این جهش تا حد زیادی در تحریم قابل پیگیری است. در این موضوع حتی به یاد داریم قبل از اینکه تحریم ها اجرا شود و زمانی که حتی سه ماه به شروع تحریم ها علیه ایران مانده بود ولی بازارها به آن واکنش نشان دادند؛ چون انتظار می رفت درآمدهای نفتی کاهش یابد. در ادامه هم

دیدیم صادرات یک سوم شد و واردات مان به صدمیلیارد دلار رسید. وضعیت کنونی اقتصاد ایران شبیه آن سال ها است. اکنون نیز جهش ارزی را می توان به رفتار ترامپ نسبت داد. همان گونه که دیدیم از وقتی که ترامپ پای



قیمت واقعی ارز

گفت و گوی مثلث با یحیی آل اسحاق

عوامل غیراقتصادی در افزایش قیمت دلار چیست؟

▲ شامل مسائل روانی، اقدامات برنامه‌ریزی شده و تهدیدات و جنگ اقتصادی خارجی، سوءمدیریت داخلی و اثرات سیاسی می‌شود. حتما این اتفاق مخرب است و متأسفانه برخی اظهارنظرهایی که ظرف چند روز اخیر شد، بر التهابات و بی‌ثباتی نرخ ارز تأثیر فزاینده می‌گذارد. اخیراً آقای ترکان مصاحبه کرد و گفت افزایش نرخ ارز آثار مثبتی دارد اما این طور نیست و سخنی غیر اقتصادی و غیرواقع‌بینانه است. حامیان این دیدگاه استدلال می‌کنند اگر قیمت ارز بالا برود، به نفع صادرکننده می‌شود اما قطعاً این طور نخواهد بود چون در یک یا دو دور صادرات، ریال بیشتری گیر صادرکننده می‌آید اما دفعات بعد وقتی کالا برای صادرات تولید می‌شود به همان نسبت افزایش قیمت ارز، هزینه‌های تولید نیز زیاد می‌شود پس صادرکننده باید کالای گرانتری بخرد تا به بازارهای جهانی عرضه کند، لذا افزایش قیمت ارز نفع کوتاه‌مدت برای صادرات کشور دارد نه بلندمدت.

افزایش قیمت ارز چه آثاری بر تولیدکننده دارد؟

▲ قطعاً به نفع تولیدکننده هم نیست چون وقتی آمار واردات کشور را نگاه کنیم ۷۲ درصد از واردات کشور مواد اولیه و قطعات یدکی و ماشین‌آلات است، یعنی کالای واسطه‌ای و سرمایه‌ای هستند. دلار اگر گران شود به تبع آن مواد اولیه، قطعات، ماشین‌آلات گران می‌شود و به ضرر تولیدکننده خواهد بود.

برخی می‌گویند افزایش دلار روی کالای ایرانی تأثیر نمی‌گذارد، آیا این طور است؟

▲ خیر، این اتفاق به ضرر مصرف‌کنندگان کالاهای ایرانی هم است. وقتی نرخ ارز بالا برود، همه کالاهای داخلی حتی نخود و لوبیا هم گران می‌شود و کل تولیدات داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع جو روانی و گرانی واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه باعث افزایش هزینه تولیدات داخلی می‌شود و به تبع آن اثر چندبرابری روی مصرف‌کننده دارد. نکته دیگر آنکه الان مشکل اصلی اقتصاد ما تقاضاست، یعنی تولیدکنندگان به دلیل قیمت و کیفیت نه در داخل و نه در خارج نمی‌توانند کالای تولیدی خود را بفروشند. وقتی قیمت دلار افزایش پیدا کند قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد، این مساله مزید بر علت می‌شود تا تقاضا در بازارهای داخلی برای خرید کالاهای ایرانی نیز سیر نزولی پیدا کند. طبقات متوسط به پایین شامل کارمندان، کارگران و کسبه جزء که حدود ۷۰ درصد جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، درآمدها با هزینه‌شان نمی‌خواند، بنابراین قدرت خرید کالاهای سرمایه‌ای همچون مبل، فرش، یخچال و تلویزیون را ندارند چون عمده درآمدها صرف خرید اقلام خوراکی، پوشاک، بهداشت، آموزش و کرایه خانه یا اقساط می‌شود. مجموعه اینها با شرایطی که الان وجود دارد، وقتی قیمت کالا بر اثر افزایش جهشی دلار گران شود، افراد کلاً قدرت خرید کالا را از دست می‌دهند.

یعنی هیچ حوزه‌ای از افزایش قیمت ارز سود نمی‌کند؟

▲ فقط یک حوزه است که دولت آن را نفی می‌کند. به عبارت دیگر قسمت عمده ارز کشور حاصل از فروش نفت است که آن هم در اختیار دولت قرار دارد، حالا دولت به جای آنکه این ارز را با قیمت ۴۲۰۰ تومان بفروشد، در وضعیت افزایش جهشی قیمت ارز می‌تواند به قیمت روز به فروش رساند. ما به التفاوت هر چه باشد، کاستی‌های درآمدی دولت را جبران می‌کند. البته دولت این اتفاق را نفی می‌کند و می‌گوید دنبال افزایش قیمت ارز نیست و علاقه‌مند به کاهش رقم‌های کنونی است.

▼ یحیی آل اسحاق می‌گوید: «قیمت واقعی ارز ۴ هزار تا ۴۲۰۰ تومان است و افزایش دلار به حدود ۶ هزار تومان بر اتمام ارکان اقتصاد کشور اعم از صادرات و تولید داخلی و معیشت طبقه متوسط به پایین جامعه با ضریب بالا اثر تخریبی و منفی دارد.» این تحلیلگر مسائل اقتصادی با وجودی که تنها نفع جهش قیمت ارز را برای تبدیل درآمدهای ارزی دولت به ریال می‌داند اما می‌گوید: «دل نمی‌آید بگویم این مساله با اراده دولت انجام شده است.»

و غیرمتلاطم است ۴۲۰۰ تومان برآورد می‌شود. ارقام بالاتر از ۴۲۰۰ تومان عوامل غیراقتصادی در آن مطرح است.

جهش ناگهانی دلار در روزهای میانی فروردین ماه امسال را چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ قطعاً افزایش قیمت ارز مثبت نیست و اتفاقی منفی تلقی می‌شود. چون قیمت ارز با ضریب تأثیر بسیار بالایی در تمام ارکان اقتصادی کشور نقش دارد و قطعاً این قیمت‌هایی که حتی تا پیش از ۶ هزار تومان رسید، واقعی نیست. قیمت واقعی دلار بین ۴ هزار تا ۴۲۰۰ تومان است مابه‌التفاوت آن هر چه باشد دلیل غیراقتصادی دارد.

چطور شما صحبت از قیمت واقعی دلار در دامنه ۴ هزار تا ۴۲۰۰ تومان می‌کنید؟

▲ نرخ ارز از نظر شاخص‌های اقتصادی، عرضه و تقاضای اقتصادی، تعادل اقتصادی و مجموعه آنچه اقتصاد کشور با آن آرامش می‌گیرد



در واقع می‌فرمایید افزایش قیمت دلار همه جوره به ضرر اقتصاد کشور خواهد بود؟

▲ بله، در حال حاضر تولیدکننده اگر بازاری برای عرضه کالا داشته باشد ۱۰ تا ۱۵ درصد سود می‌کند، پس با توجه به عدم سودآوری بخش تولید، عمده تولیدکنندگان ضرر می‌کنند. در این فضا که قطعاً افزایش قیمت ارز به ضرر اقتصاد کشور است، اگر یک فضا سازی کنیم که جهت گیری نرخ ارز رو به بالا است، چه اتفاقی می‌افتد؟ وضعیت بدتر می‌شود. هم اکنون ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در کشور است. این حجم نقدینگی حتماً به سمت تولید نمی‌رود چون صرف نمی‌کند. پس به سمتی می‌رود که ارزش پول حفظ شود، آن کجا خواهد بود؟ به طرف بازار ارز، طلا و مسکن خواهد بود. وقتی مشاهده شود قیمت دلار به ۶۰۰۰ هزار تومان رسیده هرکس در منزل یا بانک پس اندازی دارد در صدد تبدیل آن به ارز بر می‌آید. این اتفاق تقاضای ارز را جهشی افزایش می‌دهد. این یک خطر بسیار بزرگ است. یا کسانی که دنبال سوداگری هستند وقتی می‌بینند به سمت بازار ارز می‌روند، معاملات در آن حوزه، معاملات اول کشور می‌شود. پس خطاست که ما طوری فضا دهیم که جهت نرخ ارز رو به بالاست، این یک خطر بزرگ برای اقتصاد کشور است.

شما چه توصیه‌ای به کسانی دارید که سعی دارند دارایی‌های خودشان را تبدیل به ارز کنند؟

▲ کسانی که چنین قصد و تلاشی دارند تا دارایی‌هایشان را به ارز تبدیل کنند و به خارج کشور بفرستند یا در داخل نگه دارند، آن هم در خطر است ضمن آنکه یک تأثیر منفی اندر منفی بر نرخ ارز و اقتصاد کشور دارد. رئیس جمهور در بهمن ماه به مردم گفت: «نگران نباشید، نرخ ارز پایین می‌آید و قیمتش این نیست»، رئیس بانک مرکزی هم همین را گفت. واقعا در بحث بازار عرضه و تقاضا این بحث وجود ندارد. خود آقای روحانی گفت ۹۰ میلیارد دلار ما خارج از کشور پول داریم که به نظر من این رقم حدود ۱۲۰ میلیارد دلار است. آنچه فضا سازی می‌شود که ۲۰ اردیبهشت ترامپ درباره برجام اعلام نظر می‌کند، غیر واقعی و بیجا و بی جهت است. متأسفانه کسانی که چند روز پس انداز دارند وقتی ارز را به قیمت ۶۰۰۰ تومان بخرند وقتی یک دفعه قیمت ارز به ۴ هزار تومان برگردد از هستی ساقط می‌شوند.

در واقع شما معتقدید ورود افراد طبقه متوسط به پایین به بازار ارز نه تنها برای کشور بلکه برای خود آنها نیز زیان آور است؟

▲ بله، همین طور است. اگر قیمت ارز واقعا ۶ هزار تومان باشد می‌تواند برای آنها سودآوری داشته باشد ولی الان که قیمت ارز بیشتر روانی، سیاسی و جوسازی است، وقتی شرایط عادی بر بازار حاکم شود چنین کسانی ضرر خواهند کرد چون واقعی نیست. پس اقدام آنها چندسر ضرر برای اقتصاد تلقی می‌شود.

به نظر شما جهش ناگهانی قیمت ارز با اراده دولت انجام شد؟

▲ دلم نمی‌خواهد چنین حرفی را به دولت نسبت دهم چون بعضاً آدم‌های فهیمی در دولت هستند. اینکه چنین فضایی را درست کردند مفهومی آن است که کل دارایی‌ها و قدرت خرید کشور و مردم ۴۰ درصد کم شود. اگر کسی قبل از این افزایش نرخ ارز ماهی یک میلیون تومان حقوق می‌گرفت الان ارزش آنها به ۶۰۰ هزار تومان کاسته شده است و ۴۰۰ هزار تومان دیگرش از بین رفت و قطعاً این مساله روی قدرت خرید مایحتاج اعم از خوراکی، پوشاک، آموزش و بهداشت اثر خواهد داشت. این ظلم بزرگی به ۶۰ درصد جامعه کشور است. در مجموع وقتی قیمت ارز جهشی افزایش پیدا کند تأثیر زیادی بر اغلب اقشار جامعه دارد. ►

تدارک ناکافی

همه ما امیدواریم که تیم ملی ایران در جام جهانی روسیه بتواند آبرومندانه ظاهر شود. باید به بازی‌های تدارکاتی تیم ملی اشاره کرد. متأسفانه این بازی‌ها هرگز نتوانست به ما کمک کند. بازی با تیم‌هایی که ایداً جایی در معادلات قدرت در سطح اول فوتبال دنیا ندارند، نمی‌توانند کیفیت تیم ملی ما را نشان دهد. نمی‌تواند به ما کمک کند که بدانیم چقدر قدرت داریم یا چقدر ضعف داریم.

ورزش

تیتریک

اسپانیا و پرتغال صعود می‌کنند

چرا بازی‌های تدارکاتی بزرگی نداریم؟

از سوی کی‌روش مطرح می‌شود که باعث می‌شود تمرکز تیم ملی به هم بخورد. بنابراین سرمربی تیم ملی رفتارهایی از خود نشان می‌دهد که به تیم ملی ما و آرامش بازیکنانی که قرار است در روسیه از اعتبار فوتبال ایران دفاع کنند، هیچ کمکی نخواهد کرد.

اما ما بایم به بازی‌های تدارکاتی تیم ملی هم اشاره کنیم. شاید بد نیست از یکی از رفتارهایی که به طور مرتب در سریال پایتخت نشان داده شد و در فصل‌های گذشته این سریال هم بنده شاهدش بودم بحث اصلی‌ام را شروع کنم. اگر دقت کرده باشید در تمام فصل‌های این سریال یک رفتار یا بهتر بگوییم یک خرده فرهنگ غلط به تصویر کشیده شد و آن اینکه شخصیت‌های این سریال گاهی واقعیت‌ها را از یکدیگر پنهان می‌کنند. از مطرح کردن واقعیت‌ها ترس دارند یا اینکه سعی می‌کنند زمان بگذرد تا خود فرد با آن واقعیت روبه‌رو شود. خلاصه اینکه یک نوع پیچیدگی در کار است. در فوتبال ما و به طور کلی جامعه ما نیز وضعیت به همین شکل است. ما نمی‌خواهیم برخی واقعیت‌ها را خیلی ساده با مردم مطرح کنیم. از قضاوت افکار عمومی واهمه داریم. در واقع یک واقعیت خیلی ساده

داشته باشیم. با این حساب باید روی بازیکنان شاغل مان در لیگ‌های خارجی حساب باز کنیم که غیر از یکی دو بازیکن شاخص بقیه‌شان روی نیمکت تیم‌های خارجی نشسته‌اند. از این نظر ما نمی‌توانیم بگوییم تیمی قدرتمند داریم و در جام جهانی هم موفق می‌شویم. روی کاغذ اگر نگاه کنیم متوجه می‌شویم که شانس اول و دوم صعود اسپانیا و پرتغال هستند و ایران نمی‌تواند به مرحله بعدی رقابت‌ها صعود کند. ما شانس نداریم. این واقعیت است. این در حالی است که سرمربی تیم ملی فوتبال کشورمان نیز در آستانه شروع بازی‌های بزرگ جام جهانی نه تنها به دنبال آرامش نیست، بلکه از هر گونه تشنج و جنجالی استقبال می‌کند. یعنی ما همان کی‌روشی را این روزها می‌بینیم که طی همه روزهای سال‌های گذشته در فوتبال مان دیده‌ایم؛ جنجالی، عصبی و پرخاشگر. همین حالا هم که تیم ملی باید در کمال آرامش به بازی‌های جام جهانی بیندیشد ایشان بیانییه صادر می‌کند و فوتبال ایران را تحقیر می‌کند و موضع بالا به پایین خود را به رخ می‌کشد. این رفتار تیم ملی ما را قدرتمند نمی‌کند، بلکه این جنجال‌ها و درگیری‌ها باعث ضعف تیم ملی ما خواهد شد. در واقع حجم وسیعی از حاشیه‌ها و مسائل غیر ضروری

بهمن فروتن

مربی فوتبال



قبل از هر چیز باید بگوییم یادمان نرود که تیم ملی فوتبال هر کشوری به نوعی نشان دهنده قدرت لیگ فوتبال آن کشور هم هست. البته کشورهایی هستند که خیلی بازیکن شاغل در اروپا دارند، به عنوان مثال همین آرزانتین، بازیکن‌های زیادی در لیگ‌های اروپایی دارد. مثال دیگر هم برزیل است. فراموش نکنیم ما هم زمانی بود که بازیکنان بزرگی در تیم ملی داشتیم. البته الان هم بازیکنان خوبی داریم اما آن زمان علی‌دایی را در خط حمله تیم ملی داشتیم که در بایرن مونیخ توپ می‌زد. اما حالا باید بپذیریم که لیگ پر قدرتی نداریم. می‌شود گفت که لیگ امسال ما فقط یک استقلال و پرسپولیس را دارد. در سال‌های گذشته فولاد بود، سپاهان بود، استقلال اهواز بود و برخی تیم‌های دیگر که باعث شده بودند لیگ بسیار جذابی

منافع فوتبال ملی با منافع تیم ملی؟
چرا این بار کی‌روش به فدراسیون فوتبال تذکر نداد؟



نباید از ایران انتظار صعود داشته باشیم؟
بازی‌های تدارکاتی تیم ملی اصلا مفید نبود



فقط باید از تیم ملی حمایت کنیم
بازی‌های تدارکاتی مورد تایید کی‌روش بوده



مشکل دارند مورد سرزنش قرار می‌گیرند. به عنوان مثال ما اعتراض می‌کنیم که چرا تیم ملی ما باید با سیرالئون بازی کند و از سوئی دیگر همین تیم دسته چندی در دنیای فوتبال مورد سرزنش برخی مافیایا یا حتی سران فیفا قرار می‌گیرد که چرا به بازی تدارکاتی با تیم ملی ایران تن داده است. بنابراین باید ببینیم که همه آنهاهی که ما مشکل دارند و اتفاقا در مجامع بین‌المللی صاحب نفوذ یا اندک نفوذی هستند، همه تلاش‌شان را به کار می‌گیرند که ما همین بازی دوستانه یا تدارکاتی با سیرالئون را هم از دست بدهیم. کسی نیست که اینجان قدر شجاعت داشته باشد، کسی که بگوید تیم‌های بزرگ دنیا حق بازی کردن با ما را ندارند. کسی این حرف را به زبان نمی‌آورد. حالا در چنین شرایطی تصور کنید یک کشوری هم پیدا شد که سرکشی کرد. پیش خودش گفت به فیفا یا فلان نهاد بین‌المللی چه ربطی دارد که ما می‌خواهیم با ایران بازی کنیم. اتفاقا بازی می‌کنیم و کاری هم به تبعات آن نداریم. فکر می‌کنید این سرکشی چقدر هزینه دارد؟ باید پول هنگفتی برای این سرکشی کنار بگذاریم که متاسفانه باید بگوییم بودجه فوتبال ما نمی‌تواند هزینه سرکشی برخی تیم‌های مطرح

را آن قدر پیچیده می‌کنیم که در نهایت بحرانی خودساخته ما را محاصره می‌کند. ما در بخش فوتبال و بخصوص در جایی که انتظار داریم تیم ملی با تیم‌های بزرگ بازی‌های تدارکاتی و آماده‌سازی‌اش را برگزار کند هیچ وقت نخواستیم واقعتا‌ها را در نظر بگیریم. چرا ایتالیا با ما بازی نمی‌کند؟ چرا فکر می‌کنیم فقط بانک‌های ما تحریم شده‌اند؟ اتفاقا فوتبال ما هم به شدت تحت فشار است. امروز در دنیا سیاسیون به شدت در عرصه فوتبال تاثیرگذار هستند، خط می‌دهند و سیاست‌های خود علیه یک کشور را خیلی ساده به حوزه فوتبال می‌کشند چون می‌دانند که این فوتبال تا چه حد منشأ غرور و افتخار یا سرخوردگی و دلسردی یک ملت است. مگر نه اینکه بازی‌هایی که طی ماه‌های گذشته سعودی‌ها علیه نمایندگان فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا راه انداختند بازی کثیفی بود که هیچ منطقی نداشت اما سیاستمداران آنها در بخش فوتبال به دنبال تسویه حساب با ایران هستند و البته متاسفانه ابزار ای اف سی را هم در اختیار دارند. بازی‌های تدارکاتی تیم ملی ما هم از این قاعده مستثنی نیست. تیم‌هایی که به ما چراغ سبز نشان می‌دهند قطعاً از سوئی آمریکا و آن کشورهایی که با ایران

خارجی را بدهد. بنابراین ما در این بخش هم مشکل داریم. نمی‌توانیم بازی‌های بزرگی را برای تیم ملی متصور شویم. مساله دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که سرمربی تیم ملی ما بار فنی مناسبی وارد فوتبال ایران نکرد. شما به فوتبال آلمان نگاه کنید. خیلی‌ها می‌گویند آلمان دیگر آن تیم ماشینی اتو کشیده سال‌های نه‌چندان دور نیست که هیچ کس حوصله نداشته باشد بازی‌هایش را نگاه کند. حالا آلمان جذاب بازی می‌کند، فوتبالش چشم‌نواز است. اما چرا و چگونه به این نقطه رسیدند؟ گواردیولا آنها را به این نقطه رساند. در چشم‌نواز بودن فوتبال آلمان بی‌تردید گواردیولا است که نقشی اساسی ایفا کرده است. او بایرن را برای ارائه چنین فوتبالی تغییر داد تا این فوتبال ناب از طریق بایرن مونیخ به کل فوتبال آلمان تسری پیدا کند. بنابراین باید فوتبال آلمان را به زمان قبل از بایرن گواردیولا و بعد از بایرن گواردیولا تقسیم کنیم. این مربی پول قابل توجهی از فوتبال آلمان دریافت کرد اما در عوض به فوتبال ملی‌شان کمک کرد. ما کی‌روش را آوردیم و به نظرم پول خوبی هم به او دادیم اما تا کنون او نتوانسته هیچ بار فنی به کل فوتبال ما وارد کند. بنابراین ما با انبوهی از مشکلات روبه‌رو هستیم. ما در رشته انرژی هسته‌ای هیچ وقت نمی‌رویم از اروپا دانشمند بیآوریم. چون در این بخش خودمان در درجه بسیار خوبی دست پیدا کرده‌ایم و دانشمندان بزرگی داریم. آنها درست به همین دلیل میدان مبارزه را به جایی کشیدند که بتوانند ما را ضعیف نگه دارند. به همین دلیل فوتبال را انتخاب کردند. آدم‌ها یا بهتر بگوییم مریانی را به ما دادند که نتوانیم به توسعه فوتبال مان فکر کنیم. یک زمانی تلویزیون ما بازی‌های اروپایی را نداشت. اصلا مسابقه زنده‌ای در کار نبود. کارشناسان ما به علم روز دنیای فوتبال دسترسی نداشتند اما حالا اوضاع فرق کرده است. ما می‌توانیم متوجه شویم که فوتبال دنیا به چه سمتی می‌رود و ما در کجای این معادله قرار گرفته‌ایم. اصلا جایی هستیم که بگوییم و ادعا کنیم ما هم در فوتبال وجود داریم یا آن قدر از رادار فوتبال خارج شده‌ایم که مدت‌ها باید تلاش کنیم که به رادار روز دنیای فوتبال برگردیم. به همین دلیل است که همه کارشناسان امروز می‌توانند گواهی بدهند که فوتبال ما در واقع سرمربی تیم ملی ما نتوانسته فوتبال ما را به جریان ببرد و وارد مسیر توسعه کند. کی‌روش بلد نیست به فوتبال ما یاد بدهد. بنابراین از نظر فنی هم تیم ملی ما باری ندارد که بتواند مقابل اسپانیا و پرتغال بایستد. بعضی‌ها البته اشتباه می‌کنند. فکر می‌کنند تیم ملی ما آن قدر قدرتمند است که می‌تواند دست به کارهای عجیب و غریب بزند. بعد هم تا مخالفت می‌کنیم به بازی ایران... آرزوهای ما را می‌کنند. ما در آن بازی خوب دفاع کردیم و باختیم. بازی بعدی دفاع نکردیم سه تا گل خوردیم. این نشان دهنده قدرت ما بود؟ در نتیجه باید ببینیم که فوتبال معادلات خاص خودش را دارد. وقتی همه این شرایط و احتمالات را بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ما راهی برای صعود نداریم. جالب اینکه کی‌روش در چنین شرایطی ضمن تحقیر بازیکنان ما فوتبال ما را با فوتبال درجه یک اروپا به مقایسه می‌کشد و قیچی برگردان رونالدو را توی سربازیکان ایرانی می‌زند. بعد هم می‌گوید اگر بازیکنان تیم ملی در اختیارش قرار بگیرند می‌تواند از آنها رونالدو بسازد. این اسمش کلاهبرداری است. این رفتارها خوب نیست. ما همه اینها باید بگوییم نه، ما با این شرایط در جام جهانی شانس برای صعود نداریم و باز عقیده داریم که امیدوارکننده هم نخواهیم بود. ▶



منافع فوتبال ملی یا منافع تیم ملی؟

چرا این بار کی‌روش به فدراسیون فوتبال تذکر نداد؟

ثبت شده خود در AFC را قبل از ضرب الاجل فصل ۲۰۱۸-۲۰۱۹ پرداخت کنند؟ آیا منابع مالی بودجه فصل آینده خود را می‌شناسند؟

همین سوالات را می‌توان نسبت به شخصیت حقوقی-مالی سازمان لیگ مطرح کرد. این سازمان که وظیفه‌اش حمایت از منافع باشگاه‌هاست کجای این معرکه ایستاده؟ آیا مستقل است؟ آیا نسبت به حق و حقوق باشگاه‌ها از حضور بازیکنان در جام جهانی و آنچه که فیفا وعده پرداختش را داده حساس است یا چون الان بحث «منافع ملی» مطرح است، تامین هزینه‌های فدراسیون مهم‌تر است؟ مسلماً فدراسیون‌های فوتبالی چون سوئیس، منافع ملی در حوزه فوتبال را به جز مقطعی که میزبانی یک ابرتورنمنت بین‌المللی را به عهده دارند (ژاپن، کره ۲۰۰۲)، در یک بازه زمانی کوتاه تعریف نمی‌کنند.

از کارلوس کی‌روش به عنوان یک کارشناس زنده و صاحب نظر در حوزه فوتبال انتظار می‌رفت منافع درازمدت فوتبال یک کشور را تنها از زاویه یک اتفاق بزرگ فوتبالی نگاه نکند و به مسئولان فدراسیون گوشزد کند که اگر می‌خواهید فوتبالتان پیشرفت کند باید برای سازمان لیگ و باشگاه‌ها، منزلت قائل شوید، حسابشان را جدا کنید، به قلمرو مادی و معنوی آنها که از سوی مراعات فیفا به رسمیت شناخته شده، احترام بگذارید و اگر روزی به هر دلیلی نیاز به «درخواست‌های اضافه بر سازمان» داشتید، خواهش‌تان را متواضعانه و مودبانه مطرح کنید. بدانید که آنها در قبول یا رد درخواست شما آزادند و هیچ توجیهی برای ناسزاگویی نیست. کی‌روش میراث‌های زیادی در فوتبال ما به جای خواهد گذاشت ولی این یکی جزو آن نخواهد بود. ▶

اروپایی است که لازمه‌اش کار آکادمیک و لیگ یک و برتر پویا و با کیفیت است.

بحث نگاه ملی به فوتبال که این روزها در خلال اردوهای آمادگی رقابت‌های روسیه ۲۰۱۸ مطرح شده نباید به عملکرد تیم ملی ایران در سه بازی جام جهانی محدود شود بلکه سوال اساسی این است که راهبرد ما برای اینکه بتوانیم بعد از یک دوره مثلاً ۱۲ ساله تبدیل به یکی از مدعیان حضور در بین ۱۶ تیم برتر جهان شویم، چیست؟

بدیهی است که این راهبرد در چارچوب سازمان، قوانین، فرماندهی و تقویم فیفا و کنفدراسیون‌های زیرمجموعه‌اش است که تعریف می‌شود. سازمانی که آمده حساب فدراسیون‌ها و تیم‌های ملی را با سازمان لیگ و باشگاه‌ها جدا کرده است. دیروز لیگ قهرمانان را مصوب کرد و فردا لیگ تیم‌های ملی را جایگزین دیدارهای دوستانه بین کشورها می‌کند. با این چارچوب، راهبردی که منافع و شخصیت سازمان لیگ و باشگاه‌ها در آن لحاظ نشده باشد، نمی‌تواند منافع درازمدت «فوتبال ایران» را تامین کند.

در چارت وزارتی-دولتی فوتبال ما، کدام باشگاه دارای یک شخصیت حقوقی و مالی مستقل است؟ بر هیچ کس پنهان نیست که نهایتاً آقایان افتخاری و گرشاسبی همان کاری را انجام خواهند داد که رئیس مجمع باشگاه از آنها می‌خواهد.

این باشگاه‌ها برای بازیکن‌سازی و بالابردن کیفیت لیگ به زمین‌های چمن با استانداردهایی نیاز دارند که سالی چندین میلیارد فقط هزینه نگهداری آن است. برنامه این مدیران برای تامین حداقل‌های مورد نیاز یک باشگاه با شخصیت چیست؟ آیا موفق خواهند شد بدهی‌های

علیرضا کردی

روزنامه‌نگار ورزشی

سوئیس کشوری است با ۸ میلیون نفر جمعیت که مردمانش به بازی‌های زمستانی و تنیس بیش از فوتبال علاقه دارند. با این حال رتبه تیم ملی سوئیس سال‌های سال است که تکریمی است، همیشه پای ثابت تورنمنت‌های بزرگ است و باشگاه‌هایش اولین صادرکننده بازیکن در اروپا.

اولویت راهبردی آنها نیز مثل همه جای دنیا در مقوله فوتبال، منافع ملی است ولی آیا منافع ملی فوتبال یک کشور در تجمیع تمام قوا و امکانات مادی و معنوی به سمت تیم ملی تعریف می‌شود؟

پاسداری از منافع ملی در حوزه فوتبال نیازمند یک نگاه جامع و پشتیبانی از همه ارکانی است که کالبد این صنعت را تشکیل می‌دهند و تضمین موفقیت‌های مستمر تیم ملی به عنوان گل سرسبد فوتبال یک کشور در گرو سلامت تمامی عضوهای یک پیکر است.

اولین شرط ادعای صعود از مرحله گروهی، حضور ثابت در ادوار جام جهانی است که فوتبال ایران تازه برای نخستین بار قرار است طعم دو حضور پیاپی را بچشد. شرط اولیه استمرار این حضور، صعودهای متوالی حداقل دو باشگاه ایران در جمع ۸ تیم نهایی لیگ قهرمانان آسیا است. اتفاقی که از آغاز تشکیل این لیگ در سال ۲۰۰۱ تا کنون برای فوتبال ما رخ نداده است.

شرط ادعای صعود از مرحله گروهی جام جهانی، صدور مستمر حداقل ۵ بازیکن در سال به لیگ‌های معتبر

نباید از ایران انتظار صعود داشته باشیم؟

بازی‌های تدارکاتی تیم ملی اصلا مفید نبود

و تدارک ببینند. اگر در این بین برندی هم وجود دارد برند کی‌روش است که باعث شده برخی تیم‌ها حاضر شوند با تیم ملی ایران بازی تدارکاتی برگزار کنند. به دلایل مختلفی که باعث شده ما نتوانیم بازی‌های تدارکاتی بزرگی داشته باشیم کاری ندارم بلکه می‌خواهم بگویم همین بازی‌ها را هم کی‌روش به سرانجام می‌رساند و فدراسیون هم طبق معمول ضعف‌هایش را پشت‌برند کی‌روش پنهان کرده است.

موضوع دیگری که این روزها به شدت به محل نزاع میان مربیان باشگاه‌ها و سرمربی تیم ملی تبدیل شده خواسته کی‌روش است. کی‌روش می‌خواهد ۴۰ روز بازیکنان تیم ملی را در اختیار داشته باشد چون فکر می‌کند که فقط او می‌تواند بازیکنان تیم ملی را از لحاظ بدنی و فیزیکی برای بازی‌های بزرگ جام جهانی آماده کند. از طرفی شفر، برانکو، دایی و برخی دیگر از مربیان مخالفت کرده‌اند و معتقدند در زمان قانونی بازیکنان تیم‌شان را به تیم ملی خواهند داد. به نظرم دیدگاه مربیان باشگاهی کاملا منطقی است و مدت زمان ۲۰ تا ۲۵ روز فرصت خوبی است که کی‌روش تیمش را مهیا کند و دلیلی وجود ندارد که همه باشگاه‌ها شرایط و وضعیت حساس خود را نادیده بگیرند و خسارت‌های قابل توجهی ببینند تا مثلا یک هفته تا ۱۰ روز کی‌روش بازیکنان ملی‌پوش را بیشتر در اختیار داشته باشد. نکته پایانی اینکه ما برابر حریفان مان در جام جهانی نباید بازی مستقیم را در دستور کار قرار بدهیم. ما

تلاش می‌کند که تیم ملی را از نظر فیزیکی مهیای این بازی‌ها کند. چون خود او و البته ما می‌دانیم که از نظر تکنیکی و تاکتیکی نباید توقعی داشته باشیم. این مسائل وقتی در یک تیم ایجاد می‌شود که بازیکنان آن از دوران کودکی آموزش فوتبالی یک کشور وقتی درست و حرفه‌ای باشد آن وقت می‌تواند روی این فاکتورها حساب باز کند نه آنچه که ما در فوتبال ایران شاهدش هستیم. بنابراین کی‌روش به سمت بازی فیزیکی خواهد رفت. آنجا که امیدوار است بازیکنان تیم ملی را مدت‌زمان قابل توجهی در اختیار داشته باشد تا بتواند آنها را برای بازی‌های فیزیکی سخت و درگیرانه آماده کند. در مجموع باید بگویم که ما مقابل این تیم‌ها شانس نداریم. شما به مراکش نگاه کنید. اکثر بازیکنانش در لیگ‌های معتبر دنیا توپ می‌زنند. در مورد اسپانیا و پرتغال هم بحثی وجود ندارد و باید بپذیریم که بسیار ساده‌لوحانه است که با خودمان فکر کنیم مقابل این تیم‌ها شانس خواهیم داشت. اسپانیا با انبوهی از ستاره‌ها و پرتغال با رونالدو که در حال حاضر کیفیت فوتبالش با انبوهی از ستاره‌ها برابری می‌کند به طور حتم تیم‌های وحشتناکی برای ما خواهند بود و ما فقط باید سعی کنیم مقابل اینها آبرومندانه بازی کنیم. با همه اینها باید از کی‌روش و تیمش تشکر کنیم که قاطعانه به جام جهانی رفتند. هر چند طی سال‌های اخیر ۵ تیم از آسیا به جام جهانی می‌روند و مثل سال‌هایی نیست که فقط دو تیم از آسیا به جام جهانی راه پیدا می‌کرد. اگر



کافی است فوتبال مان را با فوتبال سطح اول دنیا مقایسه کنیم. در این صورت متوجه می‌شویم که نباید سطح انتظارات مان از تیم ملی را بالا ببریم. اما شاید عده‌ای بپرسند چه زمانی قرار است از تیم ملی مان انتظار داشته باشیم که حتما از گروه خودش در جام جهانی صعود کند؟ باید عرض کنم ما برای پیشرفت کردن در فوتبال باید شرایط خاصی داشته باشیم. فوتبال ما باید از لحاظ ساختاری توسعه پیدا کند. زیرساخت‌هایی شکل بگیرد که فوتبال ما بتواند مسیر بهتری را برای رسیدن به موفقیت طی کند و فدراسیون فوتبال ما باید کارهای زیربنایی انجام بدهد. استادیوم‌های ما باید شرایط بسیار بهتری داشته باشند. تعداد استادیوم‌هایی که ما به آن استاندارد می‌گوییم باید افزایش پیدا کند. در همین حال باید فوتبال ما به سمت وسویی برود که فوتبال پایه را به شدت حمایت کند. تیم‌های ملی پایه ما باید بتوانند طی چند سال برنامه‌ریزی دقیق و حرفه‌ای به بلوغ فکری و تاکتیکی برسند. در این صورت می‌توانیم امیدوار باشیم که حالا زیرساخت‌هایی به وجود آمده که می‌توانیم تیم ملی بزرگسالان قدرتمندی داشته باشیم. باید سال‌ها تمرین و تلاش و ممارست کرد تا بتوانیم امیدوار باشیم تیم ملی مان در جام جهانی بتواند تنه به تنه بزرگان فوتبال جهان بزند. تیم‌های بزرگ دنیا را نگاه کنید. همین مسیر را طی کرده‌اند. آنها همین طوری و با چاشنی شانس نیست که در رنکینگ فیفا جایگاه‌های برتر را سال‌ها است از آن خود کرده‌اند. آنها تلاش کرده‌اند. برنامه‌ریزی کرده‌اند. حالا اگر ببینیم و به فوتبال مان نگاه کنیم باید به برنامه‌ریزی فوتبال خودمان نگاهی داشته باشیم. باید بازی‌های تدارکاتی و مفیدبودن این بازی‌ها را بررسی کنیم. باید وضع مدیریتی فوتبال ایران را مورد نقد و بررسی قرار بدهیم. باید وضعیت برگزاری و کیفیت مسابقات لیگ فوتبال ایران را موشکافانه بررسی کنیم. همه اینها را اگر بررسی کنیم متوجه می‌شویم که کار مفیدی صورت نگرفته و حرکت رو به جلویی در این زمینه‌ها وجود ندارد که باعث امیدواری مان شود. وقتی نمی‌توانیم لیگ خودمان را با لیگ‌های بزرگ دنیا مقایسه کنیم به طور طبیعی حق نداریم تیم ملی مان را تیم‌های بزرگ و مطرح دنیای فوتبال مقایسه کنیم. من به عنوان یک مربی فوتبال آنجایی دلم می‌سوزد که می‌بینم کشور ما اتفاقا کشور ثروتمندی است اما در زمینه ایجاد زیرساخت‌های فوتبال هرگز کار مفیدی را انجام نداده است. با این حال همه ما امیدواریم که تیم ملی ایران در جام جهانی روسیه بتواند آبرومندانه ظاهر شود. باید به بازی‌های تدارکاتی تیم ملی اشاره کنم.

متأسفانه این بازی‌ها هرگز نتوانست به ما کمک کند. بازی با تیم‌هایی که ایدایی در معادلات قدرت در سطح اول فوتبال دنیا ندارند، نمی‌تواند کیفیت تیم ملی ما را نشان دهد. نمی‌تواند به ما کمک کند که بدانیم چقدر قدرت داریم یا چقدر ضعف داریم. چون اصلا به طور جدی محک نخوردیم. ما در جام جهانی سه بازی بسیار سخت پیش‌رو داریم. علیرغم همه خوش‌بینی‌ها من متقدمم که ما در هر سه بازی شکست خواهیم خورد. البته کی‌روش



چاشنی شانس را نادیده بگیریم و بپذیریم که صعود قاطعانه کار بزرگی بود که کی‌روش و شاگردانش انجام دادند آن وقت بیش از هر چیز دیگری به این فکر می‌کنیم که باید در جام جهانی سطح انتظارات مان از تیم ملی ایران را با توانمندی این تیم تطبیق بدهیم.

بازی‌های تدارکاتی تیم ملی اما این روزها مورد نقد قرار گرفته که مایلیم درباره این موضوع اشاره‌ای داشته باشم. ببینید ما نباید روی توانمندی روابط بین‌المللی یا لایه مدیران فوتبال مان حسابی باز کنیم. آنها نمی‌توانند قدرت‌ش را ندارند که بازی‌های بزرگی برای تیم ملی تهیه

باید دفاعی بازی کنیم و چشم به ضد حمله‌ها داشته باشیم. در این صورت شاید بتوانیم امتیاز کسب کنیم. من بازی تیم دوم مراکش در جام ملت‌های آفریقا را دیدم. آنها بسیار قدرتمندند. من فکر می‌کنم تیم دوم مراکش هم توانایی این را دارد که ایران را شکست بدهد بنابراین نباید فکر کنیم چون نام این تیم مراکش است و چندان برای ما شناخته شده نیست، می‌توانیم این تیم را شکست بدهیم. با همه اینها فقط امیدواریم که تیم ملی بتواند آبرومندانه در جام جهانی روسیه ظاهر شود و حداقل با کسب امتیاز روسیه را ترک کند. ▶

نسبت به تیم ملی ناامید نیستم

نباید از تیم ملی مقابل اسپانیا و پرتغال انتظار بالایی داشته باشیم

◀ امیر حاج رضایی

کارشناس فوتبال



۴ فکر می‌کنم هر روز که می‌گذرد تب جام جهانی و بالطبع نگرانی‌ها و اضطراب‌ها برای تیم ملی شدت بیشتری به خودش می‌گیرد. به هر حال همه ما امیدواریم که تیم ملی فوتبال کشورمان بتواند در روسیه نتایج آبرومندانه‌ای را کسب کند. این روزها مساله‌ای که مورد توجه برخی قرار گرفته، بحث بازی‌های تدارکاتی تیم ملی است. معتقدم ما از بیرون گود به ماجرا نگاه می‌کنیم و به اندازه اطلاعاتی که از طریق رسانه‌ها به دست می‌آوریم، می‌توانیم درباره شرایط داخلی تیم ملی فوتبال کشورمان قضاوت داشته باشیم. بنابراین باید بپذیریم که سلسله مسابقات تدارکاتی شبیه کار یک نویسنده است که چک‌نویس‌هایی دارد و با ویرایش متن قصد دارد به متن نهایی برسد. کی‌روش و همکارانش قصد دارند در این مسیر تردیدهایی که نسبت به بازیکنان وجود دارد از بین ببرند، به جوان‌ترها در برخی پست‌ها بیشتر فرصت داده شود و نگرشی که در سیستم کاری وجود دارد بازنگری و تصحیح شود.

یکی از نکات بسیار مهم در آماده‌سازی تیم ملی فوتبال بازی با تیم‌های بزرگی باشد تا ملی‌پوشان ایران تجربه بین‌المللی به دست بیاورند. به هر حال در گروه سختی قرار داریم اما من ناامید نیستم و کار را تمام شده نمی‌دانم. در گروه سختی قرار گرفته‌ایم اما باید انگیزه و

روحیه لازم را در بین ملی‌پوشان ایجاد کنیم تا در میدان بین‌المللی برای نام و اعتبار ایران بجنگند.

همان‌طور که همه می‌دانیم ما به دلایلی نمی‌توانیم تیم‌های قدرتمند را در مقابل خودمان داشته باشیم. جامعه فوتبال از این علل آگاه هستند. اما نگاه من به مسابقات تیم ملی مثبت است. ما حرفان تدارکاتی داریم که با بازی برابر آنها کادر فنی می‌تواند به بخشی از اهدافش برسد. با این حال درباره هماهنگی دیدارهای تدارکاتی تیم ملی دو موضوع مهم وجود دارد: اول اینکه آیا ما پول لازم را برای دعوت از تیم‌های بزرگ داریم؟ دوم اینکه آیا روابط دیپلماتیک موثری برای تسهیل در رفت‌وآمد تیم‌های نامی وجود دارد یا خیر؟ به خاطر دارید که وقتی ستارگان فوتبال جهان یا ستارگان رئال مادرید به ایران آمدند چه برخوردهایی با آنها صورت گرفت. بالطبع نگرانی‌هایی وجود دارد و در این بخش نیاز داریم که دست به فرهنگ‌سازی بزنیم. در مورد مسائل مالی همه می‌دانیم که فدراسیون اخیراً به طور جدی به چالش کشیده شد و دلیل اصلی آن نیز مباحث مالی بود. پول‌های زیادی در این فدراسیون حیف‌ومیل شده است؛ حیف‌ومیل به این معنا که بابت عقد قراردادهایی که به نتیجه دلخواه منتج نشده غرامت‌های سنگینی پرداخت شده که این موضوع به نظرم به بی‌تدبیری آقایان برمی‌گردد.

با این حال فراموش نکنیم که محدودیت‌هایی علیه کشورمان وجود دارد. این موضوع قابل انکار نیست که دچار تنش‌هایی هستیم که باعث می‌شود خیلی از تیم‌های بزرگ از بازی با ما استقبال نکنند. این اتفاق کاملاً غیرفوتبالی است و نمی‌توان خرده‌ای به آن گرفت.

همه مردم که به خوبی می‌توانند اتفاقات فوتبالی را کارشناسی کنند، دچار این مقایسه می‌شوند که چرا تیمی مثل عربستان با بلژیک و ایتالیا باید بازی کند و ما سراغ سیرالئون برویم؟ آنها کاملاً حق دارند و نظرشان هم کاملاً درست بوده و به نظرم این نقد جدی به فدراسیون وارد است. در نتیجه بنده به عنوان عضو کوچکی از جامعه فوتبال قبول دارم که بازی‌های دوستانه در آستانه جام جهانی باید از دیدارهای آسان آغاز شود، به بازی‌های سخت برسد و در نهایت هم به بازی‌های آسان ختم شود. اما باید شأن و منزلت تیم ملی را هم در نظر گرفت.

دیدار با الجزایر و تونس دارای توجیه فنی است، سبک بازی آنها به رقیب ما و در نظر گرفتن شباهت‌ها و اشتراکات باعث می‌شود بازی با آنها دستاوردهای زیادی برای ما در پی داشته باشد اما در مورد انتقاد به سطح کیفی رقیب فدرالی تیم ملی با هواداران فوتبال موافقم.

بازی‌های تیم ملی در جام جهانی سخت است. این را همه می‌دانیم اما اگر در بازی نخست برابر یکی از تیم‌های قدرتمندی همچون پرتغال یا اسپانیا قرار می‌گرفتیم و ضربه سختی می‌خوردیم قاعدتاً در ادامه رقابت‌ها کار برایمان سخت‌تر می‌شد و شاید روحیه‌مان را کاملاً از دست می‌دادیم اما حالا که می‌خواهیم در بازی نخست برابر تیم ملی فوتبال مراکش بازی کنیم امیدوارم که به پیروزی برسیم. البته مراکش را به خوبی نمی‌شناسم چون مدت‌هاست که بازی آنها را ندیده‌ام. اما تا آنجایی که می‌دانم آنها نیز تیم خوبی هستند. اگر در بازی اول ضربه سنگینی نخوریم و روحیه‌مان را حفظ کنیم می‌توانیم در ادامه راه موفق‌تر باشیم. به نظر من روسیه اگر میزبان





فقط باید از تیم ملی حمایت کنیم

بازی‌های تدارکاتی مورد تایید کی‌روش بوده

کی‌روش اعتماد کردیم و نتیجه‌اش را دیدیم. نتیجه‌اش این شد که ما قاطعانه به جام جهانی روسیه صعود کردیم. به نظر بهتر است این اعتماد ادامه پیدا کند. او مربی بزرگ و کارکنش‌های است که می‌داند چه تصمیماتی به نفع تیم ملی ما است و کدام بازی‌ها می‌تواند به آماده‌سازی بهتر این تیم کمک کند.

بنابراین در شرایط کنونی بهتر است همه ما از تیم ملی و کی‌روش حمایت کنیم. فقط باید حمایت کنیم. اطمینان دارم که اگر این همدلی در بین اهالی فوتبال و مردم با تیم ملی به وجود بیاید شرایط بسیار بهتری را در روسیه تجربه خواهیم کرد. این راه به نفع ما تمام می‌شود. حتی اگر سختگیرانه به ماجرا نگاه کنیم باید ببینیم که برای تحلیل بهتر نقطه ضعف‌های تیم ملی و کی‌روش باید عملکرد این مربی و تیمش را تا پایان بازی‌های جام جهانی نگاه و با دقت بررسی کنیم که چگونه پیش رفته است.

در این صورت می‌توانیم تحلیل فنی درست و منصفانه‌ای داشته باشیم. فراموش نکنیم که تیم ملی در حال حاضر به موج مثبت نیاز دارد. ما استرالیا را با همین همدلی و موج مثبت شکست دادیم و تیم ملی ایران با آن شکل دراماتیک به جام جهانی رفت. این بار هم باید به تیم ملی روحیه و انرژی مثبت بدهیم تا بازیکنان و سرمربی تیم ملی با امیدواری قابل توجهی مقابل اسپانیا و پرتغال قرار بگیرند. باز هم فراموش نکنیم که نباید فقط ادای آدم‌های مثبت را در بیاوریم. از طرفی بگوئیم تیم ملی به حمایت نیاز دارد و از سویی دیگر برای این تیم حاشیه درست کنیم و نوک پیکان انتقادهايمان را هر روز علیه این تیم و سرمربی تیم ملی تیزتر کنیم. ▶

◀ میرشاد ماجدی

کارشناس فوتبال



من معتقدم در فاصله زمانی کوتاهی که تا شروع بازی‌های جام جهانی باقی مانده است باید شرایط را به نفع تیم ملی تغییر دهیم. فراموش نکنیم که ۲۰۰۶ جو خوبی همراه تیم ملی ما نبود. نتیجه‌اش آن شد که تیم ملی در بازی‌های جام جهانی نتوانست از همه توانمندی‌هایش بهره‌برد. اصلا روحیه مبارزه نداشت.

بنابراین معتقد قبل از هر چیز باید به تیم ملی کمک کنیم که از لحاظ روحی در بهترین شرایط ممکن قرار بگیرد. من هم مثل خیلی از کارشناسان و مربیان عزیزی که نقطه نظرات خاص خودشان را دارند اعتقاد دارم که ضعف‌هایی وجود دارد که باید به مرور رفع شود اما اگر در جای نامناسب و در زمان نامناسب درباره این نقطه ضعف‌ها صحبت کنیم نه تنها به تیم ملی فوتبال کشورمان کمکی نکرده ایم بلکه باعث شده ایم حجم وسیعی از حاشیه‌ها و به هم ریختگی‌ها تیم ملی ما را در آستانه شروع بازی‌های جام جهانی در بر بگیرد. حاشیه‌هایی که بارها شاهد بوده‌ایم که چگونه تیم ما را به شکست رسانده است.

از طرفی فراموش نکنیم که بازی‌های تدارکاتی تیم ملی مورد تایید کی‌روش بوده است. اگر این بازی‌ها به هر دلیلی نمی‌توانست برای تیم ملی و روند آماده‌سازی این تیم کمکی کند قطعاً کی‌روش با آن مخالفت می‌کرد. ما به

نبود، قطعاً در سید یک قرار نمی‌گرفت. آنها تیم قدرتمندی نیستند. بنابراین عربستان در بهترین گروه ممکن قرار گرفته است، اما در مورد گروه ایران نیز باید این را بگوئیم که اگر نسبت به تیم ملی غیرمنطقی و غیرمنصفانه باشیم و حرف‌های غیرمنصفانه را بخواهیم بگوئیم نباید این انتظار را داشته باشیم که انتقادات مان تاثیر داشته باشد. من معتقدم که باید به منتقد منصف احترام گذاشته شود، ولی کسانی که انتقادات غیرمنصفانه‌ای را مطرح می‌کنند نباید برای حرف‌شان ارزشی قائل شد. اما نکته حائز اهمیت دیگری که درباره تیم ملی فوتبال ایران وجود دارد این است که ما از نظر روانی فشاری رویمان نیست که این خیلی نکته مهمی است.

با همه اینها باز هم لازم است که تاکید کنیم انجام بازی‌های تدارکاتی برای شناخت بیشتر کادر فنی از بازیکنان صورت می‌گیرد. تجربه‌ای که از آقای کی‌روش کسب کردیم ما را به این نقطه می‌رساند که او تاکنون حدود ۱۵ بازیکن را شناخته است و می‌خواهد مابقی بازیکنانی را که روی انتخاب آنها شک دارد، بسنجد.

عملکرد تیم ملی را نمی‌توان یک دیدار تدارکاتی سنجید. باید به این تیم زمان داد تا بدین راه و روشی که آقای کی‌روش برای تاکتیک تیم ملی در جام جهانی در نظر گرفته است چگونه خواهد بود. شاید او همچون مربیانی نظیر مورینیو و سیمئونه می‌خواهد با تاکتیک دفاعی به نتیجه لازم برسد. برخی مربیان مثل مورینیو نظرشان کسب نتیجه به هر قیمتی است و پیروزی را به بازی زیبا و هر چیز دیگری ترجیح می‌دهند. باید دید کی‌روش چه روشی را در ادامه فاصله کمی که تا جام جهانی باقی مانده است در نظر خواهد گرفت.

از طرفی این را هم باید بگوئیم که نباید انتظار بیجا برای طرفداران فوتبال کشورمان ایجاد کنیم که باید و تحت هر شرایطی به دور دوم برسیم. به خصوص که حریفان ما اسپانیا، پرتغال و مراکش هستند؛ تیم‌هایی که بسیار سخت و قدرتمندند. ▶



این روزها مفهوم روزها هجوم خبرهاست، ما مثل مشت‌زانی شده‌ایم که در گوشه‌رینگ ایستاده‌ایم و خبرها پشت سر هم ضربات را وارد می‌کنند، بعضی خبرها مشت‌های سنگین هستند که حتی بیم ناک‌اوت شدن را با خود حمل می‌کنند، بعضی‌ها مشت‌های سبک و گذرا و بعضی‌ها به نوازشی شبیه هستند، خنک و دوست‌داشتنی... روزهای هفته بر ما چگونه می‌گذرد؟ مرور می‌کنیم بخشی از روزهای هفته را با روایت و عکس مثل یک دفترچه خاطرات نه مثل یک دفتر اسناد رسمی؛ خبر را نمی‌خوانیم؛ زندگی می‌کنیم....



تجربه تلخ موشک

برای نسلی که در دهه ۶۰ تجربه موشکباران زمان صدام را داشته است، همین که صبحش را با خبر حمله موشکی دونالد ترامپ و دوستانش به سوریه شروع می‌کند، خاطرات تلخی از روزگار رفته در مقابل چشمانش رژه می‌رود؛ خاطراتی که در آن ترس حرف اول بود و حرف آخر... برای همین است که شاید بیشتر از بقیه حال امروز کودکان سوریه را درک می‌کنیم، کودکانی که با هر صدایی باید بترسند، شاید که معنای هر صدا، هر انفجار نبودن یکی از اعضای خانواده‌شان باشد، آنهایی که با صدای بمب بزرگ شده‌اند، برایشان حمله و نامحدود خیلی فرق نمی‌کند....

این هفته، هفته بسیار خوبی برای لژیونرهای فوتبال ایران در اروپا بود، علیرضا جهانبخش کاری را کرد که به آن عادت دارد یعنی یک گل قشنگ دیگر زد، کاوه رضایی هم که یک پنالتی برای شالروا را وارد دروازه کرد، سردار آزمون که مدت‌ها افت کرده بود، این هفته به تیم سعید عزت‌الهی دو گل زد مثل هفته قبل، رضا قوچان‌نژاد هم یک گل سهم داشت، کار کارلوس کی‌روش برای انتخاب دارد سخت می‌شود. ▶

شارلیز ترون، بازیگر معروف هالیوود که موفق به کسب جوایز متعدد از جمله اسکار شده، محیط آمریکا را بعد از ترامپ برای فرزندان سیاهپوستش مناسب نمی‌داند. او که اصلیت آفریقای جنوبی دارد و دو فرزند سیاهپوست را به فرزندپذیری قبول کرده در این باره گفته: «بزرگ‌شدن در دوران آپارتاید در آفریقای جنوبی مرا خیلی نسبت به برابری انسان‌ها حساس کرده است. نمی‌خواهم بچه‌هایش احساس ناامنی کنند.»

شنبه

یکشنبه

بازگشت زمستان

دوشنبه

غافلگیری خیلی حس خوبی است، شاید یکی از بهترین حس‌های جهان! مثل کسی که تصور می‌کند تولدش از یادش رفته و وقتی وارد خانه می‌شود به یکباره می‌بیند که همه در یک اتاق جمع شده‌اند تا او را غافلگیر کنند، آسمان ایران هم بعد از آن گرمای وحشتناک اوایل فروردین، به یکباره مارا از کابوس خشکسالی نجات داد و یک شکم سیر پارید.

بارش باران، گاهی به شکل توفان تندی، گاهی با رگبار و رعدوبرق و وزش تندباد لحظه‌ای و در نقاطی به شکل تگرگ آب و هوایی بود که کیفیت هوا را در ۱۹ شهر در وضعیت پاک و در ۹ شهر سالم قرار داد، وضعیت هوا به گونه‌ای بود که اگر کسی تقویم دم‌دستش نبود می‌توانست بنویسد: «وینتر ایز هیر!»

خبر اینکه توافقنامه‌ای میان فدراسیون فوتبال و بنیاد رودکی برای تهیه سرود تیم ملی در جام جهانی امضا و قرار شد سه کار برای تیم ملی آماده شود. کار نخست، با خوانندگی سالار عقیلی و آهنگ‌سازی بابک زرین و شعری از احسان افشاری خواهد بود. دومین کار با اجرای علیرضا قربانی، شهرداد روحانی در مقام آهنگساز و رهبر ارکستر سمفونیک و با شعر ساعد باقری ساخته می‌شود. سومین کار هم اثر فریدون شهبازی آهنگساز و با شعر عبدالجبار کاکایی ساخته می‌شود اما خواننده آن هنوز مشخص نشده است. ▶

خدا حافظی با یوز



خدا حافظ یوز عزیز! بعد از چند سال نسل یوز ایرانی لااقل روی پیراهن تیم ملی نسلش منقرض شد، هدایت‌الله ممینی که در زمان داوری درس بازاریابی می‌دید، اعلام کرد که به دلیل نبودن وقت لازم نمی‌شود روی پیراهن تیم ملی طرح کشید و برای همین پیراهن تیم ملی همین‌طور خالی سفید می‌شود؛ خالی خالی... این پیراهن حرف و حدیث زیاد دارد اما خلاصه‌اش این می‌شود که ما رفتیم فروشگاه آدیداس گفتیم: «آقایا چند تا پیراهن می‌خواهیم، آخرش چقدر تخفیف می‌دهی تا ببرییم؟». معاون سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آمار سفر خارجی در کشور را این گونه ارائه کرد: «گردشگر ورودی سالانه کشور ۵ میلیون و خروجی ۹ میلیون است که از این تعداد گردشگر خروجی، ۴،۵ میلیون به سفرهای زیارتی اختصاص دارد. در ایام نوروز ۱۹ میلیون گردشگر داخلی و یک میلیون خارجی داشتیم.»

خوشبختانه تئاتری‌ها هم بعد از یک دهه بالاتکلیفی صاحبخانه شدند. هر چند وعده بازگشایی این خانه به ۱۰ سال گذشته برمی‌گردد، اما این اتفاق خوب در نهایت به ثمر نشست و سرانجام با وجود همه دوندگی‌ها و پیگیری‌ها و البته خلف وعده‌ها، جامعه تئاتر صاحبخانه شدند. بسیاری از تئاتری‌های قدیمی و البته جوان‌ترها در روز بازگشایی این خانه حضور داشتند. امسال هیات داوران جایزه عکس وردپرس، عکس «رونالدو اسمیت» با عنوان «بحران ونزولا» را شایسته دریافت این جایزه تشخیص دادند. در این عکس «خوزه سالازار بالزا» ۲۸ ساله در درگیری با پلیس در کاراکاس در شعله‌های آتش می‌سوزد. سالازار بر اثر انفجار بنزین باک یک دستگاه موتورسیکلت دچار حریق می‌شود که پس از این حادثه با شدت سوختگی درجه یک و دو از مرگ نجات می‌یابد. ▶

حال دریاچه ارومیه



اگر حال دریاچه ارومیه برایتان مهم است، این جملات را به نقل از خبرگزاری ایسنا بخوانید؛ طبق آخرین آمار تا هشتم فروردین ماه سال جاری، تراز دریاچه ارومیه برابر با یک هزار و ۷۰۰/۲۷۰ بوده است که حدود چهار متر از تراز نرمال پایین تر است، در مقایسه با اول سال آبی ۹۵_۹۶، تراز سطح آب دریاچه حدود ۴۰ سانتی متر افزایش یافته که افزایش ۴۰ میلی متری بارندگی در این میان بی تأثیر نبوده است. وسعت دریاچه ارومیه نیز در حال حاضر برابر با دو هزار و ۲۳۰ کیلومتر مربع بوده و این در حالی است که وسعت نرمال برابر با چهار هزار و ۷۵۲۶ کیلومتر مربع است. «برندگان نهایی جایزه معتبر پولیتزر هم در بخش های گوناگون اعلام شد. جایزه بخش ادبیات داستانی به رمان «کمتر» نوشته «اندرو شین گریر» رسید و «جیمز فورمن» نیز به عنوان برنده جایزه بخش ادبیات غیرداستانی برای کتاب «زندانی کردن خویشتن: جنایت و مکافات در سیاهپوستان آمریکا» معرفی شد. در بخش

نمایشنامه «هزینه زندگی» نوشته «مارتینا ماچوک»، در بخش تاریخ «خلیج؛ ایجاد دریای آمریکا» اثر «جک ای. دیویس» و در بخش زندگی نامه «آتش های چمنزار» به قلم «کارولین فریسی» موفق به کسب جایزه پولیتزر در سال ۲۰۱۸ شدند. جایزه بخش شعر نیز به «نیمه روشن» مجموعه شعر بین سال های ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۶ از «فرانک بیدارت» رسید. یک اتفاق عجیب در دنیای فوتبال سه شنبه تیتتر خبری بود. در دیدار ماینتس و فرایبورگ در بوندسلیگا آلمان گویندو وینکمن مرد اول این بازی بود و یکی از بحث برانگیزترین تصمیمات تاریخ فوتبال را از طریق فناوری بازیابی تصاویر (VAR) گرفت. در آخرین لحظه نیمه نخست بازیکنان میزبان سانسور کردند که توپ به دستان بروسینسکی (مدافع فرایبورگ) برخورد کرد. داور هیچ خطایی اعلام نکرد و سوت پایان نیمه اول را زد اما با هشدار تیم فناوری بازیابی تصاویر روبه رو شد؛ این اتفاق زمانی رخ داد که بازیکنان دو تیم در توپل رختکن بودند.

دنیای مجازی



روایت علیرضا غزوه از حاشیه های سفر رهبر معظم انقلاب به کرمان



روایت نادر طالبزاده از شهید مرتضی آوینی



سوال مهم محمود رضوی از شهید آوینی



روایت محسن تنابنده از اتمام پایتخت

سربازان وطن



نیروهای مرزبانی میرجاوه دوشنبه شب با اشرار و گروهکی تروریستی درگیر شدند که در این عملیات دو مرزبان و دو بسیجی به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. تشییع این شهدا چهارشنبه از مهدیه مشهد به سمت حرم مطهر رضوی برگزار شد. این درگیری در بخش مرزی ریگ ملک شهرستان میرجاوه ۸۹ کیلومتر فاصله باسگاه چاه لشکر رخ داد. بعضی آمارها آدم را آزار می دهد، مثلا وقتی این جمله ها را می خوانی به این فکر می کنی که چقدر تلخ است و چقدر می تواند افسوس خورد. مثال می خواهید؟ مثلا همین که می خوانی؛ امید علی پارسا رئیس مرکز آمار ایران گفت: «۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بیکار مطلق و حدود ۲ میلیون اشتغال ناقص داریم که به دنبال شغل تمام وقت هستند. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۶، نرخ بیکاری ۱۲/۱ درصد و سهم اشتغال ناقص از اشتغال کشور ۱۰/۴ درصد بوده است.» برنامه

نمایش فیلم های سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم فجر به صورت رسمی از امشب چهارشنبه ۲۹ فروردین با اکران فیلم «آن سوی ابرها» به کارگردانی مجید مجیدی آغاز شد. فیلم مجید مجیدی محصول کشور هندوستان است که برای نخستین بار در ایران در سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم فجر اکران شده است. یک خبر خوب هم اینکه امور خیریه باشگاه لیورپول، لباس رسمی این باشگاه را برای یک تورنمنت خیرخواهانه که در ایران برگزار می شود، ارسال کرد. به گزارش سایت لیورپول اکو، مهدی مهدوی کیا، اسطوره فوتبال ایران که در تیم هایی همچون هامبورگ و آینتراخت فرانکفورت بازی کرده است، تورنمنت خیریه ای را تدارک دیده که در آن تیم آکادمی «کیا» در تهران در کنار ۳۰۰ نوجوان به میدان می روند. این تورنمنت خیرخواهانه برای کمک به زلزله زدگان کرمانشاه تدارک دیده شده است.



تکذیب شجره‌نامه ادعایی نشریه تایمز



نشریه تایمز در خبری عجیب و غریب به نقل از یک نشریه مراکش مدعی شد که ملکه الیزابت احتمالا از نوادگان رسول گرامی اسلام (ص) است.

این نشریه که سندی برای طرح این ادعای عجیب و غریب خود ارائه نکرده سلسله این شجره را با شمارش ۴۰ نسل، از طریق برخی پادشاهان اسپانیا به حضرت امام حسن مجتبی (ع) و سپس به رسول گرامی اسلام (ص) ربط داده است. نخستین بار این ادعای عجیب در سال ۱۹۸۶ توسط شجره‌شناسی به نام پیرازه مطرح شد که ملکه الیزابت را به پادشاه مسلمان اسپانیا در قرن هفتم و از طریق او به خاندان پیامبر گرامی اسلام (ص) ربط داده بود که همان زمان هم کسی آن را جدی نگرفت.

وبگاه انگلیسی «هیستوری» در این خصوص می‌نویسد: «بروکس-بیکر ملکه الیزابت را از طریق زانده اندلسی به حضرت محمد (ص) متصل می‌کند. زانده اندلسی، شاهدختی مسلمان در قرن ۱۱ میلادی بوده است که به مسیحیت روی آورد و صیغه شاه آلفونسوی ششم، از سلسله خیمنز شد. با وجود این، معلوم نیست که زانده واقعا با پیامبر اسلام نسبت داشته است یا خیر.»

حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی رجایی، رئیس پژوهشکده انساب قم درباره این ادعا گفته است: «شجره‌نامه سیادت ملکه الیزابت جعلی است. باید مرکز «دارالافتاب» زیر نظر ولایت فقیه و مراجع تقلید تأسیس شود و جلوی ادعاهای کاذب گرفته شود. شجره‌نامه‌ای که برای ملکه انگلستان تهیه شده، بسیار ناشیانه جعل شده است؛ چرا که شجره‌نامه از حیث نسب باید حداقل در حدود ۴۲ نفر باشد، حال آنکه این شجره‌نامه ساختگی این گونه نیست. این مساله تازه نیست و از قدیم برای افراد ظالم و خبیثی همچون صدام حسین در عراق و قذافی در لیبی نیز کتگره‌هایی مبنی بر ادعای سیادت برگزار می‌شد و اگر امروز جلوی این گونه هتجارشکنی‌ها گرفته نشود در آینده افراد خونریز و ظالم دیگری نیز به دروغ به عنوان سادات و ذریه اهل بیت (ع) جعل می‌شوند.»

سرمایه پاک دغدغه‌های اقتصادی آیت‌الله جوادی آملی

ایشان در ادامه اشتغال زایی و رونق تولید داخلی مبتنی بر مدیریت عقلانی و علمی را مورد تأکید قرار دادند: «فرهنگ اقتصادی مردم باید رشد کند تا سرمایه‌های خود را در بخش تولید داخلی و اشتغال گذاری کنند.» آیت‌الله جوادی آملی در بخش دیگری از سخنان خود مسئولان کشور را به وحدت و پرهیز از اختلاف توصیه کرد: «حضرت امیر علیه السلام صراحتا می‌فرماید هیچ کس در امت رسول خدا (ص) نیست که به اندازه من مردم را به وحدت دعوت کرده باشد. من بر اساس سنت الهی می‌گویم هیچ ملتی در طول تاریخ از گذشته‌الی یوم القیامه با اختلاف به جایی نرسیده است.»

آیت‌الله جوادی آملی همچنین در جلسه درس تفسیر خود که به تفسیر آیات ابتدایی سوره مبارکه جمعه اختصاص داشت هم به گونه‌ای به دغدغه‌های خود در همین زمینه پرداختند: «من یاد ندارم که ذات اقدس الهی در قرآن از شیطان به عنوان محارب یاد کند! مخالف هست، مستکبر هست، نظری در برابر نظر الهی معاذالله دارد، اما محارب نیست. اما قرآن فرمود بانک‌های روی محارب هستند، رباخوار محارب است؛ اینکه می‌بینید هر روز اقتصاد فلج است همین است. محقق شدن شعارهایی مانند تولید، اشتغال و حمایت از کالای ایرانی؛ تنها با سرمایه‌های پاک میسر است و تا تولید با سرمایه‌های پاک نباشد این شعارها ممکن نمی‌شود. سرمایه‌ریوی محاربه با خداست. ربا نه با غسل پاک می‌شود نه با غسل پاک می‌شود. این ﴿تَطَهَّرْهُمْ﴾، این ﴿يَزَكِّيهِمْ﴾ مال همین است. فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ﴾، این ﴿يَزَكِّيهِمْ﴾ اختصاصی به آیات سوره مدنی ندارد.»

«قرآن که یک کتاب جهانی است و ادعای مدیریت و اداره جهان را دارد در رابطه با اقتصاد می‌گوید که ثروت جامعه نباید مانند آنچه در حکومت‌های سوسیالیستی است در دست دولت باشد و نباید مانند آنچه در کاپیتالیسم غرب است در دست سرمایه‌داران باشد و حتی نباید خصوصی باشد، بلکه باید در دست عموم مردم باشد و هرکس بنا بر استعدادش آن را در اختیار داشته باشد.» این بخشی از جملات آیت‌الله جوادی آملی و دغدغه‌های اقتصادی-اجتماعی ایشان است که در گفت‌وگو با علی لاریجانی، ریاست مجلس مطرح کردند. ایشان در ادامه به بسط این سخنان پرداختند: «طبق بیان قرآن کریم، ربا و بانکداری روی باعث آبروبری است که ما به آن دچار هستیم، از طرف دیگر سرمایه‌های کشور با سوءمدیریت به بخش مسکن هدایت شد که نتیجه و حاصل آن تولید مسکن‌های انبوهی است که خالی افتاده‌اند. قرآن کریم از کسی که ندارد است به «فقیر» یاد می‌کند؛ فقیر یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است و قدرت قیام ندارد! چنین کشوری نمی‌تواند اقتصاد مقاومتی داشته باشد، بیان قرآن این است که کسی که حبیبش خالی است اهل املاق و تملق خواهد بود. آنکه روسری خود را بر سر چوب می‌کند با قرآن مخالف نیست، بلکه با این شرایط کشور مخالف است. بی‌بغیر فرمود کشوری که مشکل مالی داشته باشد، دینش در خطر است! این را بی‌بغیری می‌فرماید که سه سال را در شعب ابطال گزارنده، در نتیجه این دعای حضرت برای مردم جامعه است که از خدای خواهند بین مردم و نان مردم فاصله نیندازد. بنابراین اگر سهل‌انگاری در بخش‌های مدیریتی و اقتصادی کشور صورت بگیرد آسیب‌دیدن دین مردم قطعی است!»

آقای ایکس

چه کسی مجری برنامه ۷ می‌شود؟

جیرانی، محمود گبرلو و بهروز افخمی همراه بوده و بعد از اجرای افخمی دیگر نتوانست به صورت منسجم به بخش بازگردد. سال گذشته نیز بعد از همه رابرتی‌ها و تشکیل جلسات مدیران، «هفت» توانست با حضور رضا رشیدپور آن هم فقط در ایام جشنواره فیلم فجر و در ۱۰ روز روی آنتن برود.

در حال حاضر گروه تولیدی این برنامه نیز از اتفاقات جدید خبر ندارند. معمولا هم مهم‌ترین چالش این برنامه همیشه انتخاب مجری بوده و بعد از مشخص شدن مجری، باقی مسائل تولید حل شده است. باید دید این بار چه کسی بر صندلی «هفت» تکیه خواهد زد و آیا انتخاب مجری به قبل از ماه رمضان خواهد رسید یا خیر؟

برنامه «هفت» آخرین بار همزمان با سی و ششمین جشنواره فیلم فجر روی آنتن شبکه سوم سیما رفت که با اجرای رضا رشیدپور همراه بود و حاشیه‌هایی را هم به دنبال داشت. حالا مدیران سیما دوباره در پی آن هستند که «هفت» را به تولید برسانند. ناصر کریمان، مدیر گروه اجتماعی شبکه ۳ سیما وعده داده که تلاش‌ها بر این است که «هفت» جدید قبل از ماه رمضان به آنتن شبکه ۳ برسد.

«هفت» که می‌توان گفت پرحاشیه‌ترین و البته مهم‌ترین برنامه سینمایی تلویزیون است طی دوره‌های مختلف با چالش‌ها و حاشیه‌های زیادی روبرو شده است. این برنامه در ۳ فصل خود با اجرای فریدون



گذری در تاریخ رونمایی از کتاب علی اکبر صالحی

دارد که او خیلی دوست داشت کتاب خاطراتش تعداد بزرگ تری از اوراق را تشکیل می‌داد. آیین رونمایی از کتاب «گذری در تاریخ» خاطرات علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان، با حضور تعدادی از چهره‌ها در دفتر مطالعات وزارت امور خارجه برگزار شد. در این مراسم، پهلوی کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی، حسن قشقاوی، مشاور وزیر امور خارجه، اشرف بروجردی رئیس کتابخانه ملی و بهجت قاسمی، همسر شهید دکتر شهرداری (دانشمند هسته‌ای) حضور داشتند. صالحی در این مراسم نگاهش به نوشتن کتاب را این گونه تعریف کرد: «وقتی می‌خواهیم کتابی بنویسیم باید حقیقت را آن گونه که هست بیان کنیم و باید فرهنگ خود را به گونه‌ای تغییر دهیم که بیان برخی حرف‌ها اشکالی نداشته باشد. من معتقدم اگر تاریخ تبدیل به روایت و داستان شود ماندگاری آن در ذهن آحاد جامعه هم بیشتر می‌شود.» رئیس سازمان انرژی اتمی نقبی هم به زمانی که به عنوان وزیر خارجه شد زد: «زمانی که من وارد وزارت خارجه شدم، شرایط امن و امان بود و تنها پرونده مهم پرونده هسته‌ای بود. می‌گفتند صالحی قرار است در بحث هسته‌ای راهگشایی کند اما یک هفته بعد حوادثی مثل تونس، مصر و لیبی رخ داد. یکی از

«در فرهنگ شرقی می‌گویند چیزهای منفی را در خاطرات ننویسید، مثلاً من اول ابتدایی مردود شدم چون مدرسه را دوست نداشتم. زمانی که پدر بزرگم من را به مدرسه می‌برد با او راه نمی‌رفتم من را روی زمین می‌کشید. آن موقع منزل مانزدیک بازاری در کاظمین بود و مدرسه رفتن مرسوم نبود، چیه‌ها در بازار کار می‌کردند و انعام می‌گرفتند، من هم می‌خواستم انعام بگیرم. به من گفتند اینها را در خاطرات ننویس. من به پدرم گفتم می‌خواهم سیگار بفروشم، البته در کتاب سیگار را حذف کردند! گفتند بگو می‌خواهم جنس بفروشم ولی من می‌خواستم سیگار بفروشم. آن موقع سیگار چیز پدی نبود، همه شخصیت‌های مطرح سیگار می‌کشیدند و این شاخصه اجتماعی بود، اما الان بد شده است. نوشتن خاطرات سیاسی پیچیده‌تر از خاطرات شخصی است، یک سری از امور را شاید نشود تا آخر عمر بیان کرد و در سینه می‌ماند. در دنیا هم اسرار سیاسی را نمی‌نویسند. مثلاً فلان کشور متخاصم حرفی در مورد ما زده که درست و بحق بوده اما نمی‌توانیم آن را بگوییم.» این جملات علی اکبر صالحی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی در روز رونمایی کتاب خاطراتش نشان از آن

بزرگان به من می‌گفت چقدر خوشقدم بودی کاش زودتر می‌آمدی. «مونسان، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز در این مراسم گفت: «آقای صالحی عالم شریفی است و مقام معظم رهبری راجع به ایشان فرمودند که جنس ایشان متفاوت از بقیه است.» سجادپور، مشاور وزیر امور خارجه هم در این مراسم گفت: آنچه ایران را ساخته نه سیاستمداران ماجراجو بلکه بوروکرات‌های ایرانی بودند و آقای صالحی به عنوان یک دولتمرد در سیاست خارجی ایران به یاد می‌ماند. البته کتاب آقای صالحی همه چیز را پوشش نمی‌دهد اما کسی هم نمی‌تواند بدون خواندن این کتاب بفهمد که سیاست خارجی ایران چگونه است.» ▶

سرمربی جوان بایرن

نیکو کوچا جانشین هاینکس شد

در حالی که نام گزینه‌هایی مثل پوچتینو و یورگن کلوپ برای جانشینی یوپ هاینکس مطرح شده بود، انتخاب نیکو کوچا باعث شگفتی همگان شد. اینکه باشگاه بایرن تصمیم گرفت به سرمربی کم تجربه‌ای مثل کوچا، چنین فضایی برای کار کردن بدهد توسط هیچ کس قابل پیش بینی نبوده است. حسن صالح حمیدزیچ، مدیر ورزشی بایرن مونیخ تأیید کرد این باشگاه پنجشنبه گذشته بر سر امضای قرارداد ۳ ساله با نیکو کوچا به توافق رسیده است. کوچا که در دوران فوتبالش پیراهن تیم‌هایی مثل هرزتابلین، بایرلورکوزن، هامبورگ و بایرن مونیخ را به تن کرده، مربیگری را در آکادمی ردبول سالزبورگ اتریش آغاز کرد. وی اولین تجربه حرفه‌ای‌اش را در تیم جوانان کرواسی سپری کرد و سپس به تیم ملی کرواسی به جام جهانی ۲۰۱۴ رفت اما در این تورنمنت نتوانست از گروهش صعود کند. صالح حمیدزیچ، مدیر ورزشی بایرن مونیخ در واکنش به حضور نیکو کوچا در بایرن مونیخ گفت: «بسیار خوشحالیم که نیکو کوچا را به عنوان سرمربی انتخاب کردیم، او برای بایرن مونیخ بازی کرده و شخصیت و ماهیت باشگاه را می‌شناسد. ما به این باور رسیدیم که او فرد مناسب برای هدایت تیم است.» ▶



اوج پایتخت

سیروس مقدم مردم را مالک پایتخت دانست

پس از پایان پخش سریال «پایتخت ۵» که نوروز امسال از شبکه یک پخش شد و مورد استقبال مخاطبان نیز قرار گرفت، مراسم تقدیر از عوامل این مجموعه از سوی سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد. مرتضی میرباقری، معاون سیما، احسان محمد حسینی، رئیس سازمان هنری رسانه‌ای اوج، علیرضا برازش، مدیر شبکه یک سیما و فضل الله شریعت پناهی، مدیر گروه اجتماعی، حبیب الله والی نژاد مدیر سریال سازمان اوج از جمله مدیرانی بودند که در این سریال حضور داشتند.

احسان محمد حسینی، رئیس سازمان رسانه‌ای اوج درباره ساخت این سریال گفت: «تیم پایتخت به خوبی نشان داد که می‌توان در این خاک مهربان ماند و کارهای موفقی انجام داد که جامعه به هنر ایرانی و اسلامی خود افتخار کند.» رئیس سازمان رسانه‌ای اوج همچنین گفت: «سازمان اوج با پول، اثری را تولید نمی‌کند، بلکه این آثار محصول دل است. بسیاری از موسسات دیگر نیز پول دارند اما باید بدانیم که پول اثر هنری نمی‌سازد و دوستان اوج با دلشان پای کارها ایستاده‌اند.» سیروس مقدم، کارگردان سریال «پایتخت» در ابتدای صحبت‌های خود با درآوردن کلاه و کاپشنش با حضار شوخی کرد و گفت: «من نه نماینده موساد و نه جاسوس هستم.»

مقدم در ادامه به حاشیه‌های فصل پنجم سریال پایتخت اشاره کرد: «سریال پایتخت دیگر متعلق به من، آقای تنابنده، اوج، صدا و سیما و... نیست، بلکه متعلق به مردم است و چنان قدرتی دارد که می‌تواند تعیین کند آیا ادامه دار باشد یا نه. این سریال می‌تواند حرف‌هایی را بزند که شاید در جاهای دیگر امکان گفته شدن آنها نباشد.» سریال «پایتخت ۵» ساخته نمی‌شد مگر با حمایت‌های مادی و معنوی سازمان اوج. حمایت مادی یعنی پول و فراهم کردن امکاناتی که شاید نمی‌توانستیم به غیر از این آنها فراهم کنیم و حمایت مادی یعنی ۵۰ فیلم مستند درباره اوج، خاطرات فرماندهان جنگ با داعش و مشورت با افرادی که این موضوع را تجربه کرده بودند.»

محسن تنابنده هم در سخنانی گفت: «وقتی پروژه‌ای به فصل پنجم می‌رسد، برخلاف آنچه عده‌ای تصور می‌کنند کار بسیار سخت‌تر می‌شود. فصل پنجم یعنی کار پنج برابر سخت‌تر می‌شود. موفقیت‌های سریال پایتخت به فرد بر نمی‌گردد چرا که همه چیز گروهی پیش رفته است. ورود به برخی از اتمسفرهای قصه مثل شرایط جنگی و در عین حال ایجاد فضایی شیرین کار را بسیار سخت می‌کند. ما می‌دانیم نواقص زیادی داشته‌ایم، ولی فکر می‌کنم این یک شروع خوب برای ورود به این سبک کار بود. امیدوارم سعه صدر ما بیشتر شود و بتوانیم مهربان‌تر به قضایا نگاه کنیم. فکر می‌کنم اگر موقعیتی که برای سریال پایتخت ۵ فراهم شد، برای پروژه‌های دیگر نیز فراهم شود، شاهد سریال‌های بهتری باشیم.» ▶

بازتاب‌ها

سردار قاسم سلیمانی: باید از آقای حاتمی کیا تشکر کنم، کار ارزشمندی را انجام دادند. با هنرمندی خاصی گوشه‌هایی از واقعیت را نشان دادند. ایشان خدمت بزرگی به مردم کردند. این فیلمساز نبود، آگاه‌سازی بود. من به فکر متعالی ایشان تعظیم می‌کنم، «به وقت شام» یکی از دیدنی‌ترین فیلم‌هایی است که در بخش‌هایی صدرصد واقعی و در واقع فیلم، یک مستند واقعی است. این فیلم می‌تواند خط را بشکند و برای نشر و توسعه و تدوین و تکثیر این ظلم از هنرمندان دیگر کشورها گسیل شوند.

عزت‌الله ضرغامی: «به وقت شام» پرکشش، باورپذیر و پاسخی در خور تحسین به دنیای جهل و خشونت، برتری‌های خیره‌کننده تکنیکی، فضیلت مضاعف آخرین ساخته استاد حاتمی کیاست که به هیچ وجه قابلیت‌های دراماتیک اثر را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد. «به وقت شام» را با هیچ فیلم دیگری مقایسه نکنید. نمایشی بی‌بدیل و افتخارکننده از چهره پرفریب و درنده‌ترور ریسیم جهانی که افکار عمومی جهانیان انتظار آن را می‌کشند و به دیدن آن نیازمند است.

هادی حجازی‌فر (بازیگر): مفتخرم که در نقش «یونس» بازی کردم و خودم را مدیون یونس‌ها و «علی‌هایی» می‌دانم که گمنام در سوریه شهید شدند و بی‌سر و صدا تشییع شدند. امیدوارم خانواده شهدا از ما راضی باشند. من به شدت برای ایفای این نقش می‌ترسیدم چون می‌ترسیدم بازی من به فیلم ابراهیم حاتمی کیا ضربه بزند. بازی برای ابراهیم حاتمی کیا بزرگترین آرزوی من در سینما بود.

کارن همایون‌نفر (موسیقیدان): بی‌شک بزرگترین و پیچیده‌ترین و بی‌پروا ترین تولید سینمایی ایران است. نفس‌ها را حبس کنید. ▶



به نام پدر

یک فیلم با مشخصات حاتمی کیا

را در جایگاهی ترسیم می‌کند که باید با هم بحث کنند، این مساله هم در این سو و هم در آن سو به چشم می‌خورد، آیا این تعمیم داستانی است که در یادگار شروع شد به سطحی جهانی رسیده است؟

داستان فیلم به وقت شام داستان پدر و پسری است که یک ماموریت مهم دارند. به وقت شام داستان دو خلبان ایرانی است با بازی هادی حجازی‌فر و بابک حمیدیان که پدر و پسر هستند و برای نجات مردم سواری به تدمر اعزام می‌شوند، اما با نفوذ یک داعشی کنترل هواپیما از دست نیروهای خودی خارج شده و این آغاز داستان رشادت دو خلبان ایرانی است.

داستان این پدر و پسر بخشی دیگر از برخورد تفکرها در سینمای ابراهیم حاتمی کیا را به نمایش می‌کشد: پدر از نسل اول انقلاب است، با سابقه پرواز در جبهه‌های مختلف مقاومت، عربی می‌داند و پسر از نسل تازه است و حرف‌های تازه دارد از تمثیل‌های دیگر این فیلم همین می‌تواند باشد که خود پسر هم در آستانه پدر شدن است و دارد برای تربیت نسلی دیگر آماده می‌شود.

همه اینها یک قصه روان و درست با چیدمان زمانی درست را رقم زده است. ابراهیم حاتمی کیا به عنوان یک کارگردان جز تعهد در محتوا؛ در فرم هم بسیار وسواس دارد. او تمام عوامل فنی را به کار می‌گیرد تا بهترین تصویر را از بهترین تکنولوژی بیرون بکشد. برای همین است که قاب‌های چشم‌نواز در فیلم ابراهیم حاتمی کیا کم نیست و در محتوای به وقت شام جنگ امروز را فراتر از مرزهای جغرافیایی در جهت آرمان نجات ستم‌دیدگان نمایش می‌دهد: آرمانی که با ایثار نسل جوان امروز محقق خواهد شد. ▶

هر فیلمی از ابراهیم حاتمی کیا یعنی یک اتفاق تازه! او در مکانی در فیلم‌سازی ایستاده است که می‌تواند درباره فیلم‌هایش ساعت‌ها حرف زد بحث و جدل کرد. مهم نیست که موافق یا مخالف ابراهیم حاتمی کیا باشید، مهم این است که باور داشته باشید فیلمی که او می‌سازد و امضای او را پای خود دارد، فیلمی است که می‌توان و باید آن را یک اتفاق تازه در سینمای ایران خواند. «به وقت شام» هم یک اتفاق تازه است، یک فیلم که به موضوع مهمی اشاره دارد. حاتمی کیا از سال‌ها قبل این گلابه را از تمام سینمای ایران داشت که مگر می‌شود پشت گوش ما یک اتفاق بزرگ مثل تشکیل داعش رخ دهد و کسی به این فکر نیفتد که باید درباره آن فیلم ساخت؟

خودش دست به کار شد و این فیلم را ساخت؛ حاصل «به وقت شام» نوزدهمین فیلم سینمایی ابراهیم حاتمی کیا شد. فیلم درباره داعش است و به همین دلیل بیشتر بازیگران فیلم عرب هستند. هادی حجازی‌فر و بابک حمیدیان تنها بازیگران ایرانی فیلم هستند و بازیگران مطرحی از کشورهای لبنان، سوریه، عراق و مصر در فیلم سینمایی «به وقت شام» جلوی دوربین ابراهیم حاتمی کیا رفتند. در سینمای حاتمی کیا همیشه برخورد دو تفکر، کار پیش بردن درام را بر عهده می‌گیرد. این تفکر می‌تواند تفکر حاج کاظم با سلحشور در آژانس شیشه‌ای باشد یا برخورد قرائت رحمانی از اسلام با قرائت داعشی آن. شاید برای همین است که هواپیما و اتفاقات درون آن که در آسمان باید رخ دهد تمثیل خوبی برای ماچرا است. جالب این است که در فیلم حاتمی کیا حتی میان نمایندگان دو قرائت از اسلام هم سلسله مراتب یا شاید بهتر است بگوییم برخوردهای درونی قائل است و پدران و فرزندان

نگاه کارگردان

فکر می‌کنم سال ۶۵ حدوداً ۳۱ سال پیش اولین فیلمم را ساختم که مصادف با عملیات کربلای پنج بود. من در تهران فیلم می‌ساختم و به شدت به من سخت گذشت تا فیلم تمام شود و به جبهه رفتم. من سرباز این نظام هستم و همچنان دلم برای بچه‌هایی که جهاد می‌کنند می‌تپد. من یک سربازم و با اینکه در این دوران زندگی می‌کنم همچنان دلم برای آن زمان می‌تپد.

* جای کسانی مثل شهید آوینی بسیار خالی است که بتوانند در حوزه نظری سینما ما دفاع کنند. ما سربازانی هستیم که به خط می‌رویم جلو و دل‌مان می‌خواست عزیزانی مثل آقا مرتضی باشند و ما را راهنمایی کنند و اگر جایی خطا می‌رویم به ما گوشزد کنند. دوست داشتیم آقا مرتضی فیلم من را می‌دید و نظرش را جویا می‌شدم. واقعا دلم می‌خواست بدانم که اگر امروز شهید مرتضی آوینی در میان ما بود، چه می‌کرد؟ آیا اینجا میان ما بود؟ در سوریه میان

مدافعان حرم بود؟ معتقد هستم این فیلم ذره‌ای از زحمات مدافعان حرم را هم نشان نمی‌دهد و از خودگذشتگی آنان را نمی‌توان به راحتی به تصویر کشید. عملکرد مدافعان حرم باید برای نسل جوان تبیین و از خودگذشتگی آنان در راه کشور به همگان نشان داده شود. اگر نفسی برایم باقی بماند، باز هم فیلم خواهم ساخت و دینم را به کشور و شهدا ادا می‌کنم. این فیلم استطاعت سینمای ایران است. من افتخار می‌کنم که با بچه‌های ایران این فیلم را بدون یک دلار هزینه ساختم. به قیمت طعنه‌هایی که ممکن است بشنوم با جان و دل می‌پذیرم.

* من یک روز کل گروه را جمع کردم و اجبار کردم تا فیلم‌های خشن سربریدن داعشی‌ها را نگاه کنند. واقعیت این است که کلیت داعش به همین اندازه مبالغه‌آمیز است. من برای ساخت این فیلم محدودیت‌های فراوانی داشتم. مظلومیت شهدای مدافع حرم همین که هیچ وقت نمی‌توان از آنها به درستی صحبت کرد. ▶

آمدگی با شماره یک

اسپیلبرگ از مرز فروش ۱۰ میلیارد دلار عبور کرد



توسط استیون اسپیلبرگ باعث شد تا بار دیگر توجهات به این اثر جلب شود و همگان منتظر بمانند تا ببینند اسپیلبرگ قرار است با این رمان که ماهیت سرگرمی دارد، چه کند؛

با فروش فوق العاده فیلم «شماره یک آماده» مجموع فروش فیلم‌های کارنامه کاری استیون اسپیلبرگ از مرز ۱۰ میلیارد دلار عبور کرد. او نخستین کارگردان تاریخ سینما است که به این رکورد می‌رسد. این رقم با در نظر گرفتن تورم به دست آمده است. «شماره یک آماده» تازه‌ترین اثر سینمایی استیون اسپیلبرگ هم‌اکنون در سراسر جهان روی پرده سینما است. این فیلم در آمریکای شمالی به فروش ۱۱۴ میلیون دلاری دست یافته است و از این نظر در رده آثاری چون «پارک ژوراسیک»، «ای تی» و «آرواره‌ها» قرار می‌گیرد. از دیگر فیلم‌های پر فروش کارنامه کاری اسپیلبرگ می‌توان به «ایندیانای جونز و پادشاهی جمجمه بلورین»، «مهاجمان صندوق گمشده» و «نجات سرباز رایان» نام برد. به نظر نمی‌رسد که جایگاه اسپیلبرگ به عنوان پولسازترین کارگردان تاریخ سینما به این زودی‌ها متزلزل شود چرا که نزدیک‌ترین رقیب او پیتر جکسون با فاصله زیادی از او قرار گرفته است.

درباره شماره یک

«شماره یک آماده» نام رمانی به قلم ارنست کلاین است که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و خیلی زود توانست نزد علاقه‌مندان به کتاب به محبوبیت فراوانی دست یابد. این کتاب در پاییز سال ۱۳۹۶ وارد بازار کتاب ایران شده و به فارسی ترجمه و در اختیار علاقه‌مندان به کتاب قرار گرفته است. رمان کلاین به اندازه کافی در بازار کتاب جهان شهرت دارد اما اقتباس بر سر و صدای سینمایی از این اثر

انتظاری که خیلی هم بی دلیل بود و فروش فوق العاده‌ای داشت. در واقع استیون اسپیلبرگ با فیلم «شماره یک آماده» بار دیگر به زانری برگشت که مدت‌ها بود از آن فاصله گرفته بود و این بار هم تماشاگران را به سینما کشاند. فیلم جدید اسپیلبرگ درباره ماجراجویی نوجوانان در دنیایی مجازی است. در این اثر سینمایی اشارات فراوانی به دهه ۸۰ میلادی از جمله برخی از مشهورترین آثار اسپیلبرگ در آن دوران وجود دارد.

در «شماره یک آماده» تالی شرایدان نقش شخصیت اصلی داستان به نام ویدواتس را بازی می‌کند. رویدادهای فیلم در سال ۲۰۴۵ میلادی روی می‌دهند و قهرمان داستان ما در محله‌های زاغه‌نشین که محل زندگی شهروندان فقیرتر شهر کولومبوس اوهایو است زندگی می‌کند که امید خود را به صداقت و دستگاه‌های واقعیت مجازی خود بسته‌اند. بشریت با فجایی و در همین حین، بسیاری از افراد به دنیایی دیجیتالی به نام «اوسیس» پناه برده‌اند. این دنیا- که شبیه دنیاهای «خورخه لویس بورخوس» که پر از جادوگران و ربات‌ها است- توسط «جیمز هیلیدی» خلق شده است. پس از مرگ «هیلیدی»، شخصیت مجازی او از وجود یک مجموعه از گنج‌های مخفی یا دیجیتالی پرده‌برداری کرد و اعلام شد که هر کس بتواند این رازها را کشف کند، قادر به کنترل کردن «اوسیس» خواهد بود. «وید» شکارچی تخم‌مرغ است که مصمم به کشف این راز شده است، رازی که بسیاری دیگر از گیمرها از جست‌وجوی آن دست کشیده‌اند... ▶

از کن تا اسپانیا

زمان اکران آخرین فیلم فرهادی

«همه می‌دانند» جدیدترین ساخته اصغر فرهادی از اواخر تابستان در سینماهای کشور اسپانیا روی پرده می‌رود. این فیلم که در تاریخ ۸ می (۱۸ اردیبهشت) به عنوان فیلم افتتاحیه هفتاد و یکمین جشنواره فیلم کن اولین نمایش جهانی خود را تجربه می‌کند، قرار است از تاریخ ۱۴ سپتامبر (۲۳ اردیبهشت) نیز در سینماهای اسپانیا اکران عمومی خود را آغاز کند. با توجه به اینکه این فیلم اسپانیولی زبان است، کشور اسپانیا یکی از مهم‌ترین بازارهای اکران فیلم فرهادی محسوب می‌شود. «همه می‌دانند» دومین فیلم اسپانیایی زبان تاریخ جشنواره کن است که به عنوان افتتاحیه انتخاب می‌شود. طبق اعلام پیشین، «همه می‌دانند» از تاریخ ۹ می و یک روز پس از افتتاحیه جشنواره کن در سینماهای فرانسه اکران خود را آغاز می‌کند و از تاریخ ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) نیز در سینماهای آرژانتین روی پرده می‌رود. در خلاصه داستان فیلم «همه می‌دانند» آمده است: «کارولینا برای دیدار با خانواده‌اش از آرژانتین به زادگاهش اسپانیا بازمی‌گردد. در این سفر که پیش‌بینی می‌شد به تجدید دیدار اعضای خانواده خلاصه‌شود، رویدادهای غیرمنتظره‌ای به وقوع می‌پیوندد که بر روند زندگی کارولینا تاثیر می‌گذارد.» در فیلم «همه می‌دانند» که فیلم‌برداری آن اواخر ماه نوامبر سال گذشته میلادی در مادرید به پایان رسید، علاوه بر پنه‌لویه کروز، خاویر باردیم بازیگر مطرح اسپانیایی و ریکاردو دارین بازیگر آرژانتینی، ادوارد فرناندز، باربارا لئی، الویرا مینگز، ایما کوئستا، روزه کاسا ماپور و رامون باره‌از دیگر بازیگران اصلی هشتمین فیلم بلند فرهادی هستند. ▶

مرگ در خانه هالیوود

درگذشت سه چهره مطرح سینمای جهان

هفته‌ای که گذشت برای هالیوود و سینمای جهان هفته بسیار تلخی بود چرا که این هفته سه تن از نامداران این صنف به جمع درگذشتگان پیوستند، مشهورترین درگذشته هالیوود میلوش فورمن بود. سینما دوستان کارگردان چک‌تبار را با فیلم‌های ماندگار و موفق «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» و «آمادئوس» می‌شناسند. در اولی که اقتباسی موفق از رمانی نوشته کن کیسی بود، جک نیکلسون نقش بیماری در یک بیمارستان روانی را بازی می‌کند که علیه پرستار راچد دیکتاتور دست به اعتراض و شورش همه‌جانبه می‌زند. آمادئوس هم که روایت زیبایی از زندگی و لنگانگ آمادئوس موتزارت، نابغه موسیقی و رقیب او آنتونیو سالیری است. فورمن موقع مرگ ۸۶ سال داشت. ویتوریو تاوینی کارگردان شناخته‌شده‌ای که به همراه برادرش پائولو شاهکارهای بزرگی همچون «پدرسالار» و «شب‌سن لورنزو» را ساخته بود هم در سن ۸۸ سالگی درگذشت. ویتوریو که در شهر سن میناتو واقع در ایالت پیزا به دنیا آمده بود به همراه برادرش پائولو چندین شاهکار سینمای ایتالیا را در طول دوران کاری خود خلق کردند، از فیلم «پدرسالار» که نخل طلای کن را در سال ۱۹۷۷ به دست آورد تا «سزار باید بمیرد» که خرس طلای برلین را در سال ۲۰۱۲ برای این دو برادر به ارمغان آورد. از دیگر فیلم‌های مهم وی می‌توان به «سن میکله به خروس داشت»، «آلونسافان» و «شب‌سن لورنزو» اشاره کرد، وی مدت زمانی طولانی بیمار بود.

رلی ارمی، بازیگر نقش معروف گروهیان هارتمن در فیلم «غلاف تمام فلزی» هم سومین سینماگری بود که به تازگی از دنیا رفت. «غلاف تمام فلزی»، اثر مشهور و ضدجنگ استتلی کوپریک است و ارمی در آن نقش یک گروهیان خشن را به زیبایی هرچه تمام‌تر بازی کرد. ارمی در چند فیلم دیگر همچون کشتار با اره برقی در تگزاس هم این خشونت را در قالب‌های مختلف بازنمایی کرد. جالب اینجاست او از تفنگداران ارتش آمریکا بود و حتی در جنگ ویتنام هم حضور داشت. همین سابقه هم باعث همکاری اش با فرانسیس فورد کاپولا در «اینک آخرالزمان» (فیلم ضد جنگی درباره حضور شکست‌خورده آمریکا در ویتنام) شد. ▶



شهر وارونه

در مورد رمان «ره‌ش» رضا امیرخانی

یاد می‌کنند. مثلاً در آمریکا شهری مانند لس‌آنجلس توسعه بزرگی داشته اما همه آن را شهر از دست رفته معرفی می‌کنند. همه شهردارهای آمریکا هم می‌دانند که نباید شهرشان مانند لس‌آنجلس شود. در ایران مساله برعکس است. شهری مثل تهران تا این اندازه که می‌بینیم بزرگ می‌شود، آلودگی هوا پیدا می‌کند و از طرف دیگر همه شهرهای دیگر کشور هم سعی دارند مثل تهران شوند. «امیرخانی افزود: «من برای تهران راه‌حلی ندارم اما می‌توانم فکر کنم که مشهد، شیراز و اصفهان نباید مثل تهران می‌شدند که شدند و می‌دانم شهری مثل کاشان نباید قطعا مثل تهران شود، در حالی که در حال تبدیل شدن است.»

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «اسب‌ها از دو روز قبل سم می‌کوبانند. سگ‌ها دندان به هم می‌سایند. شب‌س گرچه‌ها خرناس می‌کشند. کبوترهایی قرار می‌کنند و نصف شب در لانه در جا بال می‌زنند. قزل‌آلها عوض اینکه بالا بیایند، خودشان را راه می‌کنند در مسیر پایین دست رود. ماهی‌های آکواریوم اما همان جور مثل ابله‌ها با لب‌هایشان بی‌صدای گویند «بو» و از دهان‌شان حباب بیرون می‌دهند؛ من اما یقین دارم که مرده‌ها فقط طرف می‌شکافتند... نه از شب قبل، نه از دو روز قبل؛ از ماه‌ها قبلش. حتی از سال‌ها قبل‌تر... اصلا از همان سال که ازدواج کردیم... ماهی آکواریوم نبود که دهانش را بوی کند... باید طرف می‌شکافت دیگر. از مردی این قدر بُرده بود...» ▶

موسسه خانه کتاب پر فروش ترین کتاب‌های عیدانه کتاب را معرفی کرد. «ره‌ش» تازه‌ترین کتاب رضا امیرخانی در صدر این فهرست قرار دارد. او در این رمان توسعه شهری را دستمایه قرار داده و تأثیرات آن را بر عرصه‌های زندگی انسان معاصر در قالب داستان زوجی معمار در تهران امروز به تصویر می‌کشد. شخصیت اصلی داستان خانم میانسالی است به نام لیا که خودش معمار است و هم‌راه با همسرش که معمار است و در کار ساخت و ساز و شهرداری است و نیز فرزند بیمارشان که مشکل تنفسی دارد خانواده‌ای کوچک دارند. داستان حول محور این خانواده است و کشمکش‌های لیا با همسرش پیرامون مساله مدیریت شهری دارد و با ساخت و ساز بی‌رویه و توسعه نامتوازن شهری به خاطر فرزندش و فرزندانش نسل آینده مخالف است. امیرخانی «ره‌ش» را که عکس عبارت «شهر» است، با این نیت نوشته که مخاطب متوجه این معنی باشد که چه اتفاقی در حال رخ دادن برای شهرهایی مثل تهران است. هرچند خود او درباره نام این رمان گفته است: «نام کتاب رهش از مصدر رهیدن است که در واقع به اینها اسم مصدر می‌گویند یا اسم حاصل مصدر. از رهش می‌توان رهایی و رها شدن از چیزی را برداشت کرد.»

این رمان در ۹ فصل نوشته شده است. امیرخانی درباره اینکه چرا این رمان را نوشته هم می‌گوید: «به نظرم در دنیا شهرهای بزرگ الگوهای توسعه متفاوتی دارند. از توسعه شهرهای بزرگ معمولا به عنوان عبرت بزرگ یا عبرت منفی

هر بار که رمانی از رضا امیرخانی منتشر می‌شود، وقت خوبی است که با کتابخوانی دوباره آشتی کنیم



بلوغ پشت خاکریز

داستان یک رزمنده ۱۴ ساله

فضایی دارد که در آن تربیت شده و رشد کرده است. کفایی مهر که در زمان روایت خاطراتش ۳۹ سال دارد، با بازگشت به دوران نوجوانی، به سن ۱۴ سالگی خود می‌رود و سعی دارد هر آنچه در ذهن دارد، به یاد بیاورد. او در بخشی از خاطرات خود می‌گوید: «اگر از من بپرسند چه بخشی از عمرت را خوب به خاطر داری؟ به حتم آغاز چهارده سالگی ام تا پایان جنگ خواهد بود؛ روزهایی که به آن افتخار می‌کنم...» در کتاب «بلوغ پشت خاکریز» تا حد امکان و تا زمانی که مخمل درک محتوا برای مخاطب نشود، از گویش مازندرانی استفاده شده است. ▶

کتاب «بلوغ پشت خاکریز» شامل خاطرات ایمان کفایی مهر به کوشش حسین و حسن شیردل از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. این اثر خاطرات یک رزمنده مازندرانی را از سال‌هایی که در جبهه حضور داشت، روایت می‌کند. کتاب مطابق بسیاری از خاطرات دفاع مقدس با دوران کودکی راوی آغاز می‌شود؛ از لحظه‌ای که گمان می‌رفت که نوزاد به دنیا آمده، عمرش به دنیا بوده باشد، اما ناگهان معجزه‌ای رخ می‌دهد و... راوی با این بخش از خاطرات، مخاطب را به دوران کودکی و خانوادگی خود برده و از این طریق سعی در آشنا کردن مخاطب با

رزمنده‌های ۱۴ ساله از این می‌گوید که چگونه جبهه و دفاع مقدس باعث شد که بزرگ شود



پی‌یر و لوسی

چاپ دوم رمانی از رومن رولان

رولان، صلح‌طلبی و انسان‌گرایی است. «ژان کریستف»، «جان شیفته»، «پی‌یر و لوسی» و «کولا پرونیون» رمان‌هایی هستند که رولان منتشر کرده است. او در سال ۱۹۱۵ به خاطر نوشتن مقالات و رمان «ژان کریستف» برنده جایزه نوبل ادبیات شد. رمان «پی‌یر و لوسی» یکی از آثار این نویسنده است که در آن آرمان‌های صلح‌طلبانه و انسان‌دوستانه‌اش در جهانی خالی از خشونت تجلی پیدا می‌کند. موضوع «پی‌یر و لوسی» عشق بین دو جوان در سال‌های جنگ جهانی اول است. بستر زمانی این رمان هم، چهارشنبه شب ۳۰ ژانویه تا جمعه مقدس ۲۰ مارس ۱۹۱۸ است. ▶

رمان «پی‌یر و لوسی» نوشته رومن رولان با ترجمه مینو مشیری به تازگی توسط نشر نو به چاپ دوم رسیده است. این کتاب یکی از عناوین مجموعه «کتابخانه ادبیات داستانی معاصر» است که توسط این ناشر چاپ می‌شود. رومن رولان، نویسنده فرانسوی فقط رمان نویس نبوده است. او نماینده مقاله، زندگی‌نامه، تحقیق درباره هنر و نوشته‌هایی درباره موسیقی‌شناسی نیز در کارنامه دارد. او متولد سال ۱۸۶۶ در شهر کلامسی فرانسه بوده و کار نویسندگی را از سال ۱۹۱۲ به طور تمام وقت دنبال کرد. رولان تا پیش از آن، به تحصیل و گرفتن دکتری تاریخ اپرای اروپا مشغول بود. ویژگی تمام نوشته‌های

رومن رولان نامی بزرگ در ادبیات جهان است، رمانی از او در ایران به چاپ دوم رسیده است



کپی

تجارت فردا



عنوان «نبرد سیف» و با تصویری از رئیس کل بانک مرکزی که کلاه جنگی به سر دارد، روی جلد تجارت فردا قرار گرفته است. در این پرونده ولی الله سیف در مصاحبه‌ای مفصل با تجارت فردا بحران ارزی اخیر را کالبدشکافی کرده است. سیف در بخشی از این مصاحبه گفته است: «بهترین انتخاب برای پولشویی بازارهایی نظیر پاساژ افشار و بازار سبزه میدان است و بهترین زمان هم وقتی است که التهاب بازار ارز افزایش یافته است. چرا باید بگذاریم پول ناشی از مواد مخدر به راحتی در بازار ما گردش کند؟»

موندو پور تیوو



رنال با سه گل از یوونتوس در زمین خود عقب بود که داور بازی دقیقه ۹۳ به سود این تیم اعلام پنالتی کرد. یوونتوسی‌ها به شدت از این تصمیم داور خشمگین شدند و اعتراض شدیدی به مایکل اولیور (داور) وارد کردند. اعتراضات به پنالتی رنال در رسانه‌های ایتالیا و نیز بارسلون، بازتاب گسترده‌ای داشت و این روز بعد هم در روزنامه ورزشی شهر بارسلون یعنی موندو پورتیوو و اسپورت آن پنالتی عکس و تیتراژ اول روزنامه بود. روزنامه دیپورتیو با این عنوان که «ایتالیا منفجر شد» به این ماجرا واکنش نشان داد و برای تکمیل آن نوشت: «عصانیت ایتالیایی‌ها از پنالتی جنجالی».

لیبراسیون



امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری هیچ کاری نمی‌کند؛ این تیتر اصلی روزنامه لیبراسیون بود. این روزنامه اعتقاد دارد که دو سال پس از انتخابات فرانسه و حضور ماکرون در کاخ الیزه وعده‌های این رئیس‌جمهور محقق نشده است. بهانه لیبراسیون برای این انتقاد بسیار تند، گفت و گویی است که رئیس‌جمهور فرانسه در تلویزیون کرده بود و در مورد حساس جواب ماکرون تقریباً به هیچ می‌رسید، اگر به زیر تیتر این جلد نگاه کنید، مواردی که لیبراسیون اعتقاد دارد که رئیس‌جمهور فرانسه کاری نکرده را می‌بینید، مواردی چون کارگران، دانشجویان، محدودیت سرعت تا ۸۰ کیلومتر بر ساعت، قدرت خرید بازنشستگان

تایم



هفته‌نامه تایم در این شماره خود با طرحی از وضعیت بحرانی آمریکا در زمان دونالد ترامپ یاد می‌کند این هفته‌نامه عنوان توفانی را برای جلد خود برگزیده. نکته جالب جلد این شماره تایم این است که این جلد باز تولیدی از جلدی است که در سال ۲۰۱۷ بسته بود، در آن جلد ترامپ را پشت میز ریاست جمهوری در کاخ سفید نشان می‌داد و عنوان چیزی برای دیدن نیست را برگزیده بود اما این بار همان میز در حال غرق شدن در توفان نشان داده می‌شود و به مخاطب این گونه القا می‌شود که ترامپ دارد غرق می‌شود، این چندمین بار است که جلد‌های قدیمی خود را با طرحی کمی متفاوت مورد قضاوت قرار می‌دهد.

بلومبرگ



هفته‌نامه اقتصادی بلومبرگ، داستان رسوایی مارک زاکربرگ، صاحب ثروتمند فیس‌بوک را با نگاهی مبتنی بر تجارت بررسی کرده است، پس از آنکه اخباری مبنی بر نشت اطلاعات کاربران فیس‌بوک و همچنین استفاده سوجویانه از آن منتشر شد، سهام و رشد اقتصادی این شرکت رو به افول گذاشت ... بلومبرگ اعتقاد دارد که اینستاگرام در حال حاضر می‌تواند نقطه امید فیس‌بوک باشد. اینستاگرام شرکتی بود که در سال ۲۰۱۲ با ۱۳ کارمند کار می‌کرد که توسط زاکربرگ خریداری شد، این شرکت در پناه فیس‌بوک رشد کرد تا آنجا که حالا ۷۰۰ کارمند دارد، حالا که ستاره فیس‌بوک رو به افول است شاید اینستاگرام و سیستم ساده انتشار عکس آن به کمک بیاید.

اکنون میست



هفته‌نامه اکنون میست این هفته در مطلبی از آلمان به عنوان یک الگوی خوب برای مدیران غرب یاد کرده است و با تیتر آلمان دوست داشتنی، یادآور شده که فضای آلمان روز به روز متنوع‌تر و بازتر می‌شود. این گزارش ویژه‌ای که اکنون میست در چند بعد قصد داشته آن را موشکافانه بررسی کند، نویسندگان این هفته‌نامه انگلیسی در مطالب خود از دورانی می‌گویند که آلمان تازه قسمت شرقی را به خود اضافه کرده بود و باید بین اقتصاد دو طرف دیوار سابق توازن ایجاد می‌کرد یا بحران اقتصادی دهه اول قرن حاضر اما آلمان همه این مسائل را پشت سر گذاشت و خیلی زود تبدیل به یک جامعه رو به پیشرفت شد.

راوی خوش لفظ

حمید حسام به عنوان چهره شاخص هنر انقلاب انتخاب شد



مرتضی سرهنگی (نویسنده و پژوهشگر)، مجید حمیدی (کارگردان) و سیدمسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتورپست) و... حالا حمید حسام. «حسن روح الامین» از هنرمندان عرصه تجسمی، هنرمند نقاش و گرافیک برای خلق اثر شهید محسن حججی، «محمدحسین مهدویان»، کارگردان ماجرای نیمروز با رویکرد و ساختی متفاوت و «مهدی نقویان» مستندساز برای ساخت مستند ارنیه پدری به عنوان نامزد انتخاب شده بودند که حمید حسام به عنوان چهره شاخص هنر انقلاب اسلامی معرفی شد. این دومین بار است که یک نویسنده به عنوان چهره سال انقلاب انتخاب می شود. سردار حسام در سالی این عنوان را به خود اختصاص داد که هنوز سالی نمی گذرد از زمانی که مهتابش را گم کرد و راوی یکی از مشهورترین کتاب هایش یعنی حاج علی خوش لفظ به آسمان پیوست. مراسم اختتامیه هفته هنر انقلاب اسلامی، در تالار سوره حوزه هنری با حضور محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری، شجاعی طباطبایی، سرپرست معاونت هنری حوزه هنری و حجت الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد. در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی از مصادیق مبارزه با طاغوت در زمان خود بود، گفت: «باید توجه داشته باشیم که معلوم نیست شرط انقلاب کردن برای انقلابی ماندن ما کفایت کند. برای انقلابی ماندن باید استقامت داشت، مسیر درست را شناخت و به تکلیف عمل کرد و الا تضمینی نیست که اگر روزگاری، انقلابی بوده ایم بتوانیم انقلابی هم بمانیم همان طور که در حادثه عاشورا نیز کسانی در مقابل امام صف کشیده بودند که روزگاری در زمره مجاهدان راه خدا بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال گذشته درباره ضرورت داشتن بصیرت انقلابی به ما تذکر دادند. معنای این بینش و بصیرت چیزی جز دشمن شناسی و ایستادگی در راهی که ولی فقیه مشخص می کند، نیست.»

معرفی نامزدها

در بخش دیگری از این مراسم هر یک از نامزدها، توسط یکی از اهالی هنر معرفی شد، مسعود نجابتی دقایقی کوتاه با حضور روی سن درباره محمدرضا دوست محمدی گفت: «آقای دوست محمدی متخلق به اخلاق اسلامی است و بسیار مراقبت می کند تا در رفتارش این مساله رعایت شود. به همین خاطر است که همه او را شخصیتی به دور از کبر و غرور و منفعت طلبی می دانند.» آری عظیمی نژاد از موسیقی دانان کشور نیز در ادامه مراسم برای صحبت

درباره حسن روح الامین از کاندیداهای چهره سال هنر انقلاب اسلامی به روی سن دعوت شد و گفت: «نخستین تماس های حسن روح الامین با من برای بازدید از آثار نقاشی بود تا مدت ها به دلیل مشغله ام این بازدید اتفاق نیفتاد اما وقتی که موفق شدم این آثار را ببینم نفسم در سینه حبس شد. آثار هنری آقای روح الامین مانند پرده خوانی است که پرده در آن تکنیکی است که پرده سرا خلقت کرده است» سید محمود رضوی، تهیه کننده سینما درباره محمدحسین مهدویان گفت: «روزی به ما و امثال ما نقد می کردند که شما حرف های خوبی می زید اما هنر بیانش را ندارید. روز دیگری می گفتند حرف های خوبی می زید و هنرمندانه همین کار را انجام می دهید اما نمی توانید مردم را به پای آن بشناسید. امروز خوشحالم که هنرمندی ظهور کرده که هم خوب حرف می زند و هم هنرمندانه و هم می تواند مردم را پای آثارش بشناسد. سلیم غفوری، رئیس مستند شبکه سیما هم از نقویان به عنوان یک مستندساز جوان توانمند که توانسته روایت های درست در مستندسازی را به شکلی دغدغه مند روایت کند، تقدیر کرد. اما مرتضی سرهنگی اول چهره شاخص هنر انقلاب درباره حمید حسام گفت: «جنگ میدان واقعیت است و نویسنده جنگ راوی واقعیت. آنها که دنبال حقیقت و واقعیت می روند همیشه زنده اند. ادبیات جنگ را مردم خلق و سعی می کنند جنگ را در این ادبیات بازسازی کنند. همان طور که جنگ فرمانده خود را پیدا می کند نویسنده خود را نیز پیدا می کند و آقای حسام نیز در زمره چنین نویسندگانی هستند.»

متصل به عاشورا

در ادامه پس از اعلام چهره سال هنر انقلاب اسلامی، حمید حسام نیز که به عنوان چهارمین چهره سال هنر انقلاب اسلامی معرفی و تجلیل شده بود در سخنانی گفت: «من پیرمرد کاندیداهای حاضر در این مراسم هستم و همیشه از آثار هنرمندانه آنها لذت برده ام. شاید تنها تفاوت من با آنها این باشد که تجربه شهودتی از جنگ داشته ام و البته همین تجربه بار تعهد و مواخذه از کارهای من را سنگین تر می کند. دفاع مقدس دوران ظهور خودی در میان افراد بود که ویژگی اش دور از دید بودن و متصل بودن به فرهنگ عاشورا بود. این خود امروز معنی های دیگری پیدا کرده و میان این دو فاصله زیادی افتاده است که باید آن را پر کرد. به همین خاطر بر این باورم اولین خاکریزی که نسل ما باید از آن عبور کند خاکریز خودش است. حمید حسام همچون سایر نویسندگان با یادکردن از شهید محمود شهپازی، گفت: «ایشان همیشه به ما یک جمله و حدیث می گفت که شاید زندگی خودش عصاره آن بود و آن این

بود که اگر می توانید، به گونه ای زندگی کنید که خیلی دیده نشوید. این معنی در دهه ۶۰ نوعی سلوک را به همراه داشت که هر چه به جلوتر آمده ایم کمرنگ تر نیز شد. هر چند در این روزگار هم می توان چهره هایی مانند شهید علی چیت سازیان و حسین همدانی را دید که می گفتند کسی می تواند از سیم خاردارهای دشمن عبور کند که از سیم خاردار خود عبور کند. ما باید واژه ها را با هنر و قلممان به فطرت خودش بازگردانیم و به همین خاطر من تریک می گویم به این جوانان که نادیده عاشق جنگ شدند چرا که عاشقی آنها بیشتر از من است.»

آقا حمید

حمید حسام متولد سال ۱۳۴۰ هجری شمسی، نامی آشنا در عرصه خاطره نگاری و داستان دفاع مقدس است. وی فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است که سابقه معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس را نیز در کارنامه دارد. حسام پیش از همه این عناوین؛ جانباز سرفراز هشت سال دفاع مقدس است و نوشته های فراوانی از آن روزهای حماسه و ایثار دارد که البته بخشی از آن ها، موجود نیست. علاقه وی به ادبیات سبب شد تا وی در سال های پس از جنگ تحصیلی، به عرصه ادبیات دفاع مقدس روی آورد؛ جایی که خودش بر این باور است که بخش خاطره گاری آن، بیش از بخش ادبیات داستانی و ژمان، رشد داشته و به آن توجه شده است. او خود با داستان کوتاه «دهلیز انتظار» پا در این وادی نهاد و پس از چندی به خاطره نگاری روی آورد که «غواص ها بوی نعنا می دهند» نمونه ای از کارهایش است. «دلیل»، عنوان کتاب دیگری از او است که به خاطرات شهید علی چیت سازیان، فرمانده اطلاعات - عملیات لشکر انصارالحسین (ع) می پردازد و اما دو کتاب اخیر حمید حسام، بیشتر بر سر زبان ها افتاد؛ وقتی که رهبر انقلاب اسلامی پس از مطالعه شان، تقریبی بر آنها نوشتند. «آب هرگز نمی میرد» که خاطرات شفاهی جانباز ۷۰ درصد، میرزا محمد سلگی است که در ایام دفاع مقدس ملت ایران، از ناحیه هر دو پا محروم شد. او عاشق حضرت ابوالفضل العباس (ع) است و... کتاب دیگر؛ «وقتی مهتاب گم شد» نام گرفت؛ خاطرات جانباز شیمیایی جنگ تحصیلی، شهید علی خوش لفظ که از ۱۶ سالگی به جبهه رفت و در رکاب جاویدالتر حاج احمد موسلیان بود. او آنچنان در واحد اطلاعات و عملیات خوش درخشید و مشهور شد که تلاش کرد تا در ادامه راه حماسه و ایثار، از شهرت فرار کند و به عنوان یک نیروی گمنام به خدمت به ملت و کشور بپردازد. ▶

اشک عکاس

تجلیل از رضا برجی، عکاس برجسته دفاع مقدس

«خیلی اتفاق‌ها افتاد و من عکس گرفتم، نوشتم، فیلم ساختم و گریه کردم؛ جاهایی بود که هیچ کاری نمی‌توانستم انجام دهم، به‌جز اینکه گریه کنم. جاهایی که لازم بود، خندانم و جاهایی حتی نمی‌توانستم از ویزور دوربین نگاه کنم، زیرا اشک جلوی چشم‌هایم را گرفته بود...» شاید با همین جمله‌ها از رضا برجی بتوان رضا برجی را بهتر شناخت. این روزها آدم‌های زیادی دوربین در دست می‌گیرند، بر تعداد کمی از آنها می‌توان نام عکاس گذاشت، از میان همه آن عکاس‌ها شاید فقط یکی رضا برجی باشد، اینکه بیش از ۳۰ سال دوربین به دست بگیرد و در ۱۴ جنگ حضور داشته باشی، خودش یکی از نشانه‌های متفاوت بودن است، ۵۷ کشور را بچرخد با دوربینی در دست و نگاهت همانی باشد که بود، اشک بریزی و با چشم خیس توی ویزور دوربین چشم بدوزی به سوژه‌ات... جنگ‌های ایران و عراق، افغانستان، تاجیکستان، کشمیر، هند و پاکستان، قره‌باغ، چین، بوسنی، کوزوو، لبنان، سومالی، سودان، غزه و جنگ‌های خلیج فارس از جنگ‌هایی هستند که وی با قاب دوربین به ثبت آنها پرداخته است. رضا برجی از نوزده سالگی عکاسی را در جبهه‌ها آغاز کرد و ابتدا برای سپاه پاسداران عکاسی می‌کرد و از اواخر سال ۱۳۶۵ به گروه «روایت فتح» پیوست. او یکی از اعضای ثابت این گروه شد و در ثبت تصویرهای جنگی و پشت جبهه در مجموعه ماندگار روایت فتح نقش فعالی داشت. در طول همین سال‌ها در جریان یکی از بمباران‌های شیمیایی دشمن آسیب دید و زخم‌های این آسیب، هنوز بر جسم و جان اوست و نیاز به مداوای مداوم و دشوار دارد. از کارهای او، مستند بلند «سواحل اشک و زیتون» از جنگ ۳۳ روزه لبنان است که در هنگامه حمله ارتش اسرائیل به جنوب لبنان ساخته شده است.

«مادران سرپریتسا» درباره فجایع بوسنی هم مستند دیگری اوست. این فیلم درباره قتل عامی است که صرب‌ها در اواسط دهه ۱۹۹۰ طی ۴۸ ساعت در بوسنی کردند و از آن پس هر سال مادران کشته‌شدگان مراسمی را در سالگرد آن واقعه به یاد فرزندان‌شان برگزار می‌کنند.

شب وصل

دومین شب وصل ویژه مراسم پاسداشت رضا برجی، عکاس و مستندساز دفاع مقدس با حضور سیدمحمد حسینی، مرتضی سرهنگی، مسعود ده‌نمکی، ابوالفضل جلیلی، ابوالقاسم طالبی و علی فریدونی در مجتمع فرهنگی هنری اسوه برگزار شد. در این مراسم مرتضی سرهنگی، نویسنده انقلاب گفت: «رضا برجی در جبهه هم جنگید و هم عکاسی کرد؛ جنگیدن او را تعداد کمی از افراد دیدند اما عکس‌هایش از مرزها هم فراتر رفت. ذات هنر همین است، یعنی قرار نیست ساکن باشد، به خصوص ادبیات و هنر جنگ که مردم در همه جای دنیا از آن استقبال می‌کنند. عکس‌های جنگ پس از پایان جنگ تبدیل به اسناد محکمی می‌شوند و دیده می‌شود که عکس‌ها و یادداشت‌ها و نامه‌های جنگ‌های بزرگ جهان در حراجی‌ها به قیمت‌های گزافی فروخته می‌شوند. رضا برجی به جنگ‌های خارج از کشور نیز رفت؛ حدود ۷۰ عکس از جنگ بوسنی ثبت کرد که آنها را طی مراسمی به موزه جنگ بوسنی تقدیم کرد و مردم بوسنی استقبال زیادی از این عکس‌ها کردند. برجی تعداد زیادی عکس هم از دفاع مقدس ثبت کرد که این عکس‌ها برای ما ثروت هستند.» علی فریدونی، عکاس دفاع مقدس هم در این

مصیبت‌هایی از جنگ این دو جریان کشید. در دوره‌ای که شبهات بسیاری درباره ولایت فقیه مطرح می‌شد رضا برجی طی مصاحبه‌ای گفت: «ما این طور ولایتی هستیم که اگر آقا بگویند ماست سپاه است ما هم آن را سپاه می‌بینیم» این صحبت او بازتاب‌های بسیاری به همراه داشت. در دوره‌ای که بسیاری از باورهای شرعی و انقلابی ما را نشانده گرفته بودند، رضا برجی برای آیندگان کار می‌کرد.»

جنگ پایان ناپذیر

رضا برجی پشت‌تربون رفت و از نفرت خود از جنگ گفت: «این قبیل جلسات را شاید به این حساب بگذاریم که مارفتنی هستیم و روزی که رفتیم کسی شما را شامت نکند

مراسم گفت: «من طی ۳۵ سال عکاسی خبری و ۸ سال عکاسی جنگ با آثار رضا برجی آشنا شدم؛ او عکس‌های ارزشمندی از لحظات رشادت و شهادت رزمندگان برای تاریخ کشورمان ثبت کرده است. پس از پایان جنگ به ۱۴ کشور جنگ‌زده از جمله بوسنی، افغانستان و لبنان رفت و از جنگ آنها عکاسی کرد؛ سپس به مستندسازی روی آورد و مستندهای موفق‌تری ساخت که بارها از شبکه‌های



سیما پخش شده و جوایز متعددی را کسب کرده است. استاد برجی انسان باتقوا، با اخلاق، مسئولیت‌پذیر و دوست‌داشتنی است. او به‌ندال صدای هر مظلومی در جهان تلاش می‌کند تا صدای او را به جهانیان برساند.»

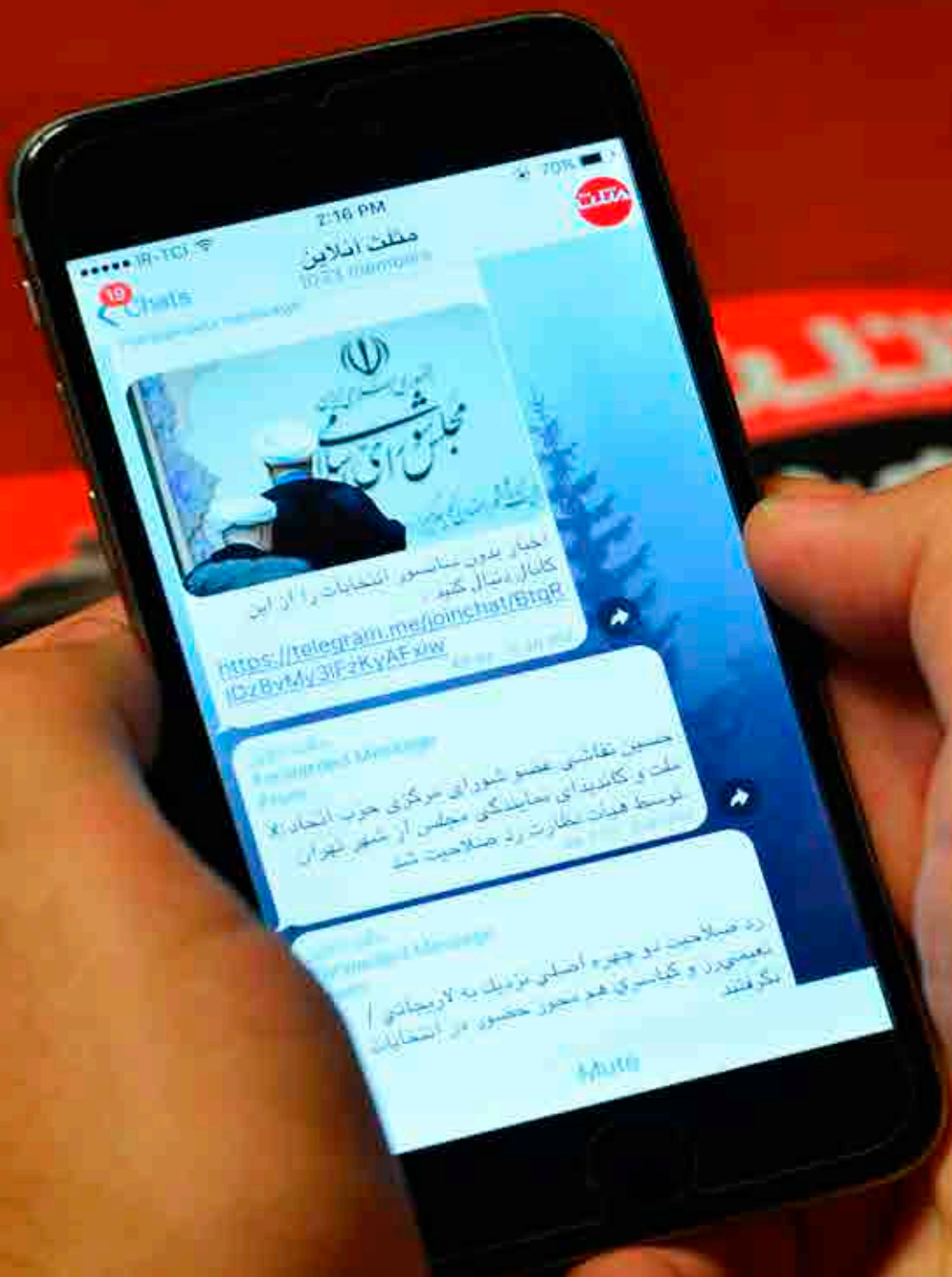
نگاه کارگردان‌ها

مراسم با نگاه سه کارگردان به رضا برجی ادامه پیدا کرد. ابوالقاسم طالبی، رضا برجی را بی‌نیاز از مراسم و تجلیل می‌داند: «رضا برج، برج بزرگی به بلندی انقلاب اسلامی است که در عکاسی و مستندسازی بسیار شاخص عمل کرده است. رضا برجی اجر اقاماتش را از خدا می‌گیرد اما جامعه نیاز به خوراک فرهنگی دارد و یکی از مصادیق خوراک فرهنگی، تقدیر از داشته‌هایمان است.» ابوالفضل جلیلی، کارگردان سینما هم نیز در این مراسم گفت: «دو بار در جبهه حضور داشتم و دیدم که تفاوت مرد و نامرد به خوبی در جبهه مشخص می‌شود؛ زمانی که آتش دشمن شدید می‌شود شرایط تبدیل به محسوس می‌شود که فقط مردان واقعی توانایی ایستادن در آن موقعیت را دارند. کسانی که به ندای «هل من ناصر ینصرنی» پاسخ دادند، همگی در یک صف هستند و ما نباید جانبازان را با درصد تقسیم‌بندی کنیم. به نظر من برای چنین مراسمی باید به اندازه میدان آزادی جمعیت بیاید چون جنگ برای همه بود و این افراد برای همه مردم جنگیدند. مسعود ده‌نمکی هم کار برجی را کاری برای آیندگان می‌داند: «در آن دوره‌ای که رضا برجی مستندسازی می‌کرد، کسی به کار آنها اهمیتی نمی‌داد. در آن دوره تقابل دو اندیشه خدامحوری و انسان‌محوری مطرح بود و شهید آوینی چه

که چرا تا فلانی زنده بود قدرش را ندانستید. مدت‌هاست که از وقت رفتنم گذشته و گاهی از خودم می‌پرسم که چرا از جمع یارانم عقب ماندم؟ چرا فرصت طلبی را از آنان نیاموختیم؟ کاش امروز در کنار آنها بودم. به همین سادگی ۳۰ سال از پایان جنگ گذشت اما حتی یک روز هم جنگ برای من و خانواده‌ام تمام نشده است. شاید برخی بگویند که برجی به جنگ و خونریزی عادت کرده اما خدا را شاهد می‌گیرم که در زندگی هیچ چیز به اندازه جنگ برایم نفرت‌انگیز نبوده است اما جنگ حق و باطل، و خیر و شر و ظالم و مظلوم تمامی ندارد، برای من پنهان زندگی این است که بتوانم در جبهه حق در کنار مظلومان بایستم و عکس‌هایم وسیله‌ای برای رساندن صدای آنها به گوش جهانیان باشد. برای من عکس و فیلم پنهان‌های برای حضور در جبهه عدل و داد است.» وی مهمترین مساله در جنگ را باورنداشتن عده‌ای به جنگ دانست: «حتی برخی افراد که در مسندهای فرهنگی هستند هم اعتقادی به نبردی که در آن هستیم ندارند؛ جنگی که از توپ و خمپاره به رسانه رسیده است و اوضاع استفاکی دارد. کاش ستادی تشکیل می‌شد که در آن به جای این نبرد پارتیزانی و نامنظم به شکل منظم و یگانمند و سازمان‌یافته می‌جنگیدیم. خدایا تو شاهد باش که حتی یک قدم عقب نرفته‌ام و باور دارم در جبهه‌ای هستم که در آن اقدام زمان (عج) نفس می‌کشد که دنیا بدون او حتی به قدر ثانیه‌ای ارزش دیدن ندارد.» در پایان این مراسم محمد انصاری، بازیکن تیم پیروزی پیراهنش را به رضا برجی اهدا کرد؛ همچنین ضمن اهدای جوایزی از سوی شخصیت‌های حاضر در مراسم از رضا برجی تقدیر به عمل آمد. ▶

کانال تلگرامی مثلث آنلاین فوری از اخبار مطلع شوید

@ mosalasonline



همراه اولی‌ها



دریافت هفته نامه مثلث

با ارسال عدد ۴۷۸

به شماره دریافت اپلیکیشن «

۳۰۷۰۷۵۷



